



نظام آموزشی بلغارستان

۶	ملاحظات تاریخی
۷	ملاحظات جغرافیایی
۸	ملاحظات سیاسی
۱۲	ملاحظات اقتصادی
۱۲	ارتباطات
۲۳	جمعیت
۲۴	ملاحظات علمی
۲۴	تاریخچه
۲۶	سیاستهای آموزشی
۲۸	اقدامات آموزشی
۳۰	ساختار آموزشی
۳۵	آموزش همگانی
۳۵	سیاستهای آموزشی
۳۷	توسعه سیاست های راهبردی
۳۹	اهداف آموزشی
۴۱	دستاوردهای آموزشی
۴۲	قوانین آموزشی
۵۰	تأمین حقوق آموزشی
۵۲	اصلاحات آموزشی
۵۲	آمار آموزشی
۵۷	حمایت های بین المللی
۵۷	آموزش پیش دبستانی
۵۷	تاریخچه



۵۹	جهت گیری و اهداف آموزشی
۶۰	ساختار آموزشی
۶۱	معضلات آموزشی
۶۱	آمار آموزشی
۶۶	آموزش پایه
۶۸	ارزشیابی تحصیلی
۶۸	آموزش ابتدایی
۶۸	ساختار آموزشی
۶۹	سیاستهای آموزشی
۶۹	برنامه های آموزشی
۷۰	آمار آموزشی
۷۰	نرخ ثبت نام ناخالص ورودی های جدید پایه اول ابتدایی
۷۱	نرخ ثبت نام خالص ورودی های جدید پایه اول ابتدایی
۷۳	نسبت ثبت نام ناخالص
۷۳	نسبت ثبت نام خالص
۷۴	نرخ ثبت نامی دانش آموزان مقطع آموزش ابتدایی
۷۴	نسبت خالص ثبت نام در آموزش ابتدایی به ازای مناطق مختلف کشور
۷۵	نرخ دانش آموزان مدارس ابتدایی برخوردار از معلم واحد
۷۷	نرخ دانش آموزان دو ساله یا چند ساله
۷۹	نرخ مردودی های مدارس ابتدایی
۸۳	نرخ دانش آموزان اخراجی
۸۵	ضریب کارایی
۸۷	ضریب کارایی مقطع آموزش ابتدایی
۸۸	آموزش متوسطه
۸۸	ساختار آموزشی
۸۹	ارزشیابی تحصیلی
۸۹	آموزش تکمیلی متوسطه
۸۹	ساختار آموزشی



۹۰ برنامه های آموزشی
۹۱ پذیرش تحصیلی
۹۱ ارزشیابی تحصیلی
۹۱ آموزش عالی
۹۱ ساختار آموزشی
۹۲ مقاطع آموزش عالی
۹۲ مقطع کارشناسی
۹۲ مقطع کارشناسی ارشد
۹۳ مقطع دکتری
۹۳ پذیرش تحصیلی
۹۳ پذیرش تحصیلی دانشجویان خارجی
۹۵ تایید مدارک و گواهی نامه های آموزشی
۹۶ ارزیابی تحصیلی
۹۷ دانشگاه ها
۹۷ وضعیت معیشتی دانشجویان
۹۸ امکانات آموزشی کادر نظام آموزشی
۹۹ گواهینامه های آموزشی
۱۰۰ مدارک غیر دانشگاهی
۱۰۱ مدارک دانشگاهی
۱۰۳ آموزش بزرگسالان
۱۰۳ سیاستهای آموزشی
۱۰۴ اهداف آموزشی
۱۰۴ دستاوردهای آموزشی
۱۰۶ نرخ برابری جنسیت در بهره مندی از برنامه های آموزشی
۱۰۸ نرخ سوادآموزی بزرگسالان
۱۰۹ آموزش معلمان
۱۰۹ آموزش معلمان پیش دبستانی
۱۱۰ آموزش معلمان مقطع ابتدایی



- ۱۱۲..... نرخ معلمین ابتدایی برخوردار از مدرک دانشگاهی
- ۱۱۳..... نسبت مرد و زن معلمین ابتدایی
- ۱۱۴..... آموزش معلمین مقطع متوسطه
- ۱۱۴..... گواهینامه های آموزشی
- ۱۱۶..... نرخ معلمین مراکز آموزش شهری و روستایی
- ۱۱۷..... آموزش فنی و حرفه ای
- ۱۱۸..... آموزش استثنایی
- ۱۱۹..... اصول و اهداف آموزشی
- ۱۲۰..... فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ۱۲۰..... سیاست کلی و راهبرد ملی
- ۱۲۲..... معضلات فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی
- ۱۲۳..... امکانات کلی آموزشی
- ۱۲۳..... تامین تسهیلات و تجهیزات مدرن اطلاعاتی و ارتباطاتی مدارس کشور
- ۱۲۵..... امکانات و تسهیلات کادر آموزشی مدارس
- ۱۲۵..... اولویتهای آموزشی
- ۱۳۰..... علائق آموزشی
- ۱۳۳..... دستاوردهای آموزشی
- ۱۳۴..... نیازمندیهای آموزشی
- ۱۳۵..... توسعه آموزشی
- ۱۳۷..... همکاریهای آموزشی
- ۱۴۰..... اصلاحات آموزشی
- ۱۴۳..... قوانین آموزشی
- ۱۴۳..... قوانین اصلاحی
- ۱۴۶..... قوانین آموزش عالی
- ۱۴۷..... مفاد کلی قوانین
- ۱۹۵..... قوانین نظارتی
- ۱۹۶..... مدیریت آموزشی



۱۹۹	نهادهای مرکزی
۲۰۱	نظارت آموزشی
۲۰۲	هزینه های آموزشی
۲۰۲	سیاستهای کلان
۲۰۴	تامین بودجه و سیاست سرمایه گذاری
۲۰۷	هزینه های عمومی آموزش پایه
۲۰۷	اعتبارات آموزشی
۲۰۹	سیستم محاسبه هزینه های آموزشی



ملاحظات تاریخی

سرزمین فعلی بلغارستان بر تراکیا و موئیای قدیم است که در سال ۶۶۰ میلادی به تصرف گروهی از بلغارهای شرقی درآمد و بعدها با اسلاوها در آمیخته و زبان آنان را برگزیدند در قرون نهم و دهم، مسیحیت در آن رواج یافت.

کشور بلغارستان از اوائل قرن یازدهم و تا نزدیکی های اواخر همان قرن مطیع امپراتوری بیزانس بود، اما چندی بعد به امپراطوری تبدیل شد و در سال ۱۳۳۰ میلادی خراجگزار صربستان (یوگسلاوی) شد. در زمان سلطان بایزسد عثمانی در سال ۱۳۹۳ میلادی، عثمانیها آن را تصرف کرده و ضمیمه خاک خود نمودند. از این زمان آزار مسیحیان بلغاری آغاز شد. در طی حدود ۵ قرن سلطه عثمانیها بر این خطه، مردم بلغارستان بارها دست به شورش زدند. از حمله شورش سال ۱۸۷۵ به رهبری استانبولوف بود که در کمال قساوت سرکوب شد. بالاخره بلغارستان در سال ۱۸۷۸ از عثمانی (ترکیه) مستقل و مشتمل بر قسمتی از مقدونیه شد. این پیمان در کنگره برلین مورد تجدید نظر واقع شد و بلغارستان محدود به سه قسمت تقسیم شد؛

۱- بلغارستان شمالی

۲- روملیای شرقی

۳- مقدونیه

کلیه قسمتهای فوق به نحوی تحت نفوذ عثمانی بودند اما اولین پادشاه بلغارستان شمالی بنام الکساندر باتنبرگی روملیای شرقی را تصرف کرده و بخاک خود ملحق کرد. جانشین وی فردیناند ساکس کوبورگ کوتا در سال ۱۹۰۸ میلادی بلغارستان را کاملاً مستقل اعلام کرد و به خود عنوان تزار داد.



ادعای صربستان بر ناحیه مقدونیه منجر به جنگ های دوم بالکان (در سال ۱۹۱۳) شد که در طی آنها بلغارستان سرزمین های وسیعی را در جنگ اول بالکان تصرف کرده بود از دست داد. در جنگ جهانی اول بلغارستان در زمره متحدین آلمان بود پس از پایان این جنگ تا پیش از جنگ دوک جهانی بلغارستان باز هم به آلمان و متحدینش پیوست و قسمت هایی از یوگسلاوی و یونان را اشغال کرد. در مراحل پایانی جنگ (در سال ۱۹۴۴) شوروی به بلغارستان اعلان جنگ داده و به آن حمله کرد و این کشور را اشغال نمود. در همان سال دولت بلغارستان شرایط متارکه و تسلیم در جنگ با شوروی را پذیرفت. در همان دوران دولتی ائتلافی و طرفدار شوروی بر روی کار آمد و کمی بعد دولتی کمونیستی جای آن را گرفت. سلطنت در سال ۱۹۶۴ لغو شد و پس از آن در همان سال جمهوری خلق بلغارستان تشکیل گردید و سپس طی سال آتی دولت قانون اساسی جدیدی وضع کرد که به موجب آن صنایع و معادن ملی شدند. بلغارستان در سالهای نیمه دوم قرن حاضر همواره دارای اختلافات مرزی با همسایگان و درگیر اعتراضات آزادی خواهانه مردم بوده است.

ملاحظات جغرافیایی

کشور بلغارستان با ۹۱۲،۱۱۰ کیلومتر مربع وسعت (نود و نهمین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در جنوب شرقی قاره اروپا، در غرب دریای سیاه واقع شده و با کشورهای رومانی در شمال، یوگسلاوی در غرب و ترکیه و یونان در جنوب هم مرز است. بلغارستان کشوری نیمه کوهستانی است و رشته کوه های مهم آن عبارتند از: بالکان که در مرز رومانی از شرق به غرب امتداد دارد و رود وپ که در جنوب غربی کشور واقع شده است. فلات ها نیز در بلغارستان وسعت زیادی دارند. جلگه ها و نواحی پست حاصلخیز این کشور عمدتاً در کنار رود دانوب (و شعباتش)، کناره ها و جنوب شرقی کشور



واقع شده‌اند. مهمترین رودهای بلغارستان عبارتند از دانوب و شعباتش از جمله ایسکر، اوسوم (اوسام) کاریتسا، تونجا، مستا و استروما، آب و هوای بلغارستان در نواحی مرتفع، معتدل کوهستانی و در سایر نقاط معتدل و مرطوب و بر روی هم پر باران است. بلندترین نقطه آن قله موسالا (۲۹۲۵ متر)؛ و رود دانوب که ۲۸۵۰ کیلومتر طول داشته و از شمال می‌گذرد طولتترین رود می‌باشد.

ملاحظات سیاسی

حکومت این کشور جمهوری خلق (کمونیستی) بوده و رئیس‌جمهور و دبیر کل حزب کمونیست تئودور ژیفموف و نخست‌وزیر گریشافیلیپوف می‌باشد. قوه مقننه از یک پارلمان (مجلس خلق) با ۴۰۰ عضو که مدت دوره نمایندگیشان چهار سال است، تشکیل یافته، با اینحال قدرت اصلی در دست کمیته مرکزی حزب کمونیست است. قانون اساسی موجود در سال ۱۹۷۱ تدوین شده و بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، بلغارستان از ۲۷ استان و یک ناحیه شهری تشکیل گردیده که زیر نظر یک شورای انتخابی اداره می‌شوند. فعالیت احزاب در بلغارستان محدود بوده و تنها حزب رسمی آن حزب کمونیست است. بلغارستان در سال ۱۸۷۸ مستقل شده و روز ملی آن نهم سپتامبر است.

کشور بلغارستان همانند اغلب کشورهای کمونیستی پیشین، هم‌اکنون دوران سخت گذر را طی می‌کند. این کشور در گذشته تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی سابق به طور جبران ناپذیری استعدادهای خود را از دست داد. همچنین آینده اش نیز نا مطمئن بود. خوشبختی اغلب مردم دور از دسترس به نظر می‌رسید. فقر و ناامیدی، موجب از میان رفتن رفاه و سعادت مردم شده بود. مردم بلغارستان برای زندگی در صلح، همانند مردمان هر کشوری ترجیح می‌دهند که از دست سیاستمداران و رهبران نظامی رها شوند.



اغماض و فضای باز سیاسی تنها در کشورهای پیشرفته و با ثبات وجود دارد. جوامع بی ثبات در برخی اوقات مجبورند که تصمیمات خاصی را در مورد این که می‌خواهند در چه نوع کشوری زندگی کنند به اجرا بگذارند. نام بلغارستان از کلمه بلغار گرفته شده است. بلغارها مردمان چادر نشینی بودند که در قرن ۷ میلادی سرزمین اسلاوها را فتح کرده و بعدها در آنها ادغام شدند و از این رو این کشور بلغارستان نامیده می‌شود. بلغارستان در گذشته یکبار به مدت ۵۰۰ سال تحت انقیاد ترکها در دوران عثمانی ها در آمد. اما مردم این کشور هویت ملی خودشان را در طی این دوران حفظ کردند. زبان اسلاوی آنها و ایمان ارتدوکسی شان بسیار متفاوت از زبان ترکی و دین اسلام بود. سر چشمه های تفکر فلسفی بلغار همواره از اروپا نضج می گرفت اگر چه سالهای سلطه امپراطوری عثمانی آنها را از پیشرفتهای اروپا جدا کرد.

«اسکاراباوا» اشاره کرده بود که اسلاوهای غربی کاپیتالیسم و ایمان ارتدوکسی را پذیرفته اند که این موضوع موجب ترفیع حکومت های اشرافی محلی و هزینه کردن از قدرت مرکزی می شود. در مقابل، اسلاوهای شرقی مرزهای میان آسیا و اروپا را حفظ می کنند، مرزهایی که بارها با حضور نظامی مغولها، تاتارها و ترکها جهت اشغال، مواجه شده بود. باوا، این تهدید ثابت خارجی را، فشاری بر قدرت مرکزی در اروپای شرقی می بیند و همین موضوع را سبب محدودیت های فردی و کم رنگ تر شدن استعدادهای آن منطقه می داند. تا سال ۱۹۸۹، حکومت بلغارستان، همچنان، مخالفان سازمان یافته سیاسی و یا سنت توسعه مدنی را در خود نداشت که به فضای خالی ایجاد شده پس از دوران کمونیسم در آن کمک کند. همانند بسیاری از انقلابها، انقلاب جامعه بلغاری، بوسیله نخبگان سیاسی مشتاق به حفظ قدرت سیاسی در چهار چوبی جدید از بالا به برخی حوزه ها، تحمیل گردید.



بلغاریها برخی سنتهای دموکراسی را از قبل داشتند که به سمت آنها برگردند.

نخستین قانون اساسی بلغار، در سال ۱۸۷۹ در شهر ترنوو نوشته شد که در آن اندیشه هایی از انقلاب فرانسه گنجانده شده بود. قانون فوق از آزادی بیان، ایجاد مجلس، و مطبوعات آزاد حمایت می نمود. نقطه اصلی این قانون اساسی، این بود که بسیار روشنفکرانه بود و مفاهیم خوبی را در بخشی از چار چوبهای خود بیان می نمود، حتی اگر قوانین، از آن به خوبی پیروی نمی نمودند. قانون اساسی فوق (با یک یا دو گسستگی) تا دوران فراگیری کمونیست (سال ۱۹۴۷) بر جای ماند. بلغارستان با روسیه، روابط بسیار نزدیکی برقرار کرد اما در سال ۱۹۸۰، تئودور ژیوکوف (رئیس جمهور وقت)، توجهی به تغییرات به وجود آمده در شوروی سابق ننمود و دستور کار سابق خود را ادامه داد. اگرچه حزب کمونیست تلاش می نمود تا بگوید که هیچ غیر بلغاری در کشور وجود ندارد، اما پروسه بلغاری کردن اقلیت ترک، در نهایت به شورش و نبردهای خونین کشیده شد و این درست در زمانی بود که سیاست باز گورباچف-گلاستنوست-به اوج خود رسیده بود. ژیوکوف قادر نبود که سیاست بلغاری کردن را به خارج و تحت نفوذ گورباچف، منتقل کند. البته در سال ۱۹۸۰ جریان انتشار آزاد مطبوعات و تلویزیون هنوز از روسیه به بلغارستان نرسیده بود. اما آن خیلی طول نکشید که موعظه گران پیر مارکسیست /نینسم پیشگویی می نمودند. طعم (گلاست نوست) آزادی نخستین بار از روسیه به سوی بلغارستان آمد و مشتاقانه از سوی توده مردم پذیرفته شد. امارهبران گارد پیشین بلغارستان به سختی در برابر آن موضع گرفتند. گستره اتفاقات سال ۱۹۸۹ ژیوکوف را از حکومت برکنار کرد اما این موجب نشد که ریشه کمونیسم و مارکسیسم بکلی از جا کنده شود بلکه آنان در انتخاب مجلس ملی در ژوئن سال ۱۹۹۰ که در آن احزاب مختلف شرکت داشتند، قدرت را به دست گرفتند. چتر نیروهای اصلاح طلب umbrella



reformist group (UDF) بالاخره در سال ۱۹۹۱ اکثریت ضعیف مجلس را بدست آورد اما یکسال بعد هنگامی که حزب ترکها MRF/حزب حقوق و آزادی/ با ۲۴ کرسی تصمیم گرفت تا تابعیت خود را از (UDF) به حزب کمونیسم منتقل کند، دولت جدید اصلاح طلب، آرای مطمئن خود در مجلس را از دست داد با این حساب سوسیالیستها کابینه جدیدی را در ژانویه ۹۳ تشکیل داده و بسسیاری از نیروهای کمونیست سابق را وارد آن نمودند. یک ماه بعد نیروهای اصلاح طلب دست به یک خودکشی سیاسی زدند، بطوری که ۷ عضو از نمایندگان خود را به دلیل آنچه که آنها آن را حمایت از دولتمردان غیر می نامیدند، از میان خود اخراج کردند. این اقدام عجولانه باعث شد تا ۱۱ نماینده دیگر آنان استعفاء داده و در گروه مخالف قرار بگیرند. در نتیجه این اعمال، حزب کمونیست، براحتی اکثریت مجلس را به دست آورد. در چنین حالی بلغارستان برای یک سال و نیم از مجلسی دو قطبی برخوردار بود. این موضوع باعث وجود بدگمانی و سوء ظن نیروها به یکدیگر شده بود. با بروز چنین مساله ای، ممکن بود که انتخابات پیش از سپتامبر برگزار گردد. این موضوع مهم نیست که کمونیست ها در کشور دیگری جز بلغارستان نتوانستند رای بیاورند. در زمان زمامداری ژیکوف، نسبت اعضای حزب کمونیسم به عموم مردم تقریباً ۱۳٪ بود که این میزان برترین آماری بود که در آن زمان حتی در اتحاد جماهیر شوروی می توانست پیدا شود. در آن سال خبرگزاری شین هووای چین گزارش داد که در آن سال دهها هزار نفر از مردم بلغار در «روزمن» بالبداهه تجمع کرده و آن روز رادر صوفیه جشن گرفته اند. اگر این خبر درست باشد بازتاب احساسات میهن دوستانه بازمانده از دوران کمونیسم است. حزب کمونیسم ممکن بود از این احساسات برای خود بهره ببرد اما آنها دیگر نمی توانستند روش سیاسی قبل از سال ۱۹۸۹ را دوباره به وجود آورند. تکتربسیاسی و سرمایه گذاریهای خصوصی به شدت رواج یافته و دیگر قابل تغییر نبود.



ملاحظات اقتصادی

مهم‌ترین صنایع کشور عبارتند از: غذایی، مهندسی و فلز کاری، نساجی، شیمیایی، لاستیک، ماشین آلات و تولید اتومبیل، غلات، ذرت، چاودار و چغندر قند نیز مهم‌ترین محصولات کشاورزی آن کشور را تشکیل می‌دهد و سرانه زمین مزروعی برای هر نفر بالغ بر ۰/۵۶ هکتار می‌باشد. تولید سالانه گوشت گاو ۹۸/۱۰۰ تن، گوشت خوک ۲۳۷ هزار تن، گوشت گوسفند ۸۶،۸۰۰ تن و صید ماهی ۱۰۰،۱۳۸ تن می‌باشد. تولید سالانه نیروی الکتریسیته نیز معادل ۲۹/۷ میلیارد کیلووات ساعت است. سرب، روی، مس، سنگ آهن و نفت مهم‌ترین معادن کشور به شمار می‌آیند. واحد پول آن لف (LW) معادل ۱۰۰ استوتینکا است. هر ۰/۸۵ لف برابر یک دلار است.

طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۷۹، تولید ناخالص ملی این کشور ۲۶/۷ میلیارد دلار و در آمد سرانه آن ۳،۰۳۴ دلار است که ۳۴٪ آن از صنایع و ۲۰٪ از کشاورزی بدست آمده است. نرخ سالانه رشد تولید ناخالص ملی حدود ۵/۷٪ است. واردات بلغارستان عمدتاً شامل ماشین آلات، نفت و سائط نقلیه، دام، مواد خام و فلزات است که اکثراً از کشورهای شوروی (۴۴٪) و آلمان (۱۶٪) وارد می‌شود. صادرات کشور نیز بر مواد غذایی، ماشین آلات و ابزار آلات، شراب، گوشت، لبنیات، مواد خام، سوخت و مواد معدنی مشتمل گردیده که عمدتاً به کشورهای شوروی (۵۰٪) آلمان (۸٪) لهستان (۵٪) و چکسلواکی (۴٪) صادر می‌گردد.

ارتباطات

سیستم ارتباطات فنی پیشرفته، کلیدی برای صعود رسانه های اطلاع رسانی و مردم بلغار است. در این راستا بانک توسعه اروپایی، ۲۹ میلیون دلار برای ایجاد سیستم فیبر نوری در خطوط تلفن در بیش



از بیست شرکت بین المللی که در برقراری سیستم های ارتباطی فعالیت می کنند در خواست مشارکت در ۷۰٪ این پروژه را داشته اند. اعتماد به سیستم مخابراتی و تلفن از جمله اساسی ترین و مهمترین مسایل جهت سرمایه گذاری و تجارت مدرن است. موافق یک نظر سنجی که توسط شرکت بین المللی تله کامینیوکیشن / ارتباطات تلفنی / telecommunications انجام شد، بلغارستان دارای یکی از بدترین سیستم های مخابراتی جهان می باشد که سه چهارم خطوط آن در حال تخریب است. در این راستا، گروه اسپرینت با معامله ای انحصاری بهبود وضعیت کامپیوتر و تلفن در بلغارستان را بر عهده گرفته است. از سوی دیگر، شرکت زیمنس، طبق قراردادی اجازه یافت تا ۸۰ هزار شماره تلفن دیجیتال در صوفیه و وارنا ایجاد کند. شرکت انگلیسی / تلفن و کابل / Wireless & UK-based Cable امتیاز ایجاد شبکه ای را گرفت که شهرهای صوفیا، پلودیو، وارنا و بورگاس را در بر گرفته و تا سال ۱۹۹۸، ۹۵٪ کشور را تحت پوشش قرار داد. بعد از دو سال، مدیریت این امتیاز به بلغاری ها داده شد.

W&C ادعا کرد که آنها برنامه توقف در بلغار برای دوره ای طولانی را در سردارند و قصد سرمایه گذاری در پروژه های محلی را دارند.

اتحادیه اروپا در آن سال اقدام به برگزاری دوره آموزش از راه دور برای بلغاریها نمود که در آن آیین دولتمداری، مدیریت از راه دور یک انجمن / شرکت...، بازاریابی، فروش و تکنولوژی جدید گنجانده شده بود برخی از کمپانی های رایانه ای، ادارات و مراکز منطقه ای خود را فعال نمودند. شرکت Compaq با ۳۸ فروشنده در بلغارستان، به روند رایانه ای سازی مجلس ملی بلغارستان کمک کرد.

کتابخانه کنگره ملی آمریکا نیز با اختصاص مبلغی به این امر، به انجام پروژه کمک کرد.



موسسه Intel GmbH اداره ای در شرق اروپا و مرکز فروش در بلغارستان را گشود. شرکت McGraw-Hill نیز اعلان کرد که مجله ای کامپیوتری به زبان بلغاری انتشار می دهد - که در حال حاضر منتشر می گردد بسیاری از دانشگاهیان و روزنامه نگاران غربی، اینک برای دریافت و انتشار اطلاعات بسیار سریعتر از آنچه که قبلا متصور بود، به اینترنت اعتماد کرده اند. انجمن اینترنت یک کارگاه آموزشی اینترنت در پراگ برای دانش جویان شرق اروپا گشود. سرمایه گذار بشر دوست، آقای جرج سوروس، مبالغی برای اشخاصی که می خواستند در این دوره ها شرکت کنند، پرداخت کرد. وی همچنین مبالغی را برای حفظ خطوط اینترنت در بلغارستان هزینه کرد، وی مدعی بود که شبکه های اینترنتی از میان برنده موانع موجود بر سر راه آزادی بیان و... در کشوری باشند.

موسسه MCI متعهد شد که کتابدارانی را که در دایره مطالعات محیط زیست فعالیت می کنند برای شرکت در کنفرانسی علمی به پراگ بفرستد. کتابداران، از جمله مهمترین بخش های اداره اطلاعات در اینترنت هستند که به آنها اکودایرکتوری / پژواک مستقیم / EcoDirectory گفته می شود. بکار گرفتن اینترنت، البته نیازمند زبان انگلیسی، آشنایی با الفبای لاتین و استفاده بسیار از نرم افزار های آمریکایی است، از این روی، شرکت های تکنولوژیکی آمریکایی به سختی نیازمند زمان هستند تا برنامه های خود را ارتقاء دهند. پس در این گفته منازعه ای نیست که باید عده ای از مردم برای مکاتبه و آموزش از جهان خارج آماده شوند. این نیز باید به خاطر سپرده شود که محرک تاجران آمریکایی در کمک به افزایش سطح معلومات و... مردم اروپای شرقی، توسعه بازار مصرف در آن مناطق است. این ممکن است که عالی و خوب باشد اما آموزش به این منظور بی طرفانه نیست و راه به سوی اطلاعات واقعی را که از سوی دانشجویان مشتاق اروپای شرقی دنبال می شود، می پوشاند.



حتی اگر ادعا شود که می خواهند دستیابی به تکنولوژی پیشرفته را هموار کنند. گزارشگران جدید برای نشریات تازه که در حال ازدیاد بود، فعالیت می نمودند، اما روزنامه های پیرو سیاستمداران سابق، با وجود اشتیاق در آموزش، عملاً از آن بی بهره بودند. غیرعادی نیست که آنها نتوانستند میان نقش گذشته خود و جریان فعلی تفاوت بگذارند. از این روی مشتاقند تا حقیقت جامعه خود را انتشار دهند. بنا براین آنها داستانهای سرهم بندی شده، بسیار با تحریف یا بدون نام نویسنده چاپ می کنند. خبر نگارانی که برای رادیو و تلویزیون دولت قدیم کار می نمودند یک مشکل قابل درک داشتند: هیچکس به سخنگوی دولت اعتماد نداشت. روز نامه نگاران بلغاری شروع به درک اهمیت این مشکل کرده اند.

خبرگزاری بالکان (با بخشی از سرمایه گذاری اروپایی) تاسیس شد تا رفتار حرفه ای را ترفیع دهد. در این راستا، سمینارهایی در باب دموکراسی و رسانه ها و همچنین ناسیونالیسم افراطی و رسانه ها برگزار کرده است. پارلمان بلغارستان از انجمن روزنامه نگاران اروپا دعوت کرد تا آنها را در تنظیم امور مربوطه یاری دهد. رادیو صدای آمریکا از آموزش روزنامه نگاران حرفه ای در صوفیا حمایت کرد. دانشگاه آمریکایی برای پرکردن خلاء، نیازهای برنامه های آموزش حرفه ای در موضوعات جدید در زمینه های مدیریت اقتصادی، علوم کامپیوتر، حقوق و روزنامه نگاری به سبک استاندارد غربی در شهر بلاگوف گراد تاسیس شد. متاسفانه دانشکده روزنامه نگاری دانشگاه صوفیه در اوایل، هیچ تغییری در جهت دگرگونی مواد آموزشی پس از زمان کمونیستی انجام نداد. The American-based Freedom Forum سازمان آزادی آمریکایی نیز کتابخانه مرجع خبر در شهر بلاگوف گراد تاسیس کرد تا به روزنامه نگاران بلغاری اطلاعات جدید، کتابهای مرجع و سی دی ارائه نماید.



با دستیابی به جریان اطلاع رسانی جهانی، هیچ سانسورسیاسی ای نمی تواند وجود داشته باشد. خصوصاً، با قوانین ضد سانسوری که در بلغارستان /جدید/ پدید آمده آنها می توانند هر چه را که میخواهند و تا آنجا که می توانند بخوانند، ببینند و گوش فرا دهند. در سال ۱۹۸۹، رسانه های خبری و روزنامه ها، تجربه بسیار دراماتیکی، در رها شدن از بند به دست آوردند و انتشار مطبوعات بسیار گسترش یافت، اما در همین حین، افزایش قیمت کاغذ و چاپ روزنامه موجب تعطیلی بسیاری از آنها شد. پس از آن موضوعات سیاسی مانند انتخابات و سخنرانی ها نیز تازگی و طراوت خود را از دست داده و علاقه به آنها نیز کاهش یافت. در نتیجه تیراژ مطبوعات رو به افول نهاد. نشریات قطع کوچک، فعالیت خود را به خوبی انجام دادند. ظاهراً تجارت هفتگی سود آور بود. شرکتهای انتشارات سویسی (Ringier و Reuters) هردو به سرمایه گذاری در حوزه چاپ مطبوعات مبادرت نمودند. بسیاری از فرستنده های رادیویی و تلویزیونی در حال حاضر به صورت مختلط در تملک دولت و بخش خصوصی است. شش شبکه تماماً بازرگانی رادیویی، اکنون تنها در صوفیا اجازه پخش در سراسر کشور را دریافت کرده اند. گروه انگلیسی Britain's GWR Group Plc^{۳۰}٪ از سهام رادیوی FM Plus را خریداری نموده و یک شبکه تلویزیونی به زبان ترکی نیز مجوز پخش دریافت کرد، یک کمپانی یونانی به نام آنتا تی وی Antenna TV طی مذاکراتی اجازه پخش برنامه های خود در داخل بلغارستان را به دست آورد. طی سال ۹۰، کانال خصوصی فرانسه در صوفیه قابل مشاهده بود. هم اکنون، بسیاری از اهالی بلغار می توانند به طور منظم، شبکه های روسیه، یونان و یوگسلاوی (بسته به محل اقامتشان) را دریافت کنند. در سال ۱۹۹۱ قانون اساسی سرپرستی رسانه ها را به مجلس سپرد تا این نهاد، قوانین مربوطه را تدوین کند. تدوین این قوانین توسط کمیسیون ویژه مجلس بسیار به طول انجامید. نمایندگان



گان ادعا می نمودند که آنها در حال مطالعه قوانین مربوط به رسانه ها در سراسر اروپا می باشند. در همین اثناء، کارمندان رادیو دولتی بلغارستان ادعا کردند که رییس مجموعه آنها از قبل از سال ۱۹۸۹ تغییر نکرده است و این در حالی است که کارمندان و ایدئولوگهای تلویزیون بلغار، به سرعت پس از تغییر مدیریت سیاسی جامعه تغییر می یابند. ایده مالیات ارزش افزوده از جمله سنت های اروپایی بود که مجلس خیلی زود به آن پرداخت. تفسیر بلغاری از این قانون که از سال ۱۹۹۱ به اجرا در آمد، رسانه ها، مطبوعات، کتاب، صنعت چاپ و نشر و فیلم را از پرداخت ۱۸٪ مالیات معاف نکرد. نتیجه قریب الوقوع این قانون اعتصاب عمومی چهار روزه از سوی روزنامه های برجسته بلغاری و ایستگاههای خصوصی رادیو بود. در حمایت از این اعتصاب تئاتر صوفیا، تنها فیلم های پورنوگرافی به نمایش گذارده شد. موسسه صوفیا فیلم نیز ادعا کرد که این مالیات سنگین، هنگامی که ارزش لوا (برای خرید بلیط) پایین می آید و بهای ساخت فیلم ها بالا می رود فیلم های خانوادگی را از پرده های سینما کنار می برد. اتحادیه همپیمانان توسعه تجارت در بلغارستان، اتحادیه روزنامه نگاران بلغارستان و سازمان رادیو های خصوصی، درخواست معافیت از مالیات نمودند، چرا که در این قانون، به آگهی که منبع اصلی درآمد رسانه ها بود، لطمه سنگینی وارد می شد.

این بالاترین قیمت مالیات ارزش افزوده در کشور های اروپایی بود. توجه به این امر حائز اهمیت است که هیچیک از رسانه های رادیو و تلویزیون دولتی، که احتمالاً تحت این قانون واقع نمی شدند، در این اعتصاب شرکت نکردند. به آسانی می توان در یافت که زمانی این مالیات به نشریات و رسانه های خصوصی ضربه وارد خواهد کرد که به ابزار و استراتژی دولت در حمایت از ایستگاههای رسانه ای خود تبدیل شود. هر چند که، بودجه بلغارستان در سال ۱۹۹۳ به میزان ۱۴/۷٪ کسری داشت، شاید این



کار مجلس، تلاش بی شرمانه ای برای خاموش کردن صدای مطبوعات در قبال آن کمبود ها بود. این شاید یک عامل باشد اما احتمالاً غیرمنطقی است. میل شدید برای بالا بردن در آمد دولت، در زمانی بود که سرمایه گذاری به سختی انجام می شد. گذشته از مشکلات سرمایه گذاری، نشریات گروههای اقلیت بلغارستان، تجربه ای دراماتیک و پیروزیهای شگرف را پس از سال های ۱۹۸۰ کسب کردند. دولتمردان کمونیست، خشونت آشکاری نسبت به ترکها داشته و در طی بی عدالتی ها و خشونت های دیگر، مدرسه و روز نامه های آنان را تعطیل کردند که باعث گریختن بسیاری از ترکهای بلغار به ترکیه شد. امروزه نشریات ترکی به آزادی منتشر می شود..هنوز به نظر می رسد که ترکهای بلغار از موقعیت خود ناراضی هستند.

در مارس ۱۹۹۳، حزب MRF ترکها، خواستار تولید و پخش برنامه روزانه تلویزیونی ۱۲ساعته به زبان ترکی، از شبکه های دولتی شد. کمتر از دو ماه بعد، موسسه خبری- بی.بی.سی- خبری در باره وجود یک فرستنده غیر قانونی در جنوب شرقی بلغارستان گزارش نمود که این خود به روشنی، نقض قانون بود، چراکه این فرستنده برنامه های ماهواره ترکیه را بر روی برخی از فرکانسهای تلویزیون ملی بلغار قرار می داد. در نهایت پروانه پخش به شبکه ای ترکی با سرمایه گذاری خصوصی داده شد، اما شرایط آن به مراتب سخت تر از آن بود که قابل حصول باشد. دولت بلغارستان به روشنی از اعطای مجوز و موافقت با درخواست MRF مبنی بر پخش برنامه های ترکی از یک شبکه مستقل دولتی، دوری می نمود تا اینکه بالاخره در آگوست ۱۹۹۳ رادیوی دولتی بلغار، شروع به پخش برنامه های ترکی کرد. کولیهای بلغاری وضعی بهتر از ترکها نداشتند. آنها حزب سیاسی ندارند تا شکایتها و ناراضیتهای



خود را بیان کنند. هیچ کدام آنها نتوانسته است که بر اساس منع قانون اساسی از تشکیل حزب بر اساس قومیت و دین، حزبی برای کولیها تشکیل دهد. در اینجا دو سازمان ملی برای کولیها وجود دارد. یکی اتحاد روما در بلغارستان Confederation of Roma in bulgaria که در ماه می ۱۹۹۳ بنا شده و دیگری Associated Roma Union اتحاد همپیوندان روما است که در اکتبر ۱۹۹۲ تشکیل شده است. بدون وجود نمایندگانی در مجلس، البته این بسیار مشکل است که قوانینی در باره حقوق کولیها در مجلس تصویب شود. اما برخی اصلاحات در این باره انجام شده است. گویشها و لهجه های روما اکنون در برخی از مدارس ابتدایی آموزش داده می شود. دولت بلغارستان، طرحی برای سربازگیری کولیها در نیروی پلیس ارائه کرده است. متأسفانه تاکنون پلیس متناوباً به آزار و اذیت کولیها متهم شده است. پس پلیس کولیها باید گامی در جهت حقوق خود بردارد. دپارتمان دولتی آمریکا در سال ۹۳ گزارش داد که محلات اختصاص یافته به کولیها، بسیار فقیرانه، غالباً بدون آب، برق و فاضلاب بوده و انجمن کولیها و همسایگان آنها مکرراً مورد حمله واقع شده اند. آنها در استاندارد زندگی جامعه بلغاری، واقع نشده اند. مطبوعات جرایم را بدون دلیل به آنها استناد می دهند. اتحادیه روما، ادعا می کند که آنها حزب سیاسی نیستند، اما از سوی احزاب سیاسی و مطبوعات مورد حيله و تجاوز واقع می شوند. اتحادیه روما، اعلام کرد که حمایت خود را از حزب لیبرال پس گرفته و به حزب کمونیسم پیوسته است چرا که این اتحادیه از وعده های تهی آنها به ستوه آمده است. اکنون، بسیاری از رسانه های بلغاری وابسته به دولت و یا احزاب هستند و به نظر نمی رسد که در آنها مشکل سانسور وجود داشته باشد. برخی رادیو های دولتی خارجی مثل بی بی سی و صدای آمریکا اکنون بدون هیچ گونه اضطراب و مشکلی در فرکانس رادیوهای بازرگانی (commercial) قرار گرفته اند. گر چه



هنوز تلویزیون بلغارستان تحت کنترل دولت است، اما مطابق نظر سنجی های به عمل آمده، مردم به اخبار آن اعتماد دارند. حقیقت جالب توجه اینجاست که تلویزیون همچنین می تواند تحلیل و تفسیر یک قطب سیاسی مخالف قرار بگیرد. چند سال پیش روزنامه حزب نیروهای دموکراتیک، خبری کاملاً سری را درباره حوادث ۱۹۶۸ مبنی بر ارسال ۱۸۰۰ دسته از سربازان به چکسلواکی را منتشر نمود. این عمل، گرچه ممکن است به عنوان فعالیتی در جهت دستپاچه کردن کمونیستهای پیشین به نظر آید، اما، بحثی در فضای باز رسانه ها بوده و شاید دلیل بروز آن درد و رنجی بود که مردم بلغار کشیدند. فضای باز مطبوعات، باعث می شود تا گاه آنها به عنوان وجدان عمومی عمل کرده و حقیقت را نشان دهند. پذیرش این نوع از آشکار سازیهای روزنامه نگاری، یقیناً در دوران ژبوکف، یافت نمی شد. در سال ۱۹۷۸ در لندن واقعه مشهوری در باره یک پناهنده سیاسی که در شبکه جهانی رادیو بی بی سی به عنوان گوینده خارجی فعالیت می نمود رخ داد. گئورگی مارکف، در طی سالهای کمونیسم از کشور گریخت و در تبلیغات ضد کمونیسم، رادیو بی بی سی، برای داخل بلغارستان فعالیت می نمود. او در نهایت توسط یک آدمکش بلغاری که توسط ژبو کف فرستاده شده با ضربه یک چتر سمی در پل والترو کشته شد. این مطلب خود مسلماً نمونه بسیار روشنی در سانسور عقاید از سوی دولت در بلغارستان بود. قانون جدید مربوط به نشر و سانسور بلغارستان آثاری از دوران کمونیست دارد. قانون اساسی کنونی بلغارستان در جولای ۱۹۹۱ زمانی که حزب کمونیست در مجلس غلبه داشت، در مجلس ملی مورد تصویب قرار گرفت. در آن زمان برخی از نمایندگان حزب لیبرال UDF خواستار آزادیهای بیشتر در قانون اساسی و فاصله گرفتن هر چه بیشتر از ایده های کمونیستی شدند. آنها مخالفت خود را با اقدامات اکثریت کمونیست مجلس، در طی یک اعتصاب غذای ۱۰ روزه نشان دادند. آنها خواستار قوانین



غنی تری در حفظ حقوق و آزادیهای بشر بودند. همانطور که پیشتر گفته شد، قانون اساسی کنونی بلغار، تشکیل احزاب سیاسی بر اساس قومیت و دین را ممنوع می داند. این موضوع هم مباحث زیادی را برانگیخت. کشورهای CSCE که شامل آمریکا نیز می گردد و همچنین گروههای حقوق بشر غربی، اظهار داشتند که اقلیت های قومی در بلغار پیوسته مورد تبعیض واقع شده اند. آنها مدعی بودند که اقلیتها بدون داشتن نماینده در مجلس، به سختی می توانند به حقوق خود دست یابند. دولتمردان بلغاری، ضربه متقابل این استدلال را با ترس غیر واقعی خودشان از پتانسیل منفجر شونده تقسیم کشور به شاخه های فرعی نژادی نشان دادند.

فروپاشی کشور همسایه - یوگسلاوی - از این بحرانها، مطمئناً در صوفیه مورد توجه قرار نگرفته است. در آن زمان حزب UDF (نیروهای دموکراتیک) بر آن شد تا برای اصلاح این مشکل قانون اساسی تلاش کند. اما این موضوع مستلزم داشتن اکثریت دو سوم در مجلس بود که آنها فاقد آن بودند. در همان ایام، نمایندگان قانونی آمریکا که در اروپا مستقر بودند، راساً به بلغارستان سفر کردند تا در بازبینی قانون اساسی نیرو های دموکرات را یاری دهند. هنگامی که در آمریکا ساخت فیلم های خشن توام با عریانی افزایش یافت، واردات آنها به بازار بلغارستان نیز مسلسل وار گسترش پیدا کرد. مشکل است که در مورد زمان این موضوع پیش گویی کرد. اما اگر بلغاریها از گذران با این دست فیلم های بی ادبانه خسته شوند و برای تماشای فیلم های هنرمندانه و تفکر برانگیز پول پرداخت کنند، چه خواهد شد؟ حالادر بلغارستان، البته چیزهای نو، گرامی داشته می شوند، اما باید گفت که سطح تحصیلات و فرهنگ مردم بلغارستان بالاست و بعید به نظر میرسد که آنها برای مدت طولانی به فیلم های اکشن و غیرمتفکرانه نگاه کنند. در هر صورت، قانون جدید کپی رایت آثاری برسینمای داخلی بلغارستان، در



برابر تجارت فیلم های آمریکایی باقی خواهد گذاشت. بیشتر از ۵۰ درصد فیلم هایی که در بلغارستان نمایش داده می شود، سرقت از کپی فیلم های آمریکایی است. ادعا می شود که برخی از فیلم های آمریکایی قبل از اینکه در آمریکا اکران شود، در گذشته بصورت غیر قانونی در بلغارستان توزیع شده اند. تاریخ این کار به دورانی باز می گردد که کتابهای مخالف غربی در زمان کمونیست به طور مخفیانه در بلغارستان توزیع و منتشر می شد. اکنون دیوار بلند قیمت های بالا بجای سانسور گذشته نشسته است. در مقابل صنعت فیلم های خانوادگی بلغارستان دچار اضمحلال و فرو پاشی کامل شده است. برای اینکه بعد از سال ۱۹۸۹، دفعتاً، دیگر هیچ پولی از سوی دولت برای سینما پرداخت نشد. صنعت فیلم بلغار، شبیه صنعت کامپیوتر، به بهره بری از سرمایه گذاری های بزرگ و توجه به آن در زمان کمونیسم از سوی دولت عادت کرده است دختر تئودور ژبوکف، شخصاً، در دوران وزارت فرهنگش متصدی توسعه دادن فیلم های بلغاری بود. اگر آن فیلم ها دارای تبلیغات کمونیستی بودند، بازاریابی آنها نیاز به هیچ چیز دیگری نداشت. مرکز سینمایی دولتی بویانا فیلم، به مدرنترین نور پردازها و دوربین ها مجهز بوده و ۱۶۰۰ نفر نیز در آن استخدام شده بودند. این مرکز سینمایی، دارای وسیع ترین و مجهز ترین انبار لباس و پشتیبانی در اروپا بود که در آن سنت ها و لباسهای ۸۰۰۰۰ دوره وجود داشته و کارگاههایی که قادر بودند، حیوانات قبل از تاریخ، لوازم جنگی قرون وسطی و... را تولید کنند. این در حالیست که در حال حاضر، اکثر وسایل مذکور بلا استفاده مانده است. پس از سال ۱۹۸۹، پول ملی بلغارستان تقریباً بی ارزش شد، اما تولیدات بویانا فیلم همچنان می توانست تولید کنندگان خارجی را برای تولید فیلم به صوفیه بکشاند. فیلم مشترک بلغاری- آمریکایی «شکار پرندها» با هزینه ۳/۵ میلیون دلار از این نمونه ها بود فستیوال فیلم کمدی در شهر گابروا برگزار شده و وارنا میزبان « نخستین فستیوال بین المللی »



بود. در حال حاضر، به نظر می رسد که بلغاریهها مشتاقند تا با غربی ها ارتباط بیشتری داشته و از مدل آنها در خصوص مسایل مختلف همچون قانونگذاری پیروی کنند. هیچ دو کشوری در مسیر توسعه دارای راه و جهت یکسان نیستند، از این روی، پیشگویی در باره آینده بلغارستان ناممکن است.

جمعیت

تراکم جمعیت ۷۹/۶ نفر در کیلومتر مربع می باشد. ۵۹٪ مردم کشور ساکن شهرها بوده و پرجمعیت ترین شهر آن (صوفیا)، حدود ۱۰/۹٪ جمعیت کشور را تشکیل می دهد.

از لحاظ توزیع سنی: ۲۲/۳٪ را افراد کمتر از ۱۴ سال، ۶۲/۳٪ را افراد ۱۵ تا ۵۹ سال و ۱۵/۴٪ را نیز افراد بالاتر از ۶۰ سال تشکیل می دهند. متوسط عمر مردان ۶۸/۶ سال و زنان ۷۳/۹ سال می باشد.

در بلغارستان میزان تولد ۱۶/۱ در هزار، میزان مرگ و میر ۱۰/۷ در هزار و رشد جمعیت ۰/۶۴٪ است.

میزان مرگ و میر کودکان نیز ۲۳/۷ نفر در هر هزار نوزاد می باشد. اغلب اقوام این کشور سفیدپوستان بوده که از تیره های بلغار (۸۵٪)، ترک (۹٪)، یونانی، ارمنی و کولیمی متشکل می گردد. ۷۰٪ مردم، ارتدوکس و ۹٪ مسلمانند. زبان رسمی بلغاری است که با خط سیریلی نوشته می شود. زبان های ترکی، یونانی و ارمنی نیز رایج است. از جمله پرجمعیت ترین شهرهای کشور می توان به پایتخت کشور (شهر صوفیا)، پلودیو، وارنا، روسه، بورگاس، و استارازاگورا اشاره نمود. بنادر مهم بلغارستان عبارتند از بورگاس و وارنا که هر دو در کنار دریای سیاه واقع شده اند.



ملاحظات علمی

تاریخچه

مردم بلغارستان در طی یک دوره تاریخی ۱۳۰۰ ساله توانستند سنتهای آموزشی- تربیتی پایداری را بیافرینند که همواره با ارزش و حائز اهمیت بوده است. خط اسلاوی که توسط برادران سیریل و متودیوس در قرن نهم ابداع شده بود توسط ملت بلغارستان توسعه و تداوم یافت. اندکی بعد یعنی در قرن دهم این ملت توانست به درک (عصر طلایی فرهنگ و ادبیات بلغاری) نائل آید و طی سالهای طولانی سیطره امپراطوری عثمانی... در (قرن دهم)، همچنان به علم و آموزش و پرورش دلبسته باقیماند. نخستین بار، مدارس دولتی طی دهه‌های ۳۰ و ۴۰ قرن بیستم تاسیس شد و بلغاری‌های وطن دوست و جمعیت اهل مطالعه بلغارستان از آنها حمایت کردند. قبل از این دوره، در دوران بردگی، این مدارس شرایط را برای دوره مدرن آموزش به سبک اروپا مهیا کردند. دوران شکوفایی ملی در بلغارستان به صورت نهضتی پدیدار شد که به سمت آموزش ملت بلغارستان و پیوستن آنها به تمدن اروپا و مسیحیت پیش می‌رفت. پس از آزادی از سلطه عثمانی، نظام آموزش در بلغارستان در کوتاه‌ترین زمان ممکن به سطح نظام آموزش در اروپای غربی ارتقاء یافت. نظام آموزش و پرورش دولتی در بلغارستان پس از سال ۱۸۷۸ تاسیس شد. از آن هنگام بود که مصوبه آموزش همگانی به اجرا در آمد. این مصوبه، اصول مربوط به پیشرفت را، که از ارزشهای بسیاری برخوردار بودند، مورد حمایت و تشویق قرار داد. این اصول بر ویژگیهای عمومی آموزش، قابلیت دسترسی به آموزش و حق استفاده از آن برای تمامی کودکان- صرف نظر از جنسیت، سن، ملیت، مذهب و آموزش ابتدایی رایگان، غیر مذهبی و الزامی همگانی مشتمل می‌گردد. این اصول در قانون اساسی حکومت سلطنتی بلغارستان تایید و قانون تو رنو



نام گرفت و طی سال‌ها و دهه‌های بعدی، تا دوران معاصر ادامه یافت و به صورت کامل‌تر و دقیق‌تر درآمد آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مصوبه آموزش همگانی سال ۱۹۰۹ است که هم‌زمان با دوره وزارت ان موشانوف (N.Mushanov) تصویب شد و به اجرا درآمد. این مصوبه سالیان مدید معتبر بود و نشان دهنده این بود که نظام آموزش بلغارستان دارای خصوصیات و سبک اروپای غربی است. طبق مصوبه‌ای که در سال ۱۹۲۱ هم‌زمان با وزارت سنت او مارچوسکی به اجرا درآمد، مدت آموزش الزامی افزایش یافت و شامل تمامی حوزه‌های مربوط به آموزش پایه شد؛ بعدها، طبق قانون مصوب ۱۹۴۸ بلغارستان، آموزش کو دکان تا سن ۱۶ سال الزامی شد.

دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ نشان دهنده دوره تثبیت نظام آموزش و پرورش، تثبیت اجرای آموزش پایه الزامی و توسعه تحصیلات متوسطه چه به صورت حرفه‌ای - بود ویژگی اصلی - چه به صورت عمومی و چه به صورت حرفه‌ای - آموزش و پرورش طی سال‌های ۱۹۴۴ تا ۱۹۸۹ مرکز محوری شدید و آغاز رشد و نفوذ ایدئولوژی در امر آموزش بود. در دوره فوق تحولات مثبتی به چشم می‌خورد که می‌توان به شرح ذیل آنها را برشمرد: آموزش متوسطه هم عمومی و هم حرفه‌ای - به صورت آموزش و پرورش همگانی درآمد؛ تعداد عظیمی از مدارس جدید افتتاح شد؛ تعدادی از سنت‌های دموکراتیک در مدیریت آموزش و پرورش کماکان حفظ شد، نقش شورای تعلیم و تربیت افزایش یافت، شرکت مردم در فعالیت‌های مدارس احیا شد تأثیرات منفی وارده بر نظام آموزش و پرورش این بود که فعالیت‌های درون مدارس شدیداً محدود شد و معلمان از استقلال لازم در کارشان محروم شدند. شغل معلمی از حیثیت و جایگاه بالایی برخوردار نبود و بسیاری از افراد ثروتمند آن را رها می‌کردند. در طی فرآیند ایجاد تغییرات و تحولات در نظام آموزش و پرورش سعی فراوانی صورت گرفت تا ساختار مدیریتی نظام



آموزشی که به شدت ایدیولوژیک، ناقص، و فاقد ظرفیت های لازم بود به طور همه جانبه دگرگون شود و مشارکت مردم در مدیریت آموزش و پرورش ملموس تر و افزون تر گردد. در صورت عدم وقوم چنین تحولاتی ما با التاف نیروی انسانی و استعداد های افراد و بر قرار نشدن نظام دمکراتیک در حوزه این آموزش و پرورش مواجه می شدیم. مردم بلغارستان، از لحاظ تاریخی و سنتی، به آموزش و پرورش به عنوان وسیله در جهت دستیابی به ارزش و جایگاه ویژه اجتماعی می نگرند و سخت می کوشند تا آن را در دسترس عموم کودکان قرار دهند. پدیده هایی نظیر عدم ثبت نام کودکان و یا اخراج آن ها بسیار محدود و نادر بوده است (بیش از ۱-۲ درصد جمعیت کودکان با این شرایط مواجه نمی شدند) نظام آموزش و پرورش بلغارستان، در طول تاریخ، به ویژگی هایی چون پیشرفت، ترقی و تکامل، ثبات، شمول کودکان در حد بالا جهت تحصیل در مدارس، کیفیت بالای آموزش و پرورش و رفتار و عملکرد خوب دانش آموزان دست یافته است. حس خود آگاهی عمیق ملی مردم بلغارستان حاصل غنا و ترقی معنوی آن ها است. به طور کلی می توان گفت که ۹۵٪ مردم بلغارستان باسواد بوده و ۵۶٪ نوجوانان رده های سنی ۱۹-۵ سال در مدارس در حال تحصیل می باشند. طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۷، تعداد گروه سنی باسواد ۲۹ سال یا پایین تر ۳۲۴۲۶۰۰ نفر (۳۹ در صد از کل جمعیت) و تعداد کودکان با سن تحصیل اجباری ۱۱۱۲۱۷۶ نفر بود.

سیاست های آموزشی

ما در زمانه پویایی بازنگری، تجدید نظر و اصلاح همه جانبه و جهانی فعالیت های مردم جامعه یعنی دوره گذار به نظامی که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی جدید است و در آن شخصیت انسان محور عمده تمرکز در برنامه ریزی امور و طرح ها قرار می گیرد، قرار داریم.



رسالت مدارس امروزی در زمینه اصلاحات اجتماعی تکمیلی با مسئولیت بسیاری زیادی همراه است همین امر است که باعث شده است که به تغییر شکل و دگرگونی نظام آموزش اولویت دهند. به علاوه، در بافت کنونی بین المللی، آموزش و پرورش را تنها عامل بهبود و ارتقای رشد اقتصادی از طریق تأمین نیروی کار نمی دانند. همان گونه که کمیته بین المللی تعلیم و تربیت قرن ۲۱، به ریاست جک دو لور، به یونسکو گزارش کرده است، و دور نمای وسیع تری را در مورد توسعه و رشد انسانی در نظر گرفته است، هدف آموزش و پرورش بسیار مهم تر از این است که تنها برای نظام اقتصادی نیروی کار فراهم کند، بلکه باید در خدمت توسعه مداوم انسان و اجتماع باشد.

برخی از سؤالات موجود مرتبط می شد به آموزش و پرورش به عنوان شاخصه های بنیادین اجتماعی و فرهنگی یک ملت که پاسخشان را می بایست در خلاقیت و نو آوری و دموکراتیک و انسان سازی سیستم آموزشی جستجو نمود. سیاست کلی جمهوری بلغارستان در زمینه آموزش از بیانیه و طرح عمل (the Declaration and the plan for action) تبعیت می کند که از سوی (کنفرانس جهانی آموزش همگانی) تصویب شد. دوران سخت گذار باعث به بار آمدن دستاوردهای ارزشمندی چون مراقبت از کودکان کم سن و سال و توجه به رشد و تکامل و آن ها فراهم کردن زمینه برای دسترسی به آموزش عمومی (پایه) برای همه، بهبود شرایط یادگیری، افزایش سطح سواد جامعه با آمار بالا و توسعه نظام ویژه جهت آموزش بزرگسالان و بسط آموزش پایه گردید. مطابق مصوبه آموزش همگانی، سیاستها و معیارهای کلی آموزشی کشور، به شرح ذیل می باشد:

۱- تربیت اشخاص آزاد اندیش، اخلاقی و مبتکر که به قوانین، حقوق، فرهنگ، زبان و مذهب دیگران

احترام می گذارند



۲- پاسخ گویی به علایق و نیازهای فردی و کسب فرهنگی عمومی و وسیع

۳- تسلط بر مفاهیم و اصول علمی جهت ادغام تجارب گذشته با آگاهی جدید در زمینه حوزه‌های

مختلف علم و عمل

۴- انتخاب شیوه‌ها، وسایل و رسانه‌های مناسب آموزشی

۵- اعمال اصلاحات و جرح و تعدیل‌های مناسب با نظر به استعداد دانش‌آموزان و ظرفیت مدارس

۶- توسعه شرایط فیزیکی، فرهنگی و محیطی در کودکانها، مدارس و واحدهای خدماتی

مربوطه

اقدامات آموزشی

در جمهوری بلغارستان، دوره پس از سال ۱۹۹۰ با تغییرات مهمی از نظر اجتماعی و به ویژه آموزشی

مواجهه بوده است. در طی این تغییرات اولویت‌ها و ارزش‌ها در نظام آموزشی بازنگری شد و کنفرانس

جهانی، در حمایت از روند فوق، طرح بیانیه جهانی و برنامه آموزش همگانی را به تصویب رساند.

این دوره با اعلام سال ۱۹۹۰ به عنوان سال جهانی سواد آموزی از سوی مجمع عمومی سازمان

ملل هم‌زمان شد. یونسکو از تغییرات فوق حمایت همه جانبه ای به عمل آورد و سعی نمود تا از طریق

فعالیت‌هایش، توجه مردم جهان را به اهمیت والای مساله سواد و آموزش جلب کرده و از دولت‌های

تمامی کشورها مصرانه بخواهد که اولویت‌های خود را به نفع آموزش و پرورش مشخص و تنظیم کنند.

بلغارستان با انجام شماری از فعالیت‌های عملی خود به این درخواست پاسخ مثبت داد در ارتباط با

سال ۱۹۹۰، یعنی سال جهانی سواد آموزی، وزرات آموزش و پرورش همگانی بلغارستان کمیته‌ای ملی

تاسیس کرد. که نمایندگان عوامل متعدد محیط اجتماعی کشور را در بر می‌گرفت. این کمیته اهداف



ذیل را تنظیم کرد: هدایت و همسو کردن تلاش مردم به سمت مسایل مربوط به آموزش و سواد: هم‌کاری با افراد و گروه‌ها، ترغیب و حمایت آن‌ها و یاری رساندن به آن‌ها جهت حل مسایل مربوط به سواد آموزی، وانتشار نتایج فعالیت‌های مربوط به این حوزه.

کمیته ملی، همچنین با شرکت مؤسسات فرهنگی، علمی و سایر مؤسسات و نهادها یک برنامه ملی ویژه ای را تشریح کرده است که از قابلیت‌های وسیعی جهت تفسیر خلاق امور، فعالیت‌ها، و ابتکارات مربوطه برخوردار است جهت گیری‌های اساسی عبارتند از: تحقیق علمی در خصوص چگونگی اصلاح آموزش و پرورش بلغارستان (بهبود نظام اعطای مدرک در مدارس از لحاظ سطح سواد و همچنین تحقیق در مورد روش‌های کار آمد در زمینه تعلیم و تربیت کودکان در پایه‌های ابتدایی فعالیت‌های که با هدف بهبود تعلیم و تربیت انجام می‌شود تا آموزش در عمل به بی سوادی نیانجامد (یعنی مدرک بدون سواد اعطا نشود انتشار فعالیت‌های انجام گرفته، و غیره. برنامه ملی هم‌چنین از این لحاظ سودمند است. که نقطه عطفو آغاز شماری از ابتکارات و پیش‌قدمی‌های گوناگون در ارتباط با سال جهانی سواد آموزی است.

برنامه آموزشی بلغارستان در بیست و پنجمین جلسه کمیته عمومی یونسکو مطرح و توسط شورای اروپا در میان کشورهای اروپایی منتشر شده است. رخدادهای مهم‌تر سال جهانی سواد آموزی شامل موارد ذیل می‌شود؛ تهیه کتاب شناسی مرجع و کتابهای شرح و تفسیر در مورد مسایل مربوط به سواد دانش‌آموزان نوجوان؛ انتشار مقالات علمی ایجاد رقابت در زمینه آموزشی مطلب آن حول «جهان کودکان» معرفی مطالب جدید آموزشی به زبان مادری؛ تشریح مجموعه جدیدی در زمینه یادگیری و سواد که فن‌آوری جدیدی را در زمینه آموزش خواندن و نوشتن ارائه می‌کند:



کمیته ملی معتقد است که:

- ۱- تنها افراد واجد سواد بالا می‌توانند در زندگی جمعی به‌نحو مناسب و شایسته ظاهر شوند؛
- ۲- وجود بی‌سوادی در زندگی علمی افراد، صرف نظر از صورت‌ها و سطوح بروز آن پدیده‌ای است که با پیشرفت علمی و فنی سازگار نیست، این کمیته از کل جمعیت فرهنگی کشور دعوت می‌کند که حول ایده‌های ناب و با ارزش سال جهانی سواد آموزی و تصمیمات کنفرانس جهانی در مورد آموزش و پرورش برای همه گرد آیند و بر پایه سنت‌های پر بار تاریخی که جهت موفقیت فکری و پیشرفت و استقلال اقتصادی ملت بلغارستان کار کنند. پیش نیاز دسترسی موفقیت آمیز به اهداف کنفرانس جهانی آموزش و پرورش همگانی در (جامتین) وضع قوانین جدیدی بود که با معیارهای حقوق بین المللی و شرایط گذار به نظام جدیدی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی سازگار باشد.

ساختار آموزشی

آموزش در مدارس بلغارستان بر مبنای سنت‌ها و دستاوردهای معقول صورت می‌پذیرد که با نیازهای جامعه صنعتی امروزی قابل انطباق می‌باشد. شبکه گسترده این از آموزش و پرورش فراهم شده است که می‌تواند تمام کودکان مستعد آموزش الزامی را (تا سقف ۱۶ سال) در مدارس عمومی، حرفه‌ای، تخصصی، خصوصی و شبانه بپذیرد. مؤسسات آموزش عالی در سطح دانشگاه و پایین تر از دانشگاه، ورزش (کالج) امکانات و فرصتهای لازم را برای ادامه تحصیلات از طریق مطالعه منظم، مرتبط و یا از راه دور از طریق اشکال گوناگون آموزش پیوسته فراهم می‌کنند. مجموعه مدارس عمومی بر اثر شکلگیری مدارس جدید، تعطیلی مدارس قدیمی و دگرگونی‌های دیگر به طور قابل ملاحظه‌ای دچار تغییر و تحول شدند.



کاهش تعداد دانش‌آموزان معلول روندهای جمعیت شناختی (کاهش جمعیت رده سنی کاهش تعداد دانش‌آموزان معلول روندهای جمعیت شناختی (کاهش جمعیت رده سنی ۱۸-۷ سال)، مشکلات مالی خانواده‌ها، و نهایتاً روندهای مهاجرت برون کوچی و درون کوچی در دهه ۱۹۹۰ بود. معضل ترک زود هنگام مدرسه مساله‌ای طولانی مدت و برجسته است. امکان حل این معضل در حد توان و تلاش نظام آموزش و پرورش نیست راه حل واقعی در این نکته نهفته است که باید بر بحران در وضعیت اقتصادی غلبه کنیم. و اختلاف طبقاتی را محدود کنیم چرا که اختلاف طبقاتی باعث نابرابری های آموزشی بسیار مهمی می‌شود. پشتیبانی قطعی برای کاستن از معضل فوق از طریق توزیع رایگان کتاب درسی بین دانش‌آموزان پایه اول صورت می پذیرد. طی دوره مورد بررسی، مراقبت از کودکان استثنایی کماکان ادامه یافت. شبکه مدارس ویژه جهت کودکان عقب مانده ذهنی یا معلول و کودکان دارای رفتار خطرناک اجتماعی بدون تغییر اساسی حفظ شد. این شبکه شامل می‌شد بر مدارس یارانه‌ای شبانه روزی آموزشی، مدارس شبانه روزی مخصوص آموزش تعلیمات اجتماعی، مدارس ویژه برای کودکان کم شنوا یا کودکان دارای نقص بینایی و مدارس دینی- تربیتی-تعلیمات اجتماعی، مدارس ویژه برای کودکان کم شنوا یا - دستیابی به اهداف ووظایف مربوطه به آموزش پیش دبستانی.

در ساختار نظام آموزشی بلغارستان آموزش ابتدایی خود از ۲ مقطع تشکیل شده است : آموزش

مقدماتی از I تا IV و آموزش پیش متوسطه از V تا VII

کودکان دبستانی که با موفقیت مقطع اول آموزش دبستانی را به اتمام رسانند به کسب مدرک

اتمام IV نائل می گردند. اتمام آموزش دبستان از طریق گواهی نامه نهایی آموزش دبستان در پایان



VIII گواهی و تأیید می شود. آموزش متوسطه چهار یا پنج سال بعد از اتمام دوره آموزش مقدماتی بطول می انجامد و در سه نوع مدرسه ارائه می شود :

مدارس (متوسطه عمومی) و مدارس فنی و حرفه‌ای تحصیلات منتج به کسب دیپلم Za Sredno

Obrazovanie در مدارس متوسطه عمومی و دیپلم Za Sredno Spetzialno Obrazovanie

در مدارس متوسطه فنی می شوند. مؤسسات متوسطه تکمیلی از استقلال آکادمیک برخوردار می باشند در سال ۱۹۹۵، مجلس ملی پنج مؤسسه آموزش دانشگاهی جدید را به تصویب و تأیید ساند.

آموزش متوسطه تکمیلی غیر دانشگاهی عموماً برای یک دوره سه ساله پس از اتمام آموزش

متوسطه آغاز می شود و به مدرک تخصصی رشته های مختلف می شود. منتهی می گردد. پایان تحصیلات منوط به قبولی در امتحان دولتی می باشد.

آموزش پیش دانشگاهی

طول دوره آموزش اجباری

سن ورود به دوره : ۷ سال

سن اتمام دوره : ۱۸ سال

آموزش ابتدایی

مقدماتی

نوع مدرسه ای که این آموزش را ارائه می نماید :

دبستان مقدماتی (از I تا IV)

طول دوره آموزشی : چهار سال



مقطع سنی : از ۷ سالگی تا ۱۰ سالگی

گواهی نامه / دیپلم اعطایی : از ZV تا اتمام و کسب گواهی نامه

مقدماتی متوسطه

نوع مدرسه ای که این آموزش را ارائه می دهد :

مدرسه متوسطه (از V تا VIII)

طول دوره آموزش : چهار سال

مقطع سنی : از ۱۰ سالگی تا ۱۴ سالگی

گواهی نامه / دیپلم اعطایی : گواهی نامه اتمام آموزش ابتدایی

متوسطه عمومی

نوع مدرسه ای که این آموزش را ارائه می نماید : مدرسه متوسطه عمومی از (IX تا XIII)

طول دوره آموزش : چهار سال

مقطع سنی : از ۱۴ سالگی تا ۱۸ سالگی

گواهی نامه / دیپلم اعطایی : دیپلم آموزش متوسطه

متوسطه تخصصی

نوع مدرسه ای که این آموزش را ارائه می نماید : مدارس فنی / فنی حرفه ای

(از VLLL یا IX تا XII)

طول دوره آموزش : سه سال

مقطع سنی : از ۱۵ سالگی تا ۱۸ سالگی



گواهی نامه / مدرک اعطایی : دیپلم آموزش متوسطه تخصصی

فنی و حرفه ای

نوع مدرسه آموزش دهنده این مقطع : مدرسه حرفه ای

طول دوره آموزش : دو سال

مقطع سنی از ۱۸ تا ۲۰ سالگی

گواهی نامه / دیپلم اعطایی : گواهی نامه صلاحیت حرفه ای

آموزش و پرورش در بلغارستان در تمامی مقاطع رایگان می باشد و از طریق دولت بواسطه وزارت

آموزش و پرورش و علوم پشتیبانی می گردد. آموزش برای کودکان هفت تا ۱۶ سال اجباری می باشد

نظام آموزشی بلغارستان از قواعد اروپا پیروی می کند. انواع اصلی مدارس متوسطه در کشور به

قرار ذیل می باشند :

مدارس آموزش عمومی، فنی و حرفه ای، مدارس آموزش زبان و مدارس خارجی.

مدارس خصوصی نیز تأسیس شده اند و این مدارس شروع به رقابت با مدارس دولتی نموده اند.

بیش از چهل مؤسسه آموزشی در بلغارستان مقاطع و مدارک لیسانس و فوق لیسانس را ارائه می

نمایند. سال تحصیلی دانشگاه های بلغارستان از اول اکتبر شروع و تا نیم سال تحصیلی پائیز و بهار

ادامه پیدا می کند. برنامه تحصیلی تمام وقت، ۵ سال تحصیلی یا ۱۰ ترم (نیم سال تحصیلی) بطول

می انجامد، سال آکادمیک سی هفته بطول می انجامد. معمولاً آموزش دانشگاهی بطور رسمی به

کنفرانسها، سمینارها و آموزش عملی تقسیم بندی می شود، با این وجود قابلیت تغییر پذیری در حد

عالی وجود دارد. برگزاری سمینارها و جلسات آموزش عملی اجباری می باشد. مدت آموزش بسته به



رشته تحصیلی به طور متوسط ۱۲ ساعت در هفته می باشد. معمولاً کلاسها در هفته یکبار و به مدت ۷۵ دقیقه برگزار می گردند، بعضی از کلاسها در دو دوره ۴۵ دقیقه ای برگزار می گردند. دانشجویان بلغاری پس از امتحانات سنجش صلاحیت در تعدادی از مراکز دولتی با تعهد خدمتی پذیرفته می شوند. هر امتحان کاملاً رقابتی می باشد و پذیرفته شدگان از پرداخت شهریه آموزشی معاف می گردند کسانی که در این امتحان پذیرفته نمی شوند. برای مراکز دولتی دیگر به رقابت می پردازند با این استثناء که شهریه آموزشی اشان یا بصورت انفرادی یا با گرفتن بورسیه تحصیلی یا وام خودشان پرداخت می گردد. امتحان کتبی سنجش صلاحیت هر ساله طبق تاریخی که از قبل اعلام می شود، برگزار می گردند. بعد از هر نیم سال تحصیلی از دانشجویان (مطابق با برنامه آموزشی مورد نظر) امتحان به عمل می آید. دوره برگزاری امتحان سه تا چهار هفته می باشد. بسیاری از دانشجویان دانشگاه به تدریس و آموزش علاقه مند می باشند. مدارس متوسطه تخصصی بلغارستان دانش آموختگان بسیار فرهیخته ۱۹/۱۸ ساله را پرورش می دهد. بسته به برنامه آموزشی و تحصیلی از دانشجویان امتحان تعیین صلاحیت (کتبی یا شفاهی)، امتحان ردی / قبولی به عمل می آید.

از یک نظام تعیین نمره شش نمره ای استفاده می شود که نمره شش بالاترین نمره و نمره دو پایین ترین نمره می باشد.

آموزش همگانی

سیاستهای آموزشی

نیاز به آموزش مادام العمر به رسمیت شناخته شده است و تاکید آن بر کودکان، دانش آموزان و بزرگسالان است. تلاشهایی صورت می گیرد تا به تدریج آموزش و پرورش را با سیاستهای کلی و



راهبردی توسعه پایدار انطباق دهند. در این راستا اهداف زیر در اولویت قرار دارند که عبارتند از کیفیت بالای آموزش، آموزش و تعلیمات مدنی، آموزش زبانهای خارجی، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی. با وجودیکه سیاست گذاری و اجرای برنامه ریزی کلان در حوزه آموزش و پرورش همگانی به هنگام بروز تحولات اجتماعی، بحران و کمبود منابع مالی بسیار مشکل است. با این حال، دستاوردهای فراوانی در عرصه آموزش و پرورش همگانی به دست آمده است. که وضع قوانین جدید و تعیین اولویت ها و سازوکارهای لازم سازمانی و ساختاری برای مشارکت مؤسسات، اتخاذ سیاست‌های کلی و راهبردی، پیاده سازی طرحها و برنامه‌ها مختلف از جمله این دستاوردهاست و انتظار می‌رود که اجرای آنها به تحقق کامل، همه جانبه و روز افزون نیازهای اساسی آموزش همگانی بیانجامد. فرآیند توسعه که هم بسیار ارزشمند است و هم با دشواری همراه می باشد، اولویت بخشیدن به امر آموزش و پرورش همگانی را اجتناب ناپذیر می سازد. سیاست های راهبردی و ملی که در گذشته و آینده در اولویت بوده و خواهد بود به قرار ذیل است:

- آموزش و پرورش برای تمامی کودکان، بر مبنای سنت‌های بلغارستان که با شرایط بین المللی و اروپایی منطبق باشد.

- پیشرفت بیشتر در زمینه برآوردن نیازهای اساسی آموزشی - تربیتی برای همگان.

فراهم ساختن زمینه برای آموزش همگانی و ثبت نام از تمامی دانش‌آموزان رده سنی ۱۶ سال همچنان جزء اولویت اساسی مسئولان آموزشی مدرسه ای، محلی، منطقه‌ای است. برای دستیابی به پیشرفت، جامعه باید شرایط لازم را برای مدارس تأمین کند تا برای تمام کودکان دستیابی به آموزش و



پرورش در حد شکوفائی استعدادها و ظرفیت های آنها محقق شود و در نتیجه رشد شخصیتی و حرفه‌ای جوانان و ورود موفقیت آمیز آنها به محیط جدید جامعه تضمین شود.

توسعه سیاست های راهبردی آموزش همگانی

- جذب و به کارگیری وسیع تر دست اندرکاران و سازمانهای غیر دولتی در فرایند آموزش و پرورش و اعطای مدرک به بزرگسالان و افراد دارای موقعیت اجتماعی نابرابر.

- توسعه دامنه آموزش اختصاصی آموزگاران، بزرگسالان، مشاوران سازماندهندگان دروس آموزشی، متخصصان جهت گیری شغلی و طراحی مشاغل، عاملان خدمات آموزشی و غیره.

- تعیین ساز و کارهای تأمین و تخصیص هزینه منطبق با بندهای قانون آموزش همگانی، قانون حمایت از بیکاران و افزایش استخدام و قانون آموزش علوم و مهارت‌های حرفه ای.

نتایج پیش بینی شده تغییرات فوق عبارتند از:

- از یک طرف ارائه شرایط هماهنگ و از طرف دیگر دستیابی به رویکردی طبقه بندی شده بسته به سن افرادی که به رهنمودهای شغلی و آموزش علوم و مهارت‌های حرفه‌ای نیازمندند.

- بهبود آموزش کادر آموزشی، اعطای مدرک و باز بینی و تغییر سطح مدرک افراد شاغل، بیکار و در معرض بیکاری در انطباق با تغییرات اقتصادی و بازارکار.

- رهنمونهای زمینه ساز بهبود نحوه تأمین بودجه آموزش و پرورش.

جهت تأمین شرایط بهینه برای پیشرفت آموزش و پرورش، لازم است برنامه اقتصادی جامعی را ترسیم و تصویب کرد تا از طریق آن:

- حجم منابع لازم را با تقاضای واقعی برای توسعه آموزش تطبیق دهیم.



- فناوری‌های مربوط به تأمین هزینه فعالیت‌های آموزشی - تربیتی را بهبود دهیم.
 - هزینه آموزش و پرورش را بر اساس اولویت‌ها تأمین و تعیین کنیم، یعنی در سطح کلان و ملی نسبت هزینه‌های تأمین شده از تولید ناخالص ملی را افزایش دهیم و در سطوح خرد هزینه‌های مربوط به آموزش و پرورش و سرمایه‌گذاری عمده و اصلی در بودجه شهرداری‌ها را ارتقا دهیم.
 - شرایط با ثبات را برای تأمین هزینه آموزش و پرورش تضمین کنیم.
 - درجه استقلال اقتصادی و خودکفایی و خودمختاری مدارس را افزایش دهیم.
 - تصویب نظامی کارآمد در زمینه حسابداری در مدارس.
 - توسعه بیش‌تر کاربرد نظام بودجه‌های واگذار شده (authorized).
 - افزایش حقوق و پاداش معلمان در حد مطلوب.
- اجرا و پیگیری فعالیت‌های فوق و سایر فعالیت‌های مشابه و مربوطه شرایط را برای تجهیز منابع مالی موجود و جدید (دولتی، خصوصی و داوطلبانه) تأمین می‌کند. کل جامعه می‌تواند به توسعه آموزش همگانی کمک کند، به این طریق که آن را به عنوان بزرگترین سرمایه‌گذاری در زمینه آینده ملت و کشور به شمار آورد.
- فرآیند کلی دموکراسی کردن جامعه از نوامبر ۱۹۸۹، جهتگیری به سوی اقتصاد بازار، تلاش‌های کشور بلغارستان برای انطباق با استانداردهای اروپایی و جهانی، پایه ریزی و تثبیت ارزش‌های ملی و جهانی، همه و همه تاثیرات روزافزونی بر آموزش و پرورش داشته‌اند. بر اثر همین فرآیندها پایه‌ها و زیر بناهای دموکراتیک توسعه پیدا می‌کنند و تمرکز زدایی به طور بارزتر و مشخص‌تری تحقق می‌یابد و فرصت‌ها و اولویت‌های جدیدی در دولت، در سطح منطقه‌ای و محلی کشور ایجاد می‌گردد. شرایط



مساعد برای توسعه جامعه مدنی و هم‌چنین برای افزایش مشارکت افراد در اداره و اجرای امور در اشکال و واحدهای گوناگون دارای ماهیت‌های متفاوت و سطوح مختلف می باشد.

در زمینه همکاری، گفتگو، تبادل نظر و تعامل مدارس با محیط اجتماعی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای مشاهده شده است مثلاً به صورت مشارکت و مسئولیت‌پذیری نخبگان فکری و کل جامعه در قبال نتایج آموزش و پرورش و خودکفایی و خودمختاری مؤسسات آموزش و پرورش. تحلیل نتایج توسعه آموزش و پرورش همگانی در ده سال اخیر نشان داده است که وزارت آموزش و علوم، مؤسسه ملی آموزش، شهرداری‌ها، مدارس، معلمان، دانش‌آموزان، والدین و اولیاء و کل جامعه فعالیت‌های چند جانبه‌ای انجام داده اند، با این هدف که کیفیت و کارآمدی نظام آموزش و پرورش بهبود یابد، افزایش آمار ثبت نام و راهیابی همگان به آموزش همگانی تضمین شود و نهایتاً سطح تحصیلات تمام آحاد ملت بلغارستان ارتقاء یابد.

اهداف آموزشی

به منظور بهره مندی از راهبردهای کارآمد و موثر در مدیریت مدرسه، نیل به اهداف ذیل ضروری است:

- تطابق اهداف آموزشی - تربیتی مدارس با علایق، نیازها و استعداد‌های مختلف و متمایز دانش‌آموزان

- طراحی فرآیند آموزش و پرورش با هدف فراهم سازی زمینه برای کسب دانش، مهارت‌ها و توانش مورد نیاز در آموزش، از طریق شیوه‌ها و ابزار مناسب گروه‌های مختلف دانش‌آموزان و تشویق و



ترغیب دانش‌آموزان به سمت دستاوردهای آموزشی - پرورشی و توسعه در زمینه‌هایی که استعداد آن را دارند.

- نظارت بر دستاوردهای آموزش و پرورش بررسی منظم فعالیت‌ها برای تحقق اهداف آموزشی - تربیتی به منظور توسعه و رشد شخصیتی و اجتماعی کودکان.

- برنامه ریزی برای کمک به دانش‌آموزانی که در امر آموزش و یادگیری و یا از لحاظ شخصیتی با مسائل حادی روبرو هستند.

- تضمین و تأمین مشارکت فراوان دانش‌آموزان، والدین و کادر اداری و معلمان مدارس در برنامه ریزی‌های مربوط به مدیریت مدرسه.

- تلاش‌های فشرده در راستای افزایش حمایت مالی و اجتماعی از مدارس.

- برنامه ریزی ویژه برای جذب ترک تحصیلی‌ها و اخراجی‌ها به مدارس و همچنین برای کودکان استثنائی.

- شرکت در طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی به منظور تبادل تجارب میان معلمان و کادر اداری مدارس در خصوص موضوعات تعلیمی - تربیتی و اجتماعی.

- بسط آموزش زبانهای خارجی باهدف برآوردن نیازهای هم‌گروه‌های سنی مطابق با گرایش‌های اروپایی.

آموزش زبان‌های خارجی در همان ابتدای تحصیلات به صورتی سازماندهی می‌شود که با گرایش‌های اروپایی در زمینه مطالعات رسمی و تسلط بر حداقل دو زبان خارجی در سنین مدرسه



انطباق داشته باشد. اقدامات لازم برای دستیابی به نتایج بهتر در این زمینه که در مدارس ابتدایی (elementary) شروع شده است به قرار ذیل است:

به هر مدرسه ابتدایی (پایه‌های ۴-۱) راهنمایی (پایه‌های ۸-۱) و تحصیلات عمومی متوسط (پایه‌های ۱۲-۱) باید به گونه‌ای اختیار قانونی داد که آموزش زبان خارجی را در ابتدای دوره تحصیلی جزء برنامه های آموزشی خود قرار دهند. برای آموزش زبانهای خارجی به صورت موثر و کارآمد باید از کادر مجرب استفاده کرد انتخاب نوع زبان خارجی عمدتاً بسته به علایق و تمایلات دانش‌آموزان می باشد. علاوه بر انگلیسی، اسپانیولی، ایتالیایی، آلمانی، روسی و فرانسوی، دانش‌آموزان می توانند سایر زبانهای خارجی را نیز در کلاسهای اختیاری بیاموزند.

دستاوردهای آموزشی

«بیانیه جهانی آموزش همگانی» که در ۱۹۹۰ در «جامتین» تصویب شد، یک هدف مطلوب را برای جامعه بشریت ترسیم نمود که عملاً قابل دستیابی هم می باشد. در آستانه قرن جدید به وضوح می‌توان ادعا کرد که برآوردن نیازهای اساسی در زمینه آموزش کودکان، نوجوانان، بزرگسالان و برخورداری از آموزش و پرورش با کیفیت بالا به منظور رشد و توسعه همه جانبه از ضرورت‌های حیاتی است. به نظر ما تلاش‌های انجام شده در دوره مورد بررسی دارای نتایج مثبت بوده است. جمهوری بلغارستان تغییرات ریشه‌ای و همه جانبه این را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ تجربه کرده است. گذار به سمت اقتصاد بازار، کشور را در وضعیت اقتصادی دشواری قرار داده است و این در حالی است که آموزش همگانی مستلزم توجه و هزینه ویژه است. به رغم مشکلات اقتصادی، دولت هزینه‌های ساختارهای سازمانی و مدارس را تأمین می‌کند. ضمن تکیه بر سنت‌ها،



کشور تلاش می‌کند با معیارهای اروپایی هماهنگ و هم سطح گردد. نام ببریم. آموزش همگانی به عنوان یک هدف اجتماعی مهم، سیاست آموزشی جمهوری بلغارستان دارای ویژگی بارزی همچون توسعه فعال قانونگذاری جدید مصوبه آموزش همگانی (۱۹۹۱)، مصوبه آموزش عالی (۱۹۹۵) و اصلاحیه‌های مربوط به آن، مصوبه آموزش حرفه ای، (۱۹۹۱) مصوبه آموزش عمومی و برنامه ریزی دروس عمومی (۱۹۹۹) و غیره است. قوانین و مصوبات مذکور حق کودکان، نوجوانان و بزرگسالان را، مبنی بر برخورداری از آموزش با هدف ارضای نیازهای اصلی آنان، تامین و تضمین می‌کنند. در زمینه اهمیت آموزش همگانی، و تاثیرگذاری آن بر توسعه ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی و ارتقای میراث معنوی ملت بلغارستان، تفاهمی در سطح مؤسسات و جامعه صورت گرفته است با این حال، تحقق اهداف تعیین شده به خاطر اختلافات طبقاتی فراوان، انحطاط جهانی ارزش‌های انسانی و انحطاط خود آموزش به عنوان یک ارزش، و پوچ گرائی و کاهش و تنزل فعالیت‌های اجتماعی، با مشکل روبرو شده است.

قوانین آموزشی

از جمله مهمترین قوانین پیرامون آموزش همگانی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

مصوبه آموزش و پرورش همگانی

آموزش عالی اجتماعی اطفال

مصوبه خود مختاری محلی و اداره محلی امور آموزش و پرورش

مصوبه حداقل سطح تحصیلات عمومی و برنامه‌های درسی

مصوبه کمیته‌های مدارس،

مصوبه قوانین اجرایی آموزش و پرورش همگانی



در سال ۱۹۹۱، (مجمع بزرگ ملی بلغارستان) «قانون اساسی جدید جمهوری بلغارستان» را تصویب کرد که در «مجله کشور»، شماره ۵۶، در تاریخ ۱۳ ژوئیه سال ۱۹۹۱ منتشر شد این قانون اساسی متونی دارد که توجه جامعه و کشور بلغارستان را به مساله تضمین و تأمین تعلیم و تربیت همگانی را نشان می‌دهد. طبق ماده ۵۳، بند ۱ حق فرد شهروندان در برخورداری از تعلیم و تربیت تصریح شده است طبق ماده ۵۳، بندهای ۲ و ۳ آموزش و پرورش تمامی کودکان زیر سن ۱۶ سال الزامی است و همچنین حق برخورداری از آموزش رایگان در سطوح ابتدایی و متوسطه تصریح شده است. این متون قانون اساسی جدید زیر بنای قوانین جدید مدارس بلغارستان است.

مصوبه جدید آموزش همگانی در سال ۱۹۹۱، از سوی مجمع ملی کشور تشریح و تصویب شد. این مصوبه ماهیت دموکراتیک تغییرات در جامعه و نظام آموزش و پرورش کشور، اصول دموکراتیک عملکرد نظام مذکور، تمرکز زدایی مدیریت این نظام و نهایتاً ترویج و بسط خودگرانی و خودکفایی مدارس را تصریح می‌کند. حق برخورداری از تعلیم و تربیت و افزایش مداوم خدمات آموزش و پرورش و همچنین افزایش مداوم سطح صلاحیت‌ها و قابلیت‌های افراد از طریق از قانون تضمین می‌شود. بر طبق ماده ۴، بند ۱ هیچ‌گونه محدودیت یا مزیتی، بر اساس نژاد، ملیت، جنسیت، خاستگاه‌های قومی یا اجتماعی، مذهب و جایگاه اجتماع پذیرفتنی نیست، (مصوبه آموزش همگانی (1991))

هم بر پایه سنت‌ها و هم مقتضیات زمان، راه‌حلهایی را در مورد مقولات زیر بنایی نظام آموزش و پرورش ارائه می‌کند:

بر اساس ماده پنجم قانون مذکور تعلیم و تربیت باید جدا از علقه‌های مذهبی باشد؛ آموزش و پرورش در مدارس زیر نظر دولت و شهرداری‌ها، صرف نظر از سن دانش‌آموزان، باید رایگان باشد (ماده ۶)



(. در سنین مشمول آموزش الزامی، دانش‌آموزان کتب درسی را سالانه به صورت رایگان در یافت می‌کنند؛ تا سن ۱۶ سالگی، تحصیلات در مدرسه الزامی است (ماده ۷، بند ۱).

کسانی که مردود شوند، یا تمایلی به ادامه تحصیلات نداشته باشند، در سنین مشمول تحصیل الزامی و یا پس از گذراندن تحصیلات مذکور، این فرصت در اختیارشان قرار داده می‌شود که مدرکی حرفه‌ای دریافت کنند و در مشاغلی وارد شوند که مستلزم گذراندن تحصیلات ابتدایی است. دانش‌آموزان سنین مذکور ممکن است متمایل باشند. اشکال جایگزین آموزشی از قبیل مکاتبه، آموزش خصوصی و یا آموزش انفرادی و شخصی را طی کنند؛ منتها این تحت شرایط خاصی امکان پذیر است. تحصیل در مدرسه در سن ۶ یا ۷ سالگی، بسته به انتخاب والدین یا اولیا ی کودک آغاز می‌شود (ماده ۷، بند ۲). زبان رسمی مدارس و کودکان‌ها بلغاری است. برای دانش‌آموزانی که زبان مادریشان بلغاری نیست، شرایط مطالعه زبان مادری، در کنار زبان بلغاری، در مدارس زیر نظر شهرداری و با نظارت و حمایت دولت، تأمین می‌شود (ماده ۸، بندهای ۱ و ۲).

شهروندان محققند که مدرسه مورد نظر و نوع آموزش را براساس سلیقه و امکانات شخصی انتخاب کنند. مصوبه آموزش همگانی، برای تمامی کودکان حق بر خورده‌ای مساوی از تحصیلات را از طریق تأمین شرایط و تضمین عملی این امر محقق می‌کند و امکانات پیشرفت بیشتر و دستیابی به سطح بالایی از دانش را در نظام آموزش متوسطه تأمین می‌کند.

مدارس و کودکان‌ها سه دسته‌اند: دولتی، زیر نظر شهرداری و خصوصی (ماده ۱۰، بند ۱).



اهمیت ویژه‌ای برای مدارس زیر نظر شهر داری در نظر گرفته می‌شود. و این نوع، نوع غالب مدارس در کشور است. اکثر مدارس مر بوط به آموزش عمومی از همین دسته است: این مدارس تحصیلات ابتدایی پایه و یا متوسطه ارائه می‌کنند.

نظام آموزش خصوصی در مدارس به عنوان جایگزینی جهت نظام آموزش دولتی حفظ شده است. نظام آموزشی خصوصی به هنگام (ورود) (از لحظه ورود دانش آموز به مدرسه) و (خروج) (با صدور مجوز دولتی برای ادامه تحصیلات تکمیلی) مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرند مدارس خصوصی و مدارس تحت نظارت شهرداری‌ها، کودکان‌ها و همچنین واحدهای خدماتی هویت حقوقی دارند. بنا بر قانون، این مدارس حق دارند که در مورد اعلام زمان آغاز شدن سال تحصیلی تصمیم‌گیری کنند. مدرسه و کودکان‌ها شرایط را برای رشد طبیعی جسمانی و روحی کودکان و دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. (ماده ۱۴). اما این اجازه داده نمی‌شود که در مورد کودکان و دانش‌آموزان در مدرسه تنبیه بدنی اعمال شود و یا به آن‌ها توهین شود. (تاتنبیه روحی شوند). حق کودک و دانش‌آموز مبنی بر احترام، حمایت و مراقبت‌های بهداشتی و توجه به رشد آن‌ها تضمین می‌شود. مصوبه آموزش و پرورش همگانی تصریح می‌کند که تعلیم و تربیت بر اساس شرایط آموزشی تثبیت شده کشور اجرا شود (ماده ۱۶). این شرایط در برگیرنده موارد ذیل است: متحوای موارد درسی، نوع مدرسه نظام نمره دهی، اعطای مدارک، کتب درسی، فعالینهای خارج از کلاس و خارج از مدرسه، مطالب و مواد آموزشی، شرایط فرهنگی و محیطی، مراقبت‌های پزشکی و آموزش‌های پزشکی و بهداشتی که در مدارس و کودکان‌ها ارائه می‌شود. ساختار آموزش و پرورش همگانی، بر اساس مصوبه آموزش همگانی که در سال ۱۹۹۱ تصویب شد، شامل سطوح آموزشی ذیل می‌شود:



تحصیلات ابتدایی (به مدت چهار سال)

تحصیلات پیش متوسطه (چهار سال بیش از تحصیلات ابتدایی)

تحصیلات متوسطه (۴-۵ سال بیش از تحصیلات پیش از متوسطه)

تحصیلات پیش دانشگاهی (سه سال بیش از تحصیلات متوسطه)

تحصیلات عالی (۴-۵ سال بیش از تحصیلات متوسطه، یا ۲-۳ سال بیش از تحصیلات پیش

دانشگاهی):

تعلیم و تربیت در مدارس بر دو نوع عمومی و حرفه‌ای است (ماده ۲۲).

آموزش حرفه‌ای باید پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، و یا هم‌زمان با تحصیلات متوسطه یا پایه و یا

پس از اتمام دو سطح اخیر ارائه شود. آموزش حرفه‌ای کسب قابلیت و توانایی حرفه‌ای را در زمینه کار

در بیش از ۲۵۰ شغل تضمین می‌کند.

در سنین معمول تحصیلات الزامی، دانش‌آموز به صورت روزانه در مدرسه حضور می‌یابد. افراد

بالاتر از این سنین (۱۶ سال) حق دارند به صورت شبانه، مکاتبه و یا خصوصی تحصیل کنند.

پس از اتمام سطوح تحصیلی، مدارک مربوط به هر سطح اعطا می‌شود؛ پس از اتمام هر یک از

سطوح تحصیلی ابتدایی، پایه و متوسطه یک مدرک (دیپلم) اعطاء می‌شود.

بسته به نوع و سطح تحصیلات، انواع مدارس وجود دارد: ابتدایی - از پایه اول تا چهارم؛ پیش از

متوسطه - از پایه پنجم تا هشتم؛ پایه - از پایه اول تا هشتم؛ حرفه‌ای - برای دانش‌آموزان بالاتر از ۱۳

سال که تحصیلات ابتدایی یا پایه را طی کرده‌اند و باید در این مرحله به کسب مهارت‌های شغلی و یا



شغل مورد نظر خود دست یا بند؛ دبیرستان - از پایه نهم تا یازدهم، دوازدهم یا سیزدهم؛ متوسطه - از پایه اول تا آخرین پایه (یازدهم، دوازدهم یا سیزدهم) (ماده ۲۶ بند ۱).

گذار از یک نوع مدرسه به مدرسه نوع دیگر بر طبق شرایط و نیازهای دولت و کشور در زمینه تعلیم و تربیت.

به منظور برخورداری کودکان مبتلا به بیماری‌های مزمن و انواع معلولیت‌ها از تحصیلات، مدارس از نوع شبانه روزی وجود دارد که در آن مراقبت زیادی از دانش‌آموزان می‌شود. تعداد دانش‌آموزان کلاس‌های این نوع از مدارس بر اساس استانداردهای انعطاف پذیری تعیین می‌شود. پذیرش در این مدارس بنا بر روالی صورت می‌گیرد که وزارت آموزش و پرورش همگانی توصیف کرده است. همچنین مسولان معتبر کشوری و شوراهای شهر در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند.

برای زندانیانی که تحصیلات متوسطه را به اتمام رسانده‌اند، مدارس خاصی در نظر گرفته می‌شود تا تحصیلات خود را ادامه دهند.

موسسات دینی نیز حق افتتاح مدرسه را با اجازه وزیر آموزش و پرورش همگانی دارند. تحصیلات اعتقادی با تحصیلات غیر دینی وزارت آموزش و پرورش همگانی در یک پایه و مجموعه مجاز و مسیر است با این شرط که معیارهای کلی کشور رعایت شود (ماده ۳۰، بندهای ۱ و ۲).

مصوبه آموزش و پرورش همگانی مقرر کرده است که آموزش عملی جهت کسب مهارت‌ها در شرایط کاری زیان آور و پر مخاطره، پس از ۱۵ سالگی آغاز شود (ماده ۳۲، بند ۲).



با توجه به علائق و توانایی‌های کودکان و دانش‌آموزان، آموزش‌های علمی را می‌توان در فعالیت‌های اوقات فراغت در مدرسه و واحدهای خدماتی، در حوزه‌های هنر، علم، فن، تولید و ورزش گنجانده.

هدف تمامی این شرایط ویژه، که در مصوبه آموزش و پرورش همگانی پیشبینی شده است، این است که به میزان بسیار زیادی به نیازها و استعدادهای دانش‌آموزان پاسخ دهند. تمامی کودکان -چه پسر و چه دختر- باید تا جایی که استعداد دارند، در مدرسه دلخواه، مطالعه کنند و توانایی‌هایش را رشد دهند و به فعلیت برسانند.

قوانین جدید مدارس دانش‌آموز را در جایگاه جدیدی قرار داد: او به عنصر فعالی در زمینه آموزش و پرورش تبدیل شد و برای اینکه احساس آرامش کند و در زمینه تعلیم و تربیت و رشد خویش پیشرفت کند، از لحاظ سازمانی، روانی و استانداردهای سازمانی، در مدرسه از او مراقبت عمل می‌آید. این شرایط پیش شرط حل مسایل مربوط به آموزش و پرورش همگانی است. به شهرداری‌ها این وظیفه را محول کرده‌اند که بر آموزش و پرورش الزامی نظارت کنند و از اخراج یا خوداری از ثبت نام دانش‌آموز جلوگیری کنند (ماده ۳۶، بند ۱، مصوبه آموزش و پرورش همگانی).

والدین و اولیایی که امکان حضور فرزندان/ کودکان یا نوجوانان تحت تکفل خود را در آموزش الزامی فراهم نمی‌کنند، به موجب مصوبه آموزش و پرورش همگانی مجازات‌های سنگینی برایشان در نظر گرفته می‌شود. این مجازات‌ها را نهادهای اجرائی مربوط بر طبق مصوبه مجازات نقض قوانین آموزش الزامی وضع می‌کنند. این اقدامات هم‌چنین به آموزش و پرورش همگانی و روند کلی ثبت نام از کودکانی که به سن مدرسه رسیده‌اند مربوط است. در مصوبه آموزش و پرورش همگانی، بخش ویژه‌ای به



تخصیص بودجه جهت انجام فعالیت‌های مربوطه در آموزش و پرورش اختصاص داده شده است. علاوه بر مبالغ اختصاص داده شده از بودجه کشور که از مجرای وزارت آموزش و پرورش همگانی و سایر وزارتخانه‌ها و مؤسسات تأمین می‌شود، و طبق ماده ۴۱ مبالغی از بودجه‌های استانی نیز از مجرای شوراهای شهر اختصاص می‌یابد

طبق قانون مذکور، پیشبینی شده است که وزارت آموزش و پرورش سرانه هر دانش‌آموز را بر طبق نیازها و شرایط آموزش کشور تعیین کند. و طبق ماده ۴۲، بند ۱ و بین سطوح تحصیلی، نوع مدرسه (دولتی، خصوصی، وغیره) و شرایط زندگی در مناطق آموزش و پرورش تمایز قایل شود بودجه آموزش و پرورش در هر مدرسه را به صورت جداگانه به این ترتیب تعیین می‌کنند که رقم حاصل (سرانه هر دانش‌آموز) را در تعداد دانش‌آموزان ضرب می‌کنند. (متاسفانه تا به حال بودجه‌های مذکور را از این طریق محاسبه و تعیین نکرده‌اند).

تصویب قانون آموزش و پرورش همگانی در سال ۱۹۹۱ و قوانینی که به تبع آن وضع شده است برای توسعه و کار کرد آموزش و پرورش زیر بنای مستحکمی را ایجاد کرده است. اهمیت این زیر بنا در زمینه سازمان‌دهی و به کار انداختن نظام آموزش و پرورش که یکی از مهمترین حوزه‌های فعالیت‌های اجتماعی است غیر قابل انکار است.

مجموعه معروف به (کتاب سفید) در زمینه آموزش و پرورش و علوم بلغارستان در سال ۱۹۹۲ به طور مفصل منتشر شد. این کتاب حاوی تحلیل موقعیت، نتایج اساسی و تفاسیر مربوط به گرایش‌ها و حوزه‌های اصلاحات، برنامه‌های خاص و وضع قوانین جدید است. رویکردهای مختلفی در زمینه آموزش و پرورش در این کتاب پیشنهاد شده است: غلبه بر روند افراطی تمرکز اداری، کاهش دخالت



مستقیم و غیرمستقیم دولت در آموزش و پرورش، و واگذاری اختیارات و مسولیت‌ها از وزارت آموزش و علوم به مؤسسات مدیریتی و استانی، شهرداری‌ها یا شوراهای شهر و مدارس.

(کتاب سفید) طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۲ به صورت مفصل تدوین شد. این کتاب براساس مصوبه آموزش و پرورش همگانی تنظیم شده است و مقولاتی دارد که در زمینه نظام آموزش و پرورش اهمیت ویژه‌ای دارند. کتاب سفید به مرور و بررسی اصول دموکراتیک تعلیم و تربیت الزامی و رایگان و ماهیت غیردینی ۱ آموزش و پرورش می‌پردازد که در مصوبه آموزش و پرورش همگانی پیشینی و لحاظ شده است.

تأمین حقوق آموزشی

همانطور که در ماده ۵۳ قانون اساسی جمهوری بلغارستان تصریح شده است، قانون دستیابی مساوی و عادلانه به آموزش و پرورش را برای تک تک افراد تضمین می‌کند. تمامی کودکان در برابر قانون مساویند. لازم است تمام تلاش‌ها را به عمل آورد تا دانش‌آموزان را، به دور از تبعیضات و اختلافات نژادی، اقتصادی و غیره. در مدارس گرد هم آوریم و نا رسایی و عقب ماندگی‌ها را با ارتقاء مدارک دانش حرفه‌ای، و مهارت و انگیزه معلمان برطرف کنیم. وارد کرن برخی تغییرات در نظام مصوب اعطاء پاداش و حقوق و برقراری منابع جایگزین سرمایه گذاری و هزینه برای ایجاد انگیزه و تحرک معلمان، مدیران و و تشکل‌های مربوط به مدرسه لازم است. برخی از سنت‌ها و شیوه‌های نهادینه شده در زمینه اداره امور، امکان‌برخورداری از تصویری جدید از مدرسه راسب می‌کند. برای اقدامات و فعالیت‌های اصلاحی و در سطح ملی، منطقه‌ای و شهری به صورت هدفدار، نیاز و شدید وجود دارد.



در برخی از مناطق یا مدارس معین شرایط لازم تأمین نشده است (کمبود معلمان دارای مدرک و توانایی لازم، هزینه، غیره) و سطح مطلوب و جهانی آموزش و تحصیلات به میزان تعیین زده شده تحقق پیدا نکرده است. دلایل آن دارای ماهیتی متفاوت است و منشا آن مسایل اقتصادی و اجتماعی است که حل نشده است و یا تازه بوجود آمده است. برخی از آن‌ها به دلیل وجود ضعفهای خاصی در دیدگاه‌ها و نظرات حرفه‌ای و معیارهای معلمان و انتظارات والدین و محیط اجتماعی بروز پیدا کرده است. اعتبارات آموزشی بسیار ناچیز و نا کافی مخصوصاً در خصوص آموزش همگانی عمده ترین مشکل نظام آموزشی می باشد سهم نظام آموزش و پرورش از تولید ناخالص ملی که در سال ۱۹۹۲ معادل ۰۶/۶٪ در صد بود در سال ۱۹۹۷-۹۸ به ۳/۲٪ کاهش یافت. این به دلیل مشکلاتی است که اقتصاد بلغارستان در حال حاضر با آن مواجه است. محدودیت‌های مالی تأثیری منفی بر کارکرد و راندمان آموزش و پرورش دارد: هزینه‌های نا کافی تحقیقات و ارزشیابی‌ها در سطح ملی و مدرسه که بر تصمیمات اداری و اجرایی تأثیر منفی می‌گذارد. به علاوه، این محدودیت‌ها باعث می‌شود که نظام آموزش و پرورش در زمینه نوآوری و نوسازی تجهیزات دچار کمبود باشد. حقوق معلمان پایین است و در برخی مناطق به طور منظم پرداخت نمی‌شود که باعث می‌شود معلمان به نحو احسن انجام وظیفه نکنند. هیچ هزینه‌ای برای گسترش و ارائه پیوسته پروژه‌های ملی ضروری جهت آموزش پایه‌ای تخصیص نیافته است. هیچ ساختار ملی برای ارزشیابی دستاوردهای دانش‌آموزان تاسیس نشده است. هیچ هزینه‌ای هم برای خدمات مشاوره‌ای و سازماندهی فعالیت‌های خارج از مدرسه و فوق برنامه که برای کودکان جالب و جذاب هم می باشد تخصیص نیافته است.



اصلاحات آموزشی

در بلغارستان، فعالیت در زمینه اهداف اعلان شده از سوی اعلامیه جهانی در مورد آموزش و پرورش همگانی که نیازهای اساسی یادگیری، کودکان، جوانان و یزرگسالان را بر آورده می سازد با دوره اصلاحات گسترده ملی در زمینه زندگی اجتماعی - سیاسی و اجتماعی - اقتصادی همزمان شد. در ابتدای دهه ۱۹۹۰، تغییرات سریع و همه جانبه و تمام عیار در آموزش و پرورش جهت رسیدن به وضعیتی آزاد از گرایش‌های سیاسی و پیوندهای نزدیک‌تر با سنت‌های ملی و ارزش‌های جهانی انسانی عموماً مورد انتظار بود نظام آموزش و پرورش قرار بود یکی از ابزارهای زیر بنایی برای الحاق به جهان پیشرو در گرایش‌های علمی و فرهنگی باشد برای آموز گاران، عاملان سازماندهی آموزش و پرورش و برای توده مردم آشکار شد که اصلاحات آموزش و پرورش روندی کند، سخت و غیر یکنواخت است. مشکلات حاکم بر نظام آموزش و پرورش و بحران مداوم مالی که طی سال‌های اخیر با آن مواجه بوده است فرصت‌های بسیار معدودی جهت تغییرات سریع و مهم در اختیار این اصلاحات قرار می‌دهد. اما اصلاحات را نه می‌توان متوقف کرد و نه به تاخیر انداخت. مساله واقعی این است که چگونه می‌توان به صورت بهینه این اصلاحات را با سنت‌های ملی و مسایل و گرایش‌های جدید بوجود آمده در عرصه های اقتصادی، فرهنگی و سازماندهی زندگی اجتماعی در آمیخت و سازگار ساخت

آمار آموزشی

نرخ قبولی‌های پایه چهارم



داده‌ها نشان می‌دهد که در صد دانش‌آموزانی که پایه چهارم را در طول دوره مورد بررسی به اتمام رسانده‌اند، بالغ بر ۹۰٪ می‌شود، و در مورد سال‌های جداگانه به سقف ۹۵/۷۱٪-۹۴/۸۰٪ می‌رسد. این دستاوردی بسیار ارزشمند در مدارس ابتدایی بلغارستان است.

نتایج مفید آن حاصل نظام سنتی بوده و تا حد بسیار زیادی به دلیل دانش حرفه‌ای معلمان ابتدایی و مسئولیت و توجه بالای آن‌ها به تک تک کودکان حاصل شده است. این نتایج هم‌چنین حاکی از قابلیت فهم محتویات درسی پایه چهارم در سال‌های اخیر بوده است. همان طور که از داده‌ها بر می‌آید درصد مردودی‌ها از ۴/۶۸٪ در ۹۳-۹۴ تا ۲/۹۸٪ در ۹۷-۹۸ در نوسان بوده است. تعداد دانش‌آموزان اخراجی و ترک تحصیلی طی دوره ۱۹۹۳-۱۹۹۸ چندان زیاد نیست. درصد آن‌ها بین ۱/۱۸٪ و ۵/۸۹٪ تغییر می‌کند، اما پس از چند سال، این مقدار به تقلیل می‌یابد. دانش‌آموزانی که با موفقیت پایه چهارم را به اتمام رسانده‌اند، دانش، مهارت‌ها و توانش‌های ریاضیات، تاریخ ملی و تاریخ طبیعی، موسیقی، هنرهای زیبا، سبک زندگی و فناوری‌ها و فرهنگ تربیت بدنی و ورزش را کسب می‌کنند. در بسیاری از مدارس، تحصیل زبانهای خارجی در همان پایه‌های اول شروع شده است: سایر مدارس در زمینه ورزش تخصصی شده‌اند. نتایج کسب شده آموزشی از طرق مختلف بررسی و ارزشیابی می‌شود. این بررسی‌ها را معلمان انجام می‌دهند و در ۹۷-۹۸ ارزشیابی‌ها و در سطح ملی در زمینه زبان و ادبیات بلغاری و ریاضیات صورت پذیرفت که دانش‌آموزان پایه چهارم را نیز تحت پوشش قرار داد. تحلیل نتایج این سنجش‌ها، ارزشیابی‌ها و نتیجه‌گیری‌های انجام شده کار آمدی تحصیلات ابتدایی را، تایید می‌کند، اما به طور کلی درصد دانش‌آموزانی که پایه چهارم را با موفقیت به اتمام رسانده‌اند پایین‌تر است.

سطح سواد افراد رده‌های سنی ۱۵-۲۴ سال



بنابر قانون معتبر مربوط به آموزش همگانی، آموزش تا سن ۱۶ سال اجباری است. این هم‌چنین دلیل این واقعیت است که تعداد افراد بی سواد در جمهوری بلغارستان ناچیز است. عشق و علاقه وافر بلغاری‌ها به یادگیری و آموزش و تلاش برای تحصیل و مطالعه ضرب المثل شده است. در همان اوایل دهه ۱۹۵۰، فعالیت‌هایی برای با سواد کردن جمعیت بزرگسالانی انجام شد که سواد خواندن و نوشتن نداشتند. این روند باعث شد که تا سال ۱۹۹۰ افراد بی سواد تعداد شان بسیار محدود بود. تعداد جمعیت سنین ۱۵-۲۴ در ۱۹۹۲، ۱۲۲۸۶۱۳ نفر بوده است که ۶۰۱۹۹۶ نفر خود را با سواد معرفی کرده‌اند که البته ۱۲۶۴ نفرشان جزء افراد بی‌سواد بوده‌اند اما در ستون ((بی سوادان) نشانی بر جای نگذاشته‌اند. سطح سواد در سال ۱۹۹۲ در سنین ۱۵-۲۴٪ ۹۹/۲ بوده است. تعداد جمعیت با سواد، سنین ۱۵-۲۴ بدون احتساب تعداد افرادی که به سؤال مربوط به سواد پاسخ نداده‌اند، ۹۹/۲٪ است. بر مبنای این داده‌ها، می‌توانیم تعیین کنیم که درصد زنان بی سواد سنین ۱۵-۲۴ در ۱۹۹۲ ۰/۸٪ است. و سطح سواد مردان این گونه است: افراد بی سواد ۰/۷٪ و سطح با سوادان ۰۹۹/۲۸٪ بنابراین شاخص، داده‌های مربوط در مورد شهرها و روستاها به شرح ذیل است.

در شهرها:

کل جمعیت: ۹۰۶۰۰۵ نفر

بی سوادی: ۵۵۱۶ نفر

درصد افراد بی سواد در شهرها: ۰/۶٪

که از این تعداد، کل مردان عبارت است از: ۴۵۵۶۶۴ نفر

افراد بی سواد مذکر: ۲۳۷۵ نفر



کل زنان: ۴۵۰۳۴۱ نفر

افراد بی سواد مونث: ۳۱۴۱ نفر

درصد زنان بی سواد در شهرها: ۰/۷٪

در روستاها:

کل جمعیت: ۳۲۲۶۰۸ نفر

افراد بی سواد: ۴۲۹۱ نفر

درصد افراد بی سواد در روستاها: ۱/۳٪

که کل افراد مذکر آن‌ها عبارت است از: ۱۷۰۹۵۳ نفر

افراد بی سواد مذکر: ۲۰۸۶ نفر

درصد بی سوادان مذکر در روستاها: ۱/۲٪

کل زنان: ۱۵۱۶۵۵ نفر

بی سوادان مونث: ۲۲۰۵ نفر

درصد زنان بی سواد در روستاها: ۱/۴۵٪

داده‌ها یی که به شرح فوق ارائه شده است، نشان می‌دهد که سطح سواد در جمعیت در سنین

۱۵-۲۴ سال بالا است. این سنین، «سنین فعال» برای کسب تحصیلات متوسطه، کالج و تحصیلات

عالی و هم‌چنین کسب و توسعه مدارک و قابلیت‌ها و توانایی‌های شغلی محسوب می‌گردد. از کل تعداد

جمعیت بین ۱۵-۲۴ نفر، در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال، ۳۸۷ نفر (۰/۰۶٪) تحصیلات کالج ۵۶۸۴۳

نفر (۸/۴۳٪) تحصیلات تخصصی متوسطه را، ۱۲۰۹۸۴ نفر (۱۹/۰۳٪) تحصیلات عمومی متوسطه را،



۴۰۳۸۳۴ نفر (۶۳/۵٪) تحصیلات ابتدایی را، ۴۰۷۶۳ نفر (۶/۴٪) تحصیلات مقدماتی را به اتمام رسانده‌اند و ۶۹۵۶ نفر (۱/۱٪) دارای تحصیلات ناقص مقدماتی هستند (۸). در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال، ۱۵۷۹۲ نفر (۲/۶۶٪) تحصیلات عالی (دانشگاهی) را، ۲۱۷۰۳ نفر (۳/۶۶٪) تحصیلات کالج را، ۱۹۱۴۵ نفر (۳/۲۲٪) تحصیلات تخصصی متوسطه را، و ۲۳۷۳۰۹ نفر (۴۰/۰۲٪) تحصیلات عمومی متوسط را به اتمام رسانده‌اند. ۱۰۲۳۲۸ نفر (۱۷/۲۶٪) تحصیلات ابتدایی را، ۱۶۵۵۰ نفر (۲/۸٪) تحصیلات مقدماتی elementary ۳۹۷۸ نفر (۰/۰۷٪) دارای تحصیلات ناقص مقدماتی هستند (۸).

بالاترین در صد مربوط به درصد زنان بی سواد در روستاها معادل ۱/۴۵٪ را می‌گردد در مقایسه با

شهرها، آمار بی سواد در روستاها حدوداً دو برابر بیش‌تر است.

این هم ویژگی تعداد کل جمعیت است و هم ویژگی نسبت جمعیت شهریه روستا در مورد مردان و زنان خاطر نشان می‌گردد که مردان شهر دو برابر مردان روستا و زنان شهر دوبرابر زنان روستا با سوادند. با این حال احتمال دیگری نیز متصور است: بخش عظیمی از جمعیتی که خود را به عنوان بی سواد معرفی کرده است ممکن است علاوه بر زبان بلغاری به زبان دیگری تکلم کنند متأسفانه اطلاعاتی مبنی بر این که این افراد آیا قادر به خواندن و نوشتن، مثلاً به زبان ترکی، عربی و یا زبانی دیگر، که در حقیقت ممکن است زبان مادری آن‌ها باشد، در دست نیست. در پایان باید گفت که جمعیت سنین ۲۴-۱۵ سال از سطح سواد بسیار بالایی برخوردار است و به میزان قابل توجهی از زمینه لازم به منظور بر خورداری از مدارج عالی علمی بهره‌مندند.



حمایت های بین المللی آموزش همگانی

حمایت های بین المللی به صورت پروژه های مشارکتی در قالب همکاری های یونسکو، بانک جهانی، اتحادیه اروپا، PHARE «جامعه باز»، «نهاد» سقراط (Socrates) و غیره تأثیری بسیار مثبت بر آموزش همگانی داشته است. این پروژه ها بر مقولات ذیل متمرکزند: آموزش و اعطای مدرک به نوجوانان و بزرگسالان، تبادل تجارب و آموزش و اعطای مدارک به معلمان مدارس و اساتید دانشگاه و محققان. گردهمایی های گوناگون بین المللی با حفظ همکاری های دولتی و غیردولتی به اتخاذ سیاستی کارآمد در برنامه های آموزشی کمک می کنند. در این رابطه باید از تجربه های کشورهای دیگر در حوزه آموزش همگانی از طریق گزینش ماهرانه عناصر مناسب، هدفمند، مطابق با علایق ملی، سنت های تاریخی و ماهیت و شرایط آموزش و پرورش بلغارستان استفاده نمود.

پیشرفت چند جانبه علمی و فنی و حل مسایل جهانی جامعه بشریت، لزوم مسئولیت اجتماعی، دموکراتیک کردن جامعه انسانی و تغییر بنیادین شکل و ماهیت نظام آموزش و پرورش را اجتناب ناپذیر می کند.

آموزش پیش دبستانی

تاریخچه

آموزش و پرورش پیش دبستانی در جمهوری بلغارستان تاریخی ۱۲۰ ساله دارد. این نوع آموزش با بهره وری از سنت های اروپایی و شاخصه های ویژه ملی بلغارستان توسعه پیدا کرد و در اوایل سال ۱۸۹۱، هنگام آغاز آموزش و پرورش الزامی در کودکان ها تحت مقرارت بلغارستان در آمد.



در سال ۱۹۳۴، نخستین مصوبه قانونی، یعنی فرمان تاسیس آموزش پیش دبستانی تصویب شد. این مصوبه آموزش پیش دبستانی را به عنوان مرتبه ای از آموزش ابتدایی دانست و مرکز سه گانه ایی را برای آموزش کودکان را مقرر کرد. مصوبه آموزش و پرورش همگانی سال ۱۹۹۱ تاسیس گروه‌ها و کلاسهای آمادگی را به منظور بهبود آمادگی کودک برای ورود به مدرسه مفید و ضروری دانست. به موجب مصوبه آموزش و پرورش همگانی سال ۱۹۹۱ و اصلاحیه قانون آموزش و پرورش همگانی سال ۱۹۹۸ کودکان در مکانهایی هستند. که کودکان می‌توانند. از سه سالگی تا بدو ورود به مدرسه در آن ثبت نام کنند. (سن رسمی ورود به مدرسه هفت سالگی است) کودکان می‌توانند از نوع دولتی، تحت نظر شهرداری‌ها و یا خصوصی باشند. ورود کودکان به کودکانستان‌ها منوط به خواست و تصمیم والدین یا پرستارانشان. عملاً، حتی کودکان ۲/۵ ساله در کودکانستان‌ها پذیرفته می‌شوند. برای کودکان کم سن و سال تر، مهد کودک‌ها یی تاسیس می‌شود. تا تربیت و آموزش آن‌ها را تحت نظر بگیرند. نوع مهد کودکی که تحت نظر شهرداری و که با بودجه شهرداری‌ها اداره می‌شود، نوع غالب آن است و تا ۹۵٪ در بر می‌گیرد. آموزش پیش دبستانی ماهیتی اجتماعی داشته و برای همه کودکان گروه سنی ذکر شده در نظر گرفته شده است. برای کودکان فقیر و ایتم مدارس شبانه روزی و برای کودکان معلول جسمی یا عقب مانده ذهنی کودکانستانهای ویژه‌ای دایر شده است. کودکانستانهای خصوصی با دستور وزیر آموزش و علوم و تقاضای شهروندان بلغاری یا نهادهای حقوقی دایر می‌شود. ولی با بودجه ملی حمایت نمی‌شود. هم اکنون، اغلب کودکانستانهای خصوصی در بلغارستان طبق برنامه‌های آموزش‌ایی فعالیت می‌کنند. که به منحصرات توسط وزارت آموزش و علوم تصویب می‌شود. در کودکانستان‌ها دولتی و شهرداری‌ها، و الدین طبق نرخهای تعیین شده از سوی شورای شهر شهریه



پرداخت می‌کنند. این نرخها بر مبنای مصوبه مالیات‌ها و شهریه‌های محلی تعیین می‌شود. آماده سازی کودکان برای مدرسه در کودکانستان یا کلاسهای آمادگی صورت می‌گیرد. از آموزش پیش دبستانی به عنوان نخستین مقطع نظام تحصیلی یاد می‌شود که پاسخگوی نیازهای آموزشی کودکان ۳ تا ۷ سال می‌باشد. اکثر کودکانستانها (Detska Gradina) که غالباً اختیاری می‌باشند از طریق شهرداریها تأسیس و اداره می‌شوند. شهریه ثابت نام که بطور چشمگیری برای خانواده های کم در آمد کاهش یافته است، باید پرداخت شود. در سالهای ۱۹۹۵/۹۶ میزان کودکانی که در این مراکز حضور یافتند ۶۷/۵۰ درصد بود.

جهت گیری و اهداف آموزشی

کودکستانها می‌تواند شرایط لازم را برای رشد و افزایش توانایی‌های کودک و آمادگی او برای مدرسه را فراهم کند. برای دوره‌های خاص زمانی، تاکید بر موضوعات مختلف اعمال می‌شود، اما تنها هدف کودکانستان ایجاد شرایط مطلوب برای تربیت و آموزش کودک است. اهداف آموزش پیش دبستانی، بر اساس اهداف آموزش عمومی متعیر است.

بنابراین، در ارتباط با گرایش به سمت و جنبه انسانی بخشیدن به آموزش و پرورش و دموکراتیک نمودن آن (۱۹۹۲) بر جستجوی اشکال جدید ارتباط با کودک و همچنین بر قراری روابط متقابل عاطفی بین معلم و کودک تأکید می‌گردد. تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه بلغارستان هم‌چنین باعث تشدید تغییراتی در محتوای آموزشی برنامه‌های درسی پیش دبستانی شد. الگوی تعامل تعلیمی - تربیتی شخصیت - محور پس از تغییرات فوق اولویت یافت. فعالیت آموزشی کودکانستانها تحت تاثیر این ایده است. که آموزش و پرورش را باید به سمت کودک محوری و ویژگی‌های خاص او در راه



رشد و توسعه اجتماع هدایت کنیم. آموزش پیش دبستانی هدفش قرار دادن تدریجی کودک در مواجهه با و جهان پیرامون و مسائل مربوط به بزرگسالان از طریق انواع فعالیت‌ها، می‌باشد تا کودک بتواند ارزشهای انسانی جهان شمول را بیاموزد و خود را برای ابراز وجود مهیا سازد کودک در محور روند آموزشی قرار داشته و در عین حال بر استقلال و احترام کودک تأکید می‌شود. یکی دیگر از اهداف آموزش پیش دبستانی آماده سازی کودک برای مدرسه است. این هدف در رأس فعالیت‌های کودکستان در سال تحصیلی ۱۹۹۸-۱۹۹۷ قرار داشت و در این رابطه بر فنون تشخیص میزان آمادگی کودک برای ورود به مدرسه و برخورداری از فرصتهای برابر به منظور نیل به آموزش موفقیت آمیز تأکید و توجه ویژه ای شده است. اولویت‌ها تنها اختصاص به دانش ویژه ای که به کودک در کودکستانها ارائه می‌شود ندارد بلکه به مهارتها و عادات خاصی که سبب هماهنگی و سازگاری کودک با جهان جدید و مطالعات نوین می‌شود هم توجه و عنایتی قابل ملاحظه صورت می‌گیرد.

آموزش پیش دبستانی در کودکستانهای شبانه روزی، بهداشتی، خاص و نیم روزی و انواع مؤسسات آمادگی برای مدرسه به اهداف و وظایفش دست پیدا می‌کند. نظام آموزش پیش دبستانی بلغارستان به حد وفور تجهیزات لازم در اختیار دارد و می‌تواند ثبت نام کودکان را تا صد در صد در مراکز شبانه روزی انجام دهد.

ساختار آموزشی

آموزش پیش دبستانی، کودکان ۳ تا ۷ سال را در بر می‌گیرد.



حضور و شرکت در کودکان اختیاری می‌باشد. در مقابل فعالیت و حضور گسترده دولت که بیش از ۹۵ درصد از کودکانها را تحت پوشش قرار می‌دهد، بخش خصوصی حضور چشمگیری در این زمینه ندارد ولی در صدد افزایش و گسترش فعالیت خود در این زمینه می‌باشد.

معضلات آموزشی

مسایل اجتماعی- اقتصادی بلغارستان، تاثیری نامطلوب بر ثبت نام کودکان در مؤسسات پیش دبستانی می‌گذارد. رشد منفی جمعیت همراه با مسایل اجتماعی- اقتصادی عواملی هستند که باعث کاهش ثبت نام کودکان در کودکانها می‌شوند. بیشترین میزان ثبت نام از کودکان در کودکانهای شبانه روزی انجام می‌شود. در سال ۱۹۹۰، کودکانهای شبانه روزی ۴۵۷۹ واحد از کل ۴۵۹۰ مؤسسات مربوط به کودکان را شامل می‌شد. تعداد کودکانهای شبانه روزی طی دوره گزارش شده کاهش یافت و در سال ۱۹۹۰ به ۲۴۴۱ واحد از کل ۳۳۸۱ کودکان رسید. بخش عظیمی از کودکانهای بهداشتی که کودکان گرفتار مشکلات جسمی در آنها تحت آموزش قرار می‌گرفتند بسته شدند و از تعداد ۵۶۷ واحد در سال ۱۹۹۰ تنها ۱۱ واحد در سال ۱۹۹۸ باقی ماند.

آمار آموزشی

نرخ مراکز پیش دبستانی

در دوره گزارش شده (۱۹۹۰-۱۹۹۸) تعداد کودکان سنین پیش دبستانی ثبت نام شده در سال تحصیلی ۱۹۹۰-۱۹۹۱ به حداکثر رسید. روزانه ۳۱۲۰۰۳ نفر از کل ۵۹۵۴۴۸ نفر کودک ۲-۷ سال ثبت نام شد و از مجموع ۵۹۵۴۴۸ کودک ۲-۷ سال تعداد ۳۱۲۰۰۳ نفر توانستند ثبت نام کنند میزان ثبت نام ناخالص کودکان در کودکانها در دوره مذکور ۵۲/۴ درصد بوده است. بیشترین آمار ثبت نام



کودکان در شهرها ۲۱۷۶۹۸ نفر بود که به ۵۳/۱۳٪ می‌رسد، حال آنکه در روستاها آمار ثبت نام ۹۴۳۰۵ مورد یا ۵۰/۷۸٪ بوده است. در سوفیا (تعداد کل کودکان کودکستان ثر پایین ترین حد یعنی ۳۶۴۸۵ نفر معادل sofia) تعداد کل کودکان در کودکستان پائین ترین حد را داشت ۳۶۴۸۵ نفر یعنی بوده است می‌توان این امر را به دو طریق تفسیر کرد: اولاً: تعداد والدین متمکن که می‌توانند هزینه خانم معلم خصوصی را برای فرزندشان تأمین کنند نسبتاً کم است. و دوماً: بیکاری در سطح بالایی قرار دارد. داده‌ها نشان می‌دهد که در تعداد کل کودکان در ۴ سال اول دوره گزارش شده. کاهش مشاهده می‌شود و افزایش تدریجی بعد از آن بوجود می‌آید.

در اوایل سال تحصیلی ۱۹۹۲-۱۹۹۱، آمار کلی کودکان در کودکستان‌ها ۷٪ سقوط می‌کند و به ۴۵/۶۴٪ می‌رسد. در سال تحصیلی ۱۹۹۶-۱۹۹۵ تعداد کل کودکان ثبت نامی نسبت به سال ۱۹۹۱ - 1990 کم‌تر است اما نرخ ناخالص کودکان در کودکستان بالاتر و معادل - ۵۴/۰۴٪ می‌باشد علت این است که تعداد کل کودکان در سنین ۷-۲ سالگی تا ۱۰۸۵۳۵ نفر کاهش یافت و از ۵۹۵۴۴۸ نفر به ۴۸۶۹۱۳ نفر رسید. طی چهار سال بعدی، گرایش صعودی ثابتی در نرخ ناخالص ثبت نام در کودکستان‌ها مشاهده می‌شود آن چنان که این میزان در سال تحصیلی ۱۹۹۹-۱۹۹۸ به ۵۸٪ می‌رسد، البته مجموع تعداد کودکان ثبت نامی در سال تحصیلی ۱۹۹۹-۱۹۹۸ کمتر بوده و به ۲۳۰۳۲۶ نفر می‌رسید تعداد کل کودکان ۷-۲ سال در سال تحصیلی ۱۹۹۹-۱۹۹۸، تا ۱۹۸۳۱۷ نفر در مقایسه با سال تحصیلی ۱۹۹۱-۱۹۹۰ کاهش یافته است- از ۵۹۵۴۴۸ نفر به ۳۹۷۱۳۱ نفر رسیده است.

نرخ ناخالص ثبت نام کودکان در مراکز پیش دبستانی - نسبت شهر به روستا



بسیاری از کودکانی که در کودکانها ثبت نام نشده اند متعلق به خانواده های فقیر، بی کار، کم درآمد و یا در معرض خطر می باشند کودکان در کودکانها تنها بر اساس سن طبقه بندی می شوند و ۴ گروه سنی شکل می گیرد: ۳-۴ سال، ۴-۵ سال، ۵-۶ سال و ۶-۷ سال. طبقه بندی سنی الزامی نیست. هنگامی که شرایط حاکم یعنی (تعداد کودکان یا رشد توانایی های فردی کودک) ایجاب کند، گروه های سنی را می توان باهم در آمیخت. هر گروه ۱۰-۲۵ کودک را در خود جای می دهد. کودکانهای زیر نظر شهرداری هنگامی دایر می شود که حداقل ۴ نفر باشد و بیش از ۸ گروه نیز نمی توانند جای داده شوند. اغلب کودکانها مؤسساتی غیر وابسته اند که از سوی مقامات شهرداری ها دایر می شود. برنامه کاری این کودکانها شبانه روزی است و در ساختمانهایی فعالیت می کنند که ویژه همین کار ساخته شده اند. در جاهایی که تعداد کودکان کم باشد، گروه های کودکان در مدارس و همچنین گروه های آمادگی برای مدارس یا کلاسها تشکیل می شود.

نوع اخیر کودکان رو نوبته بوده و به مدت ۱۲ ساعت کار می کنند. روند تعلیم و تربیت در کودکان بر اساس رشد عاطفی، اخلاقی، زیبایی شناختی، فکری و جسمانی هر کودک هدایت می شود. نرخ ناخالص ثبت نام در کودکانهای روستایی ۴۶/۹۹٪ در سال ۱۹۹۹ است که نسبت به ۵۰/۷۸٪ در سال ۱۹۹۰ کاهش نشان می دهد. روندهای جمعیت شناختی در کشور بلغارستان که کاهش افراد سنین مولد را در روستاها و در نتیجه کاهش کودکان را نشان می دهد علت پدیده فوق است. یکی از ابتکارات جالب در زمینه فعالیت های تعلیمی - تربیتی در آموزش این است که حجم و ماهیت محتویات آموزشی موضوعهای مختلف از طریق دو برنامه تعیین می شود:

الف) آموزش کودک در سنین ۲-۷ سال



ب) فعالیت کودکان در کودکانستان.

انتخاب و ساختار بندی محتویات برنامه درسی عمدتاً بر مبنای دو اصل نوع موضوع آموزشی و میزان پیچیدگی موضوع آموزشی صورت می پذیرد. این انواع برنامه های آموزشی در سطح ملی می توانند تاثیر گذار باشند و معلمان هم این فرصت را دارند که یکی از دو اصل فوق را برگزینند حول چند محور جهانی می باشد که عبارتند از:

محتویات آموزش برنامه های درسی در زمینه های و محورهای جهانی چندی توزیع می شود: «جهان من، من و دیگران، من و طبیعت و غیره روشی عمده در سازماندهی تعامل های تعلیم و تربیتی باشد. بازی می تواند رشد کودک را معلمان و والدین با هم در یک محیط و در قالب فعالیت های خاصی مورد بررسی و سنجش قرار می دهند. فعالیت ها و محیطی که برای کودک هم طبیعی و هم مناسب و ضروری می باشند، عبارتند از: (بازی، کلاس، تعطیلات، گردش، غیره) شیوه های اصلی بررسی و آزمایش کودک نیز عبارت است از بازی، تحلیل کارهای خلاقانه کودک و آزمایش تعلیمی و تربیتی طبیعی.

سطوح اساسی به رسمیت شناخته شده برای آزمایش و بررسی نیز عبارت است از خود آگاهی، مهارت های حسی، توانایی های ادراکی، کنترل عواطف و اراده، و مهارت های اجتماعی.

موسسه ملی آموزش و پرورش در زمینه کار در گروه های آماده سازی مدارس برنامه ای را تنظیم کرده پس از آغاز آزمایشی آن در ۲۵ کودکانستان در سال تحصیلی ۱۹۹۷-۱۹۹۸ این برنامه جهت معرفی فراگیر آن جهت اجرا پیشنهاد شد. علاوه بر این، پروژه ای برای کار با کودکانی که از لحاظ اجتماعی مورد بی توجهی قرار گرفته اند، و عمدتاً حاصل اعمال نامشروع هستند، در کشور بلغارستان به



اجرا گذاشته می‌شود. هدف اصلی این است که کودکان زبان بلغاری را پیش از ورود به مدرسه بیاموزند و با فرهنگ کشور و نظام ارزشی حاکم بر آن آشنایی دهند. در گروه‌های آماده سازی مدارس، شکل عمده آموزش و پرورش حضور در کلاس است که کودکان را برای ورود به نظام کلاس و درس در مدرسه آماده می‌کند. در این مرحله، به صورت خودکار کودکان از گروه سنی خاصی به گروه سنی دیگر وارد می‌شوند و در این رابطه رشد فردی و موفقیت‌های آنها مورد نظر نیست هم اکنون استانداردهای آموزش دولتی و برنامه ریزی جهت ارزیابی رشد کودک و موفقیت‌های او در حال توسعه و شکل گیری است.

در مراکز پیش دبستانی اشکال خاصی از سازماندهی فرایند تعلیم و تربیت و همچنین آموزش وجود دارد که تشابهی با اشکال مدارس نداشته بلکه با ویژگی‌های سنی و توانایی‌های سنی کودکان انطباق دارد. در مراکز پیش دبستانی علاوه بر کلاسها، مطالعه گروهی، بازی‌های آموزشی و اخلاقی و برنامه های تعلیمی تربیتی اجرا می‌شود. ورود به مدرسه به صورت تدریجی اجرا می‌شود. این کار از طریق تداوم برنامه‌های تعلیم و تربیت و اشکال مطالعه بین مرحله کودکستان و پایه اول آموزش ابتدایی صورت می‌گیرد. وارد شدن به پایه اول ابتدایی با خواست والدین انجام می‌شود و البته نتایج و سابقه کودک در کودکستان نیز بی اهمیت نیست. مدارس که آموزش زبان خارجی را از همان پایه اول ابتدایی ارائه می‌کنند، پیشاپیش شروط خاصی را در مورد سطح کودک تعیین می‌کنند و کودکان را در معرض نوعی امتحان قرار می‌دهند تا برای ثبت نام گزینش کنند.

نرخ ورودی‌های جدید پایه اول آموزش ابتدایی تحت تعلیم مؤسسات آموزش پیش دبستانی درصد ورودی‌های جدید به پایه اول ابتدایی بالغ بر ۵۰٪ در دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۰ می‌شود. اما این درصد رضایت بخش نیست، چرا که کشور ظرفیت فراهم کردن آموزش پیش دبستانی برای کل کودکان



است. را دارا می باشد آشفستگی های اقتصادی و اجتماعی پس از سال ۱۹۸۹، هنگامی که بیش از ۸۵٪ ورودی های پایه اول ابتدایی در شکلی از آموزش پیش دبستانی ثبت نام کرده بودند، باعث کاهش آمار ثبت نام در ۱۹۹۰ به ۵۸/۲۴٪ شد. در سال های بعدی کمی افزایش مشاهده شد و آمار ثبت نام سال ۱۹۹۸ ۶۲٪ شد. به خاطر اهمیت بسیار زیاد مشارکت زود هنگام کودک در برنامه های آموزشی به منظور توسعه توانایی های ادراکی کودک و مطالعه موفق در مدرسه، لازم می شود که اقداماتی شایسته برای افزایش آمار ثبت نام در کلاس های پیش دبستانی انجام داد. قابل اعتماد ترین اقدام این است که گروه های آماده سازی مدارس را اجباری کنیم. به این ترتیب، که برای کودکانی که از خانواده های کم درآمد و یا در معرض فقر و مشکلات هستند و کودکان نامشروع (و کودکان خیابانی و بی سرپرست)، امکان راهیابی به مؤسسات کودکان را فراهم سازیم این امر از جمله مسایلی است که باید در آینده حل شود.

آموزش پایه

مقاطع تحصیلی

ابتدایی	۷/۶ - ۱۰/۹ سال
مقدماتی متوسطه	۱۱/۱۰ - ۱۵/۱۴ سال
کلاسهای فنی / فنی و حرفه ای	۱۳/ ۱۴ سال
متوسطه تکمیلی	۱۷/۱۸ - ۱۴/۱۵ سال

آموزش برای کودکان ۶ تا ۱۶ سال اجباری می باشد. کودکان آموزش اجباری را در مدارس

متوسطه تکمیلی به اتمام می رسانند.



آموزش مقدماتی برای مدارس (دبستان و متوسطه مقدماتی)، به استثنای مدارس بخش خصوصی رایگان می‌باشد. سال تحصیلی آموزش دبستان ۱۶۰ روز و آموزش متوسطه مقدماتی ۱۷۰ روز می باشد. دروس (حداقل ۲۲ درس ۳۵ دقیقه در شروع آموزش دبستان و ۴۰ تا ۴۵ دقیقه در مقاطع دیگر بطول می‌انجامد، در ۵ روز از هفته تقسیم شده اند. حداقل میزان ساعت آموزش در یک سال تحصیلی ۴۷۰ یا ۵۲۸ ساعت برای آموزش دبستان و ۷۶۵ ساعت برای آموزش متوسطه مقدماتی می‌باشد.

طی سال ۱۹۹۵ /۹۶ برای هر ۱۴ دانش آموز یک معلم در مقطع دبستان و مقطع متوسطه مقدماتی وجود داشت و برای هر ۱۳ دانش آموز در مقطع متوسطه تکمیلی یک معلم در نظر گرفته شده بود. تعداد دانش آموزان کلاس‌های دبستان ۲۰ تا ۲۵ نفر برای کلاس متوسطه مقدماتی ۱۹ تا ۲۰ نفر در نظر گرفته شده بود. قانون تصریح می نماید که حداقل تعداد دانش آموزان در کلاس، ۱۷ نفر و حداکثر، ۲۶ نفر باشد. کلاس‌ها، به صورت مختلط و با یک گروه سنی برگزار می‌گردند. از سال اول تا سال چهارم تحصیلی یک معلم تنها در یک کلاس تدریس می نماید. در مقطع متوسطه مقدماتی، هر درس را یک معلم متخصص آن درس تدریس می نماید. یک برنامه آموزشی برای مقطع دبستان وجود دارد که برای تمامی دانش آموزان سال اول تا سال چهارم تحصیلی اجباری و لازم الاجراء می باشد. برنامه آموزشی مقطع متوسطه نیز یک شکل و اجباری می باشد. معلمین در انتخاب کتب درسی و در مطالب آموزشی مورد نظرشان طبق لیستی که مورد تأیید وزارت آموزش و علوم می باشد، آزاد می باشند.



ارزیابی تحصیلی

مهارت‌ها و دانش دانش آموز در طی سال تحصیلی از طریق امتحانات شفاهی، کتبی، عملی و شیوه‌های دیگر ارزیابی می‌شود. ارزیابی بطور منظم از طریق معلم و بخش‌های مدیریت دولتی صورت می‌گیرد. سال اول تحصیلی را دانش آموزان تکرار نمی‌نمایند.

در پایان سال چهارم، دانش‌آموزان مدرک آموزش دبستان را دریافت می‌نمایند و بطور خودکار به مقطع متوسطه مقدماتی راه پیدا می‌کنند. اگر دانش‌آموزان، سال هشتم تحصیلی را با موفقیت پشت سر گذارند، مدرک آموزش مقدماتی را دریافت می‌نمایند که آنها را قادر می‌سازد تا به آموزش متوسطه تکمیلی راه پیدا کنند. کلاس‌های فنی / فنی حرفه‌ای با امتحانات آموزش فنی و حرفه‌ای خاتمه می‌یابند و منتهی به کسب مدرک در مقطع فنی و حرفه‌ای مقدماتی می‌شوند.

آموزش ابتدایی

ساختار آموزشی

آموزش مقدماتی (کلاس‌های ۱ تا ۸) در کشور بلغارستان، مدرسه ابتدایی (کلاس ۱ تا ۴) و مدرسه متوسطه مقدماتی (کلاس ۵ تا ۸) را در بر می‌گیرد. این مقطع آموزشی در مدارس متعلق به دولت، شهرداریها و مدارس خصوصی دایر می‌باشد.

منابع آموزش و کتب درسی رایگان بوده و از طریق مدرسه ارائه می‌شوند. پس از اتمام موفقیت‌آمیز کلاس چهارم، مدرک آموزش ابتدایی صادر می‌شود. مدرک آموزش مقدماتی پس از اتمام موفقیت‌آمیز کلاس هشتم صادر می‌شود.



سیاستهای آموزشی

در بیانیه جهانی آموزش و پرورش همگانی، اهمیت زیادی به فراهم کردن زمینه لازم و مناسب جهت دسترسی همه کودکان به آموزش ابتدایی و اتمام موفقیت آمیز آن داده شده است. می توان گفت که بلغارستان دستاوردهای چندی در این زمینه دارد. اهمیت زیادی به آموزش ابتدایی به طور اخص، از لحاظ کسب آگاهی های اساسی، رشد مهارت ها و عادات یادگیری، و همچنین تعلیم و تربیت و رشد جامع شخصیت هر دانش آموز داده شده است. به این طریق، فرصتی جهت اتمام کامل تر تحصیلات پایه ای و گذاری آسان تر و بی مسأله تر به تحصیلات پایه های بالاتر فراهم می شود.

در مدارس ابتدایی تا حد امکان سعی می شود فعالیت های آموزشی به واقعیت زندگی کودک نزدیک تر شود تا بتوان وی را در زمینه هایی همچون پیشرفت در مطالعه تقویت تمایل و علاقه به شیوه فعال زندگی، و درک و حل مستقل مسایلی که با آن مواجه می شود یاری رساند. به همین خاطر، محتویات برنامه های درسی را به روز در می آورند و شیوه ها و ابزار آموزش را متنوع می سازد تا به دانش آموزان این فرصت را داده شود که از خود اتکایی و اختیار بیشتری برخوردار شوند و بتوانند فعال تر در حل مسایل مشارکت کنند. به معلمان توصیه می شود که از راهبردهای جدید فعالیت های آموزشی و شناختی بهره گیرند. این راهبرد ها باعث بوجود آمدن یک فضای همکاری متقابل بین معلم و شاگردان و خود شاگردان با یکدیگر و شکل گیری مهارت های کار گروهی و تیمی می شود.

برنامه های آموزشی

برنامه های درسی در پایه های ابتدایی جهت یادگیری در مطالعه زبان بلغاری، ادبیات، ریاضیات، جغرافیای کشور، طبیعت، هنرهای زیبا، موسیقی کار انفرادی و اختیاری و تربیت بدنی (۲۵-۲۲ کلاس در



هفته) تنظیم شده اند. که حداقل لازم برای آموزش عمومی است. همچنین، چهار کلاس برای موضوعهای اختیاری گنجانده شده است که برای مطالعه زبانهای خارجی یا فعالیتهای آموزشی همراه با ورزش و پرورش ذوق زیبا شناسی و غیره تنظیم شده است. مدارس آموزش عمومی، که از سوی وزارت علوم و آموزش هم به رسمیت شناخته شده اند. طرح ویژه این را به می بندند که منضم آموزش زود هنگام زبان خارجی و در برگیرنده برنامه های ساده ایی برای آموزش موسیقی، رقاصی و هنرهای زیباست. برای راه اندازی اینگونه مدارس دسترسی به متخصصان ویژه و تجهیزات لازم ضروریست.

آمار آموزشی

نرخ ثبت نام ناخالص ورودیهای جدید پایه اول ابتدایی

بر اساس شاخص، کشور بلغارستان از لحاظ قابلیت دسترسی به تحصیلات ابتدایی و طرفیت نظام آموزش و پرورش جهت تأمین راهیابی به تحصیلات ابتدایی برای جمعیت واجد سن قانونی ورود به مدرسه از سطح عمومی بالایی برخوردار است. افزایش تعداد ورودیهای پایه اول ابتدایی در سال تحصیلی ۹۶-۱۹۹۴ به دلیل تغییر سن قانونی ورود به مدرسه بوده است که علاوه بر دانش آموزان هفت ساله، دانش آموزان شش ساله هم می توانستند ثبت نام نمایند

دادههای آماری در مورد تعداد دانش آموزان ابتدایی در صورتیکه بر حسب سن قانونی ورود به مدرسه تنظیم شود. نتایج و نمونه های دقیقتری را به دست می دهد. پس از مقایسه دادهها با یکدیگر، به این نتیجه می رسیم که تا پیش از سال تحصیلی ۹۳-۱۹۹۲ تعداد دانش آموزانی که سن آنها از سن قانونی ورود به مدرسه کمتر یا بیشتر است به ۲۰۰۰-۳۰۰۰ نفر می رسد و این در حالیست که در سال



تحصیلی ۱۹۹۳-۱۹۹۴ این تعداد بر ۵۰۰۰-۶۰۰۰ نفر بالغ می گردد. این افزایش به خاطر کودکان شش ساله است که بنا به میل والدینشان اسم نویسی کرده اند

نسبت بالای ثبت نام دانش آموزان از دستاوردهای مدارس ابتدایی بلغارستان است. سهم کلی جذب ورودی های جدید در نخستین پایه ابتدایی به منزله درصدی از جمعیت واجد سن قانونی ورود به مدرسه، بر اساس سال های تحصیلی به شرح ذیل است.

داده ها نشان دهنده میزان بالای ثبت نام در پایه اول است. این واقعیت، امکانات و توانایی های نظام آموزش و پرورش را در زمینه تأمین راهیابی به آموزش و پرورش برای تمامی دانش آموزان واجد سن قانونی ورود به مدرسه من جمله ورودی های سنین بالاتر و پایین تر از سن قانونی ثابت می کند. (به همین دلیل در صدورودی ها حتی به بالاتر از ۱۰۰٪ هم می رسد)

نرخ ثبت نام خالص ورودی های جدید پایه اول تحصیلات ابتدایی

به طور کلی، میزان جذب خالص ورودی های پایه اول ابتدایی بالا است. از ۹۸/۱۵٪ تا ۹۹/۳۵٪ متفاوت است. پس از سال تحصیلی ۱۹۹۳-۹۴ که بالاترین میزان جذب خالص یعنی در آن صورت گرفت ما شاهد آغاز سیر نزولی ثبت نام تمامی دانش آموزانی که می بایست در پایه اول ثبت نام کنند. داده های آماری نشان میدهد که در صد تعداد دانش آموزان واجد شرایط ثبت نام نشده در سالهای تحصیلی ۱۹۹۳-۱۹۹۷، ۱۹۹۸-۹۴، ۱۹۹۸-۹۹، به ترتیب ۶۵٪، ۳۶٪، ۱/۸۵٪ بوده است این واقعیت هشدار جدی و زنگ خطر نیست مهم به تمامی دست اندر کاران تا هر چه زودتر در جهت رفع این معضل اقداماتی به عمل آورند. پسران و دختران بلغارستان فرصت مساوی برای برخورداری از تحصیلات دارند. اصلا عوامل و یا تصورهای قالبی مبنی بر جنسیت در حوزه آموزش و پرورش بلغارستان وجود ندارد.



اختلافات اساسی در رابطه با میزان جذب دانش‌آموزان واجد سن قانونی ورود به پایه اول ابتدایی در مناطق مختلف کشور، در شهرها و روستاها مشاهده نشده است همانگونه که می‌توان از داده‌ها پی برد، اختلافهای کوچکی بین میزان جذب دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی در شهرها و روستاها وجود دارد. مناطقی که در آنها میزان جذب به بدترین یا در کمترین حد باشد مشاهده نشده هر چند که مادر برخی بلغارستان با یک سیری از شاخصه‌های اخلاقی ویژه روبرو هستیم، طی چند سال ما شاهد کاهش جذب دانش‌آموز بوده ایم که در این ارتباط پایین‌ترین میزان جذب به مناطق زیر می‌شد:

هاسکووو (۹۵/۵٪ در سال تحصیلی ۹۹-۱۹۹۸، ۹۵/۷۷٪ در ۹۶-۱۹۹۵)،

ورنا (۹۶/۵۸٪ در ۹۵-۱۹۹۴)،

مونتانا (۹۷/۲۴٪ در ۹۹-۱۹۹۸ و روسه (۹۷/۸۳٪ در ۹۵-۱۹۹۴).

بالاترین میزان جذب پایه اول ابتدایی در طی دوره تحقیق به مناطق ذیل مربوط می‌شد:

پلوودیو (۹۹/۴۳٪ در سال‌های تحصیلی ۹۵-۱۹۹۴ و ۹۶-۱۹۹۵ و ۹۹/۴۷٪ در سال ۹۷-۱۹۹۶)،

شهر صوفیه (۹۹/۳۶٪ درصد در ۹۵-۱۹۹۴ و ۹۹/۰۶٪ از ۹۶ تا ۱۹۹۸) نواحی صوفیه

نواحی صوفیه (۹۹/۲۴٪ در ۹۸-۱۹۹۷)

داده‌های آماری نشان می‌دهد که کودکانی هستند که در پایه اول ابتدایی ثبت نام نشده‌اند اما

تعدادشان کم است. این عده پیوسته مایه دغدغه‌های مدارس، معلمان، و مجموعه‌های زیر نظر

شهرداری و مجموعه‌های منطقه‌ای آموزش و پرورش هستند.



نسبت ثبت نام نا خالص

تحلیل نسبت نام نا خالص ثبت نام در بلغارستان نشان دهنده سطح بالایی از ثبت نام در آموزش ابتدایی و قابلیت و ظرفیت کشور جهت تأمین امکانات دستیابی تمامی کودکان به آموزش و پرورش همگانی است. نسبت ثبت نام در دهه اخیر به تدریج از ۹۸/۶۶٪ در سال تحصیلی ۹۱-۱۹۹۰ به ۱۰۰/۳۴٪ در ۹۸-۱۹۹۷ افزایش یافته است. بالاترین نرخ این نسبت‌ها به دوره ۱۹۹۴-۱۹۹۸ مربوط می‌شود. اگر داده‌های مربوط به نسبت نام نا خالص ثبت نام با داده‌های مربوط به ثبت نام در پایه اول ابتدایی مقایسه شود این نتیجه حاصل می‌شود که دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی با موفقیت بیشتری ثبت نام می‌شوند: نسبت نام نا خالص ثبت نام برای سایر پایه‌های ابتدایی پایین‌تر است.

نسبت ثبت نام خالص

نسبت خالص ثبت نام نشان‌دهنده ثبت نام (بورس) گروه سنی قانونی برای آموزش ابتدایی به عنوان درصدی از جمعیت واحد با سن قانونی است. این نسبت اندازه‌گیری دقیقتری از میزان شرکت کودکان واجد سن قانونی ورود به مدرسه ابتدایی در امر ثبت نام به دست می‌دهد. هنگامی که نسبت نام نا خالص ثبت نام با نسبت خالص ثبت نام مقایسه می‌شود، اختلاف بین دو نسبت مذکور می‌توان محاسبه در صد ثبت نام دانش‌آموزان فاقد سن قانونی و دانش‌آموزان واجد سن قانونی را میسر نماید مقایسه داده‌ها در چند سال‌های تحصیلی نشان می‌دهد که این اختلاف پایین‌تر از ۱٪ است. (به جز سال ۹۹-۱۹۹۸ که ۱/۴۴٪ بود). می‌توان گفت که اختلاف بین نسبت خالص ثبت نام و نسبت ۱۰۰٪ می‌تواند محاسبه سهم کودکانی که به سن قانونی مدرسه رسیده‌اند ولی در سطح ابتدایی ثبت نام نشده‌اند را میسر نماید این اختلاف بین ۰/۳٪ تا ۱/۹۹٪ در سال‌های مختلف متغیر



است. افزایش نسبت خالص ثبت نام در اواسط دوره تحت بررسی (۱۹۹۷-۱۹۹۴) و کاهش آن در دو سال اخیر دیده می‌شود. در سال تحصیلی ۹۸-۱۹۹۷، نسبت دانش‌آموزان ثبت نام نشده ۱/۳۶٪ و در ۹۹-۱۹۹۸، ۱/۹۹٪ است. این شاخص‌ها از محرومیت چندین هزار کودک از مدرسه حکایت میکند اقدامات اجرایی و فعالیت‌های اجتماعی برای کاهش این دسته در حال انجام است. تحلیل داده‌ها اختلاف اساسی‌ای را در مورد ثبت نام بر مبنای جنسیت (پسر یا دختر) نشان نمی‌دهد.

نرخ ثبت نامی دانش‌آموزان مقطع آموزش ابتدایی (تناسب بین دو جنس مذکر و مؤنث)

نسبت کلی ثبت نام و نسبت خالص ثبت نام در مدارس شهری در مقایسه با مدارس روستایی بیش‌تر است. داده‌های موجود نشان می‌دهد که پایین‌ترین میزان ثبت نام دانش‌آموزان در آموزش ابتدایی طی دوره مورد بررسی درها سکو (۹۶/۳۳٪) در سال ۹۳-۱۹۹۲، بورگاس (۹۷/۲۷٪) در ۹۹-۱۹۹۸ و مونتاتا (۹۷/۳۰٪) در ۱۹۹۳-۹۴ ثبت شده است. بالاترین میزان‌ها در مناطق ذیل مشاهده شده است: وارنا (۹۹/۷۸٪) در ۹۵-۱۹۹۴، پلوودیو (۹۹/۷۳٪) در ۹۵-۱۹۹۴، شهر سوفیا (۹۹/۰۴٪) در ۹۲-۱۹۹۱. افزایش کلی در میزان ثبت نام در تمامی مناطق در دوره ۱۹۹۷-۱۹۹۴ و کاهش کلی در سال تحصیلی ۹۹-۱۹۹۸ مشاهده شد.

نسبت خالص ثبت نام در آموزش ابتدایی به ازای مناطق مختلف کشور

وزارت آموزش و علوم و هیأت‌های بازرسی مدارس در مناطق و شهرداری‌ها با بررسی وضعیت دانش‌آموزان مردود شده یا دانش‌آموزان ای که در این معرض خطر ترک تحصیل قرار گرفته‌اند در اولویت قرار می‌دهند. در قبال ثبت نام از چنین دانش‌آموزان و بازگرداندن آنها به عرصه آموزش و پرورش احساس مسئولیت سنگینی وجود دارد. بررسی‌های دوره‌ای هم صورت می‌گیرد این اقدامات و بررسی‌ها



در مورد دانش‌آموزان تنبل یا ضعیف اجرا می‌شود تا کاستی‌های آن‌ها جبران شود و برای ماندن آن‌ها در مدرسه هم انگیزه‌ای باشد. فعالیت‌هایی به منظور شکوفایی و بروز علائق آن‌ها سازماندهی می‌شود. کارهای توضیحی و توجیهی در برای والدینی که انگیزه‌ای برای تحصیل فرزندانشان ندارند از طریق مساعدت و کمک سازمان‌ها و انجمنهای غیر دولتی انجام می‌شود. غذا، پوشاک، لوازم التحریر و تجهیزات مدرسه و غیره به صورت رایگان برای کودکان خانواده‌های فقیر از طریق همکاری شهرداری‌ها و هم‌چنین از طریق افراد خیر فراهم می‌شود. ظرفیت خالی مراکز مربوط به کودکان و نوجوانان برای اسکان کودکان خیابانی، سرراهی و یا پرورشگاهی در نظر گرفته می‌شود. تلاش‌های عظیمی با در نظر گرفتن اهمیت مسأله مذکور در حال انجام است چرا که هم شخصیت این کودکان و هم وضعیت جامعه با آن ارتباط دارد.

نرخ دانش‌آموزان مدارس ابتدایی برخوردار از معلم واحد

شاخص تعداد دانش‌آموزانی که با یک معلم آموزش می‌بینند از اهمیت ویژه‌ای در نظام آموزش و پرورش برخوردار است. این شاخص در خصوص شرایط تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و هم‌چنین در خصوص اینکه چه تعداد دانش‌آموز با یک معلم آموزش می‌بینند حاوی اطلاعات ارزشمندی می‌باشد. به کمک این شاخص می‌توان فهمید که یک معلم تا چه اندازه به امکانات لازم جهت شناخت شاگردانش به منظور تعلیم و تربیت درست آنها برخوردار است.

در عین حال این شاخص برای کشورهای مختلف قابل مقایسه است و تعیین‌کننده و نشان‌دهنده میزان هزینه‌ای است که کشور برای آموزش و پرورش دانش‌آموزان صرف می‌کند.



در آموزش ابتدایی، این شاخص در کشور بلغارستان بین ۱۳/۸۴ دانش‌آموز زیر نظر یک معلم در سال تحصیلی ۹۱-۱۹۹۰، ۱۷/۹۳ دانش‌آموز در ۹۴-۱۹۹۳ و ۱۷/۷۱ دانش‌آموز در سال ۹۸-۱۹۹۷ در حال نوسان بوده است. این داده‌ها نشانگر روند افزایشی تعداد دانش‌آموزان به ازای هر معلم در طی دوره ۹۸-۱۹۹۰ است. پس از ۱۹۹۳ هنگامیکه پایه چهارم آموزشی از راهنمایی به ابتدایی منتقل شد، تعداد دانش‌آموزان حدوداً به ۱۰۲۰۰۰ نفر رسید و این در حالی بود که تنها ۵۰۰ معلم برای آنها آماده تعلیم بودند. نفر این امر به افزایش قابل توجه تعداد دانش‌آموزان به نسبت معلمان منجر شد آنچنانکه تعداد دانش‌آموزان (از ۱۳/۸۴ به ۱۷/۹۳ نفر افزایش یافت که در آن هنگام، تغییر مثبت و خوبی بود، نرخهای نسبتاً بالای این شاخص در آموزش ابتدایی (که در راهنمایی و دبیرستان به ترتیب بین ۱۴-۱۳ و ۱۷-۱۶ است) به شرایط ایجاد شده برای آموزش همگانی کودکان و هم‌چنین ماهیت اجباری آموزش مقدماتی و ابتدایی مربوط است. داده‌ها نشان می‌دهد که این شاخص به طرز قابل توجهی در مدارس شهری بالاتر است (مخصوصاً در شهرهای بزرگ‌تری نظیر سوفیا، پلوودیو، وارنا، روسه، بورگاس و غیره) و به طرز قابل توجهی در روستاها کم‌تر است: این نسبت در شهرها ۱۶/۳۶ و در روستاها ۱۰/۲۱ میباشد. این مربوط به سیاستی است که در کشور اجرا می‌شود: حفظ مدارس و کلاس‌های روستاهای کوچک با همان تعداد کم دانش‌آموزان و در جاهای ممکن ثبت نام دانش‌آموزان کم جمعیت یک روستا در روستاهای مجاور. پیامد چنین سیاستی طبعاً عبارت خواهد بود از مراقبت و توجه بیشتر به دانش‌آموزان والبنه نباید از خاطر برد که هزینه آموزش به هنگامیکه تعداد دانش‌آموزان تحت تعلیم یک معلم به ۸ یا ۶ نفر می‌رسد سنگین و دشوار خواهد شد. از لحاظ تقسیم بندی مناطق، بیشترین میزان شاخص در شهرهای سوفیه (۲۱/۹۳ نفر به ازای هر معلم در سال تحصیلی ۹۴-۱۹۹۳) بورگاس (۱۹/۲۰)



نفر در همان سال) روزه ۱۸/۳۲ نفر کمترین میزان شاخص در شهر های سکووو ۱۲/۶ نفر در ۹۱-
۱۹۹۰ مونتانا ۱۲/۶۷ نفر قرار داشت زیادی از مدارس کوچک در روستاهای کوچک مناطق فوق است
همچنین مربوط به شاخصهای پایین فرایندهای جمعیتی و مخصوص آمار تولد است.
طی سالهای اخیر، یکی از وظائفی که وزارت آموزش و علوم آن را در اولویت گذشت عبارت بود از
بهینه سازی شبکه آموزش و پرورش همراه با بررسی شرایط و تعداد دانش آموزان و کودکان متولد پس از
۱۹۹۰ سال این کار وزارتخانه مذکور برای این منظور بود تا تصمیمات مدیریتی برای حفظ و توسعه
مدارس کوچک با ادغام یا تعطیلی آنها اتخاذ گردد. این فرایند برای روستاها و مناطق شهری
کوچک بسیار زیانبار و اسفناک است. تجربه نشان داده است که بستن مدارس روستاهای کوچک به کم
شدن جمعیت و افت روستاها می انجامد. به همین علت برای پیشگیری از چنین مشکلات می باید با
دقت تمام و به طور کاملاً ویژه ای در جستجوی صحیح ترین و قابل قبول ترین راه حل بود با همه این
وجود فرایند بهینه سازی شبکه آموزش و پرورش باعث به روز کردن آموزش، غنی سازی تجهیزات و
تاسیسات فنی و مادی، ارتباطات بهتر و آموزش موثر تر دانش آموزان می شود.

نرخ دانش آموزان دو ساله یا چند ساله به ازای سنوات تحصیلی

شاخص دانش آموزان مردود شده نشان دهنده ناکارایی درونی نظام آموزش و پرورش و یا به بیان
دقیق تر ناکارایی آن در مورد این بخش از دانش آموزان است. این شاخص بیانگر شماری از دانش آموزانی
می باشد که قادر به کسب حد اقل نمره علمی قابل قبول نیستند و یا آنکه نتوانستند از پس مطالب
آموزشی مورد مطالعه برآیند و یا آنکه برای ارتقاء به سطوح بالاتر، از دانش، مهارت و صلاحیت های لازم بی



بهره اند این دسته از دانش آموزان همان پایه قبلی را در سال تحصیلی بعدی می گذرانند. به همین دلیل این شاخص هر ساله مورد بررسی دقیق قرار می گیرد و در واقع این کار شرط لازم و مهم جهت اتخاذ تصمیمات شایسته مدیریتی میباشد. تحلیل داده های مربوط به دانش آموزان مردودی در مدارس ابتدایی نشان می دهد که طی دوره ۹۸-۱۹۹۰ تعداد این دانش آموزان ۲۸۰۰ تا ۵۷۰۰ نفر یا بین ۲٪ تا ۵٪ کل دانش آموزان- در نوسان بوده است. طی سالهای گذشته این روند رو به کاهش گذارده است. این کاهش حائز اهمیت بوده و نشان دهنده تلاش هایی است که از سوی معلمان و مدارس برای این نوع دانش آموزان انجام می شود. همانگونه که ملاحظه می گردد، تعداد دانش آموزان مردودی در ابتدای دوره (طی سالهای ۹۲ و ۹۱ و ۱۹۹۰) بیش از حد زیاد است، مخصوصاً طی سال ۱۹۹۱ که بر ۶۱۱۸ نفر بالغ گمردودید.

این تعداد به ازای هر مدرسه ۱/۵ تا ۲ نفر است. خاطر نشان می گردد که مدارس دارای آموزش و پرورش عمومی بالغ بر ۳۵۰۰ مدرسه است. این تعداد و درصد در ارتباط با تعداد کل دانش آموزان چندان زیاد نیست، اما هنگامیکه برای تعلیم و تربیت موفقیت آمیز هر کودک تلاش می کنیم، می توان گفت که تعداد دانش آموزان دو ساله قابل ملاحظه است. در مورد دلایل مردود شدن و از سرگیری پایه قبلی توسط دانش آموزی که نمره بدی از امتحانات در پایه یک دریافت کرده است اطلاعات کاملی و دقیق در دست نیست. به همین علت نمی توان در این مورد به طور دقیق قضاوت کرد و معلوم ساخت که آیا مردود شدن دانش آموزان به خاطر عدم دسترسی، پیچیدگی و دشواری مواد آموزشی بوده است و یا بخاطر عقب ماندگی رشد فکری و یا جسمی دانش آموز و به خاطر دلایل دیگر. اما می توان اثبات کرد که معلمان پایه ابتدایی و مخصوصاً معلمان پایه اول ابتدایی تلاش زیادی می کنند تا هر کودک را با سواد کنند و به او آموزش دهند تا کودک سال تحصیلی را با موفقیت به پایان برساند.



در کشور (بلغارستان)، طبق سنت‌های حاکم پس از اتمام سال تحصیلی معلمان به صورت فوق العاده سعی می‌کنند به کودکانی که به لحاظ تربیتی دچار نواقص و نارسایی بوده و یا در معرض خطر مردودی می‌باشند بیشتر آموزش دهند تا سال تحصیلی را با موفقیت به پایان برسانند.

اما در پایه دوم ثبات بیشتری در تعداد و درصد دانش‌آموزان دوساله (ردی) طی سال‌های ۹۸-۱۹۹۰ مشاهده می‌شود و بین ۳۴۰۰ تا ۴۶۰۰ دانش‌آموز بوده است. در سال ۹۶-۱۹۹۵، بالاترین درصد دانش‌آموزان دو ساله (ردی) یعنی ۴/۳۰٪ و پایینترین درصد در ۹۱-۱۹۹۰ یعنی ۳/۲۱٪ بوده است. باید توجه داشت که در صد معدودی در پایه دوم طی سالهای گذشته حدود ۴٪ بوده است و نباید از یاد برد که دانش‌آموزانی که در پایه اول به خاطر عدم بر خور داری از توانایی های لازم فکر مردود میشوند در پایه دوم تعدادشان کمتر می شود و نکته دلالت بر این می کند که معلمان با این نوع دانش آموزان در پایه اول آن طور که شایسته است کار نکردند. ۴/۶۸٪ دانش‌آموزان دو ساله در ۹۴-۱۹۹۳ تعدادشان در سال اخیر (۹۸-۱۹۹۷) به ۳۰۷۹ یا ۲/۹۸٪ رسیده است.

نرخ مردودی های مدارس ابتدایی

آمار نشان می دهد که دانش‌آموزان مردودی در پایه اول در سال‌های اخیر از حدود ۰/۵۱۲٪ در سال ۹۱-۱۹۹۰ به ۰/۲۶۷٪ در ۹۸-۱۹۹۷ به صورت تدریجی در حال کاهش بوده است. گرایش در پایه‌های سوم و چهارم نیز اینگونه است. کاهش مذکور قابل ملاحظه است. می توان آن را یک نوع تغییر بسیار مثبت دانست. اما به هر حال در پایه دوم ثبات و حتی افزایش این آمار دیده می‌شود.



به طور کلی می‌توان گفت که در تمامی پایه‌های ابتدایی در تمام سال‌های تحصیلی، پسران بیش از دختران مردود می‌شوند. در برخی در ۱۹۹۷-۹۸ رسید. در ۱۹۹۳-۹۴ در حد پایین تر است و به $\frac{1}{0/066}$ در سال ۱۹۹۶-۹۷ به $\frac{1}{0/69}$ موارد، این نسبت قابل در نوسان بوده است

ثابت شده است که دختران ساعی تر و درس خوان تر از پسرانند و آمار دختران ردی از ۰/۱۱۱ تا ۰/۲۱۶ متغیر است و در سال‌های گذشته به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. لازم است که معلمان توجه بیشتری به پسران بکنند، به این نحو که مسئولیت آن‌ها را در قبال انجام تکالیف آموزشی افزایش داده و انگیزه مطالعه آن‌ها را ارتقاء دهند. از داده‌های ارائه شده در خصوص دانش‌آموزان مردودی طی دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۰ نتایج مهم‌تر ذیل را می‌توان استخراج نمود:

درصد دانش‌آموزان مردودی در یک سال تحصیلی بخش کوچکی معادل ۲/۸۰ تا ۵/۶۴ درصد از کل دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در پایه‌های آغازین مدارس ابتدایی را در بر می‌گیرد تعداد این دانش‌آموزان از ۲۸۰۰ تا ۵۷۰۰ نفر است که نتوانستند حداقل نمره علمی لازم را کسب کنند و از عهده محتویات درسی تدریس شده بر آیند و این امر نشان دهنده ضعف و ناکارایی نظام آموزشی باشد. این ارقام نشان می‌دهد که در مدارس ابتدایی، شرایط سخت و محکمی در مورد کیفیت آموزش تنظیم شده است به گونه‌ای که دانش‌آموزان بدون بهرهمندی از آموزش لازم نمی‌توانند به آسانی از پایه‌ای به پایه دیگر ارتقا یابند. مشاهدات بسیاری از معلمان نشان می‌دهد که پیشرفت بخش عظیمی از دانش‌آموزان در سال دوم بسیار کم است این واقعیت نوع تنبیه برای دانش‌آموز است که شدیداً اعتماد به نفس و احساسات عاطفی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از این لحاظ برانگیزه او برای مطالعه



بهبتر نیز تاثیر می گذارد. تعداد دانش آموزان مردودی طی سال های گذشته روندی مثبت و مطلوب داشته است که نشان دهنده تلاش ها و مراقبت های انجام شده از سوی معلمان و مدارس است.

دلایل مردودی گوناگون است. در مورد بخشی از دانش آموزان می توان گفت که آن ها به دلیل عدم آمادگی لازم برای مدرسه مردود شده اند. دلیل محتمل دیگر ممکن است پیچیدگی، دشواری و غیر قابل بودن درک محتویات درسی باشد، اما مشاهدات و تحلیل ها نشان می دهد که تا حد قابل توجهی از این پیچیدگی ها و دشواری ها به خاطر مقتضیات سنی دانش آموزان است و نمی توان آن را دلیل عمده دانست. بخشی از دانش آموزان به علت عدم برخورداری از سلامتی رد می شوند و بخش دیگری از نژاد رومال Roma و از خانواده های ضعیف اجتماعی هستند. اغلب این دانش آموزان به دلیل نداشتن لباس، کفش، غذا و دور بودن راه و غیره از مدرسه غایب می شوند. بر اثر غیبت و در نتیجه حاضر نشدن بر سر کلاس درس، مطالب روی هم جمع شده و در نتیجه از لحاظ درسی عقب می افتند.

در نظام آموزش و پرورش بلغارستان مخصوصاً برای آموزش مطلوب در پایه های ابتدایی اصول و سنن خاص گنجانیده شده تا به کودکانی که از لحاظ یادگیری و تسلط بر مطالب درسی عقب هستند مراقبت و توجه ویژه ای گردد. معلمان با این دسته به صورت متمایز و انفرادی کار می کنند تا شکافهای آموزشی بین آن ها و سایر دانش آموزان از بین برود و از لحاظ آموزش پیشرفت کنند. در مورد برخی از دانش آموزان تلاش آن ها سودمند نیست. سنجش و آزمایش پزشکی کودکان در بدو ورود به مدرسه کاملاً لازم است این آزمایش ها از این لحاظ اهمیت دارد که به کمک آنها می توان رشد و آمادگی عمومی و فکری کودکان را برای ورود به مدرسه تعیین کرد و بدنبال آن هر چه زود تر واز همان سال اول آموزش شکاف ها و کاستی ها را بر طرف کرد تعدادی از مدارس به صورت مستقل و بر اساس



روش‌ها و معیارهای خودشان آزمایش‌ها را انجام می‌دهند، اما در سطح ملی برای چنین امری معیار و ابزار مشخص وجود ندارد. تلاش‌های خاص و بیشتری برای آموزش هر کودک لازم است تا او مطابق استعدادهای خودش مطالعه کند و در جهت موفقیت در تحصیل خودش بکوشد.

شاخص بسیار مهم دیگری که کارآیی نظام آموزش و پرورش را تعیین می‌کند. تعداد دانش‌آموزانی است که در مدارس ابتدایی به پایه‌های بالاتر ارتقا یافته باشند. این شاخص از طرز آموزش منتج می‌شود که هم تاثیر فرایند آموزش و هم قابلیت فهم و جذب مطالب درسی را به لحاظ مقتضیات سنی و استعدادهای دانش‌آموزان به منظور نیل به آموزش موفقیت آمیز نشان می‌دهد.

داده‌های مربوط به این شاخص در مورد آموزش و پرورش ابتدایی چه چیزی را ثابت می‌کند؟

دانش‌آموزانی که طی دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۰ به پایه بالاتر راه یافته‌اند بیش از ۹۰/۶۱٪ هستند و در بعضی از پایه‌ها به صورت جداگانه (مثلا در پایه چهارم ابتدایی) تا سقف ۹۵/۸۴٪ نیز می‌رسند. این نتیجه بسیار بالا و خوبی در زمینه آموزش است و نشان می‌دهد که کارآیی فعالیت‌های و زحمات معلمان و مدرسه مفید و کافی بوده است. در پایه اول، این درصد در سال ۹۶-۱۹۹۵ به بالاترین حد یعنی ۹۳/۸۹ درصد و در سال ۹۳-۱۹۹۲ به پایینترین حد یعنی ۹۲/۱۶٪ یعنی اما در سال‌های اخیر بین ۹۲ تا ۹۴٪ بوده است که نشان دهنده افزایش است. با لحاظ این مطلب که دانش‌آموزان بدون اجرای آزمایش‌های پزشکی و مربوط به آموزش و تعلیم و تربیت وارد مدرسه می‌شوند. یعنی تعیین و تشخیص شرایط و آمادگی آن‌ها برای مدرسه انجام نمی‌شود، و اینکه بخش قابل ملاحظه‌ای (حدود ۵۰ درصد) از طریق کودکان‌ها به مدرسه راه می‌یابند، اما حتی نیمی از کودکان بدون آموزش مقدماتی وارد مدرسه می‌شوند. با لحاظ تمام این مطالب می‌توان گفت که این درصد خیلی بالا است. افزایش این



درصد در سال تحصیلی اخیر (۹۸-۱۹۹۷) به بیش از ۹۴/۱۳٪ نشان دهنده موفقیت شیوه‌های آموزشی و کارایی و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان است.

در پایه دوم درصد دانش‌آموزان راه یافته به پایه بعدی به میزان‌های بالاتری یعنی تا ۹۵/۸۴٪ در سال ۹۵-۱۹۹۴ می‌رسد هم‌چنین در این پایه‌ها در صدها از بین ۹۳-۹۵٪ کمتر نیست که نشان دهنده ثبات و کمی افزایش در سال‌های اخیر است. در همین ارتباط باید گفت که نتایج پایه‌های ۳ و ۴ نیز بین ۹۳-۹۵٪ در حال توسان بوده است. پایین‌ترین درصد دانش‌آموزانی که به پایه بعدی راه یافته‌اند، به پایه چهارم مربوط می‌شد که در طی سال تحصیلی ۹۵-۱۹۹۴ به ۹۰,۶۱٪ رسید. این مقدار در سال تحصیلی ۹۸-۱۹۹۷ به بالاترین حد خود یعنی ۹۵,۷۱٪ رسید.

کارایی بالا در آموزش مستلزم نزدیک شدن این میزان‌ها به رقم ۱۰۰٪ است، اما وجود دانش‌آموزان مردودی و هم‌چنین اخراجی‌ها نشان می‌دهد که مدرسه و معلمان هنوز باید برای حفظ دانش‌آموزان اخراجی و بهبود آموزش‌ردی‌ها تلاش کنند.

نرخ دانش‌آموزان اخراجی

نرخ دانش‌آموزان اخراجی بنابر داده‌های آماری حدود ۱-۳٪ است و تنها در برخی از پایه‌ها، در برخی از سال‌های تحصیلی، به سقف ۴-۵٪ می‌رسد. این شاخص نیز نشان دهنده عدم موفقیت آموزش و پرورش ناتوانی معلمان و مدرسه در حفظ و انگیزه دادن به تمام یا بخشی از دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل، و هم‌چنین عدم احساس مسئولیت خانواده در زمینه اجرای قانون آموزش اجباری کودکان تا سقف ۱۶ سال است. مطابق آمار بدست آمده، تعداد این دانش‌آموزان چندان زیاد نیست. در مورد برخی پایه‌ها، در برخی از سال‌های تحصیلی تعداد دانش‌آموزان اخراجی به ۳۸۳ نفر (در پایه دوم) در سال



تحصیلی ۹۴-۱۹۹۳ و در حد بسیار کم یعنی ۰/۸۰٪ بوده است. در پایه‌های دیگر، نیز تعداد ۶۲۱۲ دانش‌آموز (۵/۸۹٪) اخراج شده اند. تعداد دانش‌آموزان اخراجی معمولاً بین ۱۰۰۰ و ۳۰۰۰ نفر متغیر است. در پایه اول، پایین‌ترین میزان این شاخص طی سال ۹۲-۱۹۹۱ یعنی ۱/۰۶٪ و بالاترین آن در ۹۵-۱۹۹۴ یعنی ۴/۱۰٪ مشاهده شده است. افزایش تعداد دانش‌آموزان اخراجی در سال‌های اخیر تا ۳۶۰۰-۳۴۰۰ (۳/۲۵٪-۳/۲۰٪) در ۹۸-۱۹۹۷ بوده است. در پایه دوم تعداد این دانش‌آموزان بسیار پایین‌تر بوده و از ۰/۸۰٪ تا ۱/۹۳٪ در نوسان بود و تنها در ۹۲-۱۹۹۱ به ۳/۳۹٪ افزایش یافت. در پایه سوم نیز شاخص میزانهای نسبتاً پایین است و از ۱/۲۰٪ در ۹۴-۱۹۹۳ به ۲/۶۷٪ در ۹۶-۱۹۹۵ اما در برخی از سال‌ها (۹۳-۱۹۹۲) به ۴/۳۰٪ نیز می‌رسد. مثلاً، در سال‌های اخیر، تعداد دانش‌آموزان اخراجی در پایه سوم کاهش می‌یابد. در برخی از سال‌های تحصیلی درصد دانش‌آموزان اخراجی بسیار پایین است و در سایر سال‌های تحصیلی قابل توجه است. نمی‌توان گفت که گرایش مداوم به سمت افزایش در حال شکل‌گیری است. بلکه در سال‌های اخیر در حال کاهش بوده است، اما در همه پایه‌ها این اتفاق نیفتاده و در برخی سال‌های تحصیلی به خاطر وجود شرایط خاص آموزش ابتدایی در کشور بلغارستان آمار اخراجی بسیار زیاد است. دلایل اخراج یا خروج دانش‌آموزان از مدرسه در آمارهای ما به صورت مجموع و کلی برای کل نظام آموزشی مدارس کشور محاسبه و گزارش شده است و به صورت طبقه‌بندی شده نیست در اغلب اوقات، پدیده اخراج به دلیل عدم تمایل دانش‌آموزان به ادامه تحصیلاتشان (۱۲٪ دانش‌آموزان اخراجی)، خروج از کشور (حدود ۲۴٪) انتقال بدون تایید ثبت نام شان در مدرسه‌ای دیگر (۱۱٪) بیماری‌های مزمن (۱/۹٪) و غیره بوده است. بخش عظیمی از دانش‌آموزان اخراجی از نژاد روما (Roma) هستند و به دلایل اجتماعی و اقتصادی از والدین بیکار، کثرت فرزندان خانواده، نداشتن



لباس و کفش و غذا و غیره و همچنین به دلیل انگیزه پایین برای تحصیل، مدرسه را ترک می کنند بسیاری از مدارس برای این دسته از دانش آموزان به جمع آوری هدایا از قبیل می پردازند پوشاک، کفش می پردازند و، از طریق حمایت و پشتیبانی مالی در مدارس تغذیه رایگان را سازماندهی می کنند، و به جستجوی حمایت مالی از طریق سازمانهای غیر دولتی و همچنین از طریق هیأت معتمدان مدرسه می پردازند، اما این مراقبتها و توجهها موقتی و بی ثبات است. امکانات مالی مدارس جهت مراقبت از دانش آموزان و آموزش آنها بسیار ناکافی است. به طور کلی می توان گفت که کارایی آموزش در مدارس ابتدایی بسیار خوب است. حدود ۹۵-۹۲٪ دانش آموزان به پایه های بالاتر ارتقا می یابند و همگام با همکلاسان خود به تحصیل ادامه می دهند. حدود ۵-۲٪ دانش آموزان ردی هستند و تقریباً به همین تعداد (۵-۲٪) نیز دانش آموزانی هستند که سرگردان یا در معرض اخراج و ترک تحصیل هستند. در مورد پایه های اول این آمارها آنقدر بالا نیست، اما هنگامیکه این آمار دانش آموزان کم سن و سال را هم در برگیرد در آنوقت مدارس باید تلاش بیشتری برای حفظ و نگهداری آنها در مدرسه بکنند و به صورت کار آمد آنها را آموزش دهند.

ضریب کارایی

ضریت کارایی یک شاخص تلفیقی است که نشان دهنده کارایی درونی نظام آموزش و پرورش است. این شاخص، تاثیر مردودی و شده و ترک تحصیل و اخراجی از مدرسه را بر کارایی نشان می دهد. همانطور که نشان داده شده است، ضریب کارایی از طریق مقایسه تعداد مطلوب و تعداد واقعی سال تحصیلی-سال مربوط به یک مجموعه هم پایه ای تعیین می شود. مثلاً، ضریب کارایی در پایه پنجم برای ۹۱-۱۹۹۰ به شرح ذیل محاسبه می شود:



میزان کل: ۳۶۲۰ (تعداد مطلوب سال تحصیلی) تقسیم بر ۳۹۸۱ (تعداد واقع سال

ضریب کارآیی پایه پنجم

بالاترین میزان ضریب کارآیی مربوط به سال تحصیلی ۹۷-۱۹۹۶ بوده و معادل $91/31\%$ می باشد
۹۱۷ دانش آموز با موفقیت تحصیلات ابتدایی را به پایان رسانده اند ۷۸۵ نفر ($78/5\%$) از این میزان در
هیچ سالی مردود نشده اند، ۱۲۰ نفر (12%) با یک سال (مردودی) و ۱۲ نفر ($1/2\%$) با ۲ سال
مردودی فارغ التحصیل شده اند. تعداد دانش آموزانی که ترک تحصیل کرده اند یا اخراج شده اند ۷۴
نفر ($7/4\%$) از کسانی است که بدون مردودی بالا رفته اند و ۹ نفر ($0/9\%$) از مردودی ها است یعنی روی
هم رفته ۸۳ نفر اصلاً نتوانستند فارغ التحصیل شوند که ۹ نفر شان مردودی کامل و ۷۴ نفر اخراجی
بودند. پایین ترین میزان ضریب کارآیی مربوط به سال ۹۴-۱۹۹۳ است که معادل $87/75\%$ بوده و بر اساس
آن ۸۹۰ دانش آموز (89%) با موفقیت تحصیلات ابتدایی را به اتمام رسانده اند، ۷۵۳ نفر ($75/3\%$) از این
تعداد بدون مردودی، ۱۲۳ نفر ($12/3\%$) با یک سال مردودی و ۱۴ نفر ($1/4\%$) با دو سال (مردودی)
تحصیلات ابتدایی را با موفقیت به اتمام رساندند. (منظور از «با موفقیت» این است که اخراج یا ترک
تحصیل برایشان پیش نیامده است و در نتیجه از مجموعه هم پایه ای خارج نشده اند.)

تعداد دانش آموزان اخراجی یا ترک تحصیلی ۹۸ نفر یعنی معادل ($9/8\%$) کسانی است که بدون
مردودی ارتقاء یافته اند و ۱۲ نفر ($1/2\%$) مربوط به مردودی ها است که جمعاً ۱۱۰ یا 11% می شود.
(11% یا نفر $98+12=110$) ضریب کارآیی در مورد پسران بین $87/97\%$ در ۹۴-۱۹۹۳ و $90/87\%$ در
۹۷-۱۹۹۶ در نوسان بوده است. کسانی که در ۹۴-۱۹۹۳ اخراج شده اند و یا ترک تحصیل کرده اند، ۱۱۸
نفر ($11/8\%$) و در ۹۷-۱۹۹۶، ۷۴ نفر ($7/4\%$) هستند. پسرنانی که با موفقیت ولی با یک سال مردودی در



۹۳-۹۴ فارغ التحصیل شده اند، ۱۲۸ نفر (۱۲/۸٪) و با دو سال ۱۹ نفر (۱/۹٪) هستند. کسانی که با موفقیت، اما با یک سال مردودی در ۹۴-۹۷ فارغ التحصیل شده اند، ۱۳۹ نفر (۱۳/۹٪) و با دو سال مردودی ۱۶ نفر (۱/۶٪) هستند. ضریب کارایی در مورد دختران بین ۸۸/۲۵٪ در سال ۹۲-۹۳ و ۹۱/۵٪ در ۹۶-۹۷ متغیر است. کسانی که در سال ۹۲-۹۳ اخراج شدند یا ترک تحصیل کردند، ۱۳۶ نفر (۱۳/۶٪) و در ۹۶-۹۷، ۹۸ نفر (۹/۸٪) هستند. دخترانی که با یک سال مردودی در ۹۲-۹۳ با موفقیت فارغ التحصیل شدند، ۱۲۰ نفر (۱۲٪) و با دو سال مردودی ۱۲ نفر (۱/۳٪) هستند. در ۹۶-۹۷، فارغ التحصیلان دارای یک سال مردودی، ۹۶ نفر (۹/۶٪) و دارای دو سال مردودی ۷ نفر (۰/۷٪) هستند.

ضریب کارایی مقطع آموزش ابتدایی

بالاترین ضریب کارایی در تحصیلات ابتدایی مربوط به سال ۹۰-۹۱ می شود که معادل ۹۱/۵٪ بوده است. این ضریب حتی از بالاترین ضریب کارایی در پایه ۵، در دوره مذکور مورد بررسی (۹۰-۹۱) نیز بالاتر است. در این سال تحصیلی، بالاترین ضریب کارایی مقطع ابتدایی مربوط به ضریب پسران است: ۹۱/۵۳٪. اما در مورد دختران، بالاترین ضریب کارایی مربوط به سال تحصیلی ۹۳-۹۴ است که ۹۲/۶٪ بوده و بالاتر از بالاترین ضریب کارایی مربوط به کل دانش آموزان (پسر و دختر) است.

پایین ترین ضریب کارایی کل (پسر و دختر) در مقطع ابتدایی در ۹۵-۹۶ ۸۸/۶٪ می باشد. این میزان از پایین ترین ضریب کارایی در پایه پنجم بالاتر است. ضریب کارایی در مورد پسران در ۹۳-۹۴ در پایین ترین حد قرار می گیرد (۸۶/۰۷٪) و این میزان به هر حال از ضریب کارایی پایه پنجم بالاتر است. ضریب کارایی دختران در سال ۹۱-۹۲ در پایین ترین حد یعنی ۸۹/۵۴٪ قرار داشت و این میزان نیز (همانند مورد فوق که مربوط به پسران بود) از ضریب پایه پنجم دختران بالاتر است. بر پایه



داده‌های مربوط به و پیشرفت و ارتقاء دانش‌آموزان در مجموعه‌های هم‌پایه‌ای مورد بررسی در صفحات اخیر، می‌توان میزان دانش‌آموز سال هزینه شده کلی برای تکمیل موفقیت آمیز تحصیلات توسط یک دانش‌آموز در مقطع ابتدایی و همچنین تعداد لازم سال به ازای هر دانش‌آموز فارغ التحصیل را می‌توان محاسبه کرد.

آموزش متوسطه

ساختار آموزشی

آموزش متوسطه در کشور بلغارستان به متوسطه عمومی / جامع و فنی و حرفه‌ای تقسیم‌بندی می‌شود. آموزش متوسطه عمومی در مدارس متوسطه جامع (با طول دوره تحصیلی چهار ساله) و مدارس فنی و حرفه‌ای (با طول دوره تحصیلی چهار تا ۵ سال) ارائه می‌شود. دانش‌آموزان می‌توانند در مدارس فنی و حرفه‌ای مشروط بر تکمیل کلاس هفتم یا هشتم پس از قبولی در امتحانات ورودی، مطابق با شروط مدرسه در رشته‌های زبان / ادبیات مادری، ریاضیات، علوم انسانی ثبت‌نام نمایند.

تعداد مدارس متوسطه دولتی در سال تحصیلی ۱۹۹۷/۹۸، ۳۱۵۷ مدرسه با مجموع ۸۴۱۴۴۶ هزار دانش‌آموز بود. آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای در مدارس فنی و حرفه‌ای به شرط اتمام کلاس هشتم و اتمام یک دوره چهار ساله و بنا بر تکمیل کلاس هفتم و یک دوره ۵ ساله فراگیری زبان خارجی ویژه ارائه می‌شود. آموزش فوق‌همچنین از طریق مدارس فنی حرفه‌ای با یک برنامه آموزشی سه ساله ارائه می‌شود. تعداد مدارس فنی و حرفه‌ای در سال ۱۹۹۷/۹۸، ۴۸۴ مدرسه با مجموع ۱۸۸۵۸۷ هزار دانش‌آموز بوده است. آموزش در کشور بلغارستان تا سن ۱۶ سالگی اجباری می‌باشد. سال تحصیلی از دو ترم تشکیل شده است. سال تحصیلی از ۱۵ سپتامبر شروع و در ماه می - ژوئن به



اتمام می‌رسد. پس از اتمام موفقیت‌آمیز آموزش متوسطه و قبولی در امتحانات کتبی ورود به دانشگاه، مدرک آموزش فوق دیپلم متوسطه صادر می‌شود. دارندگان این مدرک مجاز به ادامه تحصیل در مقطع آموزش دانشگاهی بدون اینکه محدودیتی در انتخاب نوع آموزش دانشگاهی داشته باشند، می‌باشند. پذیرش در مؤسسات آموزش دانشگاهی بر اساس قبولی در امتحانات ورودی می‌باشد. نوع و تعداد این امتحانات از طریق مؤسسات آموزش دانشگاهی مشخص می‌شوند که دقیقاً به محتوی دروس تحصیلی مربوط می‌باشند.

ارزشیابی تحصیلی

نظام معمول تعیین نمره در آموزش متوسطه به صورت عددی از ۶-۲ به شرح ذیل است:

۶: عالی ؛ ۵: خیلی خوب ؛ ۴: خوب ؛ ۳: رضایت بخش ؛ ۲: ضعیف

بالاترین نمره ۶ و نمره قبولی ۳

پایین ترین نمره ۲

آموزش تکمیلی متوسطه

ساختار آموزشی



مدارس متوسطه عمومی مشتمل بر بخشهای تخصصی	۱۷/۱۸ - ۱۴/۱۵ (آموزش ۴ تا ۵ ساله)
مدارس متوسطه فنی و حرفه ای / فنی	۱۷ - ۱۵ سال ۳ سال بطول می انجامد
انواع مختلف مدارس تکمیلی متوسطه	۱۸ - ۱۴ سال ۴ تا ۵ سال بطول می انجامد

برنامه های آموزشی

سرفصل های آموزشی در سطح ملی تهیه و تنظیم می شوند. دروس عمومی به صورت یکسان و برای تمامی دانش آموزان مدارس متوسطه عمومی اجباری می باشند.

رشته های اجباری و اختیاری بر حسب تخصص مورد نظر مدرسه انتخاب و تدریس می گردند.

تحصیلات فنی و حرفه ای شامل آموزش عمومی و آموزش فنی و حرفه ای تخصصی می شوند. در مدارس فنی، رشته های عمومی اجباری برای تمامی دانش آموزان یک نواخت می باشند.

رشته های اجباری و اختیاری مطابق با مقطع تخصصی متفاوت می باشند.



پذیرش تحصیلی

در کشور بلغارستان آموزش متوسطه رایگان می باشد به استثنای مدارس بخش خصوصی مدرک آموزش مقدماتی برای پذیرش در این مقطع از آموزش کفایت می نماید. در مجموع باید گفت در مدارس تخصصی (برای مثال مدارس فنی و مدارس آموزش زبان) امتحان ورودی وجود دارد که مطابق با نوع مدرسه متفاوت می باشد.

ارزشیابی تحصیلی

در این سطح، ارزیابی دانش آموز همانند ارزیابی آموزش مقدماتی می باشد. دوره های متوسطه تکمیلی عمومی (که شامل بخشهای تخصصی می شوند)، دوره های فنی و دوره های فنی و حرفه ای با امتحانات نهایی موفق به کسب مدرک آموزش متوسطه می شوند، خاتمه می یابند. دوره های مدارس فنی و حرفه ای نیز با امتحانات نهایی فنی و حرفه ای که منتج به کسب مدرک صلاحیت در مقطع فنی و حرفه ای می شوند، خاتمه می یابند. مدرک آموزش متوسطه برای پذیرش در آموزش عالی مورد نیاز می باشد.

آموزش عالی

ساختار آموزشی

آموزش دانشگاهی از طریق دانشگاه ها، مؤسسات و آکادمیها ارائه می شوند. آموزش دانشگاهی تحت مسؤولیت و نظارت وزارت آموزش و علوم می باشد.



برخی از دانشگاه ها خصوصی می باشند. آموزش مبتنی و مطابق با قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵ و ماده قانون مدارک علمی و عناوین علمی مصوب سال ۱۹۹۶ می باشد.

نهادهای مرکزی

بخشهای ملی که در روند مدیریت، همکاری دو جانبه‌ایی میان مقامات و ادارات مسؤول و وزارت آموزش و علوم برقرار می نمایند.

بخش نظارت که عهده دار مسوولیت مدیریت آموزشی و برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های دانشگاهی است.

مقاطع آموزش عالی

مقطع کارشناسی

این مقطع تحصیلی در مؤسسات آموزش دانشگاهی (HEI) حداقل چهار سال بطول می انجامد و به کسب مدرک لیسانس در بسیاری از رشته ها منتهی می‌گردد. این مدرک مطابق با ماده قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵ به تصویب و تأیید رسیده است. با این وجود، بعضی از رشته ها وجود دارند که مدرک لیسانس به آنها تعلق نمی گیرد و بعضی از تحصیلات مستقیماً منتج به دومین مقطع (مقطع کارشناسی ارشد) می گردند.

مقطع کارشناسی ارشد

این مقطع تحصیلی در مؤسسات آموزش دانشگاهی پنج سال پس از اتمام آموزش متوسطه یا یکسال بعد از کسب مدرک لیسانس بطول می انجامد. دانشجویان (معمولاً) پایان نامه ای را به اتمام



می رسانند و باید در امتحان دولتی قبول شوند. دیپلم *Za Visse Obrazovanie* قبل از تصویب ماده قانون مصوب سال ۱۹۹۵، بطور رسمی به عنوان مدرک معادل کارشناسی ارشد در نظر گرفته می شد.

مقطع دکتری

این مقطع تحصیلی سومین مقطع در نظام آموزش دانشگاهی می باشد و به کسب عنوان دکترا منتهی می گردد. این مدرک براساس کارهای تحقیقاتی شخص و دفاع قابل قبول از پایان نامه اعطاء می شود. این مدرک جایگزین مدرک پیشین *Kandidat Na Naukite* می باشد. ماده قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵ به تمامی دارندگان مدرک فوق حق استفاده از عنوان دکتر را و مجاز می داند.

پذیرش تحصیلی

برای تحصیلات آموزش غیر دانشگاهی و آموزش دانشگاهی اخذ پذیرش تحصیلی ضروریست. علاوه بر اخذ پذیرش ارائه مدرک متوسطه تحت عنوان *Diploma Za Sredno Spetzialno Obrazovanie* نیز ضروریست. از جمله سایر شرایط پذیرش میتوان به گذراندن امتحانات ویژه، اخذ پذیرش برای تحصیلات دانشگاهی و ارائه مدرک متوسطه تحت عنوان *Diploma Za Sredno Obrazovanie* اشاره نمود.

پذیرش تحصیلی دانشجویان خارجی

متقاضیان خارجی تحصیل در مؤسسات دولتی آموزش دانشگاهی بلغارستان باید آموزش متوسطه را به اتمام رسانده، دیپلم متوسطه (معادل دیپلم متوسطه بلغارستان) احراز نموده و به طور رسمی از



سوی وزارت آموزش و علوم پذیرفته شده و برای شرکت در دانشگاه‌های کشور مورد درخواست مشکلی نداشته باشند. مدارک آموزش متوسطه متقاضیان باید به زبان بلغاری، انگلیسی یا فرانسوی ترجمه شده باشد و مورد تأیید مقامات کشور متقاضی قرار گیرد. معمولاً نمرات رشته‌های تخصصی نباید نسبت به معدل کل کمتر از ۶۲ درصد باشد. رشته‌های تخصصی باید با رشته‌هایی که در کشور بلغارستان تدریس می‌گردند مشابه باشد. دانشجویان خارجی تنها باید برای تحصیل در یک رشته مشخص اقدام کنند و بر اساس رقابت معمول و همگام با شرایط ویژه آموزش دانشگاهی مورد پذیرش واقع شوند.

داوطلبان باید دارای پاسپورت یا ویزای معتبر باشند و از طریق افراد واجد شرایط و مؤسسات معتبر کشورشان تأیید و معرفی شده باشند. یادگیری زبان بلغاری به عنوان شرط لازم و ضروری بوده و یک سال پیش دانشگاهی برای کسب و مطالعه زبان بلغاری اختصاص داده می‌شود و دانشجویان ملزم به گذراندن این دوره می‌باشند. بعد از یکسال، امتحانات زبان بلغاری از دانشجویان در مؤسسه دانشجویان خارجی به عمل می‌آید. جهت اخذ پذیرش برای تمامی کالجها و مؤسسات آموزش دانشگاهی باید به مؤسسه خاص رجوع شود. برای ورود به کالجها و مؤسسات آموزش دانشگاهی از بخش ملی درخواست پذیرش می‌شود. تاریخ اخذ پذیرش و درخواست فرم برای تحصیلات مقطع دانشگاهی اول سپتامبر می‌باشد. تحصیلاتی که در کشورهای خارجی به اتمام رسیده اند باید به تأیید مرکز ENIC وزارت آموزش و علوم بلغارستان برسد. اتخاذ تصمیم نهایی در رابطه با تأیید مدرک علمی برعهده وزارت آموزش و علوم می‌باشد. از جمله مهمترین توافقات و قراردادهای چند جانبه که در برگیرنده برسمیت شناختن تحصیلات خارجی است می‌توان به پیمان لیسبون که به سال ۱۹۹۷ به منظور برسمیت شناختن تحصیلات خارجی در اروپا و تأیید مدرک دانشگاهی آنها به تصویب رسید، اشاره نمود.



مدارک مورد نیاز دانشجویان خارجی

- فرم درخواست با ارائه شرح حال مختصر، دانشگاه و رشته‌های تخصصی که آنها تمایل به تحصیل در آنها را دارند.

- ارائه کپی مدرک آموزش متوسطه - برای دانشجویانی که درخواست دروه کامل آموزش نموده‌اند.

- رونوشت آکادمیک برای دانشجویانی که درخواست دوره‌های آموزش جزئی نموده‌اند.

- گواهی‌نامه پزشکی که یک ماه قبل از درخواست مشروط بر ارائه گواهی به کنسولگری از طریق

مقامات کشور درخواست کننده صادر شده باشد.

- دو قطعه عکس.

وزارت آموزش و علوم یا مراکز آموزش دانشگاهی باید برای پذیرش متقاضیان در طول یکماه از

تاریخ ارائه مدارک تصمیم گیری نمایند.

دانشجویان خارجی در مراکز آموزش دانشگاهی و سازمانهای علمی پس از ارائه مدرکی دال بر

اتمام موفقیت آمیز دوره آموزش زبان شروع به تحصیل نمایند.

تایید مدارک و گواهی‌نامه‌های آموزش عالی

مطابق ماده قانون آموزش دانشگاهی، برسمیت شناختن مدارک اتمام مقطع آموزشی ازسوی وزارت

علوم و آموزش صورت می‌گیرد.



متقاضیان باید اصل دیپلم و رونوشت مدارک دانشگاهی را به صورت ترجمه شده به زبان بلغاری به سفارت بلغارستان در کشور خود تحویل دهند تا اقدامات لازم برای تایید آنها به عمل آید. روند برسمیت شناختن مدارک با نظارت کمیسیون تخصصی که از نمایندگان مراکز آموزش دانشگاهی و متخصصین وزارت آموزش، علوم و تکنولوژی تشکیل شده است، صورت می پذیرد. جمهوری بلغارستان قراردادهای دو جانبه‌ای در ارتباط با برسمیت شناختن مدارک آموزشی با تعدادی از کشورهای جهان منعقد نموده است.

ارزیابی تحصیلی

مطابق ماده قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵ برسمیت شناختن دیپلم‌های مقاطع آموزشی از طریق وزارت علوم و آموزش صورت می گیرد. از داوطلبان درخواست می شود تا مدرک، اصل دیپلم و رونوشت مدرک دانشگاهی به شرط به کسب گواهی کنسولی از مقامات صادر کننده مدرک و ترجمه این مدارک به زبان بلغاری را منوط به کسب گواهی کنسولی از سفارت بلغارستان در کشور صادر کننده مدرک ارائه نمایند. کار برسمیت شناختن و تایید مدارک از طریق کمیسیون متخصصین وزارت آموزش و علوم صورت می پذیرد. در حقیقت، کار تایید مدرک شامل مقایسه و برآورد مهمترین شاخص‌های دوره تحصیلاتی هم‌چون طول دوره آموزش، محتوی آکادمیک، میزان ساعات آموزشی، امتحانات نهایی و یا دفاع از پایان نامه می‌گردد. ماده قانون آموزش ملی مصوب سال ۱۹۹۸ و ماده قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵ در جهت ارزیابی تحصیلی آموزش عالی به تصویب رسیده اند.



دانشگاه ها

در حال حاضر ۲۹ مؤسسه دولتی و ۵ مؤسسه خصوصی آموزش دانشگاهی در کشور وجود دارد. این مؤسسات در ارائه آموزش بصورت منظم، تمام وقت، پاره وقت، شبانه یا آموزش از راه دور آزاد می باشند. سال تحصیلی از ماه سپتامبر - اکتبر شروع و در ماه می - ژوئن طی ۲ ترم تشکیل می شود به اتمام می رسد. زبان رسمی آموزش، بلغاری می باشد. با این وجود، برخی دانشکده ها و تعدادی از مؤسسات آموزش دانشگاهی، دوره هایی را به زبان انگلیسی، آلمانی یا فرانسوی ارائه می نمایند. در سال تحصیلی ۱۹۹۷/۹۸ مجموع تعداد دانشجویان در مقطع آموزش دانشگاهی ۲۵۲۱۸۶ هزار نفر بود.

وضعیت معیشتی دانشجویان

سرویسهای اصلی ارائه دهنده خدمات به دانشجویان در مقطع ملی عبارت از مؤسسات Institut Des Etudiants Trangers De Sofi می باشند.

دانشجویان خارجی می توانند خدمات مورد نیاز خود را از مراکز ویژه ای که به همین منظور اختصاص یافته دریافت نمایند. از جمله این مراکز می توان به Stoudentski Obchtjityai Stolov (مرکز ارائه خانه به دانشجویان)، اتحادیه دانشجویان بلغاری و اتحادیه های دانشجویی دیگر اشاره کرد. چه برای دانشجویان بلغاری و چه برای دانشجویان خارجی، تسهیلات لازم از جمله تسهیلات بهداشتی و رفاهی هم چون استفاده از راه آهن، مترو، هواپیما و غیره فراهم می باشد.



امکانات آموزشی کادر نظام آموزشی

طی دوره مورد بررسی (۱۹۹۰-۱۹۹۹) تعداد معلمان دارای مدرک و توانایی بالا که دارای تحصیلات عالی بودند به طرز قابل توجهی افزایش یافت. در ۱۹۹۸، به ۷۴٪ برای کل نظام آموزش و پرورش و به ۵۶/۵۳٪ برای آموزش ابتدایی می‌رسد. تغییرات در نظام به منظور تعیین و اعطای مدارک کارکنان تعلیم و تربیت در ابتدای شروع به کار و همچنین در طول دوره اشتغال، بر پایه شرایط حاضر جهت تدریس در مدرسه دارای اولویت شده است. تلاش‌هایی با نظر به نوسازی و بازنگری نظام آموزش و پرورش به منظور افزایش سطح توانایی و مدارک کارکنان نظام آموزشی در حال انجام است هدف از این کار تمرکز زدایی و افزایش کارآمدی آن می‌باشد.

در سال‌های اخیر مدارس حرفه‌ای معلمانی را برای رشته‌های تخصصی استخدام کرده است: که عبارتند از طراحی و برنامه ریزی مشاغل، اقتصاد، کارشناسی کشاورزی و غیره: این متخصصان قبلاً از سازمانها، شرکت‌ها و مؤسسات پروژه‌ای به دلیل کاهش تولید اخراج شده اند. این متخصصان در گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های تخصصی توانایی و مهارت‌های تعلیم و تربیت را کسب کرده اند. استخدام آن‌ها در نظام آموزش و پرورش به افزایش سهم معلمان دارای مدارک بالا و تجربه غنی در امور تولیدی کمک کرد. با استفاده از تخصیص هزینه طبق برنامه PHARE، مراکز تنظیم و اعطای مدارک متولیان آموزش با هدف روز آمد سازی و ارتقاء سطح مدارک معلمان و سایر مربیان حرفه‌ای تاسیس شده است.



گواهینامه های آموزشی

قانون جدید نظام آموزش دانشگاهی، ادامه تحصیل بعد از اتمام آموزش متوسطه را به یک دوره ۶- ۴ ساله محدود کرده است. فارغ التحصیلانی که تمامی دروس تعیین شده مربوط به تحصیلات عالی را با موفقیت فرا بگیرند به اخذ مدرک دانشگاهی نائل می آیند. دارندگان مدارک دانشگاهی مجاز به ادامه تحصیل در رشته خاص با طول دوره تحصیلی مختلف (از یک ماه تا دو سال) می باشند.

گواهی نامه احراز صلاحیت در رشته و تخصصی آموزش دانشگاهی پس از تعلیم و آموزش دراز مدت در رشته های مختلف احراز صلاحیت در کارشناسی ارشد که مطابق با برنامه آموزشی و برنامه های تحصیلی برای کسب صلاحیت و آموزش دانشگاهی ارائه و سازماندهی می شوند، صادر می شود. گواهی نامه تخصصی و احراز صلاحیت در آموزش تخصصی دانشگاهی پس از اتمام دوره آموزشی که صلاحیت استفاده از مدرک را ارائه می نماید صادر می شود. گواهی نامه احراز صلاحیت در آموزش تخصصی دانشگاهی پس از یک دوره دراز مدت تعلیم در رشته های مختلف کارشناسی ارشد صادر می شود. قانون جدید، قطعاً فرصتی را برای دبیرستانها در جهت احراز صلاحیت و هماهنگی با دانش روز فراهم می سازد. چنین آموزشی، شرایط کسب مدرک آموزشی یا تخصص خاصی را ارائه نمی نماید. نوع و محتوی برنامه های فوق برای کسب متد و آموزش جدید به منظور پذیرش تغییرات و روشها و کسب دانش روز می باشد. قبل از پذیرش و تصویب قانون جدید، دارندگان دیپلم آموزش دانشگاهی مجاز بودند تا در قالب نوعی از تحصیلات کارشناسی ارشد با طول دوره حداقل سه سال ادامه تحصیل دهند، ثبت نام و شرکت در تحصیلات کارشناسی ارشد منوط به قبولی در امتحان شفاهی و کتبی در رشته علمی مربوطه و قبولی در امتحان صلاحیت و تبحر در زبان خارجی می شد.



تعلیم و آموزش مطابق با برنامه آموزشی خاص با راهنمایی و نظارت ناظر علمی ارائه می‌شود. آموزش فوق در برگرنده سخنرانیها و سمینارهایی در ارتباط با رشته تخصصی، دوره‌های زبان و پایان‌نامه می‌باشد. پس از قبولی در امتحانات مربوط به رشته تخصصی و امتحان زبان و پس از دفاع در پایان‌نامه در مقابل شورای علمی تخصصی، کمیسیون تأیید آموزش دانشگاهی مدرک علمی کارشناسی ارشد Kandidat Na Naukite را اعطاء می‌نماید. براساس پذیرش و تصمیم‌گیری شورای تأیید آموزش دانشگاهی دیپلم Kandidat Na Naukite صادر می‌شود. ماده قانون جدید آموزش دانشگاهی تغییرات چشمگیری را در ساختار آموزش دانشگاهی به لحاظ ارائه و معرفی مقاطع و مدارک آکادمیک ذیل به‌مراه داشته است.

مدارک غیر دانشگاهی

دوره های غیر دانشگاهی منتج به کسب مدرک PO می شوند. مدرک Bakalavur در پایان دوره های دانشگاهی که چهار سال بطول می انجامند، اعطاء می شود.

دوره های دانشگاهی که ۵ تا ۶ سال یا بیشتر بطول می انجامند، به کسب مدرک Magistur می شوند منتهی می‌گردد که در پایان یک سال تحصیلی بعد از مدرک Bakalaur اعطاء می شود.

مدرک Bakalavur این امکان را به دانشجویان می دهد تا در دوره های سه ساله دکتری (The Doktor) شرکت نمایند. مدرک فوق دیپلم از طریق کالجها پس از تحصیلات حرفه ای با سه سال آموزش ارائه می شود. به دارندگان مدرک فوق اجازه ادامه تحصیل در مقطع لیسانس اعطا می گردد.



مدارک دانشگاهی

مدرک کارشناسی : حداقل نیاز به یک دوره چهار ساله آموزش دارد که در طی آن فارغ التحصیلان آموزش بهتر و بیشتری را می بینند و به مدرک لیسانس نائل می شوند. دوره آموزش هر تخصص از طریق برگزاری امتحانات دولتی یا دفاع از پایان نامه لیسانس پایان می یابد.

مدرک کارشناسی ارشد : حداقل نیاز به یک دوره پنج ساله آموزش یا یک سال بیشتر از دوره لیسانس دارد و فارغ التحصیلان آموزش کارشناسی ارشد را دیده و به مدرک فوق لیسانس نائل می شوند. دوره آموزش این دوره تخصصی نیز بواسطه برگزاری امتحانات دولتی یا دفاع از پایان نامه فوق لیسانس به پایان می رسد. سال تحصیلی عالی از ماه سپتامبر آغاز می شود و تا پایان ژوئن ادامه دارد. بیشترین زمان تعطیلات از اول جولای تا ۱۵ سپتامبر می باشد. زبان آموزشی نیز زبان بلغاری است.

مدرک دکتری : حداقل نیاز به یک دوره سه ساله آموزش پس از تکمیل و کسب مدرک فوق لیسانس دوره چهار ساله آموزش پس از مدرک لیسانس دارد. به فارغ التحصیلان این مقطع مدرک دکتری اعطاء می شود. دبیرستان ممکن است سومین مدرک را در یک تخصص علمی ویژه ای که صلاحیت آن را دارد آموزش دهد. آموزش تحت نظارت و راهنمایی ناظر علمی که از طریق شورای دکتری آموزش دبیرستان انتخاب شده است، اعمال می شود. آموزش دوره دکتری و مدرک آکادمیک نیز می تواند از طریق مراکز تحقیقات علمی همانند، آکادمی علوم بلغارستان، آکادمی کشاورزی و... در زمینه تخصصهای علمی که مورد پذیرش این مراکز می باشد، ارائه شود. مدرک دکتری به انهایی اعطاء می شود که در امتحانات برنامه آموزشی صلاحیت لازم را کسب و از پایان نامه هایشان دفاع کرده باشند. به عنوان مدرک قانونی اصلی مربوط به نظام آموزش دانشگاهی ماده قانون نظام عالی مصوب



سال ۱۹۹۵ و متمم های بعدی این قانون، شروط یکسان ملی به منظور کسب آموزش دانشگاهی پیش بینی شده است. هر برنامه آموزشی برای یک تخصص ویژه به تصویب و تایید دولت و هماهنگی با شرایط خاص ملی نیازمند است. این شرایط از طریق وزارت آموزش و علوم با مشارکت فعال خود مؤسسات آموزش عالی تعیین می شوند. پس از آن، شرایط فوق از طریق شورای وزراء تصویب و رسماً و اعلان می شوند و از قابلیت اجراء نیز برخوردارند. شرایط یکسان ملی برای برنامه های آموزشی مقطع فوق دیپلم و کارشناسی تصویب شده اند. ضرورت تصویب چنین شرایطی برای مدارک کارشناسی ارشد در دست بررسی می باشد. شرایطی که در فوق توضیح داده شد، مدت تحصیل هر رشته اصلی هر برنامه های درسی را تصریح می نماید. برنامه کامل آموزش آکادمیک در مقطع مؤسسه نیز به تصویب رسیده است. اخیراً، تمام توجهات به طرف ضرورت و لزوم شرایط واضح در دوره های تحصیلی و برنامه های آموزشی معطوف گشته است. کی از دلایل اصلی تمرکز تلاشها و کوششها بر روی این مقوله، در نظر گرفتن مؤسسات آموزش عالی و مقامات دولتی می باشد که با کیفیت آموزش در ارتباط می باشند. مؤسسه اعتباری و ارزیابی ملی به منظور هدایت و کنترل و کسب اطمینان از کیفیت بخش آموزش دانشگاهی تأسیس شده است. گسترش برنامه های تحصیلی مناسب و شروطی که با نیازهای دانشجویان تطابق داشته باشد، ممکن است در آینده مورد توجه واقع شوند. با این وجود، قوانین موجود، برنامه های آموزش انفرادی و خاص و انتخاب بیشتر دوره ها برای دانشجویان را مد نظر قرار داده است. اغلب مؤسسات آموزش دانشگاهی یک چنین فرصتهایی را به تعداد معدودی از دانشجویان اعطاء می نمایند.



آموزش بزرگسالان

سیاستهای آموزشی

لایحه هیئت معتمدان مدارس (۱۹۹۹) هم اکنون در مجمع ملی در حال بحث بررسی است. در صورت تصویب این لایحه گزینش، ساختار، کارکردها و فعالیت‌های هیئت معتمدان مدارس به عنوان بخشی از جامعه مدنی شکل مشخص خود را پیدا خواهد کرد هدف از این کار احیای سنت دیرینه بلغارستان، یعنی شرکت جامعه در حل مسایل رفتاری و اخلاقی مدرسه، تعلیم و تربیت و دانش‌آموزان است. سیاست کلی کشور در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات تشریح و تفسیر شده است. برنامه شش ساله‌ای برای اجرای آن در نظر گرفته شده است. ایده‌های اساسی این سیاست کلی نیز به نو به خود زیر بنای سیاست جمهوری بلغارستان را در زمینه توسعه جامعه اطلاعاتی کشور در بخش ((سرمایه گذاری جهت آینده کشور)) فراهم می‌کند. نیاز کشور به آموزش علوم و مهارت‌ها به بزرگسالان با سرعت در حال افزایش است. این نیاز شرطی اساسی برای بقای بشریت قلمداد می‌شود. بزرگسالان به دلایل مختلف تحصیلات خود را ادامه می‌دهند که از جمله عبارتند از: بهبود توانایشان در کار (ها) بهتر شدن کیفیت زندگی و فراهم شدن زمینه برای سازماندهی و برنامه ریزی اوقات فراغت و غیره. بزرگسالان در خانه، مزارع و موسسات و جوامع آموزشی که به آن وابسته اند آموزش می‌بینند. با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و اولویت‌های ملی در زمینه توسعه نظام آموزش بزرگسالان و همچنین محدودیت‌ها و اولویت‌های سنت‌های ملی و گرایش‌های جهت‌گیری‌های اروپایی، چند هدف کلی را که اهمیت ویژه ای دارد به شرح ذیل تعیین می‌کنیم؛ توسعه آموزش و پرورش بزرگسالان در شرایط گذار از نظام قبلی آموزش کشور به نظام دموکراتیک آینده از طریق تشویق جوامع و انجمن‌های محلی، تأمین فرهنگ



صلح و آرامش و روابط افراد در قالب این فرهنگ، بر قرار ی گفتگوی تمدن‌ها و احترام به حقوق انسان‌ها؛ تضمین ((دسترسی مساوی)) به اشکال گوناگون آموزش برای همه بر اساس توانایی‌ها و تمایلات آن‌ها و صرف نظر از جنسیت، اصالت نژادی و مذهب.

اهداف آموزشی

طرح برنامه ملی آموزش بزرگسالان به تصویب رسیده است که هدف اصلی آن شکل‌گیری نظام ملی آموزش بزرگسالان است اهداف اساسی این برنامه به قرار ذیل است:

تطبیق آموزش بزرگسالان با اصلاحات اجتماعی و اقتصادی کشور؛

اصلاح و ارتقای سطح دسترسی بزرگسالان به انواع گوناگون آموزش علوم و مهارت‌ها؛

شرح و تفضیل تمهیدات قانونی مورد نیاز

ادغام و همکاری فعالیت های مؤسسات مرتبط با آموزش بزرگسالان در سطوح ملی و مذهبی و محلی؛

همکاری نزدیک با دست اندرکاران اجتماعی در طول اجرای برنامه ملی؛

ایجاد قابلیت‌های حرفه‌ای و انطباق آن با شرایط و استانداردهای اروپا؛

بدین ترتیب تمامی شکل های آموزش با توجه به نیازهای بنیادین یادگیری کودکان، جوانان و بزرگسالان تحت پوشش قرار می گیرد.

دستاوردهای آموزشی

بلغارستان در حوزه آموزش رسمی عمومی و حرفه‌ای سنت‌های خوبی دارد، با این حال تعداد عظیمی از مردم به دلایل مختلف نمی‌توانند مدرکی در زمینه تحصیلات ابتدایی و/یا متوسط و هم‌چنین



در زمینه قابلیت‌ها و توانایی‌های حرفه‌ای اخذ کنند. گذار به سمت اقتصاد بازار، عوامل اقتصادی را کاملاً به تحرک واداشته است و در نتیجه آن عرضه کار و خدمات از تقاضا فراتر رفته است. در این شرایط، کارفرمایان و استخدام کنندگان ترجیح می‌دهند و با برخورداری از امکاناتی که در اختیار دارند متخصصان دارای مدارک بالا را استخدام کنند. تقاضا برای آموزش و تحصیلات عالی و اخذ مدارک بالا افزایش یافته است چرا که:

- سیاست و اقتصاد جمهوری بلغارستان که اکنون بر روی اروپا و جهان باز است به آموزش و مدارکی نیازمند است که با شرایط اروپایی منطبق باشد:

- پیشبرد باز سازی ساختار اقتصادی اقتضا می کند که کارکنان و افراد شاغل به دنبال تکمیل مدارک و صلاحیت های خود باشند.

- افراد بیکار در می یابند که در صورتی شانس ورود به بازار کار را دارند که از مدرکی برخوردار باشند و با مدرکشان را ارتقاء ببخشند.

افراد استخدام شده (دارای کار) تلاش می کنند شغلشان را با بهبود سطح مدرک و قابلیت و توانایی خود حفظ کنند. جامعه در کل نیاز به اصلاح و بهبود مداوم سطح آگاهی و دانش و مهارت ها را بخاطر توسعه اقتصادی، فنی و اجتماعی _ فرهنگی و نیاز به دموکراسی را برای تامین حقوق و آزادی مردم درک و تصدیق می کند. این نیاز و تقاضا در زمینه آموزش و خدمات اعطای مدرک، روحیه کارآفرینی بلغاری ها را بیدار کرد. در نتیجه بسیاری از شرکت ها تاسیس شده است که فعالیت عمده آنها آموزش و اعطای مدرک است که متأسفانه در بسیاری موارد آموزش ارائه شده و مدرک اعطا شده دارای اعتبار و تخصص لازم نیست. شرکت ها آموزش را ساماندهی می کنند، مدرک اعطا می کنند و



سپس افراد شبه متخصص (با مدرک بی اعتبار یا کم اعتبار) وارد بازار کار می شوند و طبعا نمی توانند وظایف و امور محوله را درست انجام دهند. در سال ۱۹۹۰ اعطای مدارک به بزرگسالان طبق دستورالعمل ۴۲ هیات وزیران «به منظور یک نظام هماهنگ ملی در زمینه اعطای مدارک به کارکنان» تصویب شد و از سال ۱۹۹۹ آموزش حرفه ای دانش آموزان و بزرگسالان به موجب قانون آموزش همگانی تنظیم و قاعده مند شد و در دسامبر ۱۹۹۷ مصوبه حمایت از بیکاران و ارتقا و افزایش کار به اجرا گذاشته شد. به رغم وجود این قوانین هنوز نیازهای بسیار زیادی در زمینه شیوه سازماندهی و وضع قوانین گذاشته شد. به رغم وجود این قوانین هنوز نیازهای بسیار زیادی در زمینه شیوه سازماندهی و وضع قوانین وجود دارد (استانداردهای آموزشی از طرف دولت برای مشاغل، استانداردهای دولتی برای اعطای مدرک در یک شغل جداگانه شبکه ای از واحدهای آموزشی دارای مجوز و وضع قوانین برای آموزش و فعالیت مشاغلی که به ظرفیت و توانایی نیازمند است). با حل این مسایل فرآیند آموزش قاعده مند خواهد شد و نظارت بر عملکرد نظام اعطای مدارک عملی می شود. ظاهرا مسایل اصلی نوعا مربوط به ناکافی بودن هزینه های مربوط به فعالیت های آموزشی و همچنین مربوط به مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور است. نظام آموزش و پرورش ظرفیت این را دارد که از عهده سایر مسایل و مشکلات تعلیم و تربیتی، شیوه ای، مربوط به سازماندهی و اداری برآید.

نرخ برابری جنسیت در بهره مندی از برنامه های آموزشی

بر پایه داده ها، سطح بی سوادی و بی مهارتی جمعیت مونث به طور متوسط ۲/۵ برابر مردان است. نسبت بی سوادی افراد ساکن شهرها و روستاها ۱ به ۴ است، یعنی تعداد افراد بی سواد ساکن روستاها ۴ برابر بیش تر است. جمعیت کل کشور ۶۸۶۹۹۶۸ نفر، می باشد که از میان ۳۲۹۳۹۴۷ نفر زن



و ۳۴۲۳۰۶۶ نفر مرد با سوادند. در مقایسه با مردان، تعداد زنان بهره مند از دانش و مهارت‌های پایه‌ای کم‌تر است. اما آمار زنان بی سواد در کل ناچیز است. بنا بر داده‌های یونسکو در مورد همین شاخصها در سال ۱۹۹۵ آمار بی سواد تقریباً به نصف تقلیل یافته است و نسبت بی سواد مرد - زن به سطح سواد به ترتیب عبارت است از : شاخص کل با سواد: ۹۸٪ به ۱/۰۶ است شاخص برابری جنسی در سواد: ۹۸/۷٪ زنان بی سواد عمدتاً یا مسلمان هستند که در مناطق کوهستانی زندگی می کنند و به دین اسلام معتقدند و یا زنانی هستند که کولی به شمار می آیند. دلایل این امر ممکن است به خرافات مذهبی شود که به جمعیت ترک ساکن بلغارستان منحصر نمی‌شود و در برخی موارد، مربوط به مهاجرت گروههایی از این افراد از کشوری به کشور دیگر نیز می‌شود (مهاجرت ترکهای بلغار) از آنجا که تحقیقات و آمار رسمی در زمینه مذکور وجود ندارد، می‌توان اینگونه فرض کرد که کودکان مهاجرانی که در پایان دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ به ترکیه مهاجرت کردند و در نخستین پایه در مدارس بلغارستان ثبت نام نکرده اند، سواد خواندن و نوشتن به زبان بلغاری را ندارد. با این حال، این به این معنا نیست که بی سوادند، چراکه آنها احتمالاً در طول اقامتشان در ترکیه به مدرسه رفته اند. مسلمانان بلغاری همواره گرایش بسیار مثبت به آموزش و یادگیری علوم و مهارت‌های داشته اند.

آنچه مایه تاسف است مساله بی سوادی مردم اقلیت کولی است که به صورت سنتی اصلاً تمایلی به مدرسه رفتن ندارند. همانطور که می‌دانید این افراد اغلب اوقات تغییر مکان می‌دهند و این باعث ناسازگاری و عدم تمایل آنها در زمینه پرداختن به مسایل مربوط به آموزش علوم و مهارت‌ها به فرزندانشان می‌شود. بنا بر داده‌های مؤسسه آمار ملی بلغارستان، گروه نژادی کولی ۳/۷٪ یا ۳۱۴۰۰۰ نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد و عمدتاً در شهرها متمرکز شده است.



یک بخش از برنامه ملی آموزش بزرگسالان به مسایلی نظیر مطالعه و بررسی مسایل مربوط به بی سوادى و اقدامات خاصى که باید برای حل این مسایل انجام شود. می پردازد. برای دستیابی به مقاصد مذکور، هدف اصلی برنامه فوق این است که فعالیت‌های مؤسسات رسمی و غیر رسمی را بر پایه مشارکت مساوی به هم نزدیک کند.

- کارآمدی سیاست‌های راهبردی طرح و برنامه‌های آموزش همگانی به دستاوردهای اصلی از سال ۱۹۹۰ مربوطند که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

۱- ارتقا و افزایش روند دمو کراتیک و انسانی کردن آموزش و پرورش و تمرکز زدایی اداری

۲- بسط آزادی مدارس و معلمان برای حل مسایل تعلیم و تربیت

۳- افزایش حقوق و امکانات و فرصت‌ها در زمینه انتخاب برای دانش‌آموزان، معلمان و والدین

۴- تأمین آزادی قابل توجه در زمینه فعالیت در مدارس

۵- توسعه و شکل‌گیری قوانین جدید برای نظام آموزش و پرورش کشور.

نرخ سوادآموزی بزرگسالان

نخستین داده‌های رسمی مربوط به سواد بعد از ۱۹۹۰، در آمارگیری سال ۱۹۹۲ جمع آوری شده است. در این آمارگیری، مردم از احاط با سوادى یا بیسوادى مورد ارزیابی قرار گرفتند.

آمارسال ۱۹۹۲:

جمعیت کل ۶۸۶۹۹۶۸ نفر است که ۶۷۱۷۰۱۳ نفرشان خود را با سواد معرفی کرده اند، بنابراین

درصد باسوادان: ۹۷٪ می باشد. این امر ثابت می‌کند که عمده جمعیت در بلغارستان باسوادند. مقایسه



داده‌ها در دو دوره آمارگیری متوالی سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۲ به وضوح ویژگی‌های آموزشی جمعیت بلغارستان و همچنین برخی از گرایش‌های عمده کشور و مردم را نمایان می‌سازد.

آموزش معلمان

معلمینی که در مدارس پیش دبستانی و دبستان تدریس می‌نمایند در مؤسسات آموزش عالی غیر دانشگاهی برای مدت ۳ تا ۴ سال یا در مقطع دانشگاه برای مدت ۴ تا ۵ سال آموزش می‌بینند. معلمین مدارس متوسطه تکمیلی و مقدماتی (متخصصین) دروسی را که می‌خواهند تدریس نمایند از طریق دوره‌های دانشگاهی که ۴ یا ۵ سال بطول می‌انجامند، فرا می‌گیرند. معلمین طبق قرارداد تدریس می‌نمایند و از طریق اساتید ارشد استخدام می‌شوند.

آموزش معلمین پیش دبستانی

در دانشگاه‌ها، آموزش به مربی کودکان، برنامه‌های آموزشی به مولفان و ارائه متغیرهای آموزش پیش دبستانی صورت می‌گیرد اخیراً توجه خاصی به فراگیری زبان‌های خارجی در همان سنین اولیه مبذول می‌گردد. در این رابطه طرح‌های آموزشی متعددی هم به کار گرفته می‌شود. معلمان پیش دبستانی در گروه دوم قرار می‌گیرند و موظفند ۶ ساعت در روز کار کنند لازمه آموزش‌ها و آموخته‌های آنها این است که برای دانش‌آموزان از لحاظ وسعت علم و دانش به مشابه یک دایره المعارف باشند و علمشان منحصر به یک موضوع خاص نگردد. حدود ۹۸٪ معلمان در مؤسسات پیش دبستانی بلغارستان درجه کالج یا دانشگاهی دارند و ۲٪ باقیمانده داری تحصیلات متوسطه‌اند (کالج از لحاظ نوع و سطح



علم از دانشگاه پایین تر اما کاربردی تر است) مربیان کودکان در هفت دانشگاه و طی برنامه‌های ویژه‌ای آموزش می‌بینند. و مدرک کارشناسی ارشد مدرسه کالج تربیت معلم به آن‌ها اعطا می‌شود.

آموزش معلمان مقطع ابتدایی

معلمان مدارس ابتدایی در دانشگاه Kiiment Ohridski شهر صوفیا، دانشگاه Saints Eyril و دانشگاه Methodws شهر Valiko Ternovo، دانشگاه Shumen، دانشگاه Stpassi شهر Plovdiv و در برخی از آکادمیهای هنر آموزش می‌بینند. این دوره‌ها بین چهار تا پنج سال بطول انجامیده و به کسب مدرک حرفه‌ای معلمی منتهی می‌گردند.

نرخ معلمان ابتدایی برخوردار از مدرک آموزشی تدریس

تصدی منصب معلمی یا مربیگری، مطابق با تحصیلات آموزش‌های مورد نظر در مدرسه، مهارت‌های شغلی و مدارک مورد نیاز از طریق دستورالعمل‌های شماره دو وزارت آموزش و علوم (MOS) که در مجله دولت شماره ۶۹ سال ۱۹۹۴ منتشر شده و طی سالهای ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ اصلاح شده و تنظیم و تعیین و مقررات آن به تصویب رسید. طبق این دستورالعمل‌ها، منصب معلم ابتدایی را آن دسته از معلمان دارای تحصیلات عالی می‌توانند تصدی کنند که دارای مدرک تخصصی تعلیم و تربیت مدارس ابتدایی باشند. مدرک لازم بواسطه فارغ التحصیلی از آموزش عالی یا کالج تربیت معلم اخذ می‌شود که از سوی موسسات آموزشی بلغارستان به موجب ماده ۲ قانون آموزش عالی اعطا می‌شود و یا از سوی مؤسساتی که به مؤسسات فوق الحاق شده اند. به موجب ماده ۵ بند ۳ از دستورالعمل‌های شماره ۲ اعطا می‌شود.



معلمان پایه‌های ابتدایی مدارس بلغارستان به طور معمول دارای مهارت‌های بالا و مدرک معلمی هستند. بنا بر داده‌های حاصل از بررسی انجام شده درصد افراد دارای مدرک لازم جهت تدریس در مدارس ابتدایی بر طبق استانداردهای ملی بالاتر از ۹۸٪ است. در سالهای بی دلیل بعد از ۱۹۹۰ این از ۹۶٪ تا ۹۸٪ در نوسان بوده است.

معلمان بدون مدرک تدریس در مدارس ابتدایی کمی بیش از یک در صدند و تنها در سال تحصیلی ۹۵-۱۹۹۴ به حدود دو درصد رسیده اند. در میان این معلمان، معلمانی هستند که دارای تحصیلات عالی یا کالج هستند اما در رشته‌های دیگر تعداد معلمان بدون مدرک در ۹۸-۱۹۹۷ بسیار کم است م تنها به ۳۲۷ نفر می رسد این معلمان اغلب در مدارس کوچک واقع در محل‌های بسیار دور افتاده تدریس می‌کنند. در بلغارستان عده‌ای معلم دوره ابتدایی هستند که واجد شرایط هستند و برای تدریس آموزش دیده اند، اما بیکارند، اما بخش از آن‌ها تمایل به تدریس در محل‌های دور افتاده نیستند دارند این امر باعث بکار گیری و استخدام معلمانی می‌گردد که از صلاحیت های لازم بی بهره اند. روی هم رفته این امر جز مشکلات حاد کشور نمی باشد چرا که مراکز آموزش عالی و برخی کالج‌ها همواره به طور سالیانه به آموزش این گونه معلمان می پردازند و به آنها مدارک لازم را اعطاء می کنند همچنانکه از اطلاعات بدست آمده بر می آید در صد معلمان با صلاحیت و دارای مدرک بالا و در مقابل در صد معلمان کار آمد و بدون مدرک بسیار پایین است. نیاز به گفتن نیست که چنین وضعیتی شرط لازم برای استقرار و دستیابی به آموزش و پرورش مؤثر و کار آمد است. معلمان دوره ابتدایی از عظمت و اقتدار مطلوبی برخوردارند. آنها چه از نظر علمی و چه به لحاظ نظری رشد یافته و تعلیم دیده اند. آنها خودشان را به لحاظ بهره مندی از مهارت‌های تربیتی و آموزشی و تخصص های شغلی شاخص ها می



داند و در چگونگی جذب شاگردان کوچک به مدرسه، مراقبت و آموزش آنها و سازگار سازی فعالیتهای آموزشی با شرایط سنی و ویژگی های فردی آنها از آگاهی های لازم به خوبی بهره مندند و بر شیوه ها و فنون آموزش بازی و فعالیتهای مهارتهای جالب آموزشی و سرگرمی اشراف کاملی دارند دانش آموزان ابتدایی، بنابر بررسی های انجام شده انگیزه مثبت بالایی برای مطالعه و حضور مشتقانه در مدرسه دارند و این به میزان زیادی به دلیل مهارت ها و دانش بالای حرفه ای معلمان ابتدایی است. فعالیت های آنها مخصوصاً از این لحاظ مهم است که شرایط را برای حل مسایل مربوط به آموزش همگانی آماده و تضمین کند.

نرخ معلمین ابتدایی برخوردار از مدرک دانشگاهی

تعداد معلمانی که در نخستین مرحله از آموزش ابتدایی در دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۰ د رس داده اند بین ۲۳۱۴۰ تا ۲۴۹۲۰ نفر متغیر بوده است. میزان مشخصی از افزایش یا کاهش این رقم به اندازه ۵۰۰ - ۳۰۰ نفر طی سال های تحصیلی دیگر مشاهده می شود و اکثر سال های تحصیلی خصوصیتشان این است که دارای افزایش هستند ولی سال های ۹۳-۱۹۹۲ و ۹۸-۱۹۹۷ با کاهش همراه بودند. کاهش تعداد معلمان در سال گذشته تحصیلی (۹۸-۱۹۹۷) که در حدود ۱۱۰۸ نفر بوده است قابل تامل است - و این امر عمدتاً به خاطر تصویب شده به کاهش تعداد دانش آموزان به دلایل جمعیت شناختی بوده است - تعداد دانش آموزان ۷۲۹۵ به میزان نفر در همان سال تحصیلی کاهش یافته است. دلیل دیگر این امر مربوط می شود به اقدامات وزارت آموزش و علوم و شهرداری ها که در جهت بهینه سازی و باز سازی شبکه آموزشی کشور از طریق افزایش موفقیت و باز دهی کلاسها و با تحلیل شرایط و دورنمای مدارس در شهرهای کوچک و روستاها صورت گرفته است. این امر طبعاً مستلزم اخراج برخی از معلمان



به میزان ۴-۵٪ در این دوره بوده است. طی سال تحصیلی ۹۴-۱۹۹۳ افزایش تعداد دانش‌آموزان تقریباً ۱۰۲۲۰۰ نفر بوده است. زیرا پایه چهارم از مدرسه راهنمایی به دبستان منتقل شد یعنی از مرحله دوم به مرحله اول آموزش پایه. با این حال در همان سال تعداد معلمان تنها ۵۰۰ نفر افزایش یافت که به بهبود نسبت دانش‌آموز- معلم و بازدهی کامل کلاسها انجامید. به طور کلی، ثبات خاصی در تعداد معلمان وجود دارد که حاکی از بهبود کیفیت آموزش ابتدایی است.

نسبت مرد و زن معلمین ابتدایی

بخش غالب معلمان ابتدایی زن هستند - ۸۶/۲۸٪ در سال تحصیلی ۹۱-۱۹۹۰ و ۸۹/۶۳٪ در ۹۸-۱۹۹۷. گرایش به سمت کاهش بیش‌تر مردان و افزایش زنان وجود دارد. در ۹۸-۱۹۹۷ مردان ۱۰/۳۷٪ تعداد کل معلمان ابتدایی بودند. اختصاص این شغل به زنان مخصوصاً در این پایه‌ها نشانگر وخامت امر است. گرایش به کاهش مردان در میان معلمان ابتدایی در نسبت تعداد مرد - زن شدیداً بارز است. در ۹۱-۱۹۹۰ در مقابل هر معلم مرد ۶/۲۹ معلم زن قرار داشت. و در برابر یک زن ۰/۱۶ مرد قرار داشت. در سال‌های بعد این نسبت ۰/۱۳ مردان نسبت به زنان در ۹۵-۱۹۹۴ و ۷/۸ زن به یک مرد در ۹۵-۱۹۹۴ و در ۹۸-۱۹۹۷، ۰/۱۲ مرد در برابر یک زن و به عبارتی ۸/۶۵ زن در برابر معلم مرد بود. با لحاظ کردن نقش معلمان از هر دو جنس برای آموزش و رشد دانش‌آموزان در تحصیلات ابتدایی باید گفت گرایش به سمت جذب و استخدام معلمان زن در یک چنین سطح بالایی در مدارس ابتدایی نمی‌تواند یک فرایند مثبت و مفیدی باشد در سطوح بعدی تحصیلات (راهنمایی به بعد) نسبت زن- مرد در میان معلمان کمی بهتر است، اما حتی در این مقطع نیز غلبه تعداد زنان بر مردان در شغل معلمی بسیار زیاد است.



آموزش معلمان مقطع متوسطه

معلمان مقطع متوسطه، مدرک حرفه ای معلمی را پس از چهار یا پنج سال تحصیل در متوسطه تکمیلی (در دانشگاه یا بعضی از آکادمیهای هنر)، پس از مدت زمانی که آنها آموزش ویژه معلمی را گذراندند، کسب می نمایند.

گواهینامه های آموزشی

معلمان مشغول به تدریس در نخستین مرحله تحصیلات ابتدایی را می توان به سه گروه براساس مدارکشان تقسیم کرد:

معلمان دارای تحصیلات عالی فارغ التحصیل از دانشگاه با مدت تحصیل متفاوت (۴-۵ سال) تا ۱۹۹۵ که مصوبه آموزش عالی اجرا شد و درجه کارشناسی ارشد را به رسمیت شناخت:

معلمان دارای تحصیلات عالی فارغ التحصیل پس از ۱۹۹۵ - با مدت تحصیل چهار سال با مدرک کارشناسی و مدت تحصیل ۵ سال با مدرک کارشناسی ارشد.

معلمان فارغ التحصیل مؤسسه تربیت معلم شبه - عالی دارای مدت تحصیل ۲-۳ سال
معلمان فارغ التحصیل از تربیت معلم ویژه دوره متوسط که در مراکز عالی تربیت معلم در دوره ۶۸-۱۹۴۸ تحصیل کردند و دوره تخصصی ویژه ایی را برای تدریس در مدارس گذراندند. گفتنی است که معلمان متعلق به این گروه در طی سالیان اخیر به سن بازنشستگی رسیدند و باز نشسته شدند
معلمان برخوردار از حداقل مدرک دانشگاهی شامل معلمانی می گردد که جزء دو دسته اول فوق الذکر هستند، زیرا مدارکشان را با تحصیلات عالی گرفته اند و یکی از سه سطح آن یعنی کارشناسی ارشد، کارشناسی و با تخصصی را دارا می باشند



معلمان برخوردار از حداقل مدرک دانشگاهی در بخش اعظم مدارس ابتدایی حضور دارند. تعداد آنها از ۱۸۴۲۰ نفر در ۹۱-۱۹۹۰ (۷۶/۱۸٪) به ۲۳۵۰۹ نفر در ۹۸-۱۹۹۷ (۹۸/۷۳٪) افزایش یافت که با توجه به آن، تعداد معلمان به ۵۰۰۰ نفر یا معادل ۲۲/۵۳٪ بالغ گردید. طی سال ۱۹۹۸ در مدارس ابتدایی تنها ۳۰۰ معلم بدون مدرک دانشگاهی مشغول بودند که معدل ۲۷٪ را کل معلمان ابتدایی می‌شد. افزایش قابل توجه تعداد نسبی معلمان دارای مدارک بالای دانشگاهی در این دوره عمدتاً به دلیل تحصیلات دانشگاهی سازماندهی شده و کیفیت مطلوب آن بوده که بسیاری از معلمان جوان ابتدایی آنها را پشت سر نهادند و در مدارس ابتدایی مشغول به کار شدند در بلغارستان ۶ دانشگاه هست که معلم ابتدایی تربیت می‌کند و در جاهای زیر واقع است: سوفیا- دانشکده معلمان کودکان و ابتدایی در دانشگاه سوفیا، دانشگاه جنوب غربی بلاگو و گرا، پلوودیو، روسه، شومن و ولیکو تورنووو. متخصصانی که از این مراکز با درجات کارشناسی و کارشناسی ارشد فارغ التحصیل می‌شوند پست‌های خالی را در آموزش ابتدایی هر سال پر می‌کنند و این امر طبعاً افزایش قابل توجه تعداد معلمان دارای مدرک دانشگاهی را در پی دارد هم‌زمان تعداد معلمان بدون مدرک دانشگاهی در حال کاهش شدید است، چرا که معلمان و اجد شرایط دارای تحصیلات ویژه از نظام آموزش و پرورش به دلیل باز نشستگی خارج می‌شوند. در گروه اخیر معلمانی نیز هستند که اصلاً تحصیلات مربوط به تعلیم و تربیت ندارند. تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده گرایش مثبت قابل توجهی است. در میان معلمان ابتدایی، تعداد فارغ التحصیلان و صاحبان مدرک کارشناسی ارشد یا کارشناسی به طور قابل ملاحظه‌ای در دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۰ افزایش یافته است. تعداد معلمان دارای تحصیلات عالی ۹۱ از ۴۲۱۵ نفر در سال-۱۹۹۰ (۱۷/۴٪ کل) به ۱۳۴۵۶ نفر (۵۶/۵۳٪ کل) در سال ۹۸ 1997- رسیده است. و به عبارتی افزایش حدود ۳۰٪ است.



این مقدار افزایش سهم نسبتاً بزرگی از متخصصان آموزش عالی در مدارس ابتدایی را در بر می گیرد و در ۸-۹ سال اخیر این فرایند محقق شده است که نشاندهنده آمادگی عالی و مطلوب متخصصان جوان برای تدریس در پایه‌های ابتدایی است. روی هم رفته باید گفت در سالهای اخیر از تعداد معلمان دارای مدارک دانشگاهی کاسته شده است و تنها معلمان فنی و حرفه ای فارغ التحصیل از کالجهای تربیت معلم با کاهش تعداد مواجه نشوند.

۱۴۲۰۵ نفر در ۹۱-۱۹۹۰ (۵۸/۴٪)، تعداد معلمان دارای مدرک دانشگاهی به ۹۶۰۳ نفر (۴۰/۳۰٪) رسیده است (حدوداً ۱۸٪ کاهش)

این داده‌ها نشاندهنده این است که معلمانی دارای شایستگی بالا در مدارس ابتدایی بلغارستان مشغولند و گرایش به سمت افزایش بیشتر آنها است.

تعداد معلمان متخصص دارای تحصیلات عالی در کشور بالاتر بوده و به ۶۶٪ در ۱۹۹۶ و ۷۴٪ در ۱۹۹۸ بالغ می شده است زیرا در مدارس راهنمایی و مخصوصاً در دبیرستان و مدارس متوسطه حرفه ای عمدتاً معلمان دارای تحصیلات عالی تدریس می‌کنند. در پایه‌های ابتدایی نیز معلمان دارای تحصیلات کالج تربیت معلم و درجه آموزشی «متخصصی» «نماهای مثبت می توان شرایط مطلوب و ثمر حق تدریس دارند. با این واقعیت‌ها و دور برای تحصیلات با کیفیت بالا در مدارس ابتدایی فراهم کرد و تا آموزش همگانی کودکان را محقق ساخت.

نرخ معلمین مراکز آموزش شهری و روستایی

بخش اعظم معلمان پایه های اول مدارس ابتدایی در شهرها مشغولند و شهرها هستند که اغلب دانش‌آموزان را در خود جای داده اند در ۹۱-۱۹۹۰، ۱۴۳۰۰ معلم از کل ۲۴۱۷۷ معلم کشور در شهرها



مشغول بودند که در صدشان به ۵۹/۱۰٪ کل معلمان می‌رسید. طی سال‌های بعدی، سهم معلمان در شهرها به تدریج افزایش می‌یابد و در روستاها برای جبران افزایش فوق معلمان کاهش می‌یابند. طی سال ۹۷-۱۹۹۶ معلمان ابتدایی مشغول در مدارس شهری به ۱۶۰۷۳ نفر رسیدند که ۶۴/۶۰٪ کل تعداد معلمان کشور است و در روستاها به ۸۸۴۷ نفر رسیدند که ۳۵/۵٪ کل است. گرایش به سمت افزایش معلمان در شهرها و به تبع آن کاهش معلمان روستا در سال ۱۹۹۴ نمود بیش‌تری دارد. این فرایند مربوط به شاخصهای جمعیت شناختی - و مخصوصاً میزان تولد و مهاجرت است و بیش‌تر بر غالب مدارس روستایی تاثیر می‌گذارد.

آموزش فنی و حرفه ای

برای نخستین بار، قانون آموزش علوم و مهارت‌های حرفه‌ای به طور مشروح و گسترده بررسی و تصویب شد. هدف این قانون دستیابی به مقررات دقیق و مشخص آموزش علوم و مهارت‌های حرفه‌ای در ساختار مدرسه و خارج از مدرسه است. مسئولیت‌های مؤسسات مربوط به آموزش علوم و مهارت‌های حرفه‌ای تعیین شده است. فعالیت‌های مؤسسات مذکور با جهت‌گیریهای و فعالیت‌های ((اداره امور ملی)) در هیئت وزیران همسو و هماهنگ می‌شود. برنامه‌های ملی گوناگونی پیشنهاد می‌شود و به این طریق گروه‌های سنی و سطوح تحصیلی مختلف می‌توانند مهارت‌های شغلی را گسب کنند. شش برنامه با آمیزه‌های متفاوت، بسته به سن و سطح تحصیلات گروه تحت آموزش ارائه می‌شود. به این ترتیب، آموزش حرفه‌ای برای افرادی که حداقل ۱۳ سال دارند و حداقل پایه ششم آموزش عمومی مدرسه را با انمام رسانده‌اند تضمین می‌شود. پنج نوع برنامه برای گسب گواهینامه مقدماتی حرفه‌ای ترتیب داده شده است. این گواهینامه دارای سطوحی از یک تا چهار می‌باشد. پنج نوع برنامه فوق هم‌چنین ممکن است



به منظور کسب بخشی از یک شغل خاص تنظیم و اجراء شود. ششمین نوع آموزش عبارت است از برنامه‌های آموزش مداوم مهارت‌های شغلی به منظور به روز در آوردن و بسط مهارت‌های کسب شده. و در این رابطه مقرر شد، تا نظامی کار آمد برای نظارت بر کیفیت آموزش مهارت‌های شغلی و تایید مدارک حرفه‌ای طبق استانداردهای ملی تاسیس شود. فعالیت‌های مربوط به راهنمایی و مشاوره شغلی تحت مقررات و نظم خاصی در آمده است و نظام مربوط به این حوزه شامل مراکز مشاوره و اطلاعات رسانی شغلی می‌شود که واحدهای تخصصی هستند که اطلاعات و شیوه‌های مناسب را جهت نظارت بر کیفیت آموزش مهارت‌های شغلی و تایید مدارک حرفه‌ای، در هر منطقه آموزشی فراهم می‌کنند. مراکز فعالیت‌های مربوط به مشاوره شغلی را در مناطق مختلف آموزشی کشور سازماندهی، هماهنگ و اجرا می‌کنند.

آموزش استثنایی

در حال حاضر اکثر کودکان با نیازهای آموزشی ویژه در مدارس ویژه و خاص شرکت می‌نمایند. هدایت این دانش آموزان به سوی جریان آموزش در دست اقدام می‌باشد و به عدم صلاحیت مورد نظر بستگی دارد. نوع آموزشی که در این مدارس ارائه می‌شود، نیازهای خاص را بر آورده می‌سازد و از نظر ساختار خیلی شبیه به آموزش از نوع معمولی و رایج می‌باشد.



اصول و اهداف آموزشی

مقررات مربوط به اجرای مصوبه آموزش همگانی که در روزنامه «آز بوکی مورخ ۱۱ اوت ۱۹۹۹» اعلام شد به بیان اهداف نظام آموزشی و زیر بنای‌های آموزش مداوم شهر وندان پرداخت. این اهداف که به صورت معین، مشخص و پربار تبیین شده اند و شامل موارد ذیل را شامل می شوند:

فراگیری و تسلط بر نکات و مفاهیم اساسی و قوانین عینی دانش انسانی؛ شناخت ارزش‌ها، فضیلت‌ها و فرهنگ ملی؛ و جهانی توسعه و رشد فردیت اشخاص و ترغیب به پرورش قوه ابتکار؛

رشد فکری، جسمانی و اجتماعی و شیوه سالم زندگی

تکمیل سطوح تحصیلی، آن گونه که مصوبه آموزش همگانی تصریح کرده است، و کسب مهارت‌های شغلی.

- کمک به رشد جسمانی و فکری دانش‌آموزو جهت گیری، سازگاری و ورود موفق او به جامعه؛
 - ایجاد شرایط لازم جهت شکل گیری ارزش‌هایی که با احساس و درک دانش‌آموز در قبال هویت ملی بلغاری او، احترام به دیگران، حس هم‌دردی و مسئولیت مدنی؛ مرتبط هستند.
 - ایجاد شرایط لازم جهت توسعه نیازها، علایق و قابلیت به منظور آموزش و تعلیم (عمومی و حرفه‌ای) و هم‌چنین تکامل شخصی در طول زندگی
- همانطور که از ظاهر مطالب فوق بر می‌آید، اهداف آموزشی به تسلط بر محدوده معینی از آگاهی‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان نظر دارند که باید در طول تحصیل کسب کنند و هم‌چنین



رشد توانایی‌ها، شکل‌گیری ارزش‌های دانش‌آموزان و همچنین پیوستن آن‌ها به نظام فضیلت‌های جهانی و ملی را در نظر دارند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات

سیاست کلی و راهبرد ملی

با توجه به تغییرات و تحولات تعیین‌کننده جامعه اطلاعاتی، در ۱۹۹۸ وزارت آموزش و علوم سیاست ملی این را در زمینه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICTs) برای مدارس متوسطه به همراه برنامه‌ای متناسب برای تحقق آن تصویب کرد. یکی از اصول اصلی این سیاست کلی و راهبردی «آموزش مدرن فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و فراهم ساختن زمینه آن برای همگان» است. اجرای برنامه فوق هم اکنون در مراحل ابتدایی است. اهداف عمده آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربرد آن در سایر موضوعات درسی مدارس در سه جهت تعریف و تبیین شده است:

شخصیتی- اجتماعی، حرفه‌ای، و تعلیمی- تربیتی. ساختار شخصیتی- اجتماعی متضمن این نکته است که همه دانش‌آموزان باید آگاهی عمومی و تسلط کافی را در زمینه ابزار و سیستم‌های رایانه‌ای، من جمله اینترنت، کسب کنند تا مبنایی برای توسعه و رشد تمام عیار آن‌ها به عنوان افراد ساکن در یک محیط اجتماعی پویا و متغیر باشد محیطی که دارای جریان انبوه منابع اطلاعاتی است. این هدف شامل کسب مهارت‌های زمینه ساز آموزش مادام‌العمر از طریق تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات است. ساختار حرفه‌ای متضمن این است که همه دانش‌آموزان مدارس حرفه‌ای نیازمند این هستند که برای به کار بردن تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در مشاغل آینده شان آماده شوند ساختار تعلیمی - تربیتی با کاربرد رد فرآیند آموزش و تربیت، با هدف بهبود ساختار و سازماندهی آموزش و پرورش، ارائه



شیوه‌های جدید کارآمدتر و ابزار آموزش، مطالعه، نظارت و ارزشیابی، ایجاد رغبت به استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به عنوان وسیله‌ای در جهت حل مسایل آموزشی - پرورشی مختلف در ارتباط است. هزینه‌های پیش بینی شده برای تحقق «سیاست راهبردی و ملی در حوزه آموزش و پرورش در مورد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات» تا سال ۲۰۰۶ بالغ بر ۶۵/۲۴ میلیون یورو می‌شود. ۵۹/۹۳ میلیون یورو از این مبلغ از بودجه کل کشور تامین می‌شود و ۵/۹۱ میلیون دیگر آن از بودجه‌های محلی. هزینه پیش بینی شده به تأمین تجهیزات و نرم افزار برای مدارس، دستیابی به اینترنت در تمام مدارس، توسعه شبکه ملی مدارس و آموزش معلمان اختصاص یافته است. انتظار می‌رود سایر هزینه‌های مربوط به تحقق برنامه مذکور که از طرحهایی تأمین شود که به شرکت در برنامه‌های بین المللی همچون - «برنامه چارچوب پنجم»، «برنامه سقراط»، PHARE، و غیره مربوط و منوط است. انتظار می‌رود که اجرای سیاست ملی و راهبردی آموزشی - تربیتی در زمینه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات نتایج ذیل را در برداشته باشد:

تهیه مواد آموزشی و سازماندهی آموزش و پرورش به صورت روز آمد، بکارگیری تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات برای فعالیت های آموزشی کشور تهیه برنامه‌ها و ابزار آموزشی، و تأمین ابزار و وسایل و محصولات مربوط به آموزش از راه دور، اشکال، شیوه‌ها و ابزار جدید آموزش و پرورش، قوانین جدید و روزآمد. کسب معلومات، سواد و مهارت‌های رایانه‌ای روزآمد توسط دانش آموزان بلغارستان برای استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات هم می‌تواند از جمله این نتایج باشد.



معضلات فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی

دردناک ترین مسایل و مشکلات در زمینه عرضه و ارائه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به تسهیلات و آموزش معلمان مربوط می‌شود.

تحقیقات مؤسسه ملی آموزش و پرورش در ۱۹۹۷ از حقایق ویافته‌های ذیل حکایت می‌کند:

مدارس مورد بررسی به طور متوسط ۱۰/۴۵ رایانه با ظرفیت ۸ یا ۱۶ بیت و ۱/۴۷ چاپگر قابل استفاده در اختیار داشتند. در این مدارس تعداد متوسط دانش‌آموزان به ازای هر رایانه در حال استفاده (۸ یا ۶ بیت) ۲۶/۸۳ نفر است و به ازای یک رایانه ۱۶ بیت در حال استفاده ۶۹/۶۴ نفر است. با توجه به این که مدارس مقدماتی و ابتدایی چندان به کامپیوتر دسترسی ندارند شاخصهای فوق در ارتباط با تمامی مدارس بلغارستان صرف نظر از نوع آنها، به بدترین شکل ممکن خواهد بود. تنها معدودی از مدارس بلغارستان که در این بررسی لحاظ شده‌اند دارای شبکه‌اند ۱۲۰ مدرسه دارای شبکه‌های کامپیوتری هستند که ۱۷ مورد آن در سوفیا است. حدود ۵۰ مدرسه که غالباً در سوفیه قرار دارند به شبکه اینترنت متصل اند. هیچ گونه خدمات و تعمیراتی هم ارائه نمی‌گردد. از سویی دیگر قدیمی بودن تجهیزات و کمی تعدادشان امکان آموزش و استفاده بهینه از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات را سلب کرده است. مدارس هنوز از نرم افزارهای غیر استاندارد استفاده می‌کنند. وزارت آموزش و علوم اقداماتی را در زمینه حل این مسئله انجام داده است. نرم افزارهایی که تا به حال مورد استفاده قرار گرفته است، غالباً با توسعه و کاربرد مدرن تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات ICT در حوزه‌های اجتماعی گوناگون ناسازگار است. رسانه‌های چندگانه و نرم افزار برای حل مسایل آموزش و پرورش در زمینه‌های مختلف بسیار کم و بندرت در دسترس است. معمولاً در مدارس که علم رایانه و فناوری اطلاعات آموخته می‌شود، تنها یک



معلم برای این رشته ها وجود دارد. معلمان در رشته ها دیگر دارای مدرک و توانایی های کافی برای استفاده از تکنولوژی اطلاعات ICT در کارشان نیستند. در کارشان نیستند. امکانات و فرصت های لازم برای اصلاح مدارک و قابلیت آن ها محدود است. دیگر آنکه آنها به طور کل برای یادگیری مطالب پیرامون تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و کاربرد آن ها در فرایند آموزش بسیار بی رغبتند. حل این دو مسئله عمده به تخصیص هزینه بسیار نیازمند است که تأمین آن به دلیل وضعیت بد اقتصادی کشور فعلاً میسر نیست.

امکانات کلی آموزشی

تأمین تسهیلات و تجهیزات مدرن تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات مدارس کشور

تأمین تسهیلات و تجهیزات مدرن تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در مدارس بلغارستان به صورت ذیل بوده است:

- آموزش روزآمد و انعطاف پذیر در زمینه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات جهت کادر انسانی تعلیم و تربیت و تأمین فرصت و امکانات برای بهبود مداوم مدارک و توانایی آنها.
- تسلط بر شیوه های آموزشی فعال و مشارکتی توسط معلمان و به فعالیت واداشتن دانش آموزان.
- تعامل میان ساختارهای آموزشی - تربیتی و شغلی - تجاری برای حل مسایل آموزشی.
- نهادینه کردن کار با فناوری های اطلاعات و ارتباطات در درون فرایند آموزش و پرورش در موضوعات درسی مختلف مدارس در سراسر کشور.
- ارتقا به سطح مساوی استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش مدارس بلغارستان، در مقایسه با کشورهای دیگر که در زمینه آموزش و پرورش نوین و مدرن پیشرو هستند.



- بهبود سطح پیچیدگی و تفصیل آثار و کتب در زمینه مدرسه و مواد درسی و آموزش نرم افزارهای آموزشی (عمدتاً به صورت چند رسانه ای) از طریق ترجمه الگوهای مربوط به آثار و مباحث امروزی در زمینه مدرسه و آموزش و پرورش و اقتباس از نرم افزارهای آموزشی از سراسر جهان.
- اولویت‌های توسعه آتی در زمینه پیگیری اجرای مصوبه آموزش و علوم و مهارت‌های حرفه‌ای و آموزش و پرورش بزرگسالان.
- تاسیس یک اداره ملی در زمینه آموزش علوم و مهارت‌های حرفه‌ای در شورای وزیران برای تصویب و تجویز فعالیت‌های مربوط به نظام ملی آموزش علوم و مهارت‌های حرفه‌ای و همچنین برای هماهنگی مؤسسات مربوط به آموزش و پرورش.
- به روز کردن فهرست حرف برای آموزش علوم و مهارت‌های حرفه ای.
- ارائه برنامه‌های ملی برای نحوه اعطای مدرک در حرفه‌های طبقه بندی شده بر اساس سن و تقاضا جهت آموزش علوم و مهارت‌های حرفه ای.
- توسعه بیشتر شروط آموزشی کشور در زمینه شرط مدرک در حرفه‌هایی که در فهرست مربوط به حرفه‌های روزآمد هستند.
- ارائه تدریجی نظامی در زمینه ارزشیابی دانش حرفه‌ای فارغ التحصیلان مدارس حرفه‌ای در سطح ملی.
- تبدیل ادارات موجود مشورتی تعلیم و تربیت در وزارت آموزش و علوم و مراکز اطلاعات شغلی در وزارت کار و سیاست‌های اجتماعی به مراکز اطلاعات و جهتگیری‌های مربوط به شغل دانش‌آموزان، افراد بیکار و غیره.



امکانات و تسهیلات کادر آموزشی مدارس

یک مبنای معیاری، که با تغییرات در نظام آموزش و پرورش ملی هم‌خوانی کافی داشته باشد، تاسیس و تصویب است. استفاده بهینه از منابع مالی و غیرمالی ملی در نظام آموزش و پرورش در دست بررسی است با وجود همه مشکلات تامین کنندگان بودجه مالی به سمت اجرای تغییرات و اصلاحات گرایش یافته اند. در توزیع هزینه‌ها، به حقوق معلمان، سیستم حرارتی، نور و کتب درسی اولویت داده می‌شود در مورد تعمیرات مدرسه و تجهیزات آن تنها در موقعیت‌های فوق العاده بودجه اختصاص پیدا می‌کند شرایط مربوط به تربیت، پرورش و رشد کودکان تنزل پیدا کرده است: تغذیه کودکان در سالن غذا خوری مدرسه، مراقبت‌های بهداشتی مدرسه، تعطیلات تابستانی و زمستانی و فعالیت‌های فوق برنامه جزو این شرایط اند. برخی از مزایای اجتماعی نظیر کتب درسی، لوازم التحریر رایگان به تدریج لغو می‌شود.

اولویتهای آموزشی

تامین آموزش پایه‌ای و اصلی برای همگان با حمایت همه جانبه سیاسی محقق می‌شود. اراده‌ای سیاسی برای اجرای اصلاحات در حوزه آموزش و پرورش وجود دارد با این هدف که آن را با شرایط روز و معیارها و جوانب اروپایی انطباق دهد. مسئولان و مؤسسات متخصص و توانایی در کشور وجود دارند که هدفشان اجرای یک سیاست آموزشی کارآمد است. مؤسسات و مسئولان و سازمانهای مربوطه فعال در حوزه‌های اقتصاد، کار، تجارت و مراقبت‌های بهداشتی نیز به اجرای اصلاحات کمک می‌کنند. همچنین زمینه برای ایجاد یک محیط مساعد فکری و علمی فراهم است: شبکه‌ای توسعه یافته متشکل از دانشگاه‌ها، آکادمی علوم بلغارستان، مؤسسه ملی آموزش و سازمانهای تخصصی علمی تحقیقاتی



عناصر تشکیل دهنده محیط مذکورند. آموزش در سیاست گذاری دولت از اولویت خاصی برخوردار است. با این حال، این امر در بودجه کشور مدنظر قرار گرفته نشده است. فعالیتهای آموزشی علیرغم محدودیتهای مالی پیگیری و اجرا می شود. بنابراین جستجوی مداوم به منظور اخذ بودجههای الحاقی از سازمانهای غیر دولتی، نهادهای بین المللی و ملی، سازمانها و مؤسسات اقتصادی و غیره انجام می گیرد. در سالهای اخیر این فعالیت سرعت گرفته است و اهمیت و حمایت اجتماعی بیشتری به خود جلب کرده است. وزارت آموزش و علوم و مدارس با سازمانهای غیر دولتی در سطوح ملی و محلی در تماس هستند و در توسعه و تحقق پروژهها و برنامههای مربوط به موارد ذیل با هم همکاری می کنند:

ایجاد ساز و کارهای اجتماعی برای حمایت و ایجاد تغییرات آموزشی

آموزش و تعلیمات مدنی

عقلایی کردن و پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان

به حرکت واداشتن و توسعه استعدادهای خلاق دانش آموزان

مساعدت ویژه برای کودکان در معرض فقر و آسیب و کودکان دارای انحرافات اخلاقی، با هدف

وارد کردن آنها به اجتماع و انطباق آنها با هنجارهای اخلاقی اجتماع و ارتقای این انطباق و سازگاری

آموزش در زمینه مسایل مربوط به اعتیاد به مواد مخدر، ایدز، داشتن زندگی سالم و غیره

مساعدت و کمکهای اجتماعی

تشویق والدینی که انگیزه‌ای برای آموزش و پرورش کودکانشان ندارند از سوی مردم



آنچه بر شمردیم از جمله فعالیت‌های جدید بلغارستان می باشد که در سال‌های گذار و اصلاحات و تغییرات ظهور یافته است. احتمال افزایش علاقه اجتماع به آموزش از طریق این فعالیت‌ها ممکن است بسیار زیاد باشد.

حمایت بین المللی از انطباق آموزش همگانی با استانداردهای اروپایی و جهانی مدارس بلغارستان تلاش می کنند دانش آموزان را با ارزش‌های فرهنگی جهانی و اروپایی آشنا کنند. جمهوری بلغارستان توسعه همکاری بین المللی را در راستای اجرای برنامه‌های آموزشی یونسکو، اتحادیه اروپا، شورای اروپا و سایر سازمانهای بین المللی استقبال، حمایت و تقویت می کند. دوره مورد بررسی (۱۹۹۰-۱۹۹۹) به دوران توسعه جامعه مدنی مدرن و دموکراتیک مشهور است و خصوصیت‌های برجسته آن عبارتند از تبادل گسترده اطلاعات و تجارب با کشورهای صنعتی اروپا و سایر کشورها اجرای پروژه‌های نوین با همکاری مالی سازمانهای بین المللی و اجرای تحقیقات نظری و آزمایشی و سازماندهی گردهمایی‌ها نمونه‌های بسیاری از حمایت گسترده بین المللی از بلغارستان در زمینه تحقق آموزش همگانی وجود دارد. در پاییز ۱۹۹۴، برنامه‌های آموزشی PHARE شروع شد. یک واحد جهت اجرای برنامه «آموزش- PHAR» در وزارت آموزش و علوم راه اندازی می شد. و با وجود عدم ثبات مالی و بحران اقتصادی، چهار برنامه ساختاری ملی پیاده شد و با موفقیت به اتمام رسید. این برنامه‌ها عبارت بود از:

«بلغارستان و اصلاحات حوزه آموزش» با هزینه یک میلیون یورو،

«آموزش علوم و مهارت‌های حرفه ای، اصلاحات درآموزش و علوم و فناوری‌ها» با هزینه ۹

میلیون EUC



«برنامه توسعه، ارزیابی و تأیید»، «دانش‌آموزان اخراجی و ترک تحصیلی» و «برنامه آموزش

مدیریت» با هزینه ۱/۳۵ میلیون EUC

آنچه در زمینه ثبت نام همه کودکان در نظام آموزش و پرورش از اهمیت ویژه برخوردار است پروژه PHARE - «مدرسه برای همه» است. هدف از این پروژه کمک به حل مسئله مربوط به اخراجی‌ها و ترک تحصیلی‌ها از طریق توسعه الگوهای کاری و عملی برای پرداختن به این کودکان در مناطق مختلف کشور است. با تحقق این پروژه در درازمدت می‌توان پیش‌بینی کرد که فعالیت‌ها و نتایج حاصله از آن مبنایی برای ایجاد سازماندهی کارآمد و سیاست‌گذاری درست در خصوص اخراجی‌ها و ترک تحصیلی‌ها باشد. ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی معتبر برای ترک تحصیلی‌ها و اخراجی‌ها در بلغارستان نیز طراحی شده است. سیاست کلی و راهبردی پروژه از طریق تلاش در جهت دستیابی به حداکثر میزان ثبت نام کودکان در مدارس از طریق بهبود شیوه‌ها، ساختارها و شرایط موجود تعیین می‌شود- این شیوه‌ها و ساختارها باید به گونه‌ای بهبود یابد که موجب برگشتن و ماندن دانش‌آموزان در مدرسه گردد. دهه جهانی توسعه فرهنگی (۱۹۹۷-۱۹۸۸) در جلسه چهل و یکم مجمع عمومی سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفت و از گسترش فعالیت‌ها در زمینه افزایش و تقویت توسعه فرهنگی پیش‌بینی‌هایی به عمل آمد. تجربه بلغارستان در این ارتباط کاملاً جالب و زمینه‌ساز سنت‌های مطلوب زیادی بوده است. این امر در نشست مشترک کشورهای اروپایی طبق برنامه یونسکو (۱۹۹۷-۱۹۹۰) (با همکاری مؤسسه ملی آموزش) به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. نام برنامه مورد نظر «تعامل میان مدارس و محیط فرهنگی در زمینه آموزش دانش‌آموزان» بود و کشورهای ذیل در این برنامه شرکت کردند: بلژیک، آلمان، یونان، نروژ، لهستان، رومانی، روسیه، فنلاند، هلند، فرانسه، جمهوری چک،



اسلواکی و مقدونیه در طی یک سال فعالیت گسترده و گوناگون بر روی این پروژه دستاوردهایی چون به رسمیت شناخته شدن اهمیت ابعاد فرهنگی، غنی کردن اصالت فرهنگی، افزایش مشارکت دانش‌آموزان در زندگی فرهنگی از طریق اشکال مختلف تعامل میان مدارس و مؤسسات فرهنگی، ارتقای همکاری بین المللی با ۱۴ کشور اروپایی بدست آمده سه بیانیه طی کنفرانس بین المللی آموزش (۱۹۹۲) و جلسات کنفرانس عمومی یونسکو توزیع شد. در نوامبر ۱۹۹۶ کمیته ملی یونیسیف بلغارستان تحت عنوان «کودکان نیز حق دارند» در شهر استارا زاگورا آغاز به فعالیت نمود. این پروژه در قالب برنامه یونیسیف تحت عنوان «آموزش برای پیشرفت» اجرا شد و با رایۀ راهنمایی عملی از سوی یونیسیف با هدف آشنا کردن بلغاری‌ها با کنوانسیون حقوق کودکان آغاز شد. کمیته ملی یونیسیف بلغارستان، همچنین سیاستی نظام مند و هدف دار را برای آموزش و تربیت کودکان و بزرگسالان و ترویج حقوق کودکان دنبال می کند. برای دستیابی به این هدف، از شیوه ها و اقدامات گوناگونی همچون: تعطیلات تابستانی و زمستانی، سمینارها، پرسشنامه‌ها، نظرسنجی‌ها و غیره استفاده می شود «مرکز آموزش آزاد» یک سازمان غیردولتی در حوزه آموزش می باشد که با همکاری شواری اروپا، یونسکو، Undp و سایر سازمان ها در صدد پیاده سازی برنامه های ملی و بین المللی مورد نیاز کشور بلغارستان و دیگر کشورها در حوزه آموزش های مدنی، حقوق بشر و تبادلات فرهنگی می باشد. در دوسال اخیر آژانس ملی سقراط و یک واحد ملی و چند واحد منطقه‌ای با هماهنگی «برنامه لئوناردو داوینچی» تاسیس شد. فعالیت آن‌ها شامل خدمات اطلاعاتی فشرده و آموزش در زمینه های مختلف می باشد. در دوره تحت بررسی در بلغارستان تعداد زیادی گردهمایی ملی و بین المللی با همکاری مؤسسات بین المللی سازماندهی شده است.



در این گردهمایی ها پیرامون گزارش کمیته بین المللی یونسکو حول محور «آموزش-گنج نهان» نظریات و مباحث مختلفی مطرح گردید. سازماندهی گردهمایی های فوق را وزارت آموزش و علوم، مؤسسه ملی آموزش، کمیته ملی یونسکو و دانشگاه سنت کلیمنت اهریدسکی بلغارستان بر عهده داشته. سمینار ملی تحت عنوان «نیازهای آموزشی در زمینه مواد آموزشی» در آوریل ۱۹۹۸ با نظارت مؤسسه ملی آموزش و شورای اروپا و کنفرانس جوبیلی تحت عنوان «آموزش در زمینه حقوق بشر» در پنجاهمین سالگرد بیانیه جهانی حقوق بشر در شهر بانکیا با نظارت فدراسیون بین المللی مدارس متحد، مؤسسه ملی آموزش، سازمان مدارس متحد بلغارستان (United Schools) برگزار شد. نمونه های فوق علیرغم آنکه در حد گسترده نیستند ولی بخوبی تلاشهای گسترده و مثبت بلغارستان را در زمینه های مختلف آموزشی اثبات می کنند. البته در انی خصوص باید گفت سازمانهای مختلف بین المللی چه به صورت عملی و چه به صورت غیرعملی آمادگی کامل خود را برای حمایت بین المللی از اصلاحات زیر بنایی در حوزه آموزش و پرورش بلغارستان در دوران گذار اثبات کرده اند.

علائق آموزشی

از جمله مهمترین علائق آموزشی نظام آموزشی بلغارستان می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- اعمال تغییرات روز افزون در برنامه های آموزش عمومی، بسط آموزش زبان خارجی در اوایل تحصیلات، تلفیق فناوری های اطلاعات و ارتباطات با فرایند آموزش و پرورش کشور، تأمین دانش مدنی و اقتصادی، آموزش ارزش های دموکراتیک.

شش سال پیش، برنامه ای درسی برای آموزش زبان خارجی در اوایل تحصیلات یعنی از همان پایه اول ابتدایی در حدود ۵۰ مدرسه مربوط به آموزش عمومی آغاز شد. هم اکنون انواع جدیدی از



برنامه‌های درسی، مواد و تجهیزات آموزشی و همچنین بهره مندی از کار آموزشی و منابع مالی تحت بررسی می باشد

۲- تلفیق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICTS) با آموزش در مدارس بلغارستان

شرایط و سطح تلفیق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICTS) با آموزش در مدارس بلغارستان بررسی و مطالعه شده است سیاست کلی و راهبردی و برنامه ملی برای اجرای این امر شکل گرفته است. نمایندگان محافل آموزشی و علمی، کارمندان، اصناف شغلی، نمایندگان وزارتخانه‌های مختلف و مؤسسات همه و همه در این امر سهیم هستند.

۳- اجرای برنامه‌های مختلف مربوط به تعلیمات مدنی، اقتصاد و مدیریت، به صورت فعال در فرایند آموزشی کشور

برنامه‌های مختلف مربوط به تعلیمات مدنی، اقتصاد و مدیریت، به صورت فعال در فرایند آموزشی کشور در حال اجرا است. تیمهای پروژه‌های بین المللی، مؤسسه ملی آموزش، مرکز آزاد آموزش و غیره در این فعالیت سهیمند.

۴- تأمین دستیابی بیشتر و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی، مشارکتی و گروهی

۵- ثبت نام و مراقبت از کودکان سنین مدرسه در مدارس

ثبت نام و مراقبت از همه دانش‌آموزان در مدرسه منوط به نظارت مداوم و دقیق است. تلاش‌هایی در تمام سطوح مدیریتی نظام آموزش و پرورش در حال انجام است و در مدارس شهرداری‌ها، هیأت‌های بازرسی آموزش و پرورش به صورت نهاد نیه شده در آمده اند

۶- ارائه تحصیلات حرفه‌ای در دو حوزه علوم و مهارت‌ها.



شرایط هم‌آهنگ اعطای مدارک حرفه‌ای صرف نظر از نوع مؤسسه آموزشی اجرا می‌شود. شرایط آموزش کشور برای کسب مدرک در هجده شغل از طریق ساختار واحدی مطالب آموزش بنا نهاده شده است. مدارس کنونی و مراکز آموزش حرفه‌ای از یک طرف، و وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمانهای استخدامی، شرکت‌هایی که مطابق با قوانین بلغارستان ثبت شده‌اند و سایر سازمانهای آموزشی و اعطای مدرک از طرف دیگر همگی از اختیارات برابر به منظور ارائه دروس مربوط به مدارک و تحصیلات حرفه‌ای برخوردارند و از این طریق فرصت و زمینه لازم جهت آموزش حرفه‌ای همه افراد از تمامی گروههای سنی فراهم می‌گردد. دانش‌آموزان ۱۳ ساله (جزو مجموعه سنین آموزش اجباری در مدرسه) فرصت و امکان کسب مدارک حرفه‌ای را بر اساس برنامه‌ها یی خاص به دست می‌آورند.

۷- ارزشیابی دستاوردها و موفقیت‌های دانش‌آموزان در هنگام گذر از سطوح مختلف تحصیلی.

مقوله فوق‌الذکر یکی از مقولات با اولویت نظام آموزش و پرورش کشور است. نظام ارزشیابی دستاوردهای دانش‌آموزان در سطح ملی هم اکنون تحت بررسی بوده و بررسی‌ها و مطالعات ملی در زمینه کارآمدی آموزش و پرورش کشور به منظور نظارت بر سطح جذب مطالب درسی، قابلیت درک و کارآیی آن در حال انجام است.

در سال ۱۹۹۹ بررسی‌ها و تحقیقات ملی در زمینه موضوعات عمده درسی زبان و ادبیات بلغاری و ریاضیات در پایه‌های چهارم و هشتم اجرا شد.

نتایج نشان دهنده سطح خوبی از جذب مطالب درسی از سوی بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان و هم‌چنین سطح خوبی از قابلیت درک مطالب درسی است در عین حال آمار دانش‌آموزانی که در سازگاری با وظایف و تکالیفشان موفق نبوده‌اند نیز بالاست. مدارس، معلمان و والدین چنین



دانش‌آموزانی تلاش‌های زیادی برای کمک به آن‌ها جهت اتمام موفقیت آمیز تحصیل آن‌ها در سطوح مربوطه آموزشی و ادامه تحصیلات در سطوح بعدی به عمل می‌آوردند. یک نظام هم‌آهنگ برای ارزشیابی توانش حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان مدارس حرفه‌ای در سطح ملی در حال شکل‌گیری و توسعه است. به مدت سه سال، یک گروه تحقیقاتی متشکل از مؤسسه آموزش ملی و شرکای اجتماعی مشغول آزمایش و بررسی مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های نظام ارزشیابی مدارک حرفه‌ای در پنج شغل بوده‌اند. نتایج آزمایش‌ها اثبات کرده است که می‌توان از یک طرف ارتباط بین مؤسسات مستقل مسئول ارزشیابی دستاوردهای دانش‌آموزان در مدارس حرفه‌ای را منظم و قاعده‌مند ساخت و بین آن‌ها گفتگو و تبادل نظر برقرار گردد و از ظرف دیگر قابلیت اطمینان و اعتبار ارزشیابی را در سطح ملی افزایش داد و از این طریق آموزش و درک مطالب آموزشی را تقویت کرد و بر پویایی و نحوه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از طریق ارزیابی دستاوردهای آن‌ها نظارت نمود.

دستاوردهای آموزشی

در نتیجه فعالیت گسترده در زمینه بهبود کارایی نظام آموزش و پرورش در وضعیت دشوار اجتماعی _ سیاسی، تعداد دانش‌آموزانی که تحصیلات ابتدایی، راهنمایی یا متوسطه را با موفقیت به اتمام رسانده‌اند، نه تنها کاهش نیافته است بلکه در برخی موارد افزایش نیز یافته است. تلاش‌های واقعی تعلیمی و تربیتی به منظور جذب کودکان به مدارس و حفظ آن‌ها و تضمین آموزش موفقیت آمیز آن‌ها انجام گرفته است. هیچ‌گونه تبعیض از لحاظ سن، جنسیت، نژاد، مذهب و انواع دیگر آن پذیرفتنی نیست اقداماتی انجام می‌شود تا آموزش افراد فقیر و بی‌سرپناه، معلول ذهنی/ جسمی و کودکانی که به مراقبت‌های ویژه نیازمندند تضمین و تأمین شود.



نیازمندیهای آموزشی

اینگونه قلمداد می‌شود که سواد، دانش و مهارت‌های مقدماتی که در دوره ابتدایی آموخته و کسب می‌شود جهت شکوفایی و به فعلیت رسیدن کامل فرد کافی نباشد و به همین دلیل سطح تحصیلات ابتدایی به موجب مصوبه آموزش و پرورش همگانی سال ۱۹۹۸ به عنوان یک سطح تحصیلی مستقل پذیرفته نشد و تصریح شد که آگاهی و دانش لازم و پایه از طریق تحصیلات پایه و به مدت ۸ سال آموزش کسب می‌شود. دانش‌آموزانی که نتوانند این دوره را به اتمام برسانند و سَنشان ۱۳ سال باشد در کلاسهای حرفه‌ای ثبت نام می‌شوند که در آنها مهارت‌های شغلی را برای مشاغل آموزش می‌دهند که به نوعی از تحصیلات پایه نیازمند است و رابطه‌ای با تکمیل دوره ۸ ساله ندارد و تنها نیازمند آموزش مهارت‌های کلاسهای حرفه‌ای مذکور (نظیر دروس هنرستان‌ها) است.

در سال ۱۹۹۶، سیاست‌های کلی و راهبردی آموزش و پرورش همگانی بازنگری شد، چرا که آمار دانش‌آموزان محروم از مدرسه و اخراجی در اوایل دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت. یک کنفرانس ملی که به موضوع آموزش و پرورش الزامی در مدارس اختصاص یافته بود. با حضور کارشناسان وزارت آموزش و علوم و هیئت بازرسی آموزش و پرورش، مدیران مدارس، معلمان، والدین، شهرداران، کارشناسان مؤسسات شهرداری در زمینه آموزش و پرورش برگزار شد. گزارش اصلی را معاون وزیر آموزش و پرورش ارائه کرد. تاکید و تمرکز کنفرانس بر موضوعات و داده‌های نگران کننده در مورد آموزش و پرورش الزامی بود. این موضوع هنوز مورد توجه خاص وزارت آموزش و پرورش و علوم است. تا بر گرایش‌ها فرایندهای منفی مربوط به آموزش الزامی غلبه کنند.



توسعه آموزشی

دهه اخیر، دوران ارائه انبوه نوآوری بر پایه دستاوردهای ملی و تجارب کشورهای توسعه یافته در زمینه مدیریت آموزش و پرورش و محتوا، فناوری‌ها و سازماندهی آموزش و تربیت دانش‌آموزان است. این پدیده باعث افزایش کیفیت آموزش و پرورش می‌شود.

توسعه ساختار نظام آموزش کشور بلغارستان به واسطه اصلاح و بهبود پیوندها و دورنماها، تعامل متقابل واحدهای آموزش و پرورش بزرگسالان، در نظر گرفتن تغییرات و نیازهای بازار کار، توسعه فناوری و سیاست فرهنگی کشور؛ تامین بودجه و بهبود شرایط توسعه شغلی و ارتقای قابلیت‌های مدرسان و اساتید صورت می‌گیرد.

آموزش و پرورش مداوم از جمله مهمترین رویکردهای آموزشی قرن بیست یکم است.

این مفهوم از تقسیم بندی سنتی بین تحصیلات پایه و تحصیلات تکمیلی فراتر رفته است و به مفهومی دیگر مربوط است -مفهوم دیگر مربوط است یعنی مفهوم جامعه ارائه کننده تعلیم و تربیت که در آن به همه چیز توجه می‌شود و در نتیجه فرصت‌های لازم جهت آموزش و تحقیق استعدادها و انسانی فراهم می‌شود. با نظر به امر فوق، علم در بلغارستان با مسایل پیچیده بسیاری روبرو می‌شود که بخشی از مسایل مشکل جامعه بلغارستان را تشکیل می‌دهند. این مسایل در کنگره هفتم انجمن دانشمندان بلغاری که در سال ۱۹۹۸ برگزار شد. مورد بحث قرار گرفت. انجمن دانشمندان در زمینه اصلاحات علمی که کنگره هفتم تصویب کرده است گامهای مهم ذیل را فهرست نموده است:

تأمین خود گرانی و خود کفایی دانشگاهها

تأسیس نظامی برای تأمین اعتبار مؤسسات آموزش عالی



گذار تدریجی به سازوکارهای جدید بازار در زمینه مدیریت و سرمایه گذاری علوم

در زمینه آموزش و پرورش، مؤسسه ملی آموزش فعالیت‌های گوناگونی انجام می‌دهد که از آن جمله می‌توان به تحقیقات و توسعه، فعالیت‌های اطلاعاتی و تحصیلی، مشاوره، فعالیت‌های انتشاراتی و کتاب شناسی اشاره نمود. فعالیت‌ها مذکور طبق برنامه سه ساله اجرا می‌شود و هر سال برنامه را با مقتضیات زمان هماهنگ می‌کنند. اجرای (برنامه سال ۲۰۰۱) از ابتدای سال ۱۹۹۹ آغاز شده است. مؤسسه ملی آموزش از سیاست کلی و راهبردی وزارت آموزش و علوم در جهت تأسیس نظامی آموزشی در کشور بر اساس مناسبات و مقتضیات بلغارستان و معیارهای اروپایی دست به عمل می‌زند فعالیت‌های مشاوره‌ای علمی و تجربی مربوط به در حوزه علمی، در زمینه مسایل ذیل جهت‌گیری شده است: شیوه شناسی و فناوری تصویب و اجرای شرایط و الزامات آموزشی کشور، نو آوری در فناوری‌های آموزشی: آموزش مدنی، ارزشیابی آموزش و پرورش ساز ماندهی روندهای آموزش، و نهایتاً نظارت بر کیفیت آموزش.

در حوزه فعالیت‌های تحلیلی، انتشاراتی و کتابشناختی، نیز مؤسسه ملی آموزش وظایف ذیل را بر عهده دارد:

روز آمد سازی توسعه و اجرای نظامها ی آماری و اطلاعات آموزشی، اداره حفاظت و تثبیت پایگاه‌های تخصصی داده‌ها، خودکار نمودن نظام اطلاعاتی کشور در زمینه اطلاع رسانی کتابخانه‌ها و کتابشناسی از مجرای منابع بلغاری و خارجی و تأسیس مجموعه‌ای خاص جهت انتشار و توزیع کتب. فعالیت‌های مشترک مؤسسه ملی آموزش و وزارت آموزش و علوم بیش از هر چیز بر مشارکت در تشریح و تفسیر سیاست قانونگذاری وزارت مذکور، اجرای پروژه‌های بین المللی و ابتکارات بانک جهانی،



TEMPUS, PHARE برنامه‌های لئوناردو و غیره متمرکز شده است اسناد زیربنایی ارائه شده و فعالیت‌های وزارت آموزش و علوم نشان می‌دهد که مسایل آموزش همگانی در راس سیاست کلی آموزش کشور و سیاست‌های راهبردی معطوف به توسعه آن است. این مسایل جزء زیر بناهای قوانین آموزشی کشورند که در مجلس تصویب می‌شود و این قوانین نیز به نوبه خود در تحصیلات پایه، متوسطه و عالی پیاده می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت که بهبود کیفیت آموزش و پرورش عمدتاً به موارد ذیل وابسته است: به روز کردن مواد آموزشی، تعیین و تصویب اصول آموزشی کشور و نظامی برای ارزشیابی دستاوردهای دانش‌آموزان من جمله نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تلاش‌های ویژه‌ای با نظر به آموزش همگانی جهت ارائه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در مدارس، آموزش از راه دور و سایر شیوه‌های مدرن در زمینه آموزش و اعطای مدارک در مدارس انجام می‌شود. بسط گزینه‌ها و انتخاب‌های تحصیلی در نتیجه ایجاد تنوع در انواع مدارس متوسطه را می‌توان دستاوردی مهم تلقی کرد. تعداد مدارس دارای آموزش زبانهای خارجی از همان پایه اول ابتدایی، تعداد مدرسی که از دانش‌آموزان تنها پس از اتمام پایه هفتم و یا پس از پایان تحصیلات ابتدایی ثبت نام می‌کنند به موجب نیاز جامعه افزایش یافته است. مدارس خصوصی نیز دایر شده است. تعداد مدارس اختصاصی و غیر اختصاصی دارای تحصیلات عمومی و حرفه‌ای و همچنین تعداد مدارس دارای تحصیلات حرفه‌ای متوسطه در حال افزایش است.

همکاریهای آموزشی

دولت تحصیلات پایه را برای دانش‌آموزان بلغاری مطابق مرسوم فراهم می‌کند. وزارت آموزش و علوم سیاست‌های راهبردی ملی را در زمینه آموزش و پرورش همگانی تعیین و اجرا می‌کند. شماری از



سازمانهای غیر دولتی در مراحل تاسیس جامعه مدنی به عنوان عناصر مهم آن پدید آمده اند. این امر پدیده‌ای نسبتاً جدید در فعالیتهای عمومی و ملی بلغارستان است. هیئت‌های مدیریتی آموزش و پرورش با آنها در سطوح ملی، شهری و مؤسساتی همکاری می‌کنند. برنامه‌های مشترک تشریح، تفضیل و تفسیر می‌شود. فعالیتهای گوناگون محقق می‌شود و از مجرای این فعالیتهای سازمانی فوق در زمینه حل مسایل متعدد و پیچیده مربوط به آموزش و پرورش همگانی، توسعه آموزشی و رشد فردی افراد جوان، و بالاخره آموزش و اعطای مدرک به بزرگسالان با هم همکاری می‌کنند. تعامل سازمانهای غیر دولتی و وزارت آموزش و علوم بر پایه توافقیهای جانبی از لحاظ قانونی تنظیم می‌شود و تحت مقررات خاصی در می‌آید. سازمانهای غیر دولتی تلاش‌هایشان را در زمینه آموزش و پرورش به سمت تشریح برنامه‌ها و پروژه‌ها در حوزه‌های کهگی مظهر آمجه در ذیل می‌آید منمرکز و جهت گیری کرده اند: تاسیس ساز و کار ملی برای حمایت از تغییرات آموزش و پرورش و اجرای آن، مؤسسه جامعه آزاد، مرکز جامعه آزاد، مؤسسه ظرفیتهای و استعدادها و غیره. تعلیمات و آموزش مهارتهای مدنی - مؤسسه توسعه جامعه مدنی، مؤسسه جامعه آزاد، مؤسسه INKOBRA و غیره. آموزش مهارتها در زمینه اطلاعات و فناوریهای رایانه‌ای - انجمن فناوری اطلاعات بلغارستان و دفتر صنعتی بلغارستان که کارشان مربوط به تشریح، تفضیل و تفسیر سیاست کلی و برنامه‌های اجرایی، ساختارهای تجاری جهت تأمین تجهیزات، نرم افزار، خدمات اینترنت، خدمات رسانی، آموزش مهارتها به به کارکنان آموزش و پرورش، مهارتها به دانش‌آموزان خارج از اطاق درس و غیره است، ترویج و تفکر و استدلال و پرکردن اوقات فراغت کودکان و افراد جوان انجمن ملی گفتگو. مؤسسه مهربانی با کودکان، مؤسسه دینا کابا یوانسکا، مؤسسه سرودهای بلغاری، مرکز جامعه آزاد و غیره، ارائه کمکهای ویژه به کودکان در



معرض خطر و دارای انحرافات رفتاری و تلاش مکرر برای انسجام شخصیت این کودکان - مرکز آموزش آزاد، مؤسسه ایجاد تنوع (اصل آن DIVERCityFoundation است که به نظر می‌رسد صحیح آن DivevsityF باشد)، مرکز بین المللی مسایل اقلیت‌ها و مؤسسه روابط فرهنگی و غیره، برنامه‌های اجتماعی با هدف یاری کودکانی که موقعیتی هم‌سان با سایر کودکان ندارند. مؤسسه بلغارستان فردا، صندوق ملی کودکان، تراست کودکان مسیحی و غیره برنامه‌های بهداشتی و محیطی - مرکز آموزش آزاد، مؤسسه بلغارستان فردا، صلیب سرخ جوانان، برنامه کره زمین و موسسه زمان.

تبادلات و همکاری‌های بین المللی

بخش‌های ملی از جمله وزارت آموزش و علوم مسئولیت همکاری و تبادلات بین المللی را در آموزش دانشگاهی به عهده دارند. کشور بلغارستان در برنامه‌های آموزشی و دانشگاهی زیر به دو صورت دو جانبه و چند جانبه مشارکت می‌کند:

نام برنامه تبادلاتی	: Project + 2000
نام برنامه تبادلاتی	: Blue Danube Project In Secondary Education
نام برنامه تبادلاتی	: CEEPUS
نام برنامه تبادلاتی	: COPERNICUS
نام برنامه تبادلاتی	: ENIC
نام برنامه تبادلاتی	: EURYDICE
نام برنامه تبادلاتی	: LEONARDO
نام برنامه تبادلاتی	: PHARE



نام برنامه تبادلاتی : SOCRATES II

نام برنامه تبادلاتی : TEMPUS

نام برنامه تبادلاتی : CEEPUS

نام برنامه تبادلاتی : CULTURE OF PEACE-UNESCO

نام برنامه تبادلاتی : UNEVOC

نام برنامه تبادلاتی : VIFAX - ACCT - FRANCOPHONIE

اصلاحات آموزشی

حقوق و اختیارات نهاد مدرسه شورای تعلیم و تربیت به عنوان یک مجموعه مدیریتی حرفه‌ای مدرسه و شورای مدرسه به عنوان مجموعه‌ای مشورتی که شامل معلمان، والدین و دانش‌آموزان می‌شود در مصوبه آموزش و پرورش همگانی لحاظ شده است.

به موجب مصوبات قانونی، ویژگی‌های جدیدی اضافه شده و مواد درسی به سه حوزه اساسی تقسیم بندی شده است:

الف) آموزش الزامی عمومی

ب) آموزش انتخابی الزامی

ج) آموزش اختیاری.

این تقسیم بندی شرایط را برای تمایز بین انواع آموزش مهیا می‌کند و برای دانش‌آموز این

اختیار را فراهم می‌کند که برپایه علایق و نیازهایش نوع مناسبی را برگزیند.



تغییرات جدید مذکور موجب شده است که شرایط و شیوه‌های نظام آموزشی بسیار بیشتر با علایق، نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان سازگار باشد و دستیابی به مواد آموزشی و تربیتی در زمینه علوم مهارت‌ها تسهیل شود-تربیتی در زمینه علوم و مهارت‌ها تسهیل شود و دریافت و درک آن‌ها راحت تر شود. جهت گیری تغییرات مذکور سبب تلطیف، جنبه انسانی بخشیدن و تقویت روند دموکراسی در زمینه آموزش و پرورش برای همه می‌شود. علاوه بر مقولات فوق که در زمینه آموزش و پرورش در مدارس مطرح کردیم، در مورد مسایل آموزش عالی، علوم، اطلاع رسانی، اختصاص بودجه آموزش و پرورش و علوم، همکاری‌های بین‌المللی و مصوبات قانونی توجه به سزایی مبذول شده است (مثلا مصوبه ۳۱ مه سال ۱۹۹۲).

در سال ۱۹۹۴، نظام جدیدی در زمینه جهت گیری‌های حرفه‌ای و انتخاب شغل در حوزه‌های آموزش و پرورش تاسیس شد که فعالیت‌های مربوط به آن بعداً در مصوبه آموزش حرفه‌ای تعریف شد. از پایان دهه ۱۹۹۰، روال وضع قوانین در حوزه آموزش و پرورش تشدید شده است. مصوبات جدیدی در حال تفضیل و شرح است و موارد کارآمد آن‌ها در حال اصلاح و تنظیم است.

در سال ۱۹۹۸، مجمع ملی بلغارستان اصلاحیه قانون آموزش و پرورش مصوب سال ۱۹۹۱ را به تصویب رساند. از موارد اساسی این اصلاحیه تغییراتی است که به سن ورود به مدرسه مربوط است (آموزش و پرورش در مدرسه باید در سن هفت سالگی آغاز و طی سال ورود به نخستین پایه ابتدایی تکمیل شود در صورتیکه والدین بخواهند می‌توان سن مذکور را به ۶ سال تقلیل داد.

علاوه بر این، موارد ذیل نیز در اصلاحیه فوق به تصویب رسید:



زمان باز شدن و همچنین ماهیت تغییرات مربوط به نظام مدارس خصوصی و کودکانها شریح و تقضیل روالی برای تصویب شرایط و الزمات آموزش و پرورش دولتی

مسایل مربوط به اصلاح مدیریت آموزش و پرورش

در اصلاحیه مذکور برای نظام آموزش و پرورش، دو سطح تحصیلی معرفی شد: سطح پایه و سطح متوسطه. تحصیلات پایه از دو مرحله تشکیل می‌شود: ابتدایی (پایه‌های اول تا چهارم) و پایین تراز متوسطه (پایه‌های پنجم تا هشتم) تحصیلات متوسطه نیز چهار سال است (آرایش ۴-۴-۴ در این تقسیم بندی اعمال شده است). در طی مراحل اجرایی مصوبه آموزش و پرورش همگانی، که بخشی از مصوبات قانونی جدید است، جهت فراهم کردن بستر توسعه نظام آموزش و پرورش، مجمع ملی قانون تحصیلات، حداقل تحصیلات عمومی و برنامه ریزی درسی آن را تصویب کرد. این مصوبه به صورت مبسوط از سوی هیئت بازرسی آموزش و پرورش کشور، جوامع علمی، اتحادیه‌ها و انجمنهای واز جنسها ی خلاق. غیره، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. هدف مصوبه آموزش و پرورش همگانی تأمین و ضمانت اجرایی حداقل تحصیلات رایج برای همه دانش‌آموزان است تا به موجب آن مدارک تحصیلی آنها مطابق تقسیم بندی‌های استاندارد پایه، مرحله و درجه تنظیم شود و همچنین امکان انتقال از یک مدرسه به مدرسه ای دیگر فراهم شود. که با توانایی‌های فردی و علایق دانش‌آموزان سازگار باشد. دو مورد از شرایط آموزش و پرورش همگانی عمومی بر طبق مدرک اعطایی به تفضیل مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد: مواد درسی و شرایط نظام نمره دهی. مصوبه مذکور با جزئیات بیش تر سطوح تحصیلی پایه و متوسطه را در مدارس تنظیم و طراحی می‌کند: چگونگی ارائه آموزش، اتمام هر سطح و اعطای مدرک. اهداف کلی و فرعی آموزش و پرورش عمومی برای همه دانش‌آموزان تعریف می‌شود. در نظر گرفته شده



است که موضوعات درسی از هشت حوزه فرهنگی و آموزشی به شرح ذیل تدوین و تعیین گردد: زبان و ادبیات بلغاری، زبانهای خارجی، ریاضیات، علوم رایانه و فناوری اطلاعات، علوم ملی و تعلیمات مدنی، علوم طبیعی و بوم شناسی، هنر، استانداردهای زندگی و ارتباط آن با فناوری، و نهایتاً فرهنگ رشد و بهداشت جسمانی و ورزش، شرایط برای معلمان و دانش‌آموزان به گونه ای مهیا شده است تا در قالب طرح آموزشی کشور موضوعات مناسب و دلخواه را برگزینند. مصوبه اخیر، در بخش مربوط به طرح آموزشی، سه نوع آموزش را مد نظر دارد: الزامی، انتخابی الزامی و انتخابی و در این ارتباط نسبت میان بخشهای آموزشی اجباری و انتخابی هم تعیین شده است و حد اکثر میزان ساعت آموزشی اجباری در سطوح و مراحل آموزش عمومی مشخص گردیده است. مصوبه اخیر شرایط بهبود آموزش تحصیلات عمومی را برای دانش‌آموزان بلغاری فراهم می‌کند.

قوانین آموزشی

قوانین اصلاحی

از زمان شروع تغییرات دمکراتیک در کشور بلغارستان، پیشرفت چشمگیری در تمامی مراحل زندگی ایجاد گردید. تغییرات سیاسی و اقتصادی مربوط به جامعه دمکراتیک نیز تأثیر بسزایی بر روی نظام آموزشی گذاشت. تحت یک چنین شرایطی نظام آموزشی طبیعاً می‌تواند فرایند توسعه جامعی از سنتها و نوآوریها را تجربه نماید. چنین تجربه‌ای برای وزارت آموزش و علوم می‌تواند مایه افتخار باشد تا سیاست آموزشی را به کشور واگذارده و با کل فرایند توسعه در بخش آموزش، آموزش و علوم همگام و همراه گردد. از سال ۱۹۹۸ کشور بلغارستان در فرایند آموزش ملی خود را با فرایند آموزش اتحادیه اروپا همگام ساخته است. قوانین آموزشی بواسطه الگوپذیری از استانداردهای آموزشی کشورهای



اروپایی سبب شدند تا راه برای توسعه آموزش بلغارستان از نخستین دهه از قرن بیست و یکم هموار و هموارتر گردد. آموزش در تمامی مقاطع نه تنها باعث کسب صلاحیتهای شخصی و توسعه حرفه‌ای می‌گردد بلکه مردم را برای احراز هویت، های ملی و مشترک آموزش آماده می‌نماید. مکتب حائز اهمیت آن است که افزایش نیاز آموزش جمعیت جوان، ارائه راهکارهای جدید آموزشی و تجهیز منابع مورد نیاز را در پی دارد که نظام آموزشی باید در این رابطه پاسخگو باشد. در قالب این مضامین، یکی از وظایف اصلی وزارت آموزش و علوم، توسعه و تقویت شالوده نظام آموزشی در تمامی مقاطع و ساختارش می‌باشد نظربه اینکه ثبات همه جانبه کاملاً ضروری و مهم قلمداد می‌شود، مؤسسات، توجه و آفری به توسعه با قبول و رعایت استانداردهای اروپایی می‌نمایند و از این طریق سعی دارند تا دستاوردها، قابلیت‌ها و شاخص‌های دمکراتیک را حفظ نمایند. اصلاحات آموزشی از جانب دولت بلغارستان به عهده گرفته شد و عملکرد نظام آموزش ملی در هر مقطع به‌طور بنیادین بهبود پیدا کرد.

در مقطع اول، دولت مجبور بود تا انطباق پذیری نظام آموزشی را به چالشهای جدید معطوف سازد و از طرف دیگر (در مقطع دوم) این اصلاحات به منظور استقرار و ایجاد نظامی که با استانداردهای اروپایی هم‌آهنگ باشد ایجاد شده است فرایند اصلاح در درون نظام آموزش متوسطه عمومی به اجرای ماده قانون آموزش ملی اصلاح شده بستگی دارد. به عنوان شیوه‌ای جدید برای ارزیابی نظام ملی، استانداردهای ملی جدیدی در شرف تصویب می‌باشند. فرایند اصلاح، در برگزیده فراگیری خارجی، آموزش به زبان مادری و تلفیق تکنولوژی اطلاعاتی با فرایند تحصیل را در بر می‌باشد بطور سنتی روابط بین نظام آموزشی و بازار کار از طریق مدارس فنی و حرفه‌ای ایجاد شده است.



مطابق اقداماتی به عمل آمده این مدارس بر روی آموزش مهارتها و تخصصی کردن یک حرفه ویژه تکیه و تمرکز می نمایند. اعمال و اجرای ماده قانون آموزش فنی و حرفه ای یکی از اقدامات صورت گرفته از جانب دولت بلغارستان در جهت انطباق و هماهنگی قوانین این کشور با قوانین آموزش اتحادیه اروپاست. همسزمان با تصویب *Acquis Communautaire* در این زمینه، این قانون به منظور تحرک بیشتر و انطباق پذیری کار آموزان بازار کار و به منظور واکنش بهتر نظام آموزشی و آموزش فنی و حرفه ای در حوزه های محلی و منطقه ای تصویب و ارائه شده است. مفهوم اصلی قانون فوق « ایجاد و اعمال کار تعدیل شده و تغییر پذیری تحت شرایط ملی و بازار کار اروپاها می باشد» که نیاز به اقدامات قطعی در مورد تمرکز زدایی نظام و ایجاد شرایط آموزش و یادگیری و بدهند. یکی دیگر از جنبه های اصلاحات آموزش فنی و حرفه ای و نظام آموزشی درگیر ساختن شرکاء و کارمندان جامعه در توسعه و گسترش استانداردهای فنی و حرفه ای و ارزیابی و اعطاء مدرک و گواهی نامه و در حوزه آموزش فنی و حرفه ای می باشد.

وزارت آموزش و علوم کارفرمایانی جذب نموده و مؤسسات ایالتی را در جهت ارتقاء و افزایش متخصصین که در مراکز دولتی فعالیت می نمایند مورد حمایت و پشتیبانی قرار میدهد. با در نظر گرفتن شرایط بازار کار، اولویت به مشاغل مهم و ایجاد مهارتهای ضروری مانند مهارتهای زبان خارجی، مهارتهای حرفه ای، مهارتهای ICT و مهارتهای کارگروهی داده شده است. نظام آموزش بلغارستان در راستای نیل به اهداف فوق شرایط کار و اصلاح ساختار اقتصاد ملی را با یکدیگر ادغام نمود. ماده قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵، تغییرات چشمگیری را در ساختار آموزش دانشگاهی بلغارستان از طریق معرفی و ارائه نظام ارزشیابی مدارک علمی در برداشته است. به همان سان که



دانشجوی لیسانس به یک شخص کارشناس و دارای مدرک لیسانس مبدل می گردد، دانشجوی فوق لیسانسی نیز به مدرک فوق لیسانس نائل می شود که این مدرک در حکم مهارت و دانش بیشتر در بازار کار برای او می باشد و در مقطع دکتری اکثر محققین جوان مشغول آموزش و کسب علم می باشند. متمم ها و اصلاحات اخیر ماده قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵ مربوط به ساختار شرایط آموزش دانشگاهی، اساساً معطوف به ایجاد فرصتهایی برای دستیابی یکسان و همگان به تحصیلات بیشتر و افزایش کارآیی نظام و تحرک و تغییر پذیری درونی می باشد.

ماده قانون ۴۲ بند ۳، این فرصت را به دارندگان مدرک فوق لیسانس می دهد تا در تحصیلات دوره دکتری شرکت نمایند. بند پنج این قانون، برای دارندگان مدرک تکنسین، ادامه تحصیلاتشان را در مقطع کارشناسی بلامانع می داند.

قوانین آموزش عالی

ماده قانون آموزش ملی مصوب سال ۱۹۹۸

ماده قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵

ماده قانون مدارک آکادمیک و عناوین علمی مصوب سال ۱۹۹۶

ماده قانون ۵۱/۰۹/۰۴ مصوب سال ۱۹۹۷ شورای وزراء

ماده قانون ۱۲۷/۰۲/۰۶ مصوب ۱۹۹۶ شورای وزراء

ماده قانون N9/12/02 مصوب سال ۱۹۹۶، N 4/23/06

ماده قانون مصوب سال ۱۹۹۳، N2/29/07

ماده قانون وزارت آموزش و علوم مصوب سال ۱۹۹۴



مفاد کلی قوانین

ماده (۱)

این ماده قانون به وظائف و نحوه مدیریت و چگونگی تامین مالی مراکز آموزش دانشگاهی در جمهوری بلغارستان می پردازد.

ماده (۲)

هدف از ارائه آموزش دانشگاهی پرورش و آموزش متخصصین زبده و توسعه و گسترش علوم و فرهنگ می باشد.

ماده (۳)

آموزش غیرمذهبی دانشگاهی به مکاتب، مذاهب و عقاید سیاسی وابسته نمی باشد. آموزش فوق باید از ارزشهای جهانی انسانی و سنتهای ملی پیروی نماید.

ماده (۴)

هیچگونه تبعیض یا محدودیتی نباید در آموزش دانشگاهی بر اساس سن، نژاد، ملیت، قومیت، جنسیت، پیشینه اجتماعی، عقاید سیاسی یا فرقه و مذاهب اعمال شود، به استثنای مواردی که صراحتاً در مقررات و شروط فعالیت های مؤسسات دانشگاهی در ارتباط با موارد خاصی از فرایند آموزش و آینده شغلی و حرفه ای تشریح شده اند.

ماده (۵)

آموزش دانشگاهی باید در مراکز آموزش عالی ایی که تحت شرایط و ضوابط قانونی تاسیس شده اند ارائه گردد.



ماده ۶

(۱) مراکز آموزش عالی مؤسسات قانونی و با اهداف ذیل تاسیس گردیده‌اند:

۱. آموزش متخصصین مستعد و بکارگیری دانش علمی در جایگاه‌های متفاوت اجتماعی فعالیت

انسانی

۲. همگام کردن متخصصین با دانش و متد روز

۳. توسعه علمی و فرهنگی

(۲) مراکز آموزش عالی ممکن است در تحقیق، تولید، هنر، ورزش، درمان و مراقبت و فعالیتهای

دیگری در ارتباط با ویژگیهایشان شرکت نمایند.

ماده ۷

۱. مراکز آموزش عالی در صورتی مدارک تحصیلات عالی و گواهینامه‌های فنی و حرفه‌ایی را به

صورت رسمی و دولتی صادر می‌نمایند که این مدارک با شرایط و نیازهای لحاظ شده دولتی به منظور

آموزش در حوزه‌های فنی و حرفه‌ایی و غیر حرفه‌ایی همخوانی و هماهنگی داشته باشد.

۲. مدارک صادره باید به مهر دولتی ممهور شده باشند.

وظایف و عملکردهای دولت در قبال مدیریت و اداره آموزش دانشگاهی

ماده ۸

دولت باید آموزش دانشگاهی را بصورت مجانی و مطابق با موارد ذیل ارائه نماید:

۱. گسترش و اجرای سیاست ملی توسعه آموزش دانشگاهی و حمایت از استقلال آکادمیک مراکز

آموزش دانشگاهی



۲. توجه به کیفیت فرایند آموزش و تحقیق از طریق سازماندهی فعالیتهای مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری و تعیین شرایط و ضوابط برسمیت شناختن مدارکی که مراکز دانشگاهی داخلی و خارجی صادر نموده‌اند

۳. تأمین بودجه آموزش دانشجویان مراکز آموزش عالی و ارائه بورسیه و کمک هزینه تحصیلی تحت شرایط خاص

۴. اعطاء وام و امتیازات اجتماعی به دانشجویانی که از شرایط ویژه برخوردار می‌باشند

۵. ارائه و تهیه وسایل مراکز آموزش دانشگاهی و تضمین و تأمین مالیات و امتیازات دیگر برای اجرای فعالیتهایی که در ماده ۶ آورده شده است.

(ماده ۹)

۱. دولت باید وظایفش را در قبال مدیریت آموزش دانشگاهی از طریق مجلس ملی و شوری وزراء به انجام رساند.

(۲) مجلس ملی باید:

۱. میزان کمک مالی سالیانه دولت را به مراکز آموزش عالی دولتی مطابق با ماده قانون بودجه دولتی تعیین نماید.

۲. در قبال بازگشایی، تغییر یا تعطیل کردن مراکز آموزش عالی تصمیم‌گیری نمایند.

(۳) شوری وزراء باید:

۱. راه‌کارهای کلی سیاست ملی آموزش دانشگاهی را تصویب نمایند.



۲. ارائه پیشنهاد به مجلس ملی در خصوص بازگشایی، تغییر یا تعطیل کردن مراکز آموزش عالی و تعیین مقدار بودجه و کمک مالی دولت به هر یک از مراکز آموزش عالی دولتی
۳. بازگشایی، تغییر یا تعطیل کردن ادارات، تعیین میزان کمک‌های مالی دولت به کالجها و مؤسسات مراکز آموزش عالی دولتی و تعیین جایگاه آنها بر اساس نیاز مراکز آموزش عالی مورد نظر و ارائه پیشنهاد مشاوره به وزیر آموزش، علوم و تکنولوژی
۴. تصویب ثبت دولتی مدارک آموزشی مطابق با ویژگیها و تخصصهای فردی
۵. تأیید و تصویب شرایط یکسان دولتی در خصوص کسب مدارک آموزشی حرفه‌ای و تخصصی
۶. تأیید و تصویب تعداد دانشجویان کارشناسی و کارشناسی‌ارشدی که بودجه آموزشی آنها از طریق دولت تأمین می‌گردد و تعیین حداکثر تعداد دانشجویان و کارشناسان ارشد که در مراکز آموزش عالی به تعلیم و آموزش مبادرت می‌ورزند
۷. تعیین مقدار شهریه‌های آموزشی برای دانشجویانی که در قبال پرداخت پول در مؤسسات آموزش عالی دولتی تحصیل می‌نمایند و افزایش و تقویت خدمات اداری که به مراکز آموزش عالی دولتی ارائه می‌گردد
۸. تعیین و تصویب شرایط و ضوابط اعطای بورسیه به مراکز آموزش عالی دولتی و تصویب شرایط ارائه کمک هزینه به خوابگاه‌های دانشجویی و امتیازات دیگر اجتماعی به دانشجویان کارشناسی و کارشناسی‌ارشد در تمامی مراکز آموزش عالی
۹. تصویب شرایط دولت در قبال تأیید مدارک آموزش دانشگاهی که در مراکز آموزش عالی خارج از کشور به دانشجویان اعطاء گردیده است



۱۰. شورای وزراء نماینده منافع علوم و آموزش دانشگاهی بلغارستان در قبال دیگر دولتها و سازمانهای بین‌المللی بوده و باید به انجام قراردادهای بین‌المللی جامه عمل بپوشاند

ماده (۱۰)

۱. وزارت آموزش، علوم و تکنولوژی نماینده دولت بوده و اجرای سیاست ملی آموزش دانشگاهی بر عهده وی می‌باشد

۲. وزارت علوم، آموزش و تکنولوژی باید:

۱... پیشنهادات و طرحهایی را به شورای وزراء همانگونه که در ماده ۹ پاراگراف ۳، سطر ۱ تا ۹ عنوان گردید، ارائه نماید.

۲... وظایف هماهنگ‌سازی روابط بین مراکز آموزش عالی مستقل و مراکز آموزش عالی دولتی را بر عهده دارد.

۳... تعلیم و حمایت از متخصصینی که در مراکز آموزش عالی دولتی مدارک آنها به ثبت رسیده‌اند.
۴... ترتیب برسمیت شناختن و مشروعیت دادن به مدارک افرادی که در خارج از کشور فارغ‌التحصیل شده‌اند.

۵... انتخاب جانشین رؤسای دانشگاه‌های جدید دولتی.

ماده (۱۱)

۱. مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری شورای وزراء، اداره دولتی تخصصی بوده و ارزیابی و تعیین اعتبار کیفیت فعالیت‌های تحت ماده ۶، پاراگراف ۱ بر عهده این موسسه می‌باشد.



۲. مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری، مؤسسه ای قانونی می‌باشد که از طریق بودجه اداره مرکزی صوفیا تأمین مالی و حمایت می‌گردد.

۳. مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری باید وظایف و فعالیت‌هایش را مطابق با مفاد این قانون و شروطی که مورد تأیید شورای وزراء می‌باشد، به انجام رساند.

انواع مراکز آموزش عالی، زمان بازگشایی و تعطیلی آنها

ماده (۱۲)

مراکز آموزش عالی دولتی و خصوصی می‌باشند.

ماده (۱۳)

مراکز آموزش عالی دولتی باید مطابق با اصول مالکیت دولتی و هماهنگ با اختیارات و کمک مالی سالیانه دولت عمل نمایند.

ماده (۱۴)

۱. مراکز آموزش عالی خصوصی باید بنا به درخواست شهروندان یا سازمانها که از این زمان به بعد
اعضاء مؤسس نامیده می‌شوند، تأسیس گردند.

۲. تأمین مالی و مدیریت مرکز آموزش عالی را که بنا به درخواست مراکز افتتاح.

ماده (۱۵)

۱) مراکز آموزش عالی باید بر اساس طرح ذیل بازگشایی و تغییر یابد:

۱. تصریح و تعیین اهداف اجتماعی مورد پذیرش مراکز آموزش عالی.



۲. حق انحصاری صدور مدرک آموزشی ویژه و جزئیات مربوط به دانشکده، امکانات و برنامه‌های مالی را مقرر می‌سازد.

۳. ارائه مدیریت آموزشی مطابق با اصل آزادیهای آکادمیک.

۴. تبعیت از شروط و مقررات دولتی یکسان.

۲) پروژه و طرح ارائه شده در پاراگراف اول، نیاز به ارزیابی مثبت از طریق مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری دارد.

۳) پروژه و طرح تأسیس مراکز آموزش عالی خصوصی باید به ماده قانون در برگیرنده جزئیات و موارد ذیل الحاق شده باشد:

۱. نوع مؤسسه، نام مؤسسه و محل تأسیس

۲. اهداف مؤسسه

۳. نام اعضای مؤسس

۴. برنامه‌های مالی و تامین اعتبارات

۵. مدیریت و حدود اختیارات

۶. حقوق و تعهدات اعضای مؤسس

ماده (۱۶)

۱) تصمیمات مجلس ملی باید مشخص کننده موارد ذیل باشد:

۱. نوع، نام و محل مرکز آموزش عالی

۲. اهداف



۳. برنامه‌های مالی و تامین اعتبارات

۲) مراکز آموزش عالی باید با عنوان واحدها و مؤسسات قانونی مطابق با تصمیم و اعلان مجلس ملی در خصوص استقرار و تأسیس در روزنامه دولتی به ثبت رسیده باشند.
ماده (۱۷)

۱) عنوان مراکز آموزش عالی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تخصصی به آکادمیها، مؤسسات و کالجها اطلاق می‌گردد.

۲) دانشگاه‌ها مراکز آموزش عالی بوده و:

۱. برنامه آموزشی تعداد زیادی از رشته‌ها، حداقل سه رشته از چهار رشته گروه علوم انسانی، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و علوم فنی را سازماندهی می‌نمایند.

۲. دانشگاه مجاز به آموزش رفتاری و شخصیتی دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در تعدادی از رشته‌های علمی معتبر می‌باشد.

۳. دانشگاه‌ها از امکانات تحقیقاتی مربوط به خود برخوردار بوده و رشته‌های اصلی علوم و فرهنگ را با انجام تحقیق و پژوهش بسط و گسترش می‌دهند.

۳) آموزش شخصیتی و رفتاری مراکز آموزش عالی در یک یا دو رشته اصلی علوم و فرهنگ و مواردی که در پاراگراف دوم، بند دوم و سوم ارائه گردید، ممکن است در دانشگاههایی که نام آنها منعکس کننده ارائه تخصص آنها می‌باشد صورت پذیرد.



۴) مراکز آموزش عالی تخصصی به انجام تحقیق و آموزش رفتاری در رشته‌های اصلی علوم، تربیت‌بدنی، هنر و وکالت مبادرت می‌ورزند. نام مرکز آموزش عالی تخصصی باید منعکس‌کننده تخصص و روند آموزشی‌اش باشد.

۵) کالج‌های مستقل باید شرایط حرفه‌ای و آموزش رفتاری دانشجویانی که به کسب مدرک فوق دیپلم مبادرت می‌ورزند را فراهم سازد.

۶) کالج‌ها ممکن است بر اساس نوع ساختار دانشگاه‌ها یا مراکز آموزش عالی تخصصی تأسیس گردند.

ماده (۱۸)

۱) مراکز آموزش عالی باید بواسطه تصویب و تایید مجلس ملی و تحت شرایط ذیل تعطیل گردند:
۱. زمانی که مرکز آموزش عالی با دو بار ارزیابی منفی پی در پی روبرو گردد یا با محدودیت زمانی که طبق این قانون ارائه شده مغایرت داشته باشد

۲. زمانی که مرکز آموزش عالی به اجرای مقررات مربوط به حوزه آموزش دانشگاهی پایبند نباشد

۳. بنا به درخواست اعضاء مؤسس مرکز آموزش عالی خصوصی

۴. بنا به پیشنهاد شورای وزراء مراکز آموزش عالی دولتی

۲) پیشنهاد تعطیلی مراکز آموزش عالی مطابق با پاراگراف اول، بند ۱ و ۲ باید از طریق شوری وزراء ارائه گردد

۳) ماده قانون تعطیلی مراکز آموزش عالی نیز باید موضوع ضوابط و قوانین ویژه تکمیل تحصیلات دانشجویان و دانشجویان کارشناسی‌ارشد را که در این مرکز ثبت‌نام نموده‌اند را الحاق نماید.



۴) در موارد پاراگراف اول بند سوم، اعضاء مؤسس ابتدا باید در خصوص موضوع مربوط به حقوق و شروط دانشجویان و دانشجویان کارشناسی ارشد به توافق برسند.

استقلال و آزادی عمل آکادمیک

ماده (۱۹)

۱) مراکز آموزش عالی باید از استقلال عملی و علمی برخوردار باشند. این استقلال بیان کننده آزادی روشنفکرانه جامعه آکادمیک و ماهیت سازنده تحقیق و پژوهش و آموزش به عنوان ارزشهای والا می باشد.

۲) آزادی عمل مراکز آکادمیک باید آزادیهای آکادمیک، خودگردانی آکادمیک و مصونیت و تخطی ناپذیری حیطه آموزش عالی را در برگیرد.

۳) تمامی فعالیتهای علمی مراکز آموزش عالی باید مطابق با اصل استقلال آکادمیک و با رعایت قوانین در کشور صورت پذیرد.

ماده (۲۰)

آزادی آکادمیک عبارتست از آزادی در آموزش، تحقیق، فعالیتهای سازنده و آزادی در تعلیم.

ماده (۲۱)

خودگردانی آکادمیک بیان کننده موارد ذیل می باشد:

۱. انتخاب تمام بخشها با یک دوره اداری ثابت
۲. مراکز آموزش عالی حق دارند تا در مورد ساختار و فعالیتهایشان مطابق با مقررات مراکز در ارتباط با ضوابط این ماده قانونی تصمیم گیری نمایند.



۳. انتخاب مستقل دانشکده، پذیرش شرایط و روشهای آموزش دانشجویان.
 ۴. توسعه و گسترش مستقل و اجرای برنامه های آموزشی و طرحهای تحقیقاتی.
 ۵. انتخاب تخصصها و آموزش آنها.
 ۶. ایجاد رقابت و انتخاب دانشکده تحت شرایطی که در مدارک آکادمیک و مصوبات قانونی قید گردیده است.
 ۷. حق افزایش بودجه و انتخاب مستقل در مورد شرایط مختص موسسه.
 ۸. حق انعقاد قرارداد آموزشی و آموزش مجدد فارغ التحصیلان یا تحقیق کاربردی و اساسی با دولت و کاربران.
 ۹. حق همکاری با مراکز آموزش عالی و نهادهای دیگری که تحت بند ۸ به فعالیت مشغول می باشند.
 ۱۰. حق بهره برداری از امکانات مورد نیاز آموزش یا اهداف تحقیقی و یا امکانات مورد نیاز ارائه سرویس به دانشجویان و دانشکده.
 ۱۱. حق سازماندهی و تعیین همکاری بین المللی، اجرای مفاد قراردادها و عضویت در سازمانهای بین المللی.
- ماده (۲۲)
- استقلال عمل مراکز آموزش عالی نباید باعث بوجود آمدن مسائل زیر گردد:
۱. مداخله و تعارض در فعالیتهای مراکز آموزش عالی، به استثنای مواردی که به وضوح در قانون تصریح شده است.



۲. برهم زدن امنیت و قوانین دولتی مربوطه بدون کسب اجازه از مقامات آکادمیک، به استثنای ممانعت از حوادث و خطرات قریبالوقوع، بیم از ابراز تخطی یا در مواقع بلایای طبیعی یا حوادث طبیعی.

۳. تأسیس و عملکرد سازمانهای مذهبی یا سیاسی در مراکز آموزش عالی.

۴. فعالیتهایی که هر گونه حقوق و قوانین اساسی اعضای جامعه آکادمیک را مطابق با اصول نژاد، ملیت، قومیت، هویت اجتماعی، مذهب، عضویت سیاسی یا محکومیت زیر پا گذارد.

ماده (۲۳)

منازعات بین گروهها در مراکز آموزش عالی باید بر اساس ضوابطی که در قوانین قید گردیده حل و فصل گردد.

ماده (۲۴)

۱. مراکز آموزش عالی متشکل از اجلاس عمومی، هیأت آکادمیک و رؤسای دانشگاهها می باشند.
۲. بخشهای مدیریت مراکز آموزش عالی باید در یک دوره اداری چهار ساله انجام وظیفه نمایند.
۳. دوره اداری بخشهای مدیریت مراکز آموزش عالی نباید بواسطه اصل انتخابات متوقف گردد.
دوره اداری اعضای منتخب از طریق برگزاری انتخابات باید با اتمام دوره اداری بخش مدیریت مورد نظر منقضی گردد.

۴. اختیارات رؤسای مراکز آموزش عالی باید با اتمام دوره اداری اجلاس عمومی منقضی گردد.
رئیس مرکز باید به اجرای وظایفش در خلال انتخاب رئیس جدید ادامه دهد.

ماده (۲۵)



۱. مرکز آموزش عالی باید دارای واحدهای پشتیبانی و مقدماتی باشد.
۲. واحدهای مقدماتی، ادارات، مؤسسات، واحدهای تابعه، کالجها و اساتید را در برمی گیرد.
۳. واحدهای پشتیبانی، بخشها، مراکز، کلینیکها، کتابخانهها، آزمایشگاهها، مراکز آزمایشگاهی، امکانات چاپ و انتشار امکانات تهیه و توزیع و واحدهای جداگانه دیگر را در برمی گیرد.
۴. واحدهای قید گردیده در پاراگراف ۲ و ۳ به استثنای اساتید، مشروط بر اینکه از طریق شورای وزراء مورد تأیید قرار گیرند، اشخاص حقوقی می باشند.

ماده (۲۶)

۱. ادارات، واحدهای اصلی مراکز آموزش عالی بوده و از اساتید برای آموزش دانشجویان در یک رشته تخصصی یا رشته‌های تخصصی به مراکز آموزش عالی دعوت می نمایند.
۲. ادارات مرکز آموزش عالی ممکن است انجمنهایی تحت شرایط و ضوابطی که در مقررات و قوانین فعالیتهای مراکز آموزش عالی عنوان گردیده، تأسیس نمایند.
۳. بخشهای مدیریت، ادارات یا سازمانهای مشابه، اجلاس عمومی، هیأت اداری و رئیس دانشکده را در برمی گیرد. طول دوره اداری چهار سال بود و این دوره اداری نباید بواسطه انتخابات مختوم گردد.
۴. اعضاء اجلاس عمومی از طریق هیأت اداری انتخاب گردیده و متشکل از اساتید و استادیارانی می باشد که بر اساس قرارداد استخدامی تحت نظارت قوانین ماده ۲۷ و ۲۸ به فعالیت مشغول می باشند.
۵. بخشهای مدیریت شامل اساتید، هیأت و رؤسای اساتید می باشد. رئیس اساتید باید یک استاد یا استادیاری باشد که از طریق رأی گیری مخفیانه به مدت چهار سال در مؤسسه آموزش عالی به فعالیت مشغول می شود.



۶. ساختار و عملکرد بخشهای مدیریت واحدهای پشتیبانی باید در قوانین داخلی مراکز آموزش عالی مشخص گردد.

ماده (۲۷)

۱. اجلاس عمومی مرکز آموزش عالی متشکل از اساتید، استاد یاران و اساتید دیگر و محققین، کارمندان اداری و دانشجویان تمامی واحدها می باشد.

۲. اساتید و استادیاران ۷۰ درصد از کل جلسه را تشکیل می دهند، در حالیکه نمایندگان دانشجویان ۱۵ درصد از اعضای کل جلسه را تشکیل می دهند.

۳. مجموع کل اعضاء اجلاس عمومی و روند انتخاب آنها باید در قوانین مربوط به فعالیتهای مراکز آموزش عالی قید و تعیین شده باشد.

۴. در ارتباط با سهمیه دانشکده، ارجحیت با اشخاصی می باشد که بر اساس قرارداد اصلی استخدام به فعالیت مشغول باشند.

ماده (۲۸)

۱. اجلاس عمومی مرکز آموزش عالی باید مطابق با تصمیم گیری روسای جلسه یا بنا به درخواست یک چهارم از اعضاء، حداقل به مدت یکسال تشکیل جلسه دهد.

۲. جلسه عمومی با حضور دو سوم اعضاء رسمیت می یابد.

۳. به استثنای تصویب مقررات فعالیتهای مراکز آموزش عالی که به اکثریت کل اعضاء جلسه عمومی نیاز دارد، در سایر موارد از طریق اکثریت آراء اعضاء جلسه تصمیم گیری می نماید.

ماده (۲۹)



اعضای جلسه عمومی مرکز آموزش عالی باید:

۱. با بلند کردن دست، رئیس و معاون هر جلسه را در میان اساتید و استاد یارانی که اعضای جلسه عمومی می‌باشند انتخاب نمایند.
 ۲. مقررات ویژه فعالیتهای مرکز آموزش عالی را اصلاح یا تصویب نمایند.
 ۳. رؤسای مراکز با رأی‌گیری مخفی انتخاب نمایند.
 ۴. تعداد اعضای هیأت آکادمیک را تعیین و این اعضاء با رأی‌گیری مخفی انتخاب نمایند.
 ۵. گزارش رئیس مرکز آموزش عالی دولتی را مورد بحث و بررسی و تصویب قرار دهند.
- ماده (۳۰) اداره فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی بر عهده هیأت آکادمیک بوده و این هیأت باید:
۱. سیاست آموزشی مرکز آموزش عالی را تعیین نماید، برنامه آموزشی را با دوره اداری تنظیم نموده و بر اجرای برنامه نظارت نماید.
 ۲. از نتایج فعالیتهای مرکز آموزش عالی گزارش سالانه تهیه نماید.
 ۳. در مورد ایجاد یا تغییر کرسی‌های ریاست یا واحدهای کمکی مرکز آموزش عالی تصمیم‌گیری نماید یا پیشنهاد و طرح تأسیس واحدهای مقدماتی را تحت شرایط و ضوابط ماده قانون ۹، پاراگراف ۳، بند ۳ ارائه نماید.
 ۴. تخصصها، روشها و مقاطع آموزش را تعیین نموده و تعداد دانشجویان ثبت‌نام شده را در تصمیم‌گیریهای خود مدنظر قرار دهد.
 ۵. شرایط لازم و برنامه‌های آموزش مقاطع مختلف یا کالجهای مرکز آموزش عالی را تغییر یا تصویب نماید.



۶. سیاست تحقیقاتی مرکز آموزش عالی را تعیین نماید و در مورد مسائل مهم سازمان و محتوی فعالیتهای تحقیقاتی تصمیم‌گیری نماید.

۷. ترکیب جلسه عمومی را تعیین نموده و جلسه را برای انتخاب اعضای سازماندهی نماید.

۸. سیاست‌گذاری مرکز آموزش عالی را مشخص نموده و شرایط ارزشیابی اعضای دانشکده و محققین را تعیین نماید.

۹. معاونین دانشگاه‌ها را از میان پرسنل رؤسای دانشگاه انتخاب نماید.

۱۰. در مورد مشارکت در انجمنهای علمی بلغارستان یا نهادهای خارجی تصمیم‌گیری نماید.

۱۱. بودجه مرکز آموزش عالی را تنظیم نموده و تحقیق امور را بواسطه تأیید گزارشات مالی کنترل و اداره نماید.

۱۲. عنوان دکتری افتخاری را به افراد مورد نظر اعطاء نماید.

۱۳. اساتید و استاد یاران ممتاز را انتخاب نماید.

۱۴. اساتید را انتخاب و شرایط آموزش ویژه، علمی، سازنده یا فعالیتهای سازنده مرکز آموزش عالی تنظیم نماید.

(۲) حداقل سه چهارم از اعضای هیأت علمی باید متشکل از استاد و استادیار باشد.

(۳) هیأت علمی باید از نمایندگان دانشجویان، کارشناسان ارشد، اعضای دیگر دانشکده و کارمندان تشکیل گردد.

ماده (۳۱)



۱. رئیس مرکز آموزش عالی باید یک استاد یا یک استادیاری باشد که طبق انتخابات به عمل آمده، پست ریاست را بر اساس قرارداد استخدامی با مرکز آموزش عالی بدست آورده باشد.

۲. روسای ادارات و بخشهای مدیریت تحت ماده قانون ۲۴ و ۲۶ پاراگراف سه و پنج و رؤسای واحدها و سازمانهای معادل ادارات یا معاونینشان نباید برای بیش از دو دوره متوالی اداری در همان سمت مجدداً انتخاب گردند.

۳. در زمان انقصال دوره اداری، یک دوره اداری باید به مدت دو سال در نظر گرفته شده باشد که افراد مورد نظر در موقعیتی که برای آنها در نظر گرفته شده به مدت دو سال در آن موقعیت به فعالیت مشغول باشند.

۴. افرادی که در زمان تاریخ انتخابات مجاز به بازنشستگی می باشند، نباید برای ریاست موقعیتهای اداری انتخاب شوند.

ماده (۳۲)

رئیس دانشگاه باید:

۱. نماینده مرکز آموزش عالی باشد.

۲. عضو هیأت آکادمیک باشد.

۳. قراردادهای استخدامی را امضاء و انقضاء نماید.

۴. در مورد تمامی موضوعات مربوط به پذیرش، انتخاب یا انتقال دانشجویان تصمیم نهایی را اتخاذ

نماید.



۵. طرح تأیید و تصویب گزارش سالیانه مرکز آموزش عالی هیأت آکادمیک را ارائه و گزارش را منتشر نماید.

۶. اساتید و استاد یاران، نامزد انتخاب یک یا بیش از یک معاون دانشگاه را معرفی نماید.

۷. عملکردهای دیگری را که از طریق قانون یا تصمیمات هیأت آکادمیک یا جلسه عمومی مشخص و تعیین شده‌اند را اجراء نماید.

ماده (۳۳)

(۱) معاون دانشگاه باید:

۱. رئیس دانشگاه را در اجرای وظایفش یاری داده و در انجام برخی امور، تام‌الاختیار باشد.

۲. در اجرای بند ویژه‌ایی از فعالیتهای مرکز آموزش عالی مسؤول بوده و این فعالیتها را سازماندهی نماید.

۳. در جلسات هیأت آکادمیک بی آنکه رایی ارائه نماید شرکت نماید، مگر زمانی که از طریق جلسه عمومی به عنوان عضوی از هیأت آکادمیک انتخاب شده باشد.

۲) دوره اداری معاون دانشگاه باید همزمان با دوره اداری رئیس دانشگاه به اتمام رسد.

ماده (۳۴)

مرکز آموزش عالی باید بخشهای مشاوره‌ای را بنا به صلاحدید مرکز تأسیس نماید و شرایط تأسیسشان در مقررات حاکم بر فعالیتهای مراکز آموزش عالی تعیین شده باشد.

ماده (۳۵)



رئیس و معاونین دانشگاه، معاونین دانشگاه‌ها، رؤسای دانشکده‌ها، و واحدها به انضمام اعضای هیأت آکادمیک یا هیأت‌های اداری مراکز آموزش عالی باید وظایف مورد نظرشان را به انجام رسانده باشند یا قبل از اتمام دوره اداری بنا به تصمیم بخشی که آنها را از طریق اکثریت بیش از نیمی از تمام اعضایش انتخاب نموده، احضار نماید.

ماده (۳۶)

مراکز آموزش عالی خصوصی ممکن است از مدیریت و ساختار متفاوتی برخوردار بوده و بخش‌های مدیریتی مشروط بر اینکه از آزادی‌های آکادمیک تخطی ننمایند از مدیریت و ساختار متفاوتی برخوردار می‌باشند.

ماده (۳۷)

تمام مسائل و ظوابط مربوط به ساختار و فعالیت‌های مراکز آموزش عالی که در این قانون مقرر نگشته نباید به مقررات و شروط مربوط به فعالیت‌های مراکز آموزش عالی الحاق گردد.

ماده (۳۸) قوانین مربوط به بخش‌های مدیریت مراکز آموزش عالی ممکن است در دادگاه تحت شرایط و ضوابطی که در ماده اقدامات اداری تنظیم گشته مورد حمله قرار گیرد.

ساختار و سازماندهی ضوابط و شرایط تحصیلی مراکز آموزش عالی

ماده (۳۹)

ضوابط و شرایط تحصیلی باید در مراکز آموزش عالی بر اساس ارائه مدرک آموزشی برای هر تخصص، که شامل احراز صلاحیت، برنامه آموزشی، برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی و جدول زمانی سالیانه می‌باشد، ارائه و اجراء گردد.



ماده (۴۰)

۱. محتوای آموزش هر رشته باید در الگوهای متفاوت سازماندهی شده باشد.

۲. حداقل زمان آموزش با هر الگویی باید ۱۵ ساعت باشد.

۳. ساعت آموزش ۴۵ دقیقه خواهد بود.

ماده (۴۱)

۱. مراکز آموزش عالی باید آموزش اجباری و دروس اختیاری را تنظیم نمایند.

۲. هر دانشجویی باید حق انتخاب دروس مصوب چارچوب برنامه آموزشی را داشته باشد.

ماده (۴۲)

۱) نظام آموزش دانشگاهی باید فرایند آموزش پس از اتمام مدرسه متوسطه که از مقاطع ذیل

تشکیل یافته است را سازماندهی نماید:

۱. نخستین مقطع - با یک برنامه آموزشی که حداقل چهار سال بطول می‌انجامد شروع و با کسب

مدرک کارشناسی به اتمام می‌رسد.

۲. دومین مقطع - دوره تحصیلی این مقطع حداقل یک سال پس از کسب مدرک کارشناسی بطول

انجامیده و با کسب مدرک کارشناسی ارشد به اتمام می‌رسد.

۳. سومین مقطع - طول دوره تحصیلی این مقطع حداقل سه سال پس از کسب مدرک

کارشناسی ارشد بوده و با کسب مدرک دکتری به اتمام می‌رسد.

۲) دوره تحصیلی کالجها حداقل باید سه سال باشد و با مدرک تحصیلی (فوق دیپلم) به اتمام

رسد.



۳) مدارک ممکن است طبق ضوابط آموزشی و خصوصیات شاخه آموزشی مورد نظر عناوین ویژه‌ای را داشته باشند. این عناوین باید از طریق وزارت آموزش علوم و تکنولوژی به تصویب رسیده باشند.

۴) مدارک و تحصیلاتی که مطابق با ماده قانون ۷ به اتمام رسیده و تکمیل گشته‌اند باید مطابق با عملکرد موفقیت آمیز تمامی وظایفی که در برنامه آموزشی پیش بینی شده‌اند، صرف‌نظر از جدول زمان‌بندی شده تاریخ آموزش صادر گردند.

۵) مراکز آموزش عالی باید شرایط و دوره‌های خاصی را برای موارد ذیل مهیا و ایجاد نمایند:

۱. کسب دومین تخصص در چارچوب همان مدرک
۲. کسب یک تخصص جدید در زمان نظارت بر اجرای شرایط و مقررات قانونی تحت پاراگراف ۴
۳. کسب مدرک آموزش عالی
۴. ابتدا اتمام یک تخصص ویژه و سپس اتمام تخصصی که مورد نظر کارآموزان باشد
۵. آموزش پاره وقت در کشور بلغارستان و آموزش پاره وقت دانشجویان خارجی در مرکز آموزش

عالی

۶. انتقال دانشجویان به مرکز آموزش عالی، اداره یا مرکز تخصصی دیگر
۷. ایجاد وقفه در آموزش و آموزش مستمر دانشجویان و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکتری
۸. ارائه آموزش بصورت تمام وقت، پاره وقت، شبانه و آموزش مکاتبه‌ای

ماده (۴۳)

۱. مراکز آموزش عالی ممکن است دوره‌هایی را برای به روز در آوردن مدارک و تحصیلات تنظیم

نمایند.



۲. آموزش دوره‌های به روز در آوردن مدارک باید بر اساس قوانین آموزشی که در ضوابط داخلی مراکز آموزش عالی معین گشته‌اند، ارائه گردد.

۳. دوره‌های تکمیلی به روز در آوردن مدارک نباید به عنوان بهانه‌ای برای کسب مدرکی تخصصی قلمداد گردد.

ماده (۴۴)

۱. مراکز آموزش عالی باید قوانینی را به منظور تعیین شیوه برگزاری امتحانات، تصویب و تنظیم نمایند.

۲. شرایط ارزیابی و تعیین نمره علمی و ارزیابی مهارت دانشجویان باید در برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های درسی مقرر شده باشد. شرط کلی ارزیابی علمی در مراکز آموزش عالی امتحان کتبی می‌باشد.

۳. دانش و مهارت‌های دانشجویان باید بر اساس نظام عددی ۶ نمره‌ای به قرار ذیل نمره داده شود:
نمره ۶ : عالی ؛ نمره ۵ : خیلی خوب ؛ نمره ۴ : خوب ؛ نمره ۳ : رضایت‌بخش ؛ نمره ۲ : ضعیف

۴. حداقل نمره ۳ برای کسب قبولی مورد نیاز می‌باشد.

۵. مراکز آموزش عالی ممکن است قوانین و ضوابط اجرای نظام دیگری از نمراتی که باید با ضوابط ماده ۴۴، پاراگراف ۳ یکی باشد را معرفی نمایند.

ماده (۴۵)



۱. آموزش هر تخصص در مقاطع اول و دوم باید از طریق برگزاری امتحانات دولتی یا دفاع از پایان‌نامه با اتمام رسد.

۲. امتحان دولتی و دفاع از پایان‌نامه باید مطابق با قوانین و شرایط فارغ‌التحصیلی و با حضور هیأت داوران، اساتید و استادیاران به عمل آید. اعضای هیأت داوران باید متشکل از افراد خارج از مراکز آموزش عالی نیز باشد.

ماده (۴۶)

۱. مراکز آموزش عالی باید برای ارائه آموزش به سومین مقطع مجاز یعنی دکتری تخصصی که در فهرست تخصصهای مورد نظر مرکز آموزش عالی درج شده است مجاز دانسته شوند.

۲. دوره دکتری باید مطابق با برنامه درسی خاصی باشد که شامل آمادگی و دفاع از پایان‌نامه می‌باشد.

۳. هیأت اداری مرکز آموزش عالی که دوره دکتری در آن مرکز ارائه می‌گردد، باید برنامه‌های درسی را تصویب و استاد راهنما را انتخاب نماید.

۴. استاد راهنمای دانشجویی که دوره دکتری را سپری می‌نماید ممکن است، استاد، استادیار یا دکتر باشد.

۵. مدرک دکتری باید به افرادی اعطاء گردد که در امتحانات مورد نظر قبول و از پایان‌نامه‌شان تحت شرایط و ضوابطی که در ماده قانون مدارک آکادمیک قید شده، دفاع نمایند.

ماده (۴۷)



آکادمی علوم، کشاورزی و نهادهای علمی دیگر بلغارستان ممکن است فرایند آموزش و دوره دکتري رشته‌های تخصصی را ارائه نماید که دانشجویان ملزم به تکمیل آنها می‌باشند.

اعضای دانشکده و محققین مراکز آموزش عالی

ماده (۴۸)

۱) مراتب ذیل برای اعضاء دانشکده منظور شده‌اند:

۱. استادیاران و اساتید

۲. استادیاران، استادیاران ارشد و استاد یاران اصلی

۲) افرادی که تنها برای آموزش غیر تخصصی زبان، ورزش، هنر و رشته‌های دیگر منصوب گشته‌اند باید معلمین و معلمین ارشد باشند.

۳) تنها افرادی که به کسب مدرک مورد نیاز بر اساس ماده قانون مدارک آکادمیک نائل گشته‌اند باید برای کسب کرسی استادی و استادیاری و استادان مقطع کاردانی صلاحیت لازم را کسب نمایند.

ماده (۴۹) کرسیها و عنوانی که در ماده قانون ۴۸ عنوان گردید باید بر اساس رقابت و انتخاب، تحت ضوابطی که در مقررات مراکز آموزش عالی قید گشته‌اند اختصاص یابد.

ماده (۵۰)

۱. تصمیم‌گیری به منظور برگزاری رقابت برای کسب موقعیتهایی که در ماده قانون ۴۸ و ۵۱ عنوان گشته باید از طریق هیأت آکادمیک یا هیأت های واحدهای مقدماتی مراکز آموزش عالی اتخاذ شده باشد.



۲. رقابت در میان استادان مقطع کاردانی و اساتید باید در روزنامه رسمی دولتی حداقل سه ماه قبل از آخرین مهلت برای شرکت در رقابت اعلام شده باشد.

ماده (۵۱)

۱. مراکز آموزش عالی باید برای جذب افراد با مدارک آکادمیک از کشور یا کشورهای خارجه بر اساس زمان قراردادهای و به عنوان جذب اساتید یا اساتید برجسته مقطع کاردانی برجسته اقدام نماید.
۲. اشخاص قید شده در پاراگراف ۱ نباید مدارک آکادمیک را در قالب مفهوم ماده قانون مدارک آکادمیک، کسب کرده باشند.

۳. اساتید برجسته مقطع کاردانی باید بر اساس رقابت و انتخاب هیأت آکادمیک یا هیأت اداری جذب شده باشند.

۴. اشخاصی که بنا به زمان قراردادهای کار تحقیقاتی انجام می دهند باید برای شرکت در رقابت برای انتخاب اساتید برجسته مقطع کاردانی اقدام نمایند.

۵. مراکز آموزش عالی باید برای جذب هیأت علمی دانشکده با رعایت پرداخت حق الزحمه اقدام نماید. شرایط و ضوابط این طرح باید به قوانین مراکز آموزش عالی الحاق شده باشد.

ماده (۵۲)

۱. دانشمندان یا اعضای هیأت علمی کشور یا کشورهای خارجی ممکن است از جانب هیأت اداری مرکز آموزش عالی برای شرکت در آموزش و تحقیق به عنوان اعضای هیأت علمی مهمان برای یک دوره زمانی معین دعوت گردند.

۲. نباید هیچگونه رقابتی برای اعضای هیأت علمی مهمان در نظر گرفته شده باشد.



۳. ارتباط میان اعضای هیأت علمی مهمان و مرکز آموزش عالی باید بر اساس قراردادی از پیش تعیین شده، مشخص گردد.

ماده (۵۳)

۱. متخصصین باید برای کمک به روند آموزش و تحقیق در مراکز آموزش عالی انتخاب گردند.

۲. شرایط انتصاب چنین افراد و انتخاب نام علمی برای موقعیت‌هایشان باید مطابق با ضوابط ماده قانون مدارک آکادمیک و قوانین مراکز آموزش عالی تعیین شده باشد.

ماده (۵۴)

۱) اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی باید مطابق با شرایط ذیل انتخاب شده باشند:

۱. اشخاص و اساتید کاردانی - برای یک دوره زمانی نامحدود.

۲. استادیاران، استادیاران ارشد و استادیاران اصلی - برای یک دوره زمانی که از سه سال تجاوز ننماید.

۲) اعضای هیأت علمی که در ماده قانون ۴۸ پاراگراف ۲ قید گشته، ممکن است بر اساس زمان قراردادهای یا قراردادهای استخدامی برای یک دوره زمانی نامحدود به فعالیت بپردازند. شرایط و ضوابط انتصابشان باید در قوانین مراکز آموزش عالی قید شده باشد.

۳) بر اساس اتمام دوره قرارداد استخدامی مطابق با پاراگراف ۱، بند ۲، هیأت اداری ممکن است در مورد ادامه دوره فوق تصمیم‌گیری نماید مشروط بر اینکه افراد ارزیابی مثبتی از اجراء و عملکردشان داشته باشند. زمان قرارداد ممکن در چند نوبت تمدید گردد اما نباید این قرارداد بیش از ۹ سال و برای دارندگان مدرک دکتری بیش از ۱۲ سال بطول انجامد.



۴) روابط شغلی بین مرکز آموزش عالی و پذیرفته‌شدگان آزمون استخدامی باید بعد از پذیرش مشخص شود باشد. رئیس دانشگاه باید قرارداد استخدامی را یک ماه پس از تأیید و تصویب انتخابشان، امضاء نماید.

ماده (۵۵)

۱) اعضای هیأت علمی مجاز به:

۱. انتخاب بخشهای مدیریت مرکز آموزش عالی می‌باشند مگر اینکه این بخشها اعضای هیأت علمی تحت ماده قانون ۵۱ و ۵۲ باشند.

۲. گسترش و آموزش رشته مطابق با برنامه آموزشی و برنامه‌های درسی می‌باشد.

۳. انجام تحقیق آزاد، بر اساس علائق و انتشار نتایج تحقیقاتشان می‌باشند.

۴. ارائه خدمات مشاوره‌ای و خدمات دیگری که به اهداف فعالیت‌هایشان در مرکز آموزش عالی تحت شرایط و ضوابطی که در مقررات مرکز آموزش دانشگاهی تعیین شده‌اند، مربوط باشد.

۵. استفاده از تمامی امکانات و فرصتهایی می‌باشند که از جانب مرکز آموزش عالی برای پیشرفت آکادمیک ارائه می‌گردد.

۲) اعضای هیأت علمی قید شده در ماده قانون ۴۸، پاراگراف ۱، در طی دوره کاری ۷ ساله، مجاز به گذاردن یکسال تحصیلات آکادمیک در راستای پیشرفت علمی‌اشان می‌باشند و هیچگونه بار کاری آموزشی نباید در طی این سال به عهده آنها گذاشته شود. زمان پیشرفت آکادمیک باید شامل دوره‌های تخصصی خارج از مرکز آموزش عالی برای بیش از یک ماه باشد. تصمیم مورد نظر از طریق هیأت اداری بواسطه رأی گیری مخفی اتخاذ می‌گردد.



ماده (۵۶)

۱) اعضای هیأت علمی باید:

۱. وظایفشان را مطابق با شرایط و ضوابط شغلی و طرح فعالیت فردی اجراء نمایند.

۲. اصول و آئین شغلی و آکادمیک را رعایت نمایند.

۳. مقررات مرکز آموزش عالی را رعایت نمایند.

۴. از اجرای فعالیتهای سیاسی و مذهبی در مرکز آموزش عالی اجتناب نمایند.

۲) مراکز آموزش عالی ممکن است مقررات اضافی و تبصرههایی در خصوص قوانین یا قراردادهای

استخدامی اعضای هیأت علمی وضع نمایند.

۳. مقررات مراکز آموزش عالی ساعات کار اعضای هیأت علمی و محققین، ظرفیت کاری و شرایط

کاریشان را باید تعیین نمایند.

ماده (۵۷)

۱. مراکز آموزش عالی باید فعالیت اعضای هیأت علمی و محققین را در حوزههای آموزش، تحقیق،

مدیریت و فعالیتهای دیگر ارزیابی نموده و از اساتید مقطع کاردانی هر پنج سال یکبار و از اعضای هیأت

علمی هر سه سال یکبار ارزیابی به عمل آورد.

۲. ارزشیابی و اجرای ارزیابی باید بر اساس ضوابطی صورت پذیرد که از قبل در قوانین مرکز

آموزش عالی مشخص گشته است.

ماده (۵۸)



۱) اعضای هیأت علمی طبق دستور رئیس دانشگاه مطابق با شرایط ذیل بر کنار و عزل می گردند:

۱. طبق درخواست خود اعضاء
۲. محکومیت برای جرم عمومی
۳. در زمانیکه هیچگونه شرایطی برای تدریس آنها ارائه نشده و هیچگونه فرصتی برای انتقال یا بازنشستگی در رشته مشابه وجود نداشته باشد
۴. سرقت علمی به اثبات رسیده در کارهای آکادمیک
۵. کناره گیری و انصراف از مقطع آکادمیک
۶. مواجهه با دو ارزیابی منفی پی در پی
۷. تخطی از رعایت نظم و انضباط
۸. عدم صلاحیت قانونی

۲) اعتراض و انتقاد قید شده در پاراگراف ۱، بند ۳ و ۴ و ۶ و ۷ باید پس از اتخاذ تصمیم از جانب هیأت اداری صورت می پذیرد.

۳) اعضای هیأت علمی بر کنار شده که در پاراگراف ۱، بند ۳ قید گردید، تا پایان اتمام قرارداد استخدامی اشان مجازاند تا از حقوق دولتی بهره مند گشته و این دروه نباید از زمان بر کناریشان ۱۲ ماه بطول انجامد.

ماده (۵۹)



ضوابط و مقررات Labou Code باید به موضوعاتی که به این فصل الحاق نشده‌اند ضمیمه گردد.

عناوین افتخاری

۱) هیأت های آکادمیک مراکز آموزش عالی ممکن است به افراد بلغاری یا به اتباع خارجی عنوان افتخاری “Doctor Honoris Causa” را به منظور مشارکت آنها در توسعه و پیشرفت علوم و آموزش دانشگاهی اعطاء نماید.

۲) دارندگان عنوان « دکتری افتخاری » مجاز به ارائه سخنرانی عمومی در مرکز آموزش عالی می‌باشند که این عنوان را به آنها اعطاء کرده است.

تنظیم و سازماندهی تحقیق در مراکز آموزش عالی

ماده (۶۱)

۱. تحقیق و پژوهش در مراکز آموزش عالی باید معطوف به توسعه دانش علمی جدید گردد.

۲. سازماندهی و مدیریت تحقیق باید به قوانین مراکز آموزش عالی الحاق شده باشد.

ماده (۶۲)

۱. مراکز آموزش عالی باید از کار تحقیقی و پژوهشی و پروژه‌هایی که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند استقبال نماید.

۲. مراکز آموزش عالی باید برای طراحی و ارائه پروژه‌های تحقیقاتی مشترک با مراکز آموزش عالی دیگر، نهادهای علمی و مؤسسات مطابق با منافع‌اشان و علائق تحقیقی‌شان همکاری نمایند.

ماده (۶۳)



۱. کارهای تحقیقاتی باید بخش سازنده و مکمل فعالیتهای اعضای هیأت علمی باشد.

۲. تحقیقاتی که توسط اشخاصی که در پاراگراف ۱ قید شده، انجام می‌گیرد، باید در زمان ارزیابی عملکرد اعضای هیأت علمی، مدنظر قرار گیرد.

۳. محققین، دانشجویان و دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکتری باید در تحقیقات مشارکت نمایند.

۴. شرایط و ضوابط انتصاب و عزل محققین باید در مقررات مراکز آموزش عالی، ضوابط ماده قانون مدارک آکادمیک و Labou Code مشخص شده باشد.

ماده (۶۴)

۱. محققین باید از طریق کمک‌های مالی دولت از بخش بودجه دولتی و هزینه‌های اضافی که مطابق با قوانین مالی ماده قانون ۹۰ و ۹۱، تعیین گشته تأمین مالی گردند.

۲. مراکز آموزش عالی باید برای استفاده از بودجه‌هایی که برای مقاصد تحقیقاتی در نظر گرفته شده‌اند اختیارات تام برخوردار گردند.

۳. شرایط و نحوه مصرف کمک‌های مالی باید در مقررات و ضوابط مراکز آموزش عالی قید و تصریح شده باشد.

ماده (۶۵)

گزارش سالیانه مراکز آموزش عالی باید شامل اطلاعاتی در مورد سازماندهی، نتایج و هزینه‌های فعالیتهای تحقیقاتی باشد.

کارآموزان، دانشجویان دوره کارشناسی‌ارشد و دکتری

ماده (۶۶)



۱. مراکز آموزش عالی باید دانشجویان و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری را آموزش و تعلیم دهند.

۲. عنوان دانشجو به فردی اطلاق می‌گردد که برای کسب مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد یا دکتری به تحصیل مشغول می‌باشند.

۳. داوطلبین دوره دکتری افرادی می‌باشند که از مدرک کارشناسی ارشد برخوردار بوده و خود را برای کسب مدرک دکتری آماده می‌نمایند.

۴. کارآموزان افرادی می‌باشند که دانش و مهارت‌هایشان را بر اساس برنامه آموزشی تخصصی بدون کسب مدرک عالی یا یک مدرک تخصصی به روز می‌نمایند.

ماده (۶۷)

موقعیت یک دانشجو، دانشجوی دوره دکتری یا کارآموز باید بر اساس ثبت نام در مرکز آموزش عالی تعیین گردد و زمانیکه شخص از ثبت نام در مرکز آموزش عالی امتناع ورزد این موقعیت از او سلب می‌گردد.

ماده (۶۸)

۱) دانشجویان باید با رعایت شرایط ذیل ثبت نام نمایند:

۱. پذیرش شرایط استاندارد دولتی

۲) داوطلبانی که برای ثبت نام در امتحانات ورودی مراکز آموزش عالی شرکت نموده‌اند باید مطابق

با موارد ذیل و در این ارتباط از امتیازات ویژه برخوردار می‌گردند عبارتند از:



افراد معلول مادرزادی، معلولین جنگی، یتیمان، نابینایان، ناشنوایان، مادران صاحب سه یا بیشتر از سه کودک و صاحب کودکان دوقلویی که هر دو برای ثبت نام در یک مدرسه اقدام نموده.

ماده (۶۹)

۱) دانشجویان و دانشجویان دوره دکتری باید برای انجام موارد ذیل اختیار تام داشته باشند:

۱. انتخاب رشته تحت شرایط و ضوابطی که در برنامه آموزشی تعیین شده.

۲. از کمک ویژه و قیومت در توسعه حرفه‌ای و آکادمیک برخوردار گردند.

۳. برای تحصیل در چند رشته تخصصی در دوره‌هایی که طبق ضوابطی توسط مرکز آموزش عالی

تعیین گشته، حضور یابند.

۴. شرکت در فعالیتهای تحقیقاتی مرکز آموزش عالی با تضمین کپی رایت (حق انحصاری) و

حقوق و شهریه‌های مربوطه.

۵. انتخاب بخشهای مدیریت مرکز آموزش عالی

۶. استفاده از خوابگاه‌ها، سلف سرویسها، مراکز خدمات درمانی، تخفیف در حمل و نقل دولتی

دانشجویی و استفاده از تمامی امکانات مرکز آموزش عالی برای یادگیری، تحقیق، ورزش و فعالیتهای

فرهنگی به همراه مزایای دیگری برای زندگی طبیعی و مطالعه تحت شرایط و ضوابطی که از طریق دولت

و مرکز آموزش عالی تعیین شده است.

۷. تأسیس نهادهای آکادمیک، فرهنگی و ورزشی برای ارزیابی و حمایت از علائق دانشجویان و

پیوستن به نهادهای بین‌المللی که فعالیت آنها قوانین جمهوری بلغارستان را نقض نمی‌نماید.



۸. گسترش مراکز آموزش عالی، ادارات، مراکز تخصصی، مدارک یا شرایط آموزشی دیگر مطابق با مقررات و ضوابط مراکز آموزش عالی.

۹. انصراف از تحصیل و پس از آن از سرگیری تحصیلاتشان تحت شرایط و مقرراتی که در قوانین مرکز آموزش عالی تعیین و قید شده است.

۱۰. درخواست برای از سرگیری تحصیل در همان رشته تخصصی که از طریق بودجه دولتی پس از اتمام موفقیت آمیز هر سال آکادمیک در مراکز آموزش عالی تأمین مالی می‌گردد. شرایط و ضوابط باید در قوانین مرکز آموزش عالی قید و تعیین شده باشد.

۱۱. برخورداری از ۳۰ روز تعطیلات در یک سال تحصیلی.

۱۲. دریافت بورسیه‌های دولتی با استفاده از وام‌هایی برای آموزش و حمایت و پشتیبانی در طی دوره‌های تحصیلی.

۲ (دانشجویان، دانشجویان دوره دکتری و کارآموزانی که یتیم، نابینا، ناشنوا، معلول، معلول جنگی، مادران کودکان زیر شش سال و دانشجویانی که در مراکز بهداشتی درمانی تحت درمان می‌باشند، باید از مزایای ویژه‌ای که در قوانین مراکز آموزش عالی قید گشته، برخوردار گردند.

ماده (۷۱) وظایف دانشجویان، دانشجویان دوره دکتری و کارآموزان باید در قوانین مراکز آموزش عالی تعیین شده باشد.

ماده (۷۲)



۱. شورای دانشجویی، بخشی برای دفاع از منافع عمومی دانشجویان و دانشجویان دوره دکتری می‌باشد و شورای فوق از نمایندگان دانشجویان، دانشجویان دوره دکتری در جلسه عمومی مرکز آموزش عالی تشکیل شده است.
۲. شورای دانشجویی باید قوانین سازمانی و عملکرد شورای را تصویب و ارائه نموده و قوانین فوق را به هیأت آکادمیک مرکز آموزش عالی ارائه نماید. هیأت آکادمیک ممکن است به قوانین معینی که مقررات مرکز آموزش عالی را زیر پا می‌گذارد، اعتراض و مخالفت نماید.
۳. مقررات قابل بحث و بررسی نباید از طریق وزارت علوم، آموزش و تکنولوژی اعمال گردند.
۴. فعالیتهای شورای دانشجویان باید از بودجه مرکز آموزش عالی تأمین مالی گردد. این هزینه ها باید برای حمایت و محافظت از منافع اجتماعی و در راستای فرهنگ، ورزش، تحقیق، امور سازنده و فعالیتهای بین‌المللی دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد.

ماده (۷۳)

شورای دانشجویان مجاز به اعمال موارد ذیل می‌باشد:

۱. سازماندهی انتخابات نمایندگان شورای در بخشهای مدیریتی مرکز آموزش عالی.
۲. ارائه پیشنهادات و طرحهایی برای رشته‌ها و موضوعات بیشتر و اضافی.
۳. ارائه پیشنهاداتی مبنی بر دعوت سخنرانان خارجی.
۴. سازماندهی و تاسیس انجمنهای آکادمیک تخصصی دانشجویی و انتشار فعالیتهای این انجمن.
۵. تأسیس و اداره واحدهای سازمانی اش.



۶. ایجاد و ارائه آموزش داخلی و بین‌المللی، انعقاد قراردادهای فرهنگی و دانشجویی در میان دانشجویان.

۷. تأمین و تشریح عقاید و ارائه پیشنهاداتی برای گسترش ورزش در مرکز آموزش عالی.

۸. مشارکت در اداره خوابگاه‌های دانشجویان.

۹. مشارکت در سازماندهی آموزش، اختصاص بورسیه‌های تحصیلی، کمک و ارائه همپاری به دانشجویان.

ماده (۷۴)

در موارد ذیل باید از ثبت‌نام دانشجو، دانشجوی دوره دکتری یا کارآموز جلوگیری به عمل آید:

۱. عدم اتمام موفقیت‌آمیز تحصیلات

۲. انصراف از مرکز و ثبت‌نام در مرکز دیگر

۳. ارائه اطلاعات نادرست در ارتباط با ثبت‌نام

۴. نبود قائده و ضابطه‌ایی برای انجام وظایفی که در برنامه آموزشی یا مقررات مرکز آموزش پیش‌بینی شده است.

۵. محکومیت در قبال جرم و خلاف عمدی

برسمیت شناختن مراکز آموزش عالی

ماده (۷۵) برسمیت شناختن به معنای تعیین و تشخیص ارتباط منطقی بین فعالیتهای مرکز آموزش عالی، واحد مقدماتی یا رشته اختصاصی مرکز و شرایط و مقررات دولتی می‌باشد.

ماده (۷۶) مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری باید:



۱. ضوابط و استانداردهای برسمیت شناختن قوانین موسسه را در زمان رعایت قوانین و شرایط این ماده قانون و شرایط دولتی بسط و به روز در آوردن موسسه را تصویب نماید.
۲. گسترش و تصویب روند مستندسازی فرایند برسمیت شناختن را بر عهده گیرد.
۳. پروژه‌های تأسیس یا انتقال مراکز آموزش عالی، ادارات یا رشته‌های تخصصی مراکز و ادارات را ارزیابی نماید.
۴. وضعیت و فعالیتهای مراکز آموزش عالی، ادارات و رشته‌های تخصصی این مراکز را بر اساس تعیین صلاحیت یا عدم آن ارزیابی نماید.
۵. نظام ارائه اطلاعات را در ارتباط با مراکز آموزش عالی معتبر، ادارات و رشته‌های تخصصی حفظ و سازماندهی نماید.

ماده (۷۷)

۱. بخشهای مدیریت مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری، هیأت ارزیابی و رئیس هیأت را در برمی گیرد.
۲. هیأت ارزیابی باید کمیته‌های تخصصی را به قصد اجرای ارزیابی تایید، تاسیس و سازماندهی نماید.

ماده (۷۸)

- ۱ (هیأت ارزیابی باید از ۲۳ استاد یا استاد مقطع کاردانی در حیطه علوم و آموزش طبق موارد ذیل تشکیل گردد:

۱. ۱۴ نماینده از مرکز آموزش عالی

۲. هفت نماینده از آکادمی علوم و آکادمی کشاورزی بلغارستان



۳. دو نماینده از وزارت آموزش، علوم و تکنولوژی

۲) نمایندگان مراکز آموزش عالی باید از طریق رؤسا و رأی‌گیری مخفیانه به پیشنهاد هیأت آکادمیک انتخاب گردند.

۳) نمایندگان آکادمی علوم و کشاورزی بلغارستان باید از طریق هیأت مدیران و به پیشنهاد شورای تحقیق و رأی‌گیری مخفیانه انتخاب گردند.

۴) نخست‌وزیر باید رئیس هیأت را از میان اعضای هیأت ارزیابی و به پیشنهاد هیأت ارزیابی انتخاب نماید.

ماده (۷۹)

۱) دوره اداری هیأت ارزیابی و اعتباری چهار سال می‌باشد. هیچ فردی ممکن نیست پس از دوره موفقیت‌آمیز اداری مجدداً انتخاب گردد.

۲) هر عضو هیأت ارزیابی ممکن است در موارد ذیل از ادامه کارش بازداشته شود:

۱. بنا به درخواست کتبی عضو هیات

۲. قصور و ناتوانی در ارائه راه و روشی برای انجام وظایفش

۳. عدم امکان اجرای وظایفش

۳) تصمیم قید شده در پاراگراف ۲، بند ۲ و ۳ باید از طریق اکثریت کل اعضاء اتخاذ گردد

ماده (۸۰)

هیأت ارزیابی باید:

۱. در مورد شروع ارزیابی یا مراحل ارزیابی و تعیین صلاحیت تصمیم‌گیری نماید.



۲. نحوه انتصاب و انتخاب اعضاء کمیته‌های تخصصی را تعیین و مشخص نماید.

۳. گزارشات هیات را از طریق کمیته‌های تخصصی و تصمیم‌گیری در قبال تایید آنها، تصویب نماید.

۴. مشاوره با وزیر آموزش، علوم و تکنولوژی در ارتباط با ارزیابی و برسمیت شناختن (تایید).

۵. تصویب و تطبیق شرایط مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری و ارائه آنها به عنوان پیشنهاد به شورای وزراء.

ماده (۸۱) رئیس هیأت ارزیابی، نماینده مؤسسه ملی ارزیابی تعیین صلاحیت نیز می‌باشد. رئیس هیات موظف است تا:

۱. مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری را به جریان اندازد.

۲. عملکردهای مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری را هدایت و اداره نماید.

ماده (۸۲)

۱) کمیته‌های تخصصی باید گزارش و نتایج ارزیابی یا تعیین صلاحیت را آماده و برای تأیید و تصویب به هیأت ارزیابی ارائه نماید.

۲) گزارش باید شامل اطلاعات و ارزشیابی از موارد ذیل باشد:

۱. اهداف مرکز آموزش عالی، واحد یا بخش تخصصی

۲. موارد و برنامه‌های آموزشی و یادگیری

۳. دانشکده

۴. امکانات و اطلاعات مربوط به ارائه طرح فرایند یادگیری



۵. روند امتحانات و ضوابط ثبت نام، نظام ارزشیابی و فارغ التحصیلی دانشجویان، دانشجویان دوره

دکتری و کارآموزان

۶. نظام انتخابات، ارزشیابی و اجرای ارزیابی اعضاء دانشکده و محققین

۷. فعالیتهای تحقیقاتی در مرکز آموزش عالی یا واحدهای مقدماتی مراکز

۸. رعایت آزادیهای آکادمیک

۹. تداوم آموزش مطابق با شرایط و مقررات دولتی

ماده (۸۳)

۱) روند ارزیابی و برسمیت شناختن باید طبق درخواست افراد ذیل بطور علنی صورت گیرد:

۱. مرکز آموزش عالی یا اعضای مؤسس که در ماده قانون ۱۴ قید شده است

۲. وزیر آموزش، علوم و تکنولوژی

۲) هزینههای تعیین صلاحیت یا ارزیابی باید از طریق عوارض شهرداری که توسط وزیر دارایی به

تصویب و تأیید رسیده است، تأمین گردند.

ماده (۸۴)

۱. درخواست ارزیابی یا تعیین صلاحیت باید شامل اطلاعات قید شده در ماده قانون ۸۲، پاراگراف

۲ باشد.

۲. تصمیم گیری در قبال اجرای ارزیابی علنی باید پس از گذشت سه ماه از درخواست اتخاذ گردد.

۳. روند برسمیت شناختن یا ارزیابی باید در طی شش ماه به صورت رسمی و علنی به انجام برسد.

۴. روند ارزیابی باید با تصمیم هیأت ارزیابی و اعتباری حفظ و ادامه داشته باشد.



ماده (۸۵)

اتخاذ تصمیم برای رد ارزیابی باید موارد ذیل را در برگیرد:

۱. دلایل و علل رد صلاحیت و ارزیابی

۲. توصیه‌های اجرایی به بخشی از مرکز آموزش عالی که برای یک ارزیابی یا تعیین صلاحیت علنی

باید به عنوان ملاک ارزیابی قلمداد گردد

۳. حداقل چارچوب زمانی برای روند جدید ارزیابی علنی

ماده (۸۶) رد اعطای بورسیه ممکن است قبل از دادگاه اداری عالی در حین انجام مقررات ماده

قانونی دعاوی حقوقی اداری، مورد بازبینی قرار گیرد.

ماده (۸۷)

۱. روند تعیین صلاحیت باید به مدت پنج سال اعتبار داشته باشد. مراکز آموزش عالی که در روند

ارزیابی و تعیین صلاحیت به مدت پنج سال شرکت نکرده‌اند مجاز به دریافت کمک‌های مالی دولتی یا

هر گونه بودجه‌ای که از جانب دولت ارائه می‌گردد، نمی‌باشند.

۲. مراکز آموزش عالی‌ایی که در روند ارزیابی و تعیین صلاحیت، با نتایج منفی روبرو شده باشند

ممکن است مجدداً از کمک مالی دولت به پیشنهاد شورای وزراء برخوردار گردند.

۳. نتایج ارزیابی باید در سیاست‌گذاری‌های مؤسسات دولتی و مراکز آموزش عالی مد نظر قرار

گیرند.

ماده (۸۸) مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری باید در موارد زیر گزارشهای لازم را ارائه کند:

۱. شرایط کلی ارزیابی علنی و تعیین صلاحیت.



۲. شرایط ارزیابی و تعیین صلاحیت مراکز آموزش عالی، واحدهای مقدماتی و مراکز تخصصی.

۳. گزارش سالیانه‌ای از مؤسسه ملی ارزیابی در خصوص نتایج فعالیتهای موسسه.

۴. ارائه مطلوب دروس در مراکز آموزش عالی.

اموال و منابع مالی مراکز آموزش عالی

ماده (۸۹) اموال مراکز آموزش عالی و واحدهای اصلی‌شان که از جایگاه حقوقی و قانونی برخوردارند مشمول حقوق مالکیت می‌گردد.

ماده (۹۰)

۱) مراکز آموزش عالی دولتی، باید بودجه‌های مورد نیاز خود را تنظیم و تعیین نموده و گزارش کنند.

۲) هیأت آکادمیک ممکن است بودجه‌های واحدهای مهم مرکز آموزش عالی را در چارچوب بودجه کلی تعیین و تصویب نماید.

۳) درآمدهای بودجه مرکز آموزش عالی باید از موارد ذیل تأمین گردد:

۱. کمک‌های مالی دولت

۲. کمک‌های مالی دولتهای محلی

۳. کمک‌های مردمی، اموال و دارایی‌های وقف شده، تقبل پرداخت و ضمانت

۴. مراکز آموزش عالی کمک‌های مالی را در راستای ایجاد و تحقیق موارد ذیل هزینه می‌نمایند:

الف) تحقیق، مشاوره، خدمات سازنده، فعالیتهای ورزشی و درمانی، حقوق مربوط به اموال و داراییهای صنعتی، حق انحصاری و حقوق مربوطه دیگر.



- ب) شهریه‌های دوره آموزش تصویب شده که نباید کمتر از عوارض دولتی مورد نظر برای حمایت از تحصیلاتی که از جانب دولت هزینه‌هایشان تأمین می‌گردد باشد.
- ث) آموزش دانشجویان دوره دکتری.
- د) فعالیتهای مربوط به روند آموزش.
- ۴) مصارف بودجه نباید مطابق با شاخص هزینه‌های بودجه دولتی تنظیم گردد.
- ۵) مازاد کمک‌های مالی دولت در پایان سال باید بصورت نقد به بودجه سال بعد مرکز آموزش عالی انتقال داده شود.

ماده (۹۱)

۱) بودجه دولتی باید هزینه‌های موارد ذیل را تأمین نماید:

۱. حمایت از روند آموزش
 ۲. تحقیق
 ۳. حمایت از دانشجویان
 ۴. سرمایه‌گذاری عمده
- ۲) حمایت از روند آموزش باید بر اساس موارد ذیل تعیین و مشخص شده باشد:
۱. تعرفه‌های متمایز هر دانشجو که از طریق شورای وزراء تصویب و تعیین شده است.
 ۲. دانشجویانی که تحصیلات آنها از جانب دولت تأمین مالی می‌گردد.
 ۳. نتایج ارزیابی مرکز آموزش عالی، واحدها و مراکز تخصصی.
- ۳) هزینه‌های تحقیق باید در بخش حمایت از روند آموزش تعیین شده باشد.



۴) حمایت از دانشجویان باید مطابق با مقررات و حقوق قانونی موجود، تعیین و تأیید گردد.

ماده (۹۲)

شورای وزراء باید قوانین تعیین میزان پرداخت حق الزحمه اشخاصی را که در مراکز آموزش عالی به فعالیت مشغول می‌باشند را تصویب و تعدیل نماید.

ماده (۹۳) ورود یا اهداء ادبیات خارجه، ماشین آلات یا تجهیزاتی برای انجام فعالیت‌های آموزشی یا تحقیق در مراکز آموزش عالی باید از تعرفه‌ها، هزینه‌ها و مالیات بر ارزش افزوده معاف شوند.

ماده (۹۴)

۱. دانشجویان باید برای استفاده از بورسیه‌های تحصیلی که از جانب دولت تأمین مالی می‌گردند، بورسیه‌هایی که از جانب مرکز آموز عالی و یا از جانب واحدهای قانونی یا خصوصی ارائه می‌گردد، تام‌الاختیار باشند.

۲. شرایط و ضوابط اعطای بورسیه به دانشجویان که در پاراگراف ۱ قید شده است باید از جانب شورای وزراء، و بواسطه مقررات مراکز آموزش عالی تعیین و مشخص شده باشد.

ماده (۹۵)

۱. دانشجویان خارجی و کارآموزان باید شهریه‌های دوره آموزشی را که از جانب شورای وزراء تعیین می‌گردد را پرداخت نمایند.

۲. شهریه قید شده در پاراگراف یک نباید از جانب دانشجویان یا کارآموزان طبق قوانین شورای وزراء یا قراردادهای درون دولتی پرداخت گردد.



ماده (۹۶) دانشجویان باید برای دریافت وام جهت پرداخت شهریه‌های آموزشی و کمکی تحت شرایط و ضوابطی که از طریق قانون معین شده است، محق دانسته شوند.

۱# مراکز آموزش عالی و آکادمیها در ساختار وزارت دفاع، وزارت کشور، وزارت حمل و نقل و وزارت مسکن و عمران باید از این ماده قانون طبق شرایط و مقررات تأسیسشان و طبق شرایط قوانین خاص مربوط به فعالیتهای و سازمانشان استفاده نمایند.

۲# پیش‌نویس بودجه سالیانه مراکز آموزش عالی در ساختار وزارت دفاع، وزارت کشور، وزارت حمل و نقل و وزارت مسکن و عمران به شورای وزراء از جانب نماینده وزیر و وزیر آموزش، علوم و تکنولوژی ارائه گردد.

۳# مراکز آموزش عالی و ادارات آموزش الهیات باید از این ماده قانون طبق مقررات تأسیس آنها و بر اساس ارتباط بین دولت و مذاهب استفاده نمایند.

۴#

۱) مراکز آموزش عالی خارجی مشمول استفاده از کمک‌های مالی دولت یا ادارات خارجی که در قلمرو جمهوری بلغارستان می‌باشند نمی‌گردند.

۲) واحدهایی که با مراکز آموزش عالی ترکیب شده‌اند طبق قراردادهای بین‌المللی تحت چارچوب مراکز آموزش عالی بلغارستان قرار نمی‌گیرند.

شرایط انتقال و اختتام

۵# مدارک آموزش نیمه عالی که از جانب مؤسسات نیمه عالی قبل از اعمال ماده قانون خاص این روند، صادر می‌شدند، معادل با مدرک فوق‌دیپلم در نظر گرفته می‌شوند.



۶# مدارک آموزش دانشگاهی که از جانب مراکز آموزش عالی قبل از اعمال ماده قانون مربوط به این روند، صادر می‌شدند معادل با مدرک فوق لیسانس در نظر گرفته می‌شدند.

۷# دارندگان مدرک دکتری Candidate Of Sciences تمام حقوق مربوط به دارندگان مدرک دکتری را دارا می‌باشند.

۸# فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی که برای امتحانات نهایی دولتی قبل از اعمال ماده قانون مربوطه شرکت نکرده‌اند باید تحصیلاتشان را طبق قانون از زمان ثبت‌نامشان تکمیل نموده و از حقوق و مزایای مدرک کارشناسی ارشد برخوردار گردند.

۹# دانشجویانی که قبل از اعمال ماده قانون مربوطه ثبت‌نام نموده‌اند باید تحصیلاتشان را ادامه داده و مدرکشان را طبق برنامه تحصیلی‌شان دریافت نمایند.

۱۰#

۱ (مقررات و شرایط ماده قانون ۷۰، پاراگراف ۱، بند ۱۰، تا زمان پایان سال آکادمیک ۱۹۹۶/۹۷ در مورد دانشجویانی که تحت پوشش دولت بودند، نباید اعمال می‌گردید.

۲ (شهریه‌های دوره آموزشی که از جانب دانشجویانی که قبل از اعمال قانون مربوطه ثبت‌نام کرده‌اند، پرداخت شده است نباید با شرایط ماده قانون ۹۰ پاراگراف ۳، بند ۴، آیت «ب» تطبیق داده شود.

۱۱#

۱ (قراردادهای استخدامی استادیاران باید از زمان اعمال قانون مربوطه (ماده قانون ۵۴ پاراگراف ۱) و تاریخ قراردادشان مورد نظر و توجه قرار گیرد.



۲) قراردادهای استخدامی اساتید یا اساتید کاردانی، ممکن است طبق تصمیم‌گیری هیأت آکادمیک بیش از یکسال پس از سن بازنشستگی طبق ماده قانون ۳۹ الف مدارک آکادمیک ادامه پیدا کنند. ادامه قرارداد استخدامی نباید به عنوان کسب موقعیت ریاستی تلقی گردد.

۳) محققین ارشد تمام وقت و محققین ادارات مراکز آموزش عالی که به مدت سه سال به تدریس مشغول می‌باشند قبل از اعمال ماده قانون مربوطه باید مطابق با مدرکشان به عنوان اعضای هیأت علمی مجدداً انتخاب گردند.

#۱۲. مراکز آموزش عالی باید در طی یکسال پس از اعمال قانون مربوطه مدارکشان را اعلام نماید.

#۱۳. شورای وزراء باید مصوبه قوانین مؤسسه ملی ارزیابی و اعتباری و کارمندان را به پیشنهاد

وزیر آموزش، علوم و تکنولوژی در طی شش ماه پس از اعمال ماده قانون مربوطه صادر نماید.

#۱۴. شورای وزراء باید ادارات آموزش نیمه عالی را به پیشنهاد وزیر آموزش، علوم و تکنولوژی در

طی یکسال پس از اعمال ماده قانون مربوطه با رعایت شرایط و قوانین ماده قانون ۱۷، تعطیل نموده و یا ساختار ادارات فوق را تغییر دهد.

#۱۵. مراکز آموزش عالی و واحدهای مقدماتی مراکز که تمایل و خواسته خود را برای شرکت در

روند ارزیابی به مدت سه سال پس از اعمال ماده قانون مربوطه اعلام نمایند از کمک مالی دولت یا هرگونه بودجه مالی از جانب دولت محروم می‌گردند.

#۱۶. مراکز آموزش عالی ممکن است موضوعات تحصیلی را در رشته‌های غیررسمی به مدت بیش

از سه سال پس از اعمال ماده قانون مربوطه ارائه نمایند.



۱۷# مراکز آموزش عالی باید مقررات و ضوابطشان را در طی یک سال پس از اعمال ماده قانون مربوطه تغییر و تطبیق دهند.

۱۸# اعمال ماده قانون مربوطه نباید دوره اداری بخشهای انتخاب شده مراکز آموزش عالی را متوقف سازد.

۱۹# اصلاحات ذیل در ماده قانون مدارک آکادمیک اعمال گشته است:

(SG)، شماره ۳۶ مصوب سال ۱۹۷۲، ماده قانون اصلاح شده ۴۳ مصوب سال ۱۹۷۵، ماده قانون ۱۲ مصوب سال ۱۹۷۷، ماده قانون ۶۱ مصوب سال ۱۹۸۱، ماده قانون ۹۴ مصوب سال ۱۹۸۶، ماده قانون ۱۰ مصوب سال ۱۹۹۰ و ماده قانون ۵۹ مصوب سال ۱۹۹۲).

۱. کلمه «Candidate Of Sciences» باید با کلمه دکتر جایگزین گردد.

۲. کلمات دانشجوی کارشناسی ارشد آماده برای شرکت در دوره Candidate و آموزش دانشجوی کارشناسی ارشد برای دوره Candidate باید با کلمات دانشجوی کارشناسی ارشد آماده برای شرکت در دوره دکتری و آموزش دانشجوی کارشناسی ارشد برای دوره دکتری جایگزین گردند.

۳. کلمات «مؤسسات آموزش عالی» باید با کلمه مراکز آموزش عالی جایگزین گردد.

۲۰# این ماده قانون باید موارد ذیل را لغو نماید:

۱. ماده قانون آموزش دانشگاهی (ماده قانون ۱۲ مصوب سال ۱۹۵۸، ماده قانون ۹۹ مصوب سال ۱۹۶۳، ماده قانون ۳۶ و ۶۵ مصوب سال ۱۹۷۲، ماده قانون ۸۱ مصوب سال ۱۹۷۲، ماده قانون ۵۸ مصوب سال ۱۹۷۸، ماده قانون ۶۸ مصوب سال ۱۹۸۸، ماده قانون ۸۲ مصوب سال ۱۹۸۹، ماده قانون ۱۰ مصوب سال ۱۹۹۰، ماده قانون ۱۰۰ مصوب سال ۱۹۹۲).



۲. ماده قانون استقلال آکادمیک (ماده قانون ۹۵ مصوب سال ۱۹۴۹، ماده قانون ۶۸ مصوب سال ۱۹۸۸).

#۲۱. اجرای این ماده قانون به شورای وزراء اختصاص داده شده است.

ورود به آموزش عالی

شرایط ثبت نام، بسته به نوع دبیرستانها و تخصص خاص، از امتحانات کتبی (یک امتحان یا بیشتر از یک امتحان)، تستها (در دبیرستانهای مختلف در حجم و ساختار متفاوت می باشند) و مدرک اتمام آموزش متوسطه تشکیل شده است.

برخورداری از آزادی عمل به مؤسسات آموزش دانشگاهی این اجازه را می دهد تا شرایط مربوط به ثبت نام در مؤسسه خودشان را هر ساله تعیین و تصویب نمایند.

این روند آنها را برای سازماندهی پذیرش در بعضی تخصصها تنها بر اساس دیپلم (دیپلم آموزش متوسطه) یا از طریق ترکیب ثبت نام با دیپلم از طریق برگزاری تست یا امتحانات قادر می سازد. دستورالعمل های لازم در خصوص هر یک از رشته های تخصصی هر ساله تعیین می شود و از طریق راهنمای مرجع در دسترس همگان قرار می گیرد.

قوانین نظارتی

از جمله مهمترین قوانین نظارتی آموزش عالی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

ماده قانون آموزش دانشگاهی مصوب سال ۱۹۹۵

ماده قانون فوق در بر گیرنده مؤسسات آموزش دانشگاهی می باشد.

ماده قانون مدارک علمی و عناوین علمی مصوب سال ۱۹۹۶



ماده قانون آموزش دولتی مصوب سال ۱۹۹۸

مدیریت آموزشی

ساختار مدیریتی آموزش و پرورش بلغارستان به صورت ساده‌ای در آمده است. مدیریت تمرکز زدایی شده است، حال آنکه وظایف و اختیارات وزارت آموزش و پرورش همگانی مشخص و از حدود آن کاسته شده است مصوبه آموزش و پرورش همگانی وظایف و اختیارات شورای تعلیم و تربیت را تعیین کرده است. این شورا مجموعه خاصی است که مسایل مربوط به تعلیم و تربیت را بررسی می‌کند و به بحث و تبادل نظر و ارائه راه حل می‌پردازد. آنچه اهمیت ویژه دارد نقش معلم و عملکرد او است. معلم را مدیر مدرسه انتخاب می‌کند. حقوق و اختیارات معلم در زمینه تدریس به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. مصوبه مذکور شرایط تحصیلات تکملی معلمان را پیشبینی و تضمین کرده است. سلسله روابط حقوقی (مافوق و مادون) در مورد معلمان بر طبق قانون کار تنظیم شده است. تعلیم و تربیت معلمان در جمهوری بلغارستان از سوی نظام آموزش عالی انجام می‌شود. به منظور ارتقای و افزایش قابلیت‌ها و صلاحیت‌های معلمان و همچنین افزایش سطح مدرک آنها، مدارس آموزش عالی و سه مؤسسه، که مخصوصا برای این منظور تاسیس شده است، مسئولند (مؤسسه ارتقای قابلیت‌ها و مدارک معلمان) مصوبه آموزش و پرورش همگانی و مخصوصا قوانین مربوط به اجرای آن افزایش قابل توجه حقوق دانش‌آموزان را پیشبینی کرده است. دانش‌آموز واجد حقوق ذیل می‌باشد :



انتخاب مدرسه دلخواه، فهرست مطالب جهت مطالعه، موضوعها و فعالیت‌هایی که به عنوان گزینه اختیاری دانش‌آموز تعریف شده است :

شرکت در فعالیت‌های خارج از کلاس / مدرسه که از سوی مدرسه سازماندهی می‌شود، در صورت تشخیص ضرورت آن از سوی خود دانش‌آموز :

دریافت اطلاعاتی از معلمان در مورد مطالب مربوط به تعلیم و تربیت خویش ؛

دریافت اطلاعات و بر خورده‌اری از مشورت معلمان و سایر مسولان در مورد مطالب مربوط به جهت گیری حرفه ایش (انتخاب شغل / رشته‌های مربوط به زمینه خاصی از مشاغل و همچنین مربوط به مطالعات مستقل خودش؛

دریافت اطلاعات بر خورده‌اری و مشورت از معلمان و سایر مسولان در مورد نیازهای خاص خودش ؛
بر خورده‌اری از حمایت مدرسه، واحد خدماتی، هیئت بازرسی و ورازت آموزش و پرورش همگانی، در صورت خدشه دار شدن حیثیتش و یا نقض حقوق انسانی ؛

بیان نظر و ارائه پیشنهاد به مدیریت، در مورد مسایل مربوط به سازماندهی فعالیت‌های مدرسه و عملکرد کلی آن ؛

بر خورده‌اری از راهنمایی، تشویق و کمک در زمینه پرورش استعدادها. توانایی‌های جسمانی و ذهنی ؛
استفاده رایگان از تمامی امکانات و تجهیزات مدرسه به منظور پرورش و توسعه بیشتر علایق و توانایی‌هایش بر اساس روالی که مدیریت مدرسه تعیین کرده است ؛



گزینش اعضای هیئت مدیریت مدرسه و همچنین برگزیده شدن از سوی آنها برای احراز این مسؤولیت برخورداری از تشویق به صورت پاداش‌های معنوی و مادی برای موفقیت‌های چشمگیر در مدرسه:

دریافت بورسیه بر اساس شرایط و روال‌هایی که در قانون از سوی هیئت وزیران تعیین شده است (قوانین اجرای مصوبه آموزش و پرورش همگانی) (ماده ی ۱۳۴، بند ۱).

دانش‌آموز مجاز نیست که :

از مدرسه غیبت غیر موجه داشته باشد ؛

به قمار، کشیدن سیگار، استفاده از مواد مخدر و یا شرب خمر رو آورد؛

پیش از هجده سالگی به اضرار و سازمانهای سیاسی بپیوندد؛

حیثیت و وجه معلم را با رفتار خود خدشه دار کند؛

هنگام انجام وظایف قانونی و رسمی معلم و یا در ارتباط با این امر برسر راه او مانع تراشی کند

(مصوبه آموزش و پرورش همگانی، ماده ۱۳۴، بند ۲).

طبق ماده ۱۳۵ دانش‌آموز هم‌چنین موظف است مسؤولیت‌های مربوط به تعلیم و تربیتش را انجام

دهد، از قوانین مدرسه، قوانین انضباطی مدرسه و جامعه و قوانین کشور تبعیت کند و آداب و سنت‌های

مدرسه را حفظ کند و توسعه دهد براساس ماده ۱۳۹ برای نقض این وظایف و قوانین مجازات‌هایی در

نظر گرفته شده است (ماده ۱۳۹).



نهادهای مرکزی

به موازات گذار از مدیریت به شدت متمرکز به نوع غیر متمرکز آن، توزیع وظایف و اختیارات مدیریتی هم اعمال می‌شود. و برای شمار زیادی از افراد گروه‌های اجتماعی این امکان فراهم می‌شود که در مدیریت آموزش و پرورش مشارکت کنند. در جمهوری بلغارستان، هیئت قانونگذار، مجمع ملی است و هیئت عالی اجرایی، شورای وزیران است. به موجب ماده ۳۴، بند ۱ از مصوبه آموزش و پرورش را شورای وزیران پیگیری می‌کند. کمیته تخصصی شورای وزیران (بند ۲) بای اداره نظام آموزش و پرورش و علوم است. بر اساس ماده ۳۵ این وزارت بر فعالیت‌های تمامی انواع کودکستانها، مدارس، واحدهای خدماتی و سطوح تحصیلی نظارت می‌کند علاوه بر وظیفه نظارت، وزارت آموزش و پرورش و علوم وظایف دیگری را نیز بر عهده دارد،

نظیر طرح ریزی، سازماندهی، هماهنگی و غیره (مواد ۱۴۲، ۱۴۳ مقررات اجرای مصوبه آموزش و پرورش همگانی). وزارت مذکور هم‌چنین سیاستگذاری عمده مسایل آموزش و پرورش همگانی را مدیریت و رایزنی نموده و درباره شان تصمیم گیری می‌کند اداره نظام آموزش منطقه ای بر عهده هیئت بازرسان آموزش و پرورش است. ساختار، وظایف و مرکز مدیریتی آن از طریق قوانین مصوب وزارت آموزش و پرورش و علوم تعیین می‌شود. هدف عمده آن اداره فعالیت‌های مدارس، روند آموزش در مناطق مربوط و اعمال نظارت بر آنها است.

ماده‌های ۳۶ و ۴۸ مصوبه آموزش و پرورش همگانی نقش شهرداری‌ها را در نظام آموزش و پرورش تعیین می‌کند. به موجب مقررات مدارس، شهرداری‌ها زمینه لازم را برای آموزش الزامی را کودکان تا رده سنی ۱۶ سال و مراقبت‌های بهداشتی و شرایط ایمنی کودکستان‌ها فراهم می‌سازند و به منظور



حمایت، ساخت، تجهیزات و کارهای تعمیراتی مدارس و کودکانها و برای اجرا و تحقق شرایط و پاسخ به نیازهای آموزشی کشور به موجب ماده ۱۶، تبصره‌های (items) ۱۷ و ۱۸ (مصوبه آموزش و پرورش همگانی) و نیز برای تمامی بخش‌های مربوط به برنامه‌های آموزشی کودکانها، مدارس، بوفه‌ها، خوابگاه‌ها، تجهیزات تفریحی و حمل و نقل کودکان، دانش‌آموزان و معلمان هزینه‌های لازم را تقبل می‌کنند ظاهراً، شهرداری‌ها بخشی کاملاً اساسی در زمینه نظام مدیریت هستند، چرا که شرایط لازم فیزیکی، فنی، (تا حد زیادی) مالی، اجتماعی، سازمانی و شرایط لازم مربوط به کارکنان را جهت اجرای عملی آموزش و پرورش و همگانی فراهم می‌کنند.

نهاد مدرسه در سال‌های اخیر به فعالیتهای نوآورانه روی آورده است که عمیقاً مفهوم مدرسه را برای جهتگیری و سازگاری در راستای اقتصاد بازار، اهداف، اصول و راهکارهای آن جهت فعالیت و توسعه تحت تاثیر قرار می‌دهند. یک مدیر مدرسه را اداره می‌کند. که ریاست شوراها تعلیم و تربیت را بر عهده دارد و این شورا در مورد موضوعات و مسایل عمده تعلیم و تربیت بحث و بررسی می‌پردازد را تصمیماتی و اتخاذ می‌کند. مجموعه‌های منصوب شده خاصی که ماهیت‌گزینشی و مشاورهای دارند، مدیریت را در سطوح گوناگون یاری می‌دهند. این سطوح شامل موارد ذیل می‌شود: شوراهای شهر (مجموعه‌های گزینش مسولان شهرداری‌ها) کمیسیونهای مقابله با فعالیت‌های ضد اجتماعی افراد زیر سن قانونی در شهرداری‌ها و مدارس، انجمنهای معتمدین مدرسه در مدارس، شوراهای عمومی شهر یا مدرسه و غیره.



نظارت آموزشی

بررسی روند پیشرفت مسایل مربوط به سیاست کلی آموزش کشور و سیاست‌های راهبردی توسعه آموزشی، تحت نظارت مجموعه‌های تحت نظر وزارت آموزش و علوم، یعنی کارشناسان اداره اصلی ((تعلیمات عمومی و آموزش حرفه‌ای)) و ((هیئت اصلی بازرسان مدارس کشور)) است.

نظارت مذکور از سوی بازرسان آموزشی در سطح منطقه ای/ استانی اعمال می‌شود.

در بلغارستان این مناطق به ۲۸ عدد می‌رسد که در مناطق شهری مختلف کشور توزیع شده است.

کارشناسان مسئول سازماندهی آموزش متوسطه و کارشناسان مسئول موضوعات درسی در نهادهای بازرسی منطقه‌ای در سطح کشور فعالیت می‌کنند. این بازرسان بر اجرای سیاست آموزشی کشور در مدارس و کودکانستان‌های واقع در منطقه مربوط به خودشان با کنترل مستمر و بررسی‌های جامع و هدف مند نظارت می‌کنند شهرداری‌ها و نهاد مربوطه همراه با، اداره آموزش، نظارت ویژه ای بر تأمین آموزش الزامی در سطح محلی اعمال می‌کنند. این وظیفه در مصوبه آموزش و پرورش همگانی (۱۹۹۱) تعریف شده است. قبلاً، مدارس این وظیفه را به عهده داشتند. برای ثبت نام کودکان، منطقه خاصی مربوط به هر مدرسه می‌شد. و شرایط ثبت نام و نگهداری تمامی دانش‌آموزان بسیار سخت بود. در دوران تغییرات دموکراتیک، والدین و کودکان از حق انتخاب مدرسه جهت ثبت نام برخوردار می‌شوند (به موجب مصوبه آموزش و پرورش همگانی)، مناطق آموزش و پرورش حذف می‌شود و وظایف مربوط به تأمین آموزش الزامی به مجموعه‌های زیر نظر شهرداری‌های واگذار می‌شود. مدرسه نظارت دقیقی بر آموزش الزامی تمامی دانش‌آموزان ثبت نامی اعمال می‌کند. این به ویژه در مورد مدارس ابتدایی که در آن تمامی دانش‌آموزان به سنین آموزش الزامی متعلقند صدق می‌کند.



دفتری خاص نگهداری می‌کنند که در آن اسامی تمامی دانش‌آموزان ثبت نامی ثبت شده‌اند و پیشرفت و کارها ایشان - نظیر ارتقا به پایه بالاتر، غیبت، انتقال به مدرسه دیگر، ترک تحصیل، اخراج و غیره - در آن ثبت می‌شود. مدرسه ملزم است تا به موجب مصوبه آموزش و پرورش الزامی محاسبات و اقداماتی را بر اساس سابقه دانش‌آموز انجام دهد و آن را به اطلاع خانواده دانش‌آموز و شهرداری برساند. دلایل اخراج یا ترک تحصیل بررسی می‌شود، شورای تعلیم و تربیت مسایل را مورد بحث قرار می‌دهد و شهرداری‌ها مجازاتی به عنوان اقدام نهایی تعیین کنند. اما غالب اوقات اقدامات اجرایی تعیین شده (نظیر مجازات‌های مذکور) به دلیل بیکاری یا فقر والدین دانش‌آموز، نا موفق از آب در می‌آید.

هزینه های آموزشی

سیاستهای کلان

هدف عمده سیاست درآمدی کشور در رابطه با نظام آموزش و پرورش به عنوان بخشی از سیاست درآمد عمومی عبارتست از حفظ جایگاه اجتماعی و سطوح حقوقی و ایجاد شرایطی برای افزایش درآمد افراد شاغل در این نظام این اهداف از طریق مصوبات قانونی در مورد پرداخت حقوق افرادی که در آموزش متوسطه کار می‌کنند. محقق می‌شود. یکی از دستورالعملهای شورای وزیران که از سال ۱۹۹۶ به اجرا در آمده است عبارتست از رده بندی مشاغل علمی و آموزشی بر اساس سطوح و میزان حقوق پایه، این نوع رده بندی در سال ۱۹۹۸ گسترش یافت و براساس آن تمامی مشاغل معمول در حوزه آموزش عالی و متوسطه با توجه به سطوح و حقوق پایه مربوطه شان شکل یافتند.

حکم تعیین حقوق ماهانه کارکنان نظام آموزش متوسطه از سوی وزارت آموزش و علوم که از تابستان سال ۱۹۹۶ اجرا شده است سازوکارهای یک پارچه‌ای را برای تنظیم حقوق کارکنان آموزش



کشور تصریح می‌کند. اعطای پاداش به صلاحیت‌های فردی، سنوات خدمات در شغل آموزشی و نوع مؤسسه آموزشی کارمند بستگی دارد. بر اساس یک نوع پیش شرط قانونی می‌توان از طریق پاداش، متخصصانی که در حوزه آموزش و پرورش از تجارب عالی حرفه‌ای و شایستگی‌های فردی برخوردار باشند را جذب کرد. بر مبنای ماده ۳۵، اصلاحیه قانون آموزش و پرورش ملت (۱۹۹۸)، افرادی که در نظام آموزش کشور استخدام شده‌اند سه بار در سال بر اساس حکمی که از سوی وزیر علوم و آموزش صادر می‌شود پاداشی مضاعف دریافت می‌کنند. میزان پاداش متفاوت است و در سال ۱۹۹۹ مستخدمان نظام آموزشی به طور متوسط نفری ۱۵۰۰۰ لوماعادل (۱۵۰ مارک آلمان) دریافت می‌کردند. سازوکارهای تشریح شده و پاداش مضاعف پیش شرط قانونی افزایش در آمد واقعی افراد استخدام شده در نظام آموزشی کشور را ایجاد می‌کنند. داده‌های مالی نشان می‌دهد که در ۱۹۹۹ افزایش اندکی در میانگین کلی حقوق کشور و نظام آموزشی آن وجود داشته است. بنابر داده‌های دریافتی از وزارت آموزش و علوم در آخرین دوره مالی بهار ۱۹۹۹ میانگین ناخالص حقوق کشور ۱۸۸۲۹۹ لوا برای کارکنانی که بر مبنای حساب بودجه استخدام شده‌اند ۱۵۴۷۷۲ لوا و برای کارکنان نظام آموزشی کشور ۱۵۰۲۲ لوا (۱۵۱ مارک آلمان) بوده است. در سال مالی ۱۹۹۸ میانگین ناخالص حقوق کل کشور ۱۸۷۷۳۸ لوا برای کارکنان استخدامی بر مبنای حساب بودجه کشور ۱۵۵۸۲۸ لوا و برای کارکنان آموزشی ۱۴۸۳۴۳ لوا (۱۴۸ مارک آلمان) بوده است. میانگین حقوق کلی در آموزش و پرورش از آنچه در حساب بودجه در نظر گرفته شده است پایین‌تر است. صرف نظر از برخی گزایشات نامطلوب در ارتباط با هزینه‌های آموزشی کشور، همواره امر آموزشی از دغدغه‌های اصلی جامعه بلغارستان بوده است



و بودجه جمهوری بلغارستان منبع اصلی تخصیصات مالی جهت تضمین کارکرد و توسعه نظام آموزش کشور است. به موازات تضمینی که بودجه جهت حفظ کارکرد مدارس فراهم می‌کند،

اولویتهای اساسی

نیاز به استفاده از منابع جایگزین جهت تأمین هزینه به صورت مضاعف از اولویتهای کشور است.

توجه را باید به موارد ذیل معطوف کرد:

بهبود سازوکار نظام تأمین بودجه :

بهبود سازی شبکه مدارس

ارائه حق تقدم و تخفیف مالیاتی به سازمانهای ارائه دهنده خدمات آموزشی به مدارس

تأمین بودجه و سیاست سرمایه گذاری

مقایسه جهانی هزینههای آموزش و پرورش و علوم در دهه اخیر نشان می‌دهد که شرایط من جمله شرایط مالی - را برای توسعه خود ایجاد می‌کنند، همکنون از لحاظ اقتصادی جزو کشورهای اول هستند. هزینههای آموزش و پرورش در کشورهای مذکور در حال افزایش است. یا در دورههای زمانی معینی ثابت می‌ماند. به موجب مصوبه آموزش و پرورش همگانی و مقررات مرب.ط به اجرای آن، هزینه آموزش و پرورش در بلغارستان عمدتاً از بودجه کشور واز مجرای وزارت آموزش و علوم و همچنین از بودجههای محلی (نظیر استانداریها / شهرداریها) واز مجرای ادارات شهری تأمین می‌شود. میزان تخصیص بودجه بسته به سطوح تحصیلی و انواع مدارس متفاوت است دولت به منظور آموزش در مدارس خصوصی هزینهای پرداخت نمی‌کند. بنابر دادههای وزارت امور مالی و وزارت آموزش و علوم، سهم نسبی هزینههای مربوط به آموزش و پرورش در تولید ناخالص ملی (GDP) طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸



میلادی کاهش یافته است. در سال ۱۹۹۷، به علت جمع آوری به تر عایدات سال مذکور، درصد مذکور در گزارش سالانه بودجه بیش تر است. بعد از آن کاهش این درصد ادامه می یابد و هزینه های آموزش و پرورش در سال ۱۹۹۸ در مقایسه با سال ۱۹۹۲ به دو برابر کاهش یافت (از ۳/۲٪ به ۶/۰۶٪ در سال ۱۹۹۲) هزینه های مربوط به آموزش و پرورش به دو بخش مخارج کنونی ۲ و مخارج مربوط به هزینه های سرمایه گذاری ۳ تقسیم می شود. توزیع دانش آموزان در سطوح مختلف آموزش و پرورش، بسته به نوع اولویتها و برخی دیگر از شاخصهای مربوط به توزیع اعتبارات، تغییر خواهد یافت. بسیاری از مصوبات، فرمانهای صادره از وزارت آموزش و پرورش و تمهیدات حقوقی دیگر، روابط امور مالی و حقوقی را در آموزش و پرورش طی سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۰ تنظیم می کرد. تمامی امور فوق با این هدف انجام می شد که کیفیت آموزش و پرورش از طریق تأمین بهتر هزینه از منابع مالی مازاد و استفاده معقول از این هزینه ها، ارتقا یابد در ژوئن سال ۱۹۹۴، وزارت آموزش و علوم مقررات مقررات شماره شش را در مورد قوانین ویژه اقتصادی فعالیت های مربوط به تقسیمات در نظام آموزش و پرورش دولتی را تصویب کرد. شایان توجه جدی است که مقررات مذکور تأکید می کنند که مؤسسات داخل نظام آموزش و پرورش نیز می توانند هزینه های خود را از مجرای هزینه های آزاد تأمین کنند. که بر طبق ماده ۴ از طریق فعالیت های مضاعف، هدایا و کمکهای مردمی، کمکهای شرکت های خصوصی و نهادهای دولتی به منظور اهداف خاص تهیه می شود (ماده ۴) بعداً، در اصلاحیه مصوبه آموزش و پرورش همگانی، ماده ۴۴ بیان شد بر اساس این ماده می توان شرایط لازم را جهت جمع آوری هزینه ها از منابع مضاعف انواع فعالیت ها، معیارها، اولویتها غیره تبیین کرد. از طریق پروژه ((اداره امور مالی آموزش متوسطه)) که از سوی وزارت آموزش و علوم تشریح و به واسطه برنامه PHARE هزینه آن تأمین



شد، تعداد ۱۰۰ مدرسه سیاست تصمیم گیری غیر متمرکز را از طریق اعمال نظام بودجه‌های واگذار شده اجرا کرده‌اند.

اساس بودجه واگذار شده به شرح ذیل است:

یارانه‌های اختصاص یافته از دولت و بودجه‌های شهرداری‌ها براساس فرمولی خاص به مدارس اختصاص می‌یابد. این فرمول خود بر مبنای چندمعیار است از قبیل تعداد دانش‌آموزان، اندازه ساختمان مدرسه، مخارج مربوط به کارهای تعمیراتی و نگهداری می‌باشد.

مدیر مدرسه اختیار و انعطاف بیشتری برای مصرف هزینه‌ها در جاهایی که لازم می‌داند دارد. وزارت آموزش و علوم و یا شهرداری‌ها بخش باقیمانده هزینه‌های اختصاص یافته و یا هزینه‌های جمع‌آوری شده را پس نمی‌گیرد، و این مبلغ باقیمانده طی سال مالی بعدی بدون کاهش یارانه استفاده می‌شود. از وزارت آموزش و علوم انتظار می‌رود که تصمیمی برای اجرای نظام بودجه‌های واگذار شده اتخاذ کند. تخصیص بودجه جهت سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌ای (capital investment) در آموزش و پرورش جهت اجرای طرح وزارت آموزش و علوم مدارس دولتی طی سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۱ افزایش یافته است:

از ۳۵۳/۵۹ هزار BGL در سال ۱۹۹۱ تا ۴۳۹/۰۱۳/۱۰ تا هزار BGL در سال ۱۹۹۸ (BGL):

واحد پول بلغارستان) جدول شماره ۲: هزینه‌های سرمایه‌ای (هزار واحد پول بلغار) جدول در دسترس نیست به رغم روند تورم: گرایش نظام آموزشی ثابت مانده است. تعدادی از تسهیلات نظیر کودکان، مدارس ابتدایی و متوسطه (آموزش عمومی و حرفه‌ای) مدارس خاص کودکان دارای نیازهای ویژه و مدارس خاص ایتم، تسهیلات جهت مؤسسات آموزش عالی، پس از سازماندهی مجدد، بازسازی ساختاری و یا ساختن باز شد این داده‌ها در مورد تمامی مدارس دولتی در تمامی سطوحی صدق



می‌کند و اینطور نیست که تنها مربوط به مدارس مربوط به آموزش ابتدایی باشد و فشار مالی ط.آنی مدت تاثیر نامطلوبی بر تأمین کتب درسی و مواد آموزشی دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموزان فبلا این مطالب را به صورت رایگان از پایه اول تا هشتم دریافت می‌کردند. طبق تصمیم شورای وزارت آموزش و علوم، از سال تحصیلی ۲۰۰۰-۱۹۹۹، کتب رایگان تنها به دانش‌آموزان تحویل می‌شود. که وارد پایه اول شده باشند. برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم تا هشتم، بودجه کتابخانه بر مبنای عرب در دسترس تصویب و تعیین می‌شود. این هزینه را کودکان خانواده‌های فقیر استفاده می‌کنند و از سوی وزارت کار و سیاست‌های اجتماعی تعیین می‌شود.

هزینه های عمومی آموزش پایه

اعتبارات آموزشی

براساس اطلاعات دریافتی از وزارت مالیه در راستای هماهنگی با شاخصهای ۷ و ۸ سازمان یونسکو، قدر مطلق هزینه های جاری عمومی آموزشی ابتدایی به طور بنیادین در طی ۱۰ سال گذشته افزایش یافته و از ۲۷۵،۸۷۰،۴۹۹ (لوا)) در سال ۱۹۹۰ به ۳۱۲،۱۰۰،۲۵۰،۰۰۰ (لوا)) در سال ۱۹۹۹ بالغ گردید. این افزایش را می‌توان به دلیل دادن اولویت به آموزش ابتدایی در اختصاص منابع مالی و همچنین دلایل دیگر دانست. در سال تحصیلی ۹۴-۱۹۹۳ تعداد دانش‌آموزان دوره ابتدایی تقریباً به میزان ۱۰۰ هزار نفر معادل ۱/۳ درصد کل دانش‌آموزان در حال تحصیل افزایش یافت این امر به خاطر افزایش دوره تحصیل از سه سال به چهار سال. بوده است همچنین روند تورم مخصوصاً تورم شدید سال ۱۹۹۷ بر این مسئله تأثیر گذار بوده است فعالیت دوره آزمایشی مورد نظر با بر خورداری از سهم نسبی ۱۲/۶۴٪ از هزینه های جاری آموزش ابتدایی نسبت به کل هزینه های جاری آموزش و پرورش آغاز



شد. این مقدار سهم، بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ با رشد چشمگیری روبرو بوده است اما در سال ۱۹۹۷ تا حد ۹/۳۹٪ کاهش یافت شرایط مالی در سال ۱۹۹۸ بهبود یافت و در صد مذکور به ۱۱/۵۳٪ از کل بودجه عمومی آموزش و پرورش افزایش یافت و به ۱۱/۵۶٪ در سال ۱۹۹۹ رسید.

هنگام جستجوی دلایل کاهش سهم نسبی هزینه های جاری عمومی در زمینه آموزش و پرورش باید ور شکستگی و مشکلات مالی و همچنین کاهش تعداد دانش آموز بنا به دلایل جمعیت شناختی را مد نظر داشت این امر منجر به کاهش تعداد معلمان تعطیلی مدارس و نهایتاً دستیابی به مجموعه ای از مدارس مطلوب می گردد. هزینه های جاری عمومی در زمینه آموزش ابتدایی به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی نشان دهنده سهم نسبی میزان کل تولیدات کالا و خدمات ملی در یک سال معین است، یعنی سهم نسبی بودجه در زمینه آموزش ابتدایی که جامعه آن را متحمل می شود. این سهم نسبی ۰/۶۱٪ پس از افزایش مشخص در سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۱ شروع به کاهش کرد و در ۱۹۹۹ باید به ۰/۴۴٪ برسد (داده های پیش بینی کننده) بیشترین کاهش طی سال های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۶ مشهود می باشد. هزینه جاری عمومی به ازای هر دانش آموز در یک سال مالی معین با لحاظ کردن هزینه متوسط یک دانش آموز به نسبت سرانه تولید ناخالص ملی محاسبه می گردد یعنی هزینه متوسط یک دانش آموز به میانگین نظری در آمد سرانه بستگی دارد این درصد که در سال ۱۹۹۰ ۱۵/۳۷٪ بود پس از افزایش معین در سال تحصیلی ۹۳-۱۹۹۲ نیز کاهش یافت و در ۱۹۹۹ به ۸/۷۵٪ می رسد (داده های پیش بینی کننده) و به عبارتی دو برابر نسبت به ۱۹۹۰ کم تر شد طی سال های بحرانی ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ میانگین مذکور به ترتیب ۷/۲۲٪ و ۷/۱۹٪ بود. تأسیس شورای پول در برقراری ثبات



مالی ویژه که باعث فراهم شدن فرصتها و موجبات بهبود شرایط مالی ذر آموزش و پرورش شده است، تأثیر بسیار مثبتی داشته است.

تحلیل ساختار داخلی بودجه جاری آموزش و پرورش نشان می‌دهد که سهم نسبی بودجه مربوط به پرداخت‌های حقوقی تأمین اجتماعی کارمندان شاغل در نظام آموزش و پرورش در بالاترین میزان ممکن قرار داشت.

سیستم محاسبه هزینه های آموزشی

کل میزان هزینه شده (سرمایه گذاری شده) براساس دانش‌آموز سال برای اتمام موفقیت آمیز تحصیلات ابتدایی یک دانش‌آموز از طریق ذیل به دست می‌آید:

تقسیم تعداد کل سال تحصیلی سپری شده توسط یک مجموعه هم‌پایه‌ای (در اینجا ۴۰۹۰) بر تعداد کل کسانی که فارغ التحصیل شده اند (۹۰۷) پس از محاسبه به عدد ۴/۵۱ سال می‌رسیم. توضیح آنکه (دولت باید به جای چهار سال به میزان ۴/۵۱ سال به خاطر مردودی‌ها، اخراجی‌ها، ترک تحصیل کرده‌ها، سرمایه گذاری کند.

تعداد لازم سال به ازای یک فارغ التحصیل مقطع ابتدایی را می‌توان با تعداد مطلوب مجموعه هم‌پایه‌ای مقایسه کرد که عبارت است از مدت تحصیلات ابتدایی

میزان ایده آل موقعی حاصل می‌شود که از مردودی، ترک تحصیلی، اخراجی و نظایر آن خبری نباشد در این صورت، میزان این نسبت به حداقل می‌رسد، یعنی دقیقا ۱.



همانطور که انتظار می‌رفت بزرگترین گروه دانش‌آموزان گروه هم‌پایه‌ای مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۹۲-۱۹۹۱ گروهی بوده که تحصیلات ابتدای را با موفقیت به اتمام رسانیده بود. سهم این گروه در حدود ۹۰/۷٪ بوده است و در حدود ۹/۳٪ دانش‌آموزان هم یا اخراج شدند و یا ترک تحصیل کردند. از میان این دسته، ۵۰ دانش‌آموز (۵٪)، یعنی بیش از نیمی در پایه چهارم از چرخه تحصیل خارج شده‌اند. البته این به این معنی نیست که در آینده این دانش‌آموزان نمی‌توانند برای ادامه تحصیل ثبت نام کنند، بلکه در این صورت پیشرفت آن‌ها در مجموعه‌های هم‌پایه‌ای دیگر بررسی خواهد شد. از روش مجموعه هم‌پایه‌ای باز ساز شده برای محاسبه شاخصهای شماره ۱۳ و ۱۴ جدول استفاده شده است، و این بدان معنی است که باید ملاحظات استفاده از آن را باید در نظر گرفت، حرکت و پیشرفت ۸ مجموعه هم‌پایه‌ای دانش‌آموزان از سال تحصیلی ۸۷-۱۹۸۶ تا ۹۴-۱۹۹۳ به صورت کامل بررسی شده است، و همچنین به صورت جداگانه مجموعه‌های هم‌پایه‌ای دختران و پسران نیز بررسی و محاسبه شده است. بر اساس مثال فوق که در مورد سال تحصیلی ۹۲-۱۹۹۱ مجموعه هم‌پایه‌ای محاسبه شده است، تحلیل‌های مبتنی بر همان شاخص‌ها را می‌توان برای تمامی مجموعه‌های هم‌پایه‌ای باقیمانده نیز محاسبه کرد.

مدیریت کنترل و توسعه بودجه آموزشی

بالغ بر ۹۹/۵۸ درصد کل دانش‌آموزان که در مدارس بخش دولتی حاضر می‌شوند بطور مستقیم از طریق نهادهای دولتی کنترل و اداره می‌شوند و ازسوی دولت اعتبارات مالی آنها تامین اعتبار می‌گردد حوزه‌های آموزش در چهار مقطع، ملی، محلی، شهری و مدرسه سازمان یافته است. وزارت



آموزش و علوم (MES) سیاست آموزش ملی را بکار می گیرد و توسعه آموزشی را بواسطه برنامه های درازمدت و پروژه های عملی، طراحی و سازماندهی می نماید. بخشهای شهری مسؤول، آموزش بخش ساختار ملی را شکل می دهند و در اجرای سیاست آموزش شهری شرکت می نمایند.

این بخشها مسؤول آموزش اجباری دانش آموزان تا سن ۱۶ سال و آموزش پیش دبستانی و تأمین بودجه می باشند. طی سالهای اخیر خودگردانی و استقلال مدارس بطور چشمگیری افزایش یافته است. شورای آموزش، هیأت مدیره و اساتید ارشد، بخشهای مدیریت مدارس را تشکیل می دهند و از آنها انتظار می رود تا شرایط لازم و ضروری برای آموزش، سازماندهی، روش ها، مدیریت و کنترل را فراهم نمایند. بررسی و نظارت و بر نتایج بازرسی به عهده مقامات مربوطه، (وزارت آموزش و علوم MES)، بازرسان منطقه ای، اساتید ارشد و استادیاران می باشد.